



Center of Excellence
for MIS Education



Iranian Association
of Endoscopic Surgeons



Iran Endoscopy Society



Iran Endoscopic
Society



Research Institute for
Endoscopic Sciences



Shahrood University
of Medical Sciences

هفتمین کنگره ملی پیشگیری و درمان چاقی ایران
چهارمین کنگره بین المللی جراحی‌های چاقی و متابولیک

۶ تا ۸ آذر ۱۳۹۸ تهران، مرکز همایش‌های شادروان دکتر غرضی، بیمارستان فوق تخصصی میلاد

خلاصه سخنرانیهای سخنرانان کلیدی



چالش‌های چند وجهی اضافه وزن و چاقی

دکتر فریدون عزیز

رییس پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران

شیوع و بروز اضافه وزن و چاقی در جهان در نیم قرن گذشته به شدت افزایش یافته و قرن ۱۵ هجری بعنوان قرن همه‌گیری چاقی در راه است. کاهش فعالیت بدنی و زیاده روی در مصرف چربی‌ها، گوشت، شکر، نمک و مصرف دخانیات همراه با زندگی پر استرس در دهه‌های گذشته، بروز بیماری‌های عمده غیر واگیر منجمله چاقی را در جوامع بشری افزایش داده است. تقریباً دو سوم مرگ و میرها در کشورهای پیشرفته به علت این بیماری‌ها است. در ایران نیز این بیماری‌ها از علل عمده مرگ و میر و ناتوانی به شمار می‌روند.

مطالعات نشان داده‌اند که افزایش وزن و چاقی در جوامع شهری و روستایی ایران از شیوع بالایی برخوردار است. در افراد ۳۰ سال به بالا، در نواحی شهرنشین این عارضه تا ۸۲ درصد، در روستاییان تهران تا ۷۲ درصد و در روستاهای دور افتاده که عوامل شهرنشینی نفوذ زیادی ندارد تا ۴۴ درصد افراد افزایش وزن دارند و یا مبتلا به چاقی هستند. نیمی از افراد ساکن تهران اضافه وزن دارند و ۲۰ درصد آنان چاق هستند. در روستاهای استان تهران ۳۸ درصد افراد اضافه وزن دارند و ۲۴ درصد فرجه هستند و در روستاهای استان زنجان ۳۳ درصد اضافه وزن دارند و ۱۰ درصد چاق می‌باشند.

مطالعه آینده‌نگر قند و لیپید تهران (TLGS) نشان می‌دهد که در شروع دهه ۸۰ شمسی، ظرف مدت سه سال افزایش شیوع اضافه وزن (۴ درصد) و چاقی (۵ درصد) همراه با افزایش شیوع چاقی شکمی در همه سنین، بویژه افراد بین ۲۰ تا ۶۰ سال و بالاخص در زنان تهرانی اتفاق افتاده است. این امر با افزایش شیوع دیابت به میزان ۱٫۵ درصد همراه بوده است. روند روبه رشد چاقی عمومی و چاقی شکمی در بررسی‌های هر سه سال یکبار TLGS طی ۲۰ سال گذشته مشهود بوده است. نتایج مطالعات فوق اهمیت توجه به اصلاح شیوه زندگی در ایران و به ویژه جامع شهری را نشان می‌دهد.

عوامل ژنتیک و اپی‌ژنتیک در ایجاد چاقی نقش عمده‌ای دارند. سبک زندگی در زمان بارداری و تغییرات وزن در این دوران و نیز عوامل موثر در بیماری‌های غیر واگیر در سه سال اول زندگی بر بروز چاقی تاثیرگذار هستند. از نظر فیزیوپاتولوژی پدیده "پرخوری" دارای مکانیسی شبیه اعتیاد به مواد افیونی است. به این معنی که در سیستم عصبی مرکزی فرد طبیعی کنترل خود تنظیمی وجود دارد که از طریق Dopaminergic Award Pathway عمل می‌کند و با تاثیر بر آمیگدال، هیپوکامپ، Accumbens Nucleus و نهایت کورتکس چشمی پیشانی سبب امتناع از خوردن غذا می‌شود. از بین رفتن این کنترل و خود تنظیمی از همان راه و با مشارکت هسته‌های مختلف مغزی فوق کورتکس چشمی پیشانی را فعال کرده و سبب مصرف بیش از حد مواد غذایی می‌شود. در افراد چاق غذای بسیار پرکالری و یا شیرین عوامل مهمی در کاهش کنترل و خود تنظیمی این سیستم است.

اکثر راهنماهای بالینی و تغذیه ای کاهش حداقل ۵٪ وزن بدن را برای تاثیر در عوامل خطر و پیامدهای کاردیومتابولیک موثر می‌دانند اما تحقیقات جدید نشان داده است که این میزان کاهش وزن نمیتواند اکثر افراد چاق متابولیک را به چاق غیر متابولیک تبدیل کند و از آنجا که افراد چاق غیر متابولیک عوارض و بیماری قلبی عروقی کمتری را از افراد چاق متابولیک دارند، توصیه‌ها و راهنماهای آینده می‌بایست درصد بیشتری از کاهش وزن (حداقل ۱۰ - ۱۵٪) را مدنظر قرار دهند. بدیهی است رسیدن به وزن ایده‌آل و BMI طبیعی میتواند با کاهش بیشتر عوارض و پیامدهای کاردیو متابولیک همراه باشد و در موارد خاص انجام جراحی متابولیک کمک کننده است.

کلید پیشگیری و درمان اضافه وزن ایجاد تغییرات در سبک زندگی است. به منظور اصلاح شیوه زندگی در جامعه باید راه‌کارهایی مفید، جذاب، ایمن، راحت، قابل اجرا و کم هزینه را پیش‌بینی و در این راه، نیازها را شناسایی کرد، همکاری تمام بخش‌های درگیر را جلب کرد، عموم جامعه را آموزش داد، قانون‌های لازم را تصویب و ضمانت اجرایی آن را فراهم نمود. منابع مالی مورد نیاز را تامین و به طور دوره‌ای برنامه را ارزیابی و بر اساس نتایج ارزیابی، اصلاحات لازم را اعمال کرد.



برنامه پیشگیری از بیماریهای غیرواگیر با تاکید بر اضافه وزن و چاقی

دکتر باقر لاریجانی

رییس پژوهشگاه علوم غدد درون ریز و متابولیسم

امروزه چاقی یکی از علل اصلی کاهش سطح سلامت در جهان به شمار می آید که البته با شیوع و بار بیماری قابل ملاحظه ای در ایران همراه است. بنابراین طراحی و اجرای سیاستهای چندجانبه و راهبردهای نوآورانه در رویارویی با این تهدید هولناک بشریت از الزامات دولتها و تیم سلامت محسوب میشود. اتخاذ رویکرد چند تخصصی و پیاده سازی راهبردهای جدید و نوآورانه درمانی میتواند مسیر پیشگیری و مدیریت موثر چاقی را هموار نماید. یک پارچگی تشریک مساعی در هر دو بخش نظام سلامت و غیر سلامت (بازرگانی، کشاورزی، حمل و نقل، برنامه ریزی و توسعه شهری) میتواند به شدت کارآیی، اثربخشی و استحکام این سیاست ها منجر شود.



درمانهای دارویی چاقی موجود در ایران

دکتر فرهاد حسین پناه

عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

مشاوره در حیطه تغذیه سالم، فعالیت بدنی و رفتار مبتنی بر سلامت به عنوان ضروریات اولیه و بی بدیل مدیریت وزن در چاقی به شمار می آید که پایبندی به آن برای تمام کسانی که به دنبال کاهش وزن هستند الزامی است.

داروهای متعددی در طول زمان برای درمان اضافه وزن و چاقی در دسترس بوده و هستند. لازم است بدانید که درمان های دارویی در استمرار با تغذیه سالم، فعالیت بدنی و اصلاح رفتار کاربرد داشته و بدون لحاظ کردن این تغییرات، تاثیری در تغییر وزن ندارند. کاهش وزن در بلند مدت در هر فرد و ارتقای سطح کلی سلامت به عنوان هدف اصلی دارو درمانی در چاقی محسوب میشود.

تنها کسانی که نمایه توده بدنی بالاتر از ۳۰ و یا کسانی که نمایه توده بدنی ۲۷ تا ۲۹٫۹ دارند مشروط به ابتلاء به یکی از بیماریهای مرتبط با اضافه وزن، که علیرغم مداخلات جامع در تغییر شیوه زندگی به کاهش وزن مطلوب دست نیافته اند، نامزد دریافت درمان دارویی هستند.



سندرم متابولیک در کودکان و نوجوانان

دکتر رویا کلیشادی

استاد دانشکده پزشکی و رییس پژوهشکده پیشگیری اولیه از بیماریهای غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

سندرم متابولیک دربرگیرنده مجموعه عوامل خطر سازی است که خطر بروز بیماریهای غیرواگیر را افزایش می‌دهند و عوامل زمینه ساز آن از اوایل عمر در اثر برهم کنش عوامل وراثتی و محیطی باعث شکل‌گیری این اختلال می‌شوند. چاقی شکمی، دیس لیپیدمی، کاهش کلسترول با چگالی بالا، افزایش تری گلیسیرید سرم، پرفشاری خون، مقاومت به انسولین (انسولین بالا، عدم تحمل گلوکز خوراکی) و دیابت نوع دو از جمله فاکتورهای خطر سندرم متابولیک است. وجود ۳ یا بیشتر از ۳ معیار فوق، از نظر بالینی مطرح کننده سندرم متابولیک می‌باشد. این سندرم مجموعه‌ای از اختلالات متابولیک است که وقوع همزمان آنها در هر شخص بیشتر از خطر وقوع احتمالی هر یک به تنهایی است. مطالعات نشان داده‌اند که یک همزمانی در بروز عوامل متابولیک در اشخاص مختلف وجود دارد و وجود مجموعه این عوامل مضرتر از هر یک به تنهایی است.

عوامل متعددی در اتیولوژی سندرم متابولیک دخالت دارند که اهم آنها عبارتند از مقاومت به انسولین، چاقی به ویژه نوع شکمی، عوامل التهابی، عوامل ژنتیکی، تاخیر رشد درون رحمی، روند شهرنشینی، عوامل تغذیه‌ای، بی تحرکی، عوامل اجتماعی اقتصادی و فرهنگی، سطح تحصیلات و استرس‌های روانی-اجتماعی و محیطی.

افزایش شیوع سندرم متابولیک و متغیرهای پر اهمیت آنها در شروع هزاره سوم به میزانی است که توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بهداشتی کشورهای جهان را به اتخاذ تصمیمات موثر برای جلوگیری از افزایش ناتوانی و مرگ و میر این بیماریها و پیشگیری از کاهش طول عمر نسلهای بعدی انسان گوشزد می‌کند. شروع این اختلالات از اوایل عمر است و بروز آن در گروه سنی کودکی و نوجوانی در جوامع مختلف از جمله کشور ما رو به افزایش بوده است. لذا مداخلات مختلف باید در زمینه پیشگیری، شناخت زودرس و کنترل عوامل مرتبط با بروز این سندرم باید به طور گسترده مد نظر قرار گیرد.



چاقی: بیماری یا انتخاب سبک زندگی

دکتر مجید ولی زاده

رئیس مرکز تحقیقات چاقی پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم

با توجه به علل مختلف چاقی که از زمینه‌های ژنتیک تا عوامل محیطی، مسایل رفتاری، علل دارویی را شامل می‌شود آیا باید بصورت سطحی چاقی را مشکل افراد تنبل که تمایلی به فعالیت بدنی ندارند و اراده‌ای نیز برای پرهیز از خوردن مفرط ندارند تلقی کنیم یا دیدی فزاینده نسبت به آن داشته باشیم تا حدی که آن را یک بیماری تلقی کنیم. مطابق روش رویکرد علمی (Scientific approach) در دو مرحله چستی و تطبیق آن با تعریف بیماری به بررسی می‌پردازیم. جامع‌ترین تعریف بیماری، ۴ جزء را برای آن در نظر می‌گیرد که شامل موارد زیر هستند:

- انحراف از ساختار یا عملکرد یک بخش، ارگان یا سیستم بدن
- داشتن علل زمینه‌ای (ژنتیک، محیطی، انگلی، تغذیه‌ای و ...)
- داشتن شکایات و علائم مشخص و ویژه
- تحت تاثیر قرار دادن سلامت، احساس یا عملکرد

مشخصاً چاقی معیار اول و دوم را در بر می‌گیرد، اما چاقی جز شاخصه ظاهری که جزو تعریف آن است در اکثر موارد مشخصه خاص دیگری ندارد، از طرف دیگر چاقی احتمال ابتلا به برخی از بیماری‌ها را افزایش می‌دهد ولی بیشتر افراد چاق بویژه چاقی‌های خفیف از آن مصون هستند. همچنین برخی فواید برای چاقی در گروه‌های سنی خاص مانند محافظت در برابر شکستگی‌های با ترومای خفیف را می‌توان برای آن در نظر گرفت. بنابراین در اطلاق واژه بیماری برای چاقی با رویکرد علمی دشواری وجود دارد. با رویکرد نتیجه‌گرایی (Utilitarian) منافع و مضار اطلاق چاقی بعنوان بیماری در نظر گرفته می‌شود. با این نگاه بنظر می‌رسد اطلاق چاقی بعنوان بیماری می‌تواند مزایایی از جمله اینکه توجه بیشتری برای راه‌های مناسب برای پیشگیری و درمان آن شده، بودجه‌ها و مداخلات بیشتری به آن تعلق می‌گیرد و در غیراینصورت افزایش چاقی و عوارض و مشکلات آن دستاوردهای اخیر بشر در کاهش مرگ و میر و افزایش طول عمر با کنترل بیماری‌های واگیردار را از بین خواهد برد.



Center of Excellence
for MS Education



Iranian Association
of Endoscopic Surgeons



Iran Society
of Endoscopic
Surgery



Iran Endoscopic
Society



Research Institute for
Endoscopic Sciences



Shahid Beheshti University
of Medical Sciences

هفتمین کنگره ملی پیشگیری و درمان چاقی ایران
چهارمین کنگره بین المللی جراحی‌های چاقی و متابولیک

۶ تا ۸ آذر ۱۳۹۸ تهران، مرکز همایش‌های شادروان دکتر غرضی، بیمارستان فوق تخصصی میلاد

سخنرانی‌ها

بررسی ارتباط میان امتیاز تنوع رژیم غذایی (diversity score dietary) با شاخص‌های تن سنجی در میان کودکان و نوجوانان ایرانی

مطهر حیدری بنی^۱، رویا ریاحی^۲، رویا کلیشادی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: در میان عوامل متعدد تغذیه‌ای، بررسی امتیاز تنوع رژیم غذایی به‌عنوان شاخصی از وضعیت و کیفیت کل رژیم غذایی فرد در این رابطه حائز اهمیت است. هدف مطالعه حاضر بررسی ارتباط میان امتیاز تنوع رژیم غذایی با شاخص‌های تن‌سنجی در میان کودکان و نوجوانان ایرانی است.

روش‌ها: مطالعه مقطعی حاضر به‌عنوان بخشی از طرح ملی نظام مراقبت و پیشگیری از بیماری‌های غیر واگیر از دوران کودکی و نوجوانی «یا مطالعه کاسپین چهار (CASPIAN) انجام شده است. از میان افراد واجد شرایط ۶۵۰۵ دانش‌آموز ۶ تا ۱۸ سال انتخاب و وارد مطالعه‌ی حاضر شدند. نمونه‌گیری براساس روش خوشه‌بندی دو مرحله‌ای از مناطق شهری و روستایی ۳۰ استان کشور صورت گرفت. اطلاعات افراد با استفاده از پرسشنامه معتبر ارزیابی سلامت دانش‌آموزان و دریافت غذایی افراد با استفاده از پرسشنامه نیمه‌کمی بسامد خوراک (۱۶۸ آیتم) سنجیده شد. امتیاز تنوع غذایی با استفاده از روش کانت و برحسب تقسیم بندی مواد غذایی به پنج گروه گوشت، غلات، میوه، سبزیجات و محصولات لبنی محاسبه شد. اندازه‌گیری شاخص‌های تن‌سنجی توسط افراد مجرب با استفاده از ابزار استاندارد صورت گرفت.

یافته‌ها: میانگین (فاصله اطمینان ۹۵٪) امتیاز تنوع غذایی دانش‌آموزان ۴/۵۲ (۴/۵۵ - ۴/۴۸) بود. امتیاز شاخص تنوع غذایی با شاخص توده بدن (ضریب رگرسیون (انحراف معیار): (۰/۱۴) (۰/۲۸)، اندازه دور کمر (ضریب رگرسیون (انحراف معیار): (۰/۰۵) (۰/۳۳) و اندازه دور باسن (ضریب رگرسیون (انحراف معیار): (۰/۰۶) (۰/۱۵) ارتباط مثبت معنادار داشت (P < ۰/۰۵). افزایش یک واحد امتیاز تنوع رژیم غذایی شانس ابتلا به اضافه‌وزن یا چاقی را ۹ درصد افزایش می‌دهد (نسبت شانس (فاصله اطمینان ۹۵٪): ۱/۰۹ (۱/۱۶ - ۱/۰۲)). بعلاوه، افزایش یک واحد در امتیاز تنوع محصولات لبنی ۱۹ درصد شانس ابتلا به اضافه‌وزن یا چاقی را افزایش می‌دهد (نسبت شانس (فاصله اطمینان ۹۵٪): ۱/۱۹ (۱/۳۴ - ۱/۰۵)).

نتیجه‌گیری: ارتباط معناداری میان امتیاز تنوع غذایی با افزایش شاخص‌های تن‌سنجی و بروز چاقی در کودکان و نوجوانان ایرانی مشاهده شد. برهمن اساس بنظر می‌رسد در توصیه به افزایش میزان تنوع غذایی باید جوانب مختلفی در نظر گرفته شود و بیشتر تاکید بر افزایش تنوع در گروه مواد غذایی سالم از جمله سبزیجات باشد.

واژه‌های کلیدی:

امتیاز تنوع رژیم غذایی، شاخص‌های تن‌سنجی، کودکان و نوجوانان

(۱) مرکز تحقیقات رشد و نمو کودکان، پژوهشکده پیشگیری اولیه از بیماری‌های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان :

heidari.motahar@gmail.com

(۲) مرکز تحقیقات رشد و نمو کودکان، پژوهشکده پیشگیری اولیه از بیماری‌های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

برهم کنش بین تغییرات وزن و مصرف مغزها بر خطر بروز سندرم متابولیک: مطالعه قند و لیپید تهران

سمیه حسین پور نیازی^۱، پروین میرمیران^۲، فریدون عزیزی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: هدف از این مطالعه بررسی برهم‌کنش بین تغییرات وزن و مصرف مغزانه‌ها با بروز سندرم متابولیک در افراد بزرگسال ۱۹ تا ۷۴ سال شرکت‌کننده در مطالعه قند و لیپید تهران بود.

روش‌ها: این مطالعه در چارچوب مطالعه قند و لیپید تهران، مطالعه‌ای که در سال ۱۳۷۸ آغاز شده و هر سه سال یکبار اطلاعات افراد جمع‌آوری می‌شود، انجام شد. مطالعه حاضر بر روی افراد شرکت‌کننده در فاز سوم مطالعه انجام شد و افراد در طی فازهای چهارم تا ششم مطالعه پیگیری شد. طول مدت پیگیری ۸/۹ سال بود. از ۳۴۶۲ نفر در فاز سوم، ۳۲۶۵ نفر دارای داده‌های کامل دموگرافیک، تن‌سنجی، بیوشیمیایی و غذایی (پرسشنامه بسامدخوراک روا و پایا) بودند. افراد مبتلا به سندرم متابولیک، باردار و شیرده، کم‌گزارش‌دهی و بیش‌گزارش‌دهی در شروع مطالعه حذف شدند. افرادی که اطلاعات مورد نظر را در طول دوره پیگیری نداشتند نیز حذف شدند. در نهایت آنالیز بر روی ۱۹۱۵ نفر انجام شد. سندرم متابولیکی بر اساس معیارهای پانل درمانی بزرگسالان تعریف شد. دریافت مغزها با استفاده از پرسشنامه بسامدخوراک پایا جمع‌آوری شد. ارتباط بین دریافت مغزها با سندرم متابولیک با استفاده از آزمون کاکس انجام شد.

یافته‌ها: میانگین سن افراد شرکت‌کننده $36/5 \pm 13$ سال و نمایه توده بدن $25/6 \pm 4/5$ کیلوگرم بر مترمربع بود. ۴۰/۵ درصد از شرکت‌کنندگان مرد بودند. در طی مدت پیگیری ۵۹۱ نفر به سندرم متابولیک مبتلا شدند. درمقایسه با مصرف مغزها به میزان کمتر از ۱۱ گرم در هفته، دریافت بیش از ۳۰ گرم خطر بروز سندرم متابولیک را ۰/۲۵ (نسبت خطر، ۰/۷۵؛ فاصله اطمینان: ۰/۹۲-۰/۷۱) کاهش داد. در بین انواع مغزانه‌ها، مصرف گردو بیش از ۱۶/۶ گرم و پسته بیش از ۳/۶ گرم خطر بروز سندرم متابولیک را به ترتیب ۰/۲۷ (۰/۷۳: ۰/۹۰-۰/۶۰) و ۰/۲۰ (۰/۸۰: ۰/۶۵-۰/۹۸)، پس از تعدیل متغیرهای مخدوش‌کننده کاهش داد. مصرف کل مغزانه‌ها و گردو بیش از مقدار میانه، در افراد با افزایش وزن بیشتر یا مساوی ۰/۷، خطر سندرم متابولیک را به ترتیب ۰/۲۵ (۰/۷۵: ۰/۹۴-۰/۶۰) و ۰/۲۱ (۰/۷۹: ۰/۹۸-۰/۷۹) کاهش داد.

نتیجه‌گیری: استفاده از مغزانه‌ها، (۲۰ گرم) و به خصوص گردو (۱۰ گرم در هفته) در برنامه غذایی، خطر سندرم متابولیک را در بین تمامی افراد به ویژه افراد چاق کاهش می‌دهد.

واژه‌های کلیدی:

مغزانه‌ها، افزایش وزن، سندرم متابولیک، مطالعه قند و لیپید تهران

(۱) پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم: s.hossainpour@yahoo.com

(۲) پژوهشکده علوم غدد

شاخص آدیپوسیتی احشایی به عنوان نشانگری برای تشخیص سندرم متابولیک در جمعیتی از کودکان ایران

هانیه السادات اجتهد^۱، یونه انگورانی^۲، شیرین حسنی رنجبر^۲، مصطفی قربانی^۳، رویا کلیشادی^۴، رامین حشمت^۵

خلاصه مقاله:

سابقه: زمینه و هدف: شاخص چربی احشایی (VAI) به عنوان روشی جدید برای ارزیابی توزیع چربی و عملکرد چربی پیشنهاد شده است که از پارامترهای ساده تن سنجی از جمله شاخص توده بدنی و دور کمر و پارامترهای عملکردی شامل تری گلیسیریدها و کلسترول لیپوپروتئین با چگالی بالا استفاده می شود. هدف از این مطالعه، دستیابی به نقاط برش VAI برای تشخیص سندرم متابولیک در جمعیتی از کودکان و نوجوانان ایرانی است.

روش‌ها: روش مطالعه: این مطالعه مقطعی بر روی کودکان و نوجوانان ۷ تا ۱۸ ساله شرکت کننده در فاز پنجم مطالعه ملی برپایه مدارس کاسپین انجام شده است (مطالعه CASPIAN-V). نسبت شانس (OR) عوامل خطر قلبی-متابولیکی در بین سه دسته VAI با استفاده از مدل های رگرسیون لجستیک تعیین شد و مقادیر معتبر نقطه برش VAI برای پیش بینی سندرم متابولیک با استفاده از آزمون (ROC curve analysis) receiver operation characteristic به دست آمد.

یافته‌ها: یافته‌ها: در مجموع ۳۸۴۳ دانش آموز (۵۲/۳ درصد پسران، میانگین سنی: $12/4 \pm 3/0$ سال) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. میانگین VAI در شرکت کنندگان مبتلا به سندرم متابولیک نسبت به اطفال سالم، به طور معنی داری بالاتر بود (۲/۶ در مقابل ۱/۲، $P < 0/001$). شرکت کنندگان در سهک سوم در مقایسه با سهک اول و رفرانس VAI، خطر چاقی شکمی (OR: 1.77، CI: ۱.۴۳-۲.۲۰)، اختلال در قند خون ناشتا (OR: 2.00، CI: 1.28-3.13 %95) و غلظت پایین لیپوپروتئین با چگالی بالا (OR: 15.93، CI: 12.27-20.66 %95) بالاتری داشتند. نقاط برش VAI در کل شرکت کنندگان (۱/۵۸ حساسیت: ۷۹٪ و ویژگی: ۷۸٪)، ۱/۳۰ (حساسیت: ۷۶٪ و ویژگی: ۸۱٪) در پسران و ۱/۷۸ (حساسیت: ۹۴٪ و ویژگی: ۷۴٪) در دختران بوده است.

نتیجه گیری: بحث و نتیجه گیری: ما نقاط برش VAI را به عنوان ابزاری آسان برای نشان دادن چربی احشایی، برای تشخیص سندرم متابولیک در کودکان و نوجوانان تعیین کردیم و نشان دادیم که VAI با سندرم متابولیک همراه است. مطالعات طولی آینده نگر برای نشان دادن کارایی احتمالی VAI به عنوان پیش بینی کننده سندرم متابولیک و سایر عوامل خطر قلبی-متابولیکی در کودکان پیشنهاد شده است.

واژه های کلیدی:

نوجوانان، کودکان، سندرم متابولیک، شاخص چربی احشایی

(۱) دانشگاه علوم پزشکی تهران: haniejtahed@yahoo.com

(۲) مرکز تحقیقات چاقی و عادات غذایی، پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران

(۳) دانشگاه علوم پزشکی البرز

(۴) دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

(۵) پژوهشگاه علوم غدد، دانشگاه علوم پزشکی تهران

اثرات نحوه توزیع پروتئین و کربوهیدرات بین وعده‌های غذایی بر شاخص‌های متابولیک بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲

فاطمه نوری پور^۱، زهره مظلوم^۲، محمد فرارویی^۲، علی زمانی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: بعضی از مطالعات نشان داده‌اند که زمان مصرف وعده‌های غذایی و درشت‌معدی‌ها بر سلامتی تاثیر گذار است و میزان اشتها، وزن بدن و تحمل گلوکز را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از اینرو ما در این مطالعه بر آن شدیم تا اثر مصرف بالای پروتئین در مقایسه با مصرف بالای کربوهیدرات در وعده شام را بر فاکتورهای متابولیک بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ مورد بررسی قرار دهیم.

روش‌ها: این مطالعه یک کارآزمایی کنترل شده تصادفی یک سو کور از نوع موازی می‌باشد. ۹۶ فرد مبتلا به دیابت نوع ۲ با دامنه سنی ۳۲ تا ۶۵ سال و میانگین شاخص توده بدنی ($BMI 4/3 \pm 28/5$) کیلوگرم بر متر مربع به صورت تصادفی یکی از سه رژیم غذایی دارای وعده شام استاندارد (ST) که در آن درشت‌مغذی‌ها تقریباً به طور مساوی بین وعده‌های غذایی تقسیم شده بودند، رژیم دارای وعده شام با کربوهیدرات بالا (HC) که در آن ۴۵٪-۴۰٪ کربوهیدرات مصرفی روزانه در وعده شام و میان وعده آخر شب قرار داشت یا رژیم دارای وعده شام با پروتئین بالا (HP) که در آن ۴۵٪-۴۰٪ پروتئین مصرفی روزانه در وعده شام و میان وعده آخر شب قرار داشت را دریافت نمودند. سپس اثرات مصرف این رژیم‌های غذایی بر شاخص‌های متابولیک آنان به مدت ۱۰ هفته مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌ها: c_1HbA ، قند و انسولین ناشتا، مقاومت به انسولین، تری‌گلیسرید، لیپوپروتئین با چگالی پایین، لیپوپروتئین با چگالی بسیار پایین، فشار خون دیاستولی، وزن بدن، درصد بافت چربی و محیط دور کمر به طور معنی‌داری در هر سه گروه کاهش پیدا کردند. کاهش c_1HbA در گروه ST نسبت به گروه‌های HC و HP به طور معنی‌داری بیش‌تر بود. کاهش BMI، وزن بدن و قند ناشتا به طور معنی‌داری در گروه ST نسبت به گروه HP بیش‌تر بود. کلسترول تام، non-HDL-C و فشار خون سیستولی در همه گروه‌ها به جز HP کاهش معنی‌داری داشتند. **نتیجه‌گیری:** نتایج این مطالعه نشان داد که توزیع تقریباً مساوی کربوهیدرات و پروتئین بین وعده‌های غذایی در مقایسه با کاهش کربوهیدرات و افزایش پروتئین در وعده شام، ممکن است تاثیر بهتری بر وزن و کنترل قند خون بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ داشته باشد.

واژه‌های کلیدی:

دیابت نوع ۲، کربوهیدرات، پروتئین، وعده غذایی شام، کنترل گلیسمیک

(۱) دانشگاه علوم پزشکی شیراز : nouripour.fatemeh@gmail.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی شیراز

بررسی تغییرات همزمان فعالیت فیزیکی و نمایه توده ی بدنی نوجوانان در خانواده های کم و پر خطر در بیش از یک دهه پیگیری

پریسا ناصری^۱، پریسا امیری^۲، فرید زابری^۳، سمیه مومنیان^۳، مهرداد کریمی^۲، فریدون عزیزی^۴

خلاصه مقاله:

سابقه: اگرچه مطالعات پیشین ارتباط فعالیت فیزیکی با نمایه توده ی بدنی (BMI) و وضعیت چاقی نوجوانان را نشان داده اند اما اطلاعات کمتری در خصوص ارتباط تغییرات آنها طی زمان و با در نظر گرفتن عوامل والدی موثر بر آنها وجود دارد. مطالعه ی حاضر یکی از اولین مطالعاتی است که با استفاده از مدل منحنی رشد پنهان موازی (LGCM) به بررسی تغییرات فعالیت فیزیکی و تاثیر آن بر تغییرات BMI در نوجوانان تهرانی در بیش از یک دهه پرداخته است.

روش ها: تعداد ۱۳۲۳ نوجوان ۱۸-۱۲ سال شرکت کننده در مطالعه ی قند و لیپید تهران در فاصله ی سال های ۱۳۸۳-۱۳۸۰ بررسی و به مدت ۱۲ سال پیگیری شدند. فعالیت فیزیکی با استفاده از پرسشنامه معتبر و استاندارد MAQ اندازه گیری شد. قد و وزن برای محاسبه ی BMI مورد استفاده قرار گرفتند. خانواده های کم و پرخطر بر اساس اطلاعات والدین از قبیل سن، تحصیلات، شغل، وضعیت چاقی و سندرم متابولیک بوسیله ی تحلیل خوشه ای تفکیک شدند. مدل LGCM برای برآورد اثرات مقطعی، طولی و موازی برازش داده شد و تحلیل ها با استفاده از نرم افزارهای Mplus v7.2 و SPSS نسخه ی ۲۲ و به تفکیک جنس و خوشه های خانواده انجام شد.

یافته ها: نتایج این مطالعه، روند رو به افزایش BMI نوجوانان را در خانواده های کم خطر (۱,۰۳-۱,۱۸) : ۱,۱۱/۹۵ (CI) و پرخطر (۱,۰۳-۱,۲۲) : ۱,۱۲ (CI95%) در طول مدت مطالعه نشان داد. همچنین با افزایش مقدار فعالیت فیزیکی در فاصله ی سال های ۸۳-۸۰ (زمان پایه)، میانگین BMI نوجوانان در خانواده های کم خطر، طی ۱۲ سال، ۰,۲۷ کیلوگرم بر متر مربع افزایش داشت. بررسی ارتباط تغییرات فعالیت فیزیکی با BMI نوجوانان طی زمان نشان داد با افزایش میزان فعالیت فیزیکی میانگین BMI این گروه در خانواده های کم خطر طی زمان ۰,۰۷ کیلوگرم بر متر مربع کاهش یافته است.

نتیجه گیری: مطالعه ی حاضر، ارتباط معنی دار تغییرات همزمان فعالیت فیزیکی با BMI نوجوانان را در بلند مدت نشان داد. هر چند این ارتباط چندان قوی نبود. بررسی های بیشتر در خصوص عوامل فردی، محیطی و اجتماعی موثر بر این ارتباط در جمعیت های مختلف، جهت طراحی برنامه های پیشگیری از چاقی در کشور ضروری می نماید.

واژه های کلیدی:

شاخص توده ی بدنی، فعالیت فیزیکی، خانواده های کم خطر و پر خطر، مدل منحنی رشد پنهان موازی

(۱) پژوهشکده ی علوم غدد درون ریز و متابولیسم، مرکز تحقیقات تعیین کننده های اجتماعی سلامت : pnaeri.89@gmail.com

(۲) پژوهشکده ی علوم غدد درون ریز و متابولیسم، مرکز تحقیقات تعیین کننده های اجتماعی سلامت

(۳) دانشکده پیراپزشکی، گروه آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

(۴) مرکز تحقیقات غدد درون ریز و متابولیسم، پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم

بررسی تاثیر ایزوله پروتئین وی و سبوس گندم بر کنترل اشتها، انرژی دریافتی و هورمون های کنترل کننده اشتها در افراد دارای اضافه وزن یا چاق

زهرا حسن زاده رستمی^۱، شیوا فقیه^۲، اعظم عباسی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: پروتئین وی ممکن است از طریق تنظیم اثر هورمون های کنترل کننده اشتها در دستگاه گوارش و بافت های محیطی در کنترل اشتها نقش داشته باشد. هدف از مطالعه حاضر، تعیین تأثیر بیسکویت غنی شده با ایزوله پروتئین وی و سبوس گندم بر انرژی دریافتی، نمره اشتها و هورمون های کنترل کننده اشتها در افراد دارای اضافه وزن یا چاق می باشد.

روش ها: این مطالعه از نوع کارآزمایی بالینی تصادفی بوده و بر روی ۹۶ فرد ۲۰ تا ۵۰ سال با شاخص توده بدنی بیشتر از 25 kg/m^2 انجام گرفت. شرکت کنندگان در مطالعه بطور تصادفی به ۴ گروه دریافت کننده بیسکویت (۱) غنی شده با پروتئین وی و سبوس گندم ((Whey+WB, 2) غنی شده با پروتئین وی ((Whey, 3) غنی شده با سبوس گندم (WB)، و (۴) بیسکویت ساده تقسیم شدند و به مدت ۸ هفته تحت مطالعه قرار گرفتند. درضمن، برای هر فرد یک رژیم غذایی با کاهش ۵۰۰ کالری از انرژی دریافتی تنظیم شد. در ابتدا و انتهای مطالعه، نمره اشتها، میزان انرژی دریافتی، سطح سرمی هورمون های گرلین، لپتین، سروتونین و GLP-1 برای تمامی شرکت کنندگان اندازه گیری شد.

یافته ها: نمره اشتها در گروه (Whey+WB (P=0.01 و (Whey (P=0.03) بطور معنی داری بیشتر از گروه کنترل بود. اما تفاوت معنی داری بین گروه WB و کنترل از نظر تغییرات نمره اشتها دیده نشد. علاوه براین، کاهش انرژی دریافتی در هر دو گروه (Whey+WB و گروه (Whey بیشتر از WB و کنترل بود. اما اختلاف معنی دار فقط بین گروه (Whey و کنترل دیده شد (P=0.03). میزان تغییرات گرلین، لپتین و سروتونین در قبل و بعد از مداخله تفاوت معنی داری بین ۴ گروه مورد مطالعه نداشت (P<0.05). اما میانگن تغییرات GLP-1 افزایش معنی داری در گروه (Whey درمقایسه با گروه کنترل نشان داد.

نتیجه گیری: غنی سازی بیسکویت با ایزوله پروتئین وی همراه با سبوس گندم یا بدون سبوس گندم، توانایی کنترل اشتها و انرژی دریافتی را در افراد دارای اضافه وزن یا چاق دارد.

واژه های کلیدی:

چاقی، پروتئین وی، سبوس گندم، اشتها، انرژی دریافتی

(۱) دانشگاه علوم پزشکی شیراز : hassanzadeh_z8@yahoo.com

(۲) دانشکده تغذیه و علوم غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

تاثیر مکمل امگا۳ در دوران بارداری بر متیلاسیون DNA ژن‌های مرتبط با چاقی و افزایش وزن در مادران و فرزندانشان

محمدحسن سهولی^۱

خلاصه مقاله:

سابقه: مکمل یاری با امگا۳ در دوران بارداری برای کاهش خطر چاقی در زنان پس از زایمان و به حداقل رساندن افزایش وزن بیش از حد در فرزندانشان پیشنهاد شده است. متیلاسیون اپی ژنتیکی DNA پیشنهاد شده است که بر فعالیت ژن تأثیر گذاشته و در نتیجه مکانیسم مولکولی قابل قبولی برای طیف گسترده‌ای از فرآیندهای بیولوژیکی و بیماری‌ها فراهم می‌شود. این مطالعه با هدف بررسی اینکه آیا مکمل امگا۳ در دوران بارداری می‌تواند وضعیت متیلاسیون DNA را از طریق پروموتورهای ژن‌های مربوط به افزایش وزن و چاقی در مادران و فرزندانشان تغییر دهد یا خیر.

روش‌ها: این کارآزمایی بالینی دو سوکور بر روی ۳۵ زن باردار که روزانه با ۴۰۰ میلی گرم اسید دوکوزاهگزا انوئیک (DHA) یا دارونما مکمل یاری می‌شدند، انجام شد. ۱۸ زن مکمل امگا۳ دریافت کردند و ۱۷ نفر به عنوان گروه کنترل استفاده شدند. سپس جهت بررسی وضعیت متیلاسیون DNA پروموتور ژن‌های مرتبط با چاقی (۶۲۳ ژن) و افزایش وزن (۴۳۳ ژن) در مادران باردار و فرزندانشان، از آنالیز نمونه خون با میانگین ۹/۸ ماه (دامنه ۶/۱-۱۲/۷ ماه) پس از زایمان انجام شد. یافته‌ها: مکمل امگا۳ منجر به کاهش قابل توجهی سطح متیلاسیون DNA در ۳۷ پروموتور ژن و افزایش سطح متیلاسیون DNA در یک پروموتور ژن در زنان شد. در فرزندانشان، ۶۸ پروموتور ژن به طور قابل توجه و به طور پیوسته با سطح پایین متیلاسیون DNA در گروه مکمل امگا۳ همراه بودند.

نتیجه‌گیری: بر اساس مطالعه ما، به نظر می‌رسد که مکمل امگا۳ در دوران بارداری ممکن است بر وضعیت متیلاسیون DNA برخی از پروموتور ژن‌های مرتبط با چاقی و افزایش وزن در مادران و فرزندانشان تأثیر بگذارد و از این طریق مکانیسمی بالقوه برای سلامتی طولانی مدت فراهم کند

واژه‌های کلیدی:

امگا۳، بارداری، چاقی، متیلاسیون

(۱) علوم پزشکی ایران : mohammadhassansohouli@gmail.com

عوامل خطر مرتبط با بیماری‌های غیرواگیر و شیوع سندرم متابولیک در کارکنان مرکز بهداشت شهرستان کرج در سال ۹۷

هاجر توکلی کرمانی^۱، ماهرخ مصلاهی^۲، فاطمه قاسمی مدائن^۳، سمیه حسنلو^۲، عاطفه حسنی نسب^۲، پریسا جوادی^۲، لادن خیابانی^۲، ساناز ساکیان^۲، سارا صحرانی^۲، الهه حشمتی^۲

خلاصه مقاله:

مقدمه: از آنجا که مراکز خدمات جامع سلامت در راستای پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر و کاهش عوامل خطر مرتبط با سندرم متابولیک فعالیت می‌کنند، به نظر می‌رسد سلامت کارکنان مراکز خدمات جامع سلامت به عنوان جزئی از این جامعه در اولویت می‌باشد.

هدف: هدف از این مطالعه، بررسی عوامل خطر مرتبط با بیماری‌های غیرواگیر و شیوع سندرم متابولیک در کارکنان مرکز بهداشت شهرستان کرج در سال ۹۷ می‌باشد.

روش اجرای طرح: این مطالعه به روش مقطعی (cross-sectional) در میان کارکنان مرکز بهداشت شهرستان کرج انجام شد. نمونه‌گیری به صورت تصادفی صورت گرفت. اندازه‌گیری شاخص‌های تن سنجی، پرسشنامه تنوع غذایی و فعالیت بدنی توسط کارشناس تغذیه تکمیل شد. سپس جهت سنجش مارکرهای خونی (قندخون ناشتا، چربی‌های خون) نمونه خون جمع‌آوری گردید. نتایج توسط نرم افزار spss آنالیز شدند.

یافته‌ها: ۲۷۴ نفر از کارمندان مرکز بهداشت شهرستان کرج (۶۴ مرد و ۲۱۰ زن) با میانگین سنی ۴۰٫۵۵ در این مطالعه وارد شدند. ۴۷٫۳٪ اضافه وزن، ۱۷٫۹٪ چاق و نزدیک به ۴۰٪ چاقی شکمی داشتند. ۵۹٫۵٪ کارمندان دارای زندگی کم‌فعال بودند. ۱٫۸٪ و ۷٫۳٪ کارمندان به ترتیب فشارخون بالای سیستولی و دیاستولی داشتند. به لحاظ فاکتورهای خونی، ۱۵٫۸٪ دارای قند خون بالاتر از سطح نرمال بودند. ۲۹٪ کارمندان دارای کلسترول تام خون در معرض خطر و بالا بودند. در بررسی همبستگی فاکتورهای فوق با نمایه توده بدنی، نتایج نشان داد نمایه توده بدنی با سن، رشته شغلی و فاکتورهای خونی همبستگی مثبت داشته و با فعالیت بدنی و تنوع غذایی همبستگی منفی دارد. همبستگی بین نمایه توده بدنی و فشارخون مثبت بود. بررسی فاکتورهای مرتبط با بیماری‌های غیرواگیر در دو گروه دارای سندرم متابولیک و فاقد سندرم متابولیک نشان داد، میانگین دور کمر، فشارخون، FBS، HDL، TG در گروه دارای سندرم متابولیک به طور معناداری بالاتر از گروه فاقد سندرم متابولیک می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که شیوع عوامل خطر مرتبط با بیماری‌های غیرواگیر و سندرم متابولیک به طور ویژه اضافه وزن و چاقی و کم‌تحرکی در کارکنان مرکز بهداشت شهرستان کرج بالا می‌باشد. با توجه به نقش نمایه توده بدنی در بیماری‌های غیرواگیر، اصلاح BMI و افزایش فعالیت بدنی و بهبود تنوع غذایی می‌توانند راهکارهای موثری باشد.

واژگان کلیدی: بیماری‌های غیرواگیر، تنوع غذایی، شاخص‌های تن سنجی، سندرم متابولیک

واژه‌های کلیدی:

بیماری‌های غیرواگیر، تنوع غذایی، شاخص‌های تن سنجی، سندرم متابولیک

(۱) بیمارستان کمالی : hajar.tavakoli@gmail.com

(۲) مرکز بهداشت شهرستان کرج

(۳) معاونت بهداشتی البرز

میزان فراوانی افراد چاق سالم متابولیکی و ارتباط آن با سندرم متابولیک در ایران؛ یک مطالعه ملی

عذرا طباطبایی ملاذی^۱، سحر سعیدی مقدم^۲، نازیلا رضایی^۲، شهره نادری مقام^۲، نگار رضایی^۲، نیما فتاحی^۲، فرشاد فرزادفر^۲

خلاصه مقاله:

زمینه و هدف: فراوانی چاق سالم متابولیکی در کشورهای مختلف با توجه به معیارهای تعریف چاقی متفاوت است. در مطالعه حاضر ما برآنیم که فراوانی افراد چاق سالم متابولیکی در کشور ایران را با توجه به دو معیار نمایه توده بدنی و تشخیص سندرم متابولیک ارزیابی نماییم. روش مطالعه: اطلاعات دموگرافیک، متابولیک، آنتروپومتریک و عادات سبک زندگی ۱۸۴۵۹ نفر بزرگسال (۲۵ سال \leq) از مطالعه STEPs 2016 جمع آوری شد. افراد بر اساس نمایه توده بدنی به چهار گروه (کم وزن، وزن طبیعی، اضافه وزن و چاق) و بر اساس تعریف سندرم متابولیک در ATP III 2004 به دو زیرگروه سالم و ناسالم متابولیکی تقسیم شدند. وجود ≤ 2 مولفه از مولفه های زیر (قند خون ≤ 100 mg/dl یا دیابت، تری گلیسرید ≤ 150 mg/dl، $HDL > 40$ mg/dl در مردان و یا > 50 mg/dl در زنان، فشارخون سیستولی ≤ 130 و دیاستولی ≤ 85 mmHg) معادل ناسالم متابولیکی بود. آنالیزهای آماری لازم با استفاده از نرم افزار R ویرایش ۳,۴,۰ انجام شد. یافته ها: بررسی در ۸۵۹۴ مرد و ۹۸۶۵ زن بزرگسال نشان داد که بطور کلی فراوانی وضعیت ناسالم متابولیکی با افزایش وزن خصوص در زنان، شهرنشینان و گروه سنی ۶۵-۶۹ سال روند فزاینده ای داشت. فراوانی وضعیت سالم متابولیکی در افراد کم وزن، وزن طبیعی، اضافه وزن و افراد چاق (و تعمیم آن به جمعیت ایران) به ترتیب $2/5\%$ (یکمیلیون نفر)، $5/20\%$ (۱۰ میلیون)، $8/16\%$ (۸ میلیون) و $5/7\%$ (۶/۳ میلیون) و فراوانی وضعیت ناسالم متابولیکی به ترتیب $6/10\%$ (۳/۱۰ میلیون)، $5/11\%$ (۶/۵ میلیون)، $2/22\%$ (۹/۱۰ میلیون) و $3/18\%$ (۹/۸ میلیون) بود. فعالیت کم بدنی ارتباط معنی دار مثبت ولی روستا نشینی و سطح تحصیلات بالا ارتباط معنی دار منفی به ترتیب ($P=0.013$) ($P=0.003$, $P > 0.001$) با وضعیت ناسالم متابولیکی داشت. شایع ترین اختلال متابولیکی در کلیه گروه های وزنی، اختلالات چربی ها بود. بحث و نتیجه گیری: تمرکز بر شاخص توده بدنی به تنهایی سبب نادیده گرفتن افراد با اضافه وزن و چاق سالم متابولیکی و یا افراد با وزن طبیعی اما ناسالم متابولیکی می شود. بعبارتی توجه به مجموعه ای از عوامل متابولیک مانند وضعیت فشارخون، قند و چربی ها در کنار نمایه توده بدنی ضروریست. با توجه به فراوانی بالای اختلالات چربی در کلیه گروه های وزنی و نیز احتمال ناسالم شدن وضعیت متابولیکی با گذر زمان، اقدامات مداخله ای جدی برای کاهش فراوانی اختلالات چربی از طریق افزایش آگاهی، سبک سالم زندگی و کلینیک های لیپید پیشنهاد می شود.

واژه های کلیدی:

چاق، سالم متابولیکی، ناسالم متابولیکی، سندرم متابولیک، ایران.

(۱) پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم - دانشگاه علوم پزشکی تهران : tabatabaeiml@sina.tums.ac.ir

(۲) مرکز تحقیقات بیماری های غیرواگیر، پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران

اثربخشی مشاوره مبتنی بر رفتارهای ارتقا دهنده سلامتی در پیشگیری از بروز دیابت بارداری در زنان باردار با اضافه وزن و چاق

فاطمه نصیری امیری^۱

خلاصه مقاله:

سابقه: دیابت حاملگی یکی از شایع ترین اختلالات متابولیک در بارداری است. این مطالعه با هدف تعیین تاثیر مشاوره با مدل اطلاعات، انگیزش و مهارت در پیشگیری از بروز دیابت بارداری در زنان باردار با اضافه وزن و چاق انجام گرفت. **روش‌ها:** این مطالعه بصورت کارآزمایی بالینی تصادفی کنترل شده بر روی ۱۶۲ زن باردار با اضافه وزن و چاق سالم در بیمارستان روحانی بابل از خرداد لغایت بهمن ماه ۱۳۹۷ انجام گردید. ۱۴ نفر بدلیل معیارهای خروج از مطالعه خارج شده و ۱۴۸ نفر با تخصیص تصادفی به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند. گروه مداخله علاوه بر مراقبت پره ناتال استاندارد، چهار جلسه مشاوره با مدل اطلاعات- انگیزش- مهارت رفتاری را در هفته ۱۲ تا ۱۶ بارداری دریافت نمودند. قبل از شروع مداخله پرسشنامه های دموگرافیک، رفتارهای ارتقا دهنده سلامت و اندازه گیری قند خون بررسی شد و سپس ۸ هفته بعد از اتمام مداخله در هفته های ۲۴ تا ۲۸ بارداری بررسی مجدد انجام شد. تشخیص دیابت بارداری بر اساس دستورالعمل پروتکل کشوری بود. از آمار توصیفی و آزمون استنباطی، تی مستقل و دوتایی، کای دو، انکوا (Ancova) و مانکوا (Mancova) استفاده گردید. $P > 0.05$ معنی دار در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: بروز دیابت بارداری در گروه مداخله بطور معنی داری کمتر از گروه کنترل بود ($P, RR=0.33=0.004$) که نشانگر اثربخشی مداخله مشاوره ای با مدل IMB است. میانگین نمره رفتارهای ارتقا دهنده سلامت ($P = 0.001$ و $d=0.77$) در گروه مداخله بیشتر از گروه کنترل بود.

نتیجه گیری: مشاوره ای با مدل IMB در زنان باردار با اضافه وزن و چاق سبب کاهش بروز دیابت بارداری و نیز سبب بهبود ابعاد مختلف رفتارهای ارتقا دهنده سلامت گردید. لذا توصیه می‌شود به همه زنان باردار بخصوص افراد پرخطر جهت پیشگیری از بروز دیابت بارداری در مورد رفتارهای ارتقا دهنده سلامت با مدل IMB مشاوره لازم داده شود.

واژه های کلیدی:

دیابت بارداری، چاقی، اضافه وزن، مدل اطلاعات انگیزش و مهارت

(۱) دانشگاه علوم پزشکی بابل، دانشکده پزشکی، دپارتمان مامایی : nasiri_fa@yahoo.com

بررسی تأثیر آموزش تغذیه بر کالری و درشت مغذی‌های حاصل از مصرف فست فود در دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر اهواز

معصومه تهرانی^۱

خلاصه مقاله:

سابقه: با توجه به شیوع گسترده و همزمان مصرف فست فود و اضافه وزن و چاقی در میان افراد بویژه نوجوانان، این مطالعه با هدف بررسی تأثیر آموزش تغذیه بر میزان کالری و درشت مغذی‌های حاصل از مصرف فست فود در دختران دبیرستانی شهر اهواز انجام شد.

روش‌ها: این مطالعه از نوع مداخله‌ای شاهد دار است که بر تعداد ۶۰ نفر از دانش آموزان دختر شهر اهواز (۳۰ نفر در گروه شاهد و ۳۰ نفر در گروه آزمون) انجام شد. آموزش تغذیه در قالب ۶ جلسه سخنرانی همراه با ارائه اسلاید به گروه آزمون ارائه گردید. داده‌ها در زمان‌های قبل و ۲ ماه بعد از مداخله‌ی آموزشی با استفاده از پرسشنامه بسامد خوراک مرتبط با مصرف فست فود به شیوه مصاحبه جمع‌آوری گردید. در پایان داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای SPSS و N4 ویراست ۲۳ و با بهره‌گیری از آزمون‌های آماری توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: قبل از اجرای مداخله، گروه شاهد و گروه آزمون از نظر متغیرهای مورد بررسی همگن بوده و تفاوت آماری معنادار نداشتند. میانگین میزان کالری دریافتی ناشی از مصرف فست فود در دانش آموزان گروه آزمون از $229/85 \pm 189/30$ کالری در زمان قبل از مداخله به $153/87 \pm 165/87$ کالری در فاصله دو ماه بعد از مداخله آموزشی کاهش یافت. میانگین مقدار کربوهیدرات، چربی و پروتئین مصرفی نیز در گروه آزمون به ترتیب از $55/7 \pm 47/6$ ، $0/639 \pm 1/57$ و $1/1 \pm 2/7$ گرم در زمان قبل از مداخله به $37/7 \pm 41/8$ ، $0/30 \pm 0/96$ و $0/54 \pm 1/7$ گرم در فاصله دو ماه بعد از مداخله کاهش پیدا کرد.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها حاکی از کاهش مقادیر متغیرهای مطالعه در فاصله دو ماه بعد از مداخله‌ی آموزشی می‌باشد. این یافته بدین معناست که آموزش تغذیه می‌تواند تأثیر مثبتی در افزایش احتمال بهبود رفتار مصرف فست فود و بنابراین کاهش میزان کالری و درشت مغذی‌های ناشی از مصرف فست فود داشته باشد. بعلاوه اجرای چنین مداخلاتی می‌تواند نقش مهمی در ایجاد رفتارهای سالم بهداشتی بویژه در سنین نوجوانی داشته باشد.

واژه‌های کلیدی:

آموزش تغذیه، کالری، درشت مغذی، فست فود، دانش آموزان

(۱) جهاد دانشگاهی خوزستان : masoumehtehrani3@gmail.com

کمبودهای مواد مغذی دریافتی یک سال پس از عمل جراحی باریتریک : مطالعه درمان چاقی تهران

فیروزه حسینی اصفهانی^۱، علیرضا خلج^۲، مجید ولی زاده^۳، فریدون عزیزی^۴، مریم برزین^۳، پروین میرمیران^۵

خلاصه مقاله:

سابقه: این مطالعه با هدف بررسی کفایت مواد مغذی دریافتی یک سال پس از جراحی بای پس معده (gastric bypass=GB) و عمل اسلیو معده (gastroectomy=SG Sleeve) انجام شد. همچنین ارتباط کفایت مواد مغذی دریافتی با شاخص‌های آنتروپومتری ارزیابی گردید

روش‌ها: در این مطالعه ۱۸۰ فرد چاق با نمایه توده بدنی $\geq 35 \text{ kg/m}^2$ از بین شرکت کنندگان مطالعه درمان چاقی تهران انتخاب شدند. اندازه‌گیریها قبل و یک سال بعد از جراحی بررسی شد. برای ارزیابی میزان کفایت مواد مغذی، دریافت هر ماده مغذی بر مقدار توصیه شده مرجع تقسیم شد. میانگین کفایت کل مواد مغذی دریافتی از جمع کفایت هر ماده مغذی بر تعداد نوترینت‌ها (۱۱ ماده مغذی) بدست آمد.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد (SG) 67% و (GB) 32% به ترتیب $39/2 \pm 12$ و $41/4 \pm 10$ سال بود. بیماران SG $12 \pm 52/0$ توده بدون چربی بالاتر نسبت به بیماران (8) $49/7 \pm GB$ ، ($P < 0/05$) (کیلوگرم) داشتند. بیشترین کمبود سرمی ماده مغذی پس از عمل جراحی برای ویتامین B12 (30%)، فریتین (19%) و ۲۵-هیدروکسی ویتامین D (2/16%) مشاهده شد. عدم کفایت پروتئین و کل چربی دریافتی به ترتیب در بیشتر از ۸۰ و ۷۰ درصد افراد مشاهده شد. میانگین کفایت مواد مغذی دریافتی نشان داد که تقریباً ۴۵ درصد افراد احتمال کفایت دریافت مواد مغذی را دارند. میانگین کفایت دریافت مواد مغذی ارتباط مستقیمی با توده بدون چربی داشت ($P < 0/05$ و $\beta = 8/67$).

نتیجه‌گیری: یافته‌های مطالعه نشان داد که یک سال پس از عمل جراحی، بیماران عدم کفایت دریافتی مواد مغذی را داشتند که با کمبود سرمی مواد مغذی همراه بود. بیماران SG ترکیب بدنی مناسب تری در مقایسه با بیماران SG داشتند. توصیه می‌شود که بیماران به دقت از نظر دریافت مکمل‌ها و توصیه‌های رژیمی پس از عمل جراحی پیگیری شوند.

واژه‌های کلیدی:

جراحی باریتریک، کفایت مواد مغذی دریافتی

۱) پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی : f.hosseini@sbmu.ac.ir

۲) بخش جراحی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شاهد

۳) مرکز تحقیقات چاقی، پژوهشکده علوم غدد درون ریز

۴) مرکز تحقیقات غدد، پژوهشکده علوم غدد درون ریز

۵) پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

ارزیابی میزان اسید رژیم غذایی به عنوان شاخص کیفیت رژیم غذایی و چاقی

سمیه فتاحی^۱، مصطفی قربانی^۲، Pamela J Surkan^۳، لایلا آزادبخت^۴

خلاصه مقاله:

سابقه: میزان اسید ناشی از رژیم غذایی ممکن است با اضافه وزن و چاقی و همچنین شاخص های کیفیت رژیم مرتبط باشد. هدف روش ها: در این مطالعه مقطعی، ۳۰۶ خانم ۲۰-۵۰ سال مراجعه کننده به مراکز بهداشتی به طور تصادفی شرکت داشتند. بار اسیدی رژیم غذایی با استفاده از نمایه های بار اسیدی PRAL (اسیدهای انباشت کلیه)، NEAP (اسید خالص درونزاد) و DAL (بار اسیدی رژیم غذایی) محاسبه شد. همچنین امتیاز های کیفیت رژیم غذایی (DQI-I)، نسبت کفایت مواد مغذی (MAR) و دانسیته انرژی رژیم غذایی برای افراد محاسبه شد.

یافته ها: تا ۰/۹۷، Ptrend=۰/۰۴) و همچنین چاقی شکمی (OR= ۲/۴) با فاصله اطمینان ۹۵٪ ۴/۵۰ تا ۱/۲۱، Ptrend=۰/۰۰۵) به طور معنی داری در طول سهک های DAL افزایش یافت. در حالی که حتی بعد از تعدیل مخدوشگر ها سایر نمایه های بار اسید رژیم غذایی (PRAL و NEAP) ارتباط معنی داری با چاقی، اضافه وزن و چاقی شکمی نشان ندادند. همچنین با افزایش بار اسیدی رژیم غذایی (PRAL، NEAP و DAL) در طول سهک های امتیاز های بار اسیدی رژیم غذایی، نمایه های DQI-I و MAR به طور معنی داری کاهش ($P < ۰/۰۰۱$) و دانسیته رژیم غذایی به طور معنی داری افزایش یافت ($P < ۰/۰۰۱$).

نتیجه گیری: DAL با افزایش خطرات چاقی و چاقی شکمی در زنان همراه بود. PRAL، NEAP و DAL شاخص های خوبی برای کیفیت رژیم بودند.

واژه های کلیدی:

بار اسیدی رژیم غذایی، کیفیت رژیم غذایی، اضافه وزن، چاقی

(۱) دانشگاه علوم پزشکی ایران : fatahis70@gmail.com

(۲) Sciences, Karaj, Iran Non-Communicable Diseases Research Center, Alborz University of Medical

(۳) Health, Baltimore, USA Department of International Health. John Hopkins Bloomberg School of public

(۴) .

ارتباط شاخص‌های ژنتیکی منتخب با استمرار وضعیت متابولیک سالم، در افراد مبتلا به اضافه وزن یا چاقی در طول ۱۵ سال مطالعه ژنتیک کاردیومتابولیک $p < 10^{-8}$

امید فاروی آهانگر^۱، مریم دانشپور^۲، نیلوفر جوانروح^۲، فرهاد حسین پناه^۲، مریم برزین^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: هتروژنسیته فردی وسیعی در افراد چاق وجود دارد و ترکیب چاقی و وضعیت متابولیک، موجب به وجود آمدن طیف وسیعی از فنوتیپ چاقی می‌شود. بر این اساس می‌توان افراد چاق جامعه را بر حسب وجود یا عدم وجود سندروم متابولیک، به ترتیب 'چاق نا سالم' و 'چاق سالم' تقسیم کرد. مطالعات نشان دادند که این فنوتیپ از چاقی دینامیک می‌باشد. تعدادی از مطالعات فاکتورهای پیش‌بینی‌کننده تغییر در سلامت متابولیک افراد مبتلا به چاقی را ارزیابی کرده‌اند. تاکنون مطالعات اندکی در دنیا به طور اختصاصی به بررسی ارتباط SNP (single nucleotide polymorphism) ها با فنوتیپ‌های چاقی پرداخته‌اند. این مطالعه به بررسی علل احتمالی ژنتیک در استمرار وضعیت متابولیک سالم در افراد موسوم به 'چاق سالم' می‌پردازد.

روش‌ها: این مطالعه به صورت کوهورت آینده‌نگر روی تمام افراد شرکت‌کننده در مطالعه ژنتیک کاردیومتابولیک تهران که اطلاعات ژنتیکی آن‌ها در دسترس است انجام شده است. برای این مطالعه ۱۳۴۲۶ نفر که طی فاز ۱ و ۲ وارد مطالعه شده‌اند تا انتهای فاز ۵ پیگیری شده‌اند. بر اساس معیارهای ورود افرادی که در فاز یک و دو مطالعه ژنتیک کاردیومتابولیک تهران وارد شده‌اند، به دو گروه 'چاق سالم' و 'چاق ناسالم' تقسیم می‌شوند. این دو گروه از نظر ۱۷ پلی مورفیسم نوکلئوتیدی منفرد موثر که از مطالعات قبلی به دست آمده، مقایسه شدند. برای بررسی اثر مارکرهای ژنتیکی از مدل رگرسیون لوجستیک با در نظر گرفتن سن، توان ۲ سن و جنسیت استفاده و توسط نرم افزار PLINK و R انجام شد.

یافته‌ها: در نهایت ۷۶۶ نفر وارد مطالعه کوهورت شدند. که از این تعداد ۲۰۶ (۲۷ درصد) نفر در گروه 'چاق سالم' و ۵۶۰ (۷۳ درصد) نفر در گروه 'چاق ناسالم' قرار گرفتند. طی ۱۵ سال پیگیری، شیوع تجمعی (درجه اطمینان ۹۵ درصد) 'چاق نا سالم' ۱۰ (۹٫۲ تا ۱۰٫۲) درصد بوده است. در مقایسه بین دو گروه 'چاق سالم' با 'چاق نا سالم' وقتی تمام جمعیت شامل مرد و زن وارد مدل شدند، هیچ کدام از مارکرها ارتباط معنی‌داری نداشته‌اند. با توجه به تداخل اثر جنس با مارکرهای متابولیک ($P > 0.001$)، آنالیز sex stratification انجام شد. که در آن مارکر rs1121980 با کاهش و مارکر rs7903146 با افزایش شانس استمرار وضعیت متابولیک سالم در خانم‌های مبتلا به اضافه وزن یا چاقی همراه بوده است. علاوه بر این یک آنالیز به صورت مجزا بر روی خانم‌های منوپوز دو گروه انجام شد، که rs13107325 با افزایش شانس استمرار وضعیت متابولیک سالم در خانم‌های منوپوز همراه بود. در تمام موارد مارکرها به صورت غالب به ارث رسیده‌اند.

نتیجه‌گیری: دو مارکر rs13107325 و rs7903146 نقش محافظت‌کننده در حفظ سلامت متابولیک و مارکر rs1121980 با افزایش ریسک ایجاد سندرم متابولیک همراه بوده‌اند. با توجه به این مطالعه این احتمال مطرح می‌شود که نقش فاکتورهای ژنتیکی مرتبط با سندرم متابولیک در افراد مبتلا به چاقی، وابسته به جنس زن می‌باشد.

واژه‌های کلیدی:

چاق سالم، مارکر ژنتیک، پلی مورفیسم نوکلئوتیدی منفرد، وضعیت متابولیک

(۱) دانشگاه شهید بهشتی : Ahangar88@gmail.com

(۲) پژوهشکده غدد

عملکرد قلب و کیفیت خواب دختران چاق غیر فعال تحت تاثیر فعالیت بدنی تغییر می‌یابد

بختیار ترتیبیان^۱، نوشین آزادپور^۲، مرضیه اجلالی^۳

خلاصه مقاله:

مقدمه: چاقی عامل خطرزا برای بیماری‌های قلبی عروقی بوده و منجر به اختلالات خواب می‌گردد. از سوی دیگر فعالیت بدنی در بهبود کیفیت خواب و عملکرد سیستم قلبی عروقی در افراد چاق نقش مهمی ایفا می‌کند. هدف از این تحقیق بررسی تاثیر ۸ هفته فعالیت بدنی شدت متوسط بر کیفیت خواب و شاخص‌های عملکردی قلب دختران چاق غیر فعال بود. روش اجرا: در این تحقیق نیمه تجربی ۲۴ دختر چاق غیر فعال واجد شرایط با میانگین سنی ۲۰ سال و شاخص توده بدنی بالاتر از ۳۰ کیلوگرم بر متر مربع شرکت کرده و به طور تصادفی در دو گروه تمرین (۱۲ نفر) و کنترل (۱۲ نفر) قرار گرفتند. گروه تمرین به مدت ۸ هفته فعالیت بدنی هوازی (۳ جلسه/هفته، ۶۰ دقیقه/جلسه، شدت ۵۰-۷۰٪ حداکثر ضربان قلب تمرین) انجام دادند. در این مدت گروه کنترل سطح فعالیت جسمانی روزانه خود را حفظ کردند. در گروه کنترل و تمرین در شرایط پایه و ۸ هفته بعد با استفاده از دستگاه اکوکاردیوگرافی شاخص‌های عملکردی قلب و با استفاده از پرسشنامه خواب کیفیت خواب ارزیابی گردید. جهت آنالیز داده‌ها از آزمون‌های آماری t-test و ضریب همبستگی پیرسون در سطح معنی‌داری ≤ 0.05 استفاده گردید. نتایج: کیفیت خواب در گروه تمرین در مقایسه با گروه کنترل به شکل معنی‌داری افزایش یافت ($p \leq 0.05$). در بین شاخص‌های عملکردی قلب، برون ده قلبی در گروه تمرین نسبت به گروه کنترل افزایش معنی‌داری نشان داد ($p \leq 0.05$). بحث و نتیجه‌گیری: فعالیت بدنی شدت متوسط به مدت ۸ هفته در دختران چاق غیر فعال باعث بهبود کیفیت خواب می‌گردد. اما به غیر از برون ده قلبی، تغییرات معنی‌داری در دیگر شاخص‌های عملکردی قلب ایجاد نمی‌کند

واژه‌های کلیدی:

دختران چاق، شاخص‌های عملکردی قلب، کیفیت خواب، فعالیت بدنی

(۱) دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

(۲) بیمارستان امام خمینی اردبیل : no_azadpoor@yahoo.com

(۳) دانشکده تربیت بدنی دانشگاه ارومیه

اثربخشی رفتاردرمانی شناختی بر بهبود تغذیه و وزن نوجوانان دارای اضافه وزن و چاق

سیده فاطمه میری^۱، امیر پاکپور^۲، مریم جوادی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: روند رو به رشد چاقی دوران کودکی و نوجوانی در حال حاضر به عنوان یک موضوع چالش زا و هزینه‌بر در حوزه بهداشت مطرح می باشد. یکی از روشهای درمان چاقی، رفتار درمانی شناختی به عنوان یک رویکرد درمانی مناسب در کاهش وزن مطرح است. هدف این مطالعه ارزیابی اثر رفتار درمانی شناختی (Cognitive behavioral treatment CBT) بر کاهش وزن نوجوانان چاق و دارای اضافه وزن ایرانی است.

روش ها: با استفاده از کارآزمایی کنترل شده تصادفی ۵۵ نوجوان چاق و دارای اضافه وزن (mean [age] SD = ۱۴,۶۴ years; zBMI [۱,۶۹] ۲,۱۸ = [۰,۶۵]) در برنامه CBT شرکت نمودند و ۵۵ نوجوان نیز در گروه کنترل (TAU; mean age = ۱۴,۸۸ [۱,۵۰]; zBMI = ۲,۰۹ [۰,۵۷]) شرکت داشتند. همه شرکت کنندگان چندین پرسشنامه تکمیل نمودند (خودکارآمدی تغذیه ای کودکان، خودکارآمدی سبک زندگی، کیفیت زندگی کودکان و خودکارآمدی رفتار فعالیت جسمانی، دریافت‌های غذایی و فعالیت فیزیکی). وزن، قد، دور کمر، نسبت دور کمر به دور باسن، نمایه توده بدنی (body mass index=BMI) آنها نیز اندازه گیری شد.

یافته ها: در گروه CBT، مصرف میوه، سبزی و لبنیات افزایش معناداری در مقایسه با گروه کنترل در طی ۶ ماه پیگیری داشت (p-values > ۰,۰۰۱). گروه CBT میان وعده‌های شیرین و شور، نوشیدنی‌های شیرین، گوشت‌های فرآوری شده/سوسیس و روغن کمتری نسبت به گروه کنترل در طی ۶ ماه پیگیری مصرف نمودند (p-values > ۰,۰۰۱). به علاوه دور کمر، BMI، نسبت دور کمر به دور باسن و توده چربی بدن در گروه CBT کاهش معناداری طی ۶ ماه پیگیری در مقایسه با گروه کنترل نشان داد (p-values > ۰,۰۰۵). گروه CBT به طور معناداری در کیفیت زندگی توأم با سلامتی، فعالیت فیزیکی و سلامت روانی-اجتماعی ارتقاء یافتند (p-values > ۰,۰۰۱).

نتیجه گیری: برنامه CBT اثربخشی خود را در کاهش وزن نوجوانان دارای اضافه وزن ایرانی نشان داد. مراقبین بهداشتی می‌توانند این برنامه را به منظور درمان مشکلات افزایش وزن در نوجوانان استفاده نمایند.

واژه های کلیدی:

اضافه وزن، نوجوان، تغذیه، چاقی، رفتار درمانی شناختی

(۱) قزوین، خیابان نواب شمالی، مجتمع ادارت نواب، خیابان شهید سلمانی- ساختمان شماره یک ستاد دانشگاه علوم پزشکی، حوزه سیاستگذاری

سلامت : fmiri.nut@gmail.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی قزوین

بررسی سیر ریسک فاکتورهای بالینی و آزمایشگاهی در افراد مبتلا به پره دیابت قبل از بروز دیابت

نوشین احمدی^۱، مجید ولی زاده^۲، داوود خلیلی^۲، فرزاد حدادقی^۲، نوید سعادت^۲، مریم مهدوی^۲

خلاصه مقاله:

مقدمه: سرعت تبدیل پره دیابت به دیابت در جمعیت‌های مختلف حدود ۵ تا ۱۰٪ سالانه می‌باشد. با وجودی که ریسک پیشرفت از پره دیابت به دیابت در طول زندگی فرد بالاست (۷۴٪) اما این پیشرفت با تغییر در شیوه زندگی و مداخلات دارویی قابل پیشگیری می‌باشد. بنابر این اگر ریسک فاکتورهای پیشرفت پره دیابت به دیابت و سیر آنها را بدانیم، مداخلات مبتنی بر فرد امکان پذیر خواهد بود. مطالعه قند و لیپید تهران فرصت انجام چنین مطالعات با پیگیری طولانی مدت را فراهم کرده است. مواد و روشها: در این مطالعه ۱۶۱۰ نفر از شرکت کنندگان در مطالعه کوهورت قند و لیپید تهران (TLGS) در سنین ۲۰ تا ۷۰ سال با پره دیابت اثبات شده به مدت ۱۵ سال تا زمان بروز دیابت و یا آخرین ویزیت مورد پیگیری قرار گرفتند. سیر ریسک فاکتورهای متابولیک مورد بررسی قرار گرفت و بین دو گروهی که دیابت در آنها بروز کرده و گروهی که دیابت رخ نداده مورد مقایسه قرار گرفت. آنالیز آماری به روش مدل‌های خطی تعمیم یافته (GEE) انجام شد. نتایج: در این مطالعه ۸۳۰ نفر (۵۱٫۶٪) در طی ۱۵ سال مبتلا به دیابت شدند. گروه دیابتی نسبت به افراد پره دیابتی که به دیابت مبتلا نشده بودند، BMI بالاتر، دور کم‌بیشتر و FBS و HPG₂ بالاتر، فشار سیستولی و دیاستولی بالاتر، سطح بالاتر TG, LDL و سطح پایین تری از HDL در ابتدای مطالعه داشتند. در این افراد تغییرات این ریسک فاکتورها در طول زمان نیز در افراد دیابتی نسبت به افراد غیر دیابتی قابل توجه بود. در روند FBS, 2HPG تفاوت قابل توجه از ۳ سال قبل از بروز دیابت دیده شد. این تفاوت از ۶ سال قبل از بروز دیابت برای دور کم‌ر و از ۹ سال قبل برای HDL و بیش از ۱۵ سال قبل برای BMI, TG, TG/HDL-C وجود داشت. نتیجه گیری: ریسک فاکتورهای متابولیک سالها قبل از بروز دیابت در افراد پره دیابتی ایجاد میشوند و در افرادی که به دیابت مبتلا می‌شوند سیر نامطلوب‌تری دارند. بنظر می‌رسد تغییرات قندخون تا رسیدن به دیابت در مراحل انتهایی تر اتفاق می‌افتند لذا تمرکز بر پیشگیری از دیابت بایستی از سال‌ها قبل شروع شود.

واژه‌های کلیدی:

پره دیابت، روند، ریسک فاکتور متابولیک، اختلال تحمل گلوکز

(۱) پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران ایران : nooshin_ahmadi@yahoo.com

(۲) پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران ایران

بررسی ارتباط عملکرد جنسی و اندکس توده بدنی (BMI) در زنان بعد از یائسگی

سهیلا نظرپور^۱، معصومه سیمبر^۲، فهیمه رضائی تهرانی^۲، حمید علوی مجد^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: عملکرد جنسی جزء مهمی از زندگی زنان است و تغییر در آن به خصوص بعد از یائسگی، می‌تواند بر سلامت ایشان تأثیرگذار باشد. در طی دوران یائسگی، عوامل متعدد جسمی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌توانند بر عملکرد جنسی زنان یائسه تأثیرگذار باشند. هدف از این مطالعه بررسی رابطه بین شاخص توده بدنی (BMI) و عملکرد جنسی در زنان یائسه می‌باشد.

روش‌ها: بررسی حاضر یک مطالعه توصیفی مبتنی بر جامعه است که بر روی ۴۰۵ زن یائسه، ۴۰ تا ۶۵ ساله ساکن در شهرهای چالوس و نوشهر انجام گرفت. نمونه‌گیری به صورت تصادفی چندمرحله‌ای بود. داده‌ها از طریق مصاحبه و با کاربرد پرسشنامه شاخص عملکرد جنسی زنان (FSFI) و پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری گردید. قد و وزن مشارکت‌کنندگان با استفاده از یک ترازوی کالیبره و قدسنج غیر قابل ارتجاع اندازه‌گیری شد. آنالیز داده‌ها با استفاده از آزمون‌های توصیفی و تحلیلی شامل ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه با کاربرد نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ انجام گردید. میزان P کمتر از ۰/۰۵ معنی دار در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: میانگین نمره کل عملکرد جنسی ۲۴/۱۱ بود و اختلال عملکرد جنسی زنان (FSD) در ۶۱/۰ درصد از مشارکت‌کنندگان مشاهده شد. میانگین شاخص توده بدنی (BMI) و نسبت دور کمر به لگن به ترتیب $29.5 \pm 5/5$ (Kg/m²) و 0.9 ± 0.1 بود. به طور کلی، ۳۳۴ نفر از خانم‌های یائسه (۸۲/۵ درصد) دچار چاقی (۳۹/۰ درصد) و یا اضافه وزن (۴۳/۵ درصد) بودند. بین نمره کلی FSFI و شاخص توده بدنی (BMI) همبستگی معنی داری وجود داشت ($P=0.031$). همچنین همبستگی معنی‌دار قوی بین نمره حیطة درد با شاخص توده بدنی (BMI) و نسبت دور کمر به لگن به دست آمد ($P=0.001$). با این حال، در بررسی رگرسیون چندگانه خطی این نتایج تأیید نشد. **نتیجه‌گیری:** چاقی ممکن است بر عملکرد جنسی زنان یائسه تأثیر بگذارد. این تأثیر می‌تواند در نمره کلی عملکرد جنسی و نمره حیطة درد دیده شود؛ هر چند نتیجه‌گیری قطعی در این زمینه نیازمند انجام مطالعات وسیع‌تری در این زمینه می‌باشد.

واژه‌های کلیدی:

یائسگی، عملکرد جنسی، چاقی، شاخص توده بدنی.

(۱) دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس : sn_9547@yahoo.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



Center of Excellence
for MS Education



Iranian Association
of Endocrine Surgeons



Iran Society of
Endocrinology



Iran Endocrine
Society



Research Institute for
Endocrine Sciences



Shahrooz University
of Medical Sciences

هفتمین کنگره ملی پیشگیری و درمان چاقی ایران
چهارمین کنگره بین المللی جراحی‌های چاقی و متابولیک

۶ تا ۸ آذر ۱۳۹۸ تهران، مرکز همایش‌های شادروان دکتر غرضی، بیمارستان فوق تخصصی میلاد

پوسترها



Center of Excellence
for MEd Education



Iranian Association
of Endoscopic Surgeons



IBS (Iranian Bariatric Society)



Iran Endoscopic
Society



Research Institute for
Endoscopic Sciences



Shahid Beheshti University
of Medical Sciences

هفتمین کنگره ملی پیشگیری و درمان چاقی ایران چهارمین کنگره بین المللی جراحی‌های چاقی و متابولیک

۶ تا ۸ آذر ۱۳۹۸ تهران، مرکز همایش‌های شادروان دکتر غرضی، بیمارستان فوق تخصصی میلاد

Paper ID: 1

ارتباط بین موقعیت کشکک و طول نوار ایلئوتیبیال با نمایه توده بدنی در بیماران مبتلا به درد قدامی زانو

آذر معزی^۱، پریسا نجاتی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: مطالعه حاضر به منظور بررسی ارتباط موقعیت پاتلا و طول نوار ایلئوتی بیال با نمایه توده بدنی در بیماران مبتلا به درد قدامی زانو انجام شده است

روش‌ها: مطالعه حاضر یک بررسی مقطعی است که روی دو گروه از بیماران مبتلا به درد قدامی زانو یکی با نمایه توده بدنی بالا (۳۰ نفر) با میانگین سنی ۳۷ و میانگین نمایه توده بدنی ۲۹٫۸ و دیگری با نمایه توده بدنی نرمال (۳۰ نفر) با میانگین سنی ۳۰/۷ و میانگین نمایه توده بدنی ۲۲٫۶ اجرا شده است. پیامد های اصلی های شدت درد، دامنه حرکتی زانو، موقعیت کشکک و طول نوار ایلئوتیبیال در دو گروه مورد ارزیابی و مقایسه قرار گرفت. آزمون های آماری مورد استفاده در این تحقیق شامل آزمون های تی مستقل و همبستگی پیرسون بودند

یافته‌ها: طول نوار ایلئوتی بیال در دو گروه با نمایه توده بدنی بالا و نرمال اختلاف معناداری را نشان داد. هم چنین در مقایسه دامنه حرکتی فلکسیون و محدودیت دامنه انتهایی اکستنسین زانو در دو گروه تفاوت های معناداری مشاهده شد. آزمون همبستگی پیرسون بین نمایه توده بدنی و نتایج مثبت تست اوبر ارتباط معکوس و معناداری نشان داد، هم چنین بین نمایه توده بدنی با کوتاهی نوار ایلئوتیبیال همبستگی معکوس و نیز بین کوتاهی نوار ایلئوتیبیال و شدت درد در افراد با نمایه توده بدنی بالا همبستگی مثبتی به دست آمد

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه بیانگر همبستگی مثبت بین کوتاهی نوار ایلئوتیبیال و محدودیت حرکتی زانو با نمایه توده بدنی در بیماران مبتلا به درد قدامی زانو است، اما بین نمایه توده بدنی و موقعیت کشکک تفاوتی همبستگی خاصی وجود نداشت

واژه های کلیدی:

کشکک، نوار ایلئوتیبیال، درد قدامی زانو، نمایه توده بدنی، Pain Knee Anterior، Band Iliotibial، Patella، Index Mass Body

(۱) دانشگاه علوم پزشکی ایران : azarmoezy@yahoo.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی ایران

Paper ID: 2

بررسی دریافت فولات، ویتامین B_{۱۲}، ویتامین B_۶ رژیم غذایی در رابطه با دمانسریحانه کیامنش^۱، یداله محرابی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: یافته‌های مطالعات، ارتباط دریافت ویتامین‌های B و خطر ابتلا به دمانس را نشان داده‌اند. هدف از این مطالعه، تعیین ارتباط دریافت فولات، ویتامین B_{۱۲}، ویتامین B_۶ از منابع غذایی و خطر ابتلا به دمانس می‌باشد. **روش‌ها:** ۱۲۰ نفر از زنان و مردان ۵۰ سال و بیشتر در یک طرح مورد-شاهدی همسان سازی شده از نظر جنس و سن (2± سال)، از میان اعضای انجمن آلزایمر ایران در شهر تهران بررسی شدند (سال ۱۳۹۲). ارزیابی‌های رژیم غذایی با استفاده از پرسشنامه بسامد خوراک شامل ۵۰ آیتم منابع غذایی غنی از فولات، ویتامین B_{۱۲}، ویتامین B_۶ و ۲۴ ساعت یادآمد خوراک برآورد و توسط برنامه IV Nutritionist آنالیز گردید. آنالیز آماری داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ انجام گرفت. نسبت شانس (OR) با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک به منظور رفع اثر مخدوش کنندگی دریافت انرژی کل روزانه، سابقه بیماری‌های دیابت، بیماری‌های قلبی عروقی، پرفشاری خون، سکنه‌های مغزی، افسردگی، مصرف الکل و سیگار محاسبه گردید.

یافته‌ها: میانگین دریافت غذایی فولات، ویتامین B_{۱۲}، ویتامین B_۶ در موردها قبل از تعدیل عوامل مخدوش کننده، به ترتیب به میزان (d/gμ) ۲۵۴/۸۷±۱۰۰/۳۸، (d/gμ) ۳/۰۶±۰/۹۵، (d/gμ) ۳/۱۹±۱/۰۳ کمتر از شاهدها مشاهده شد. میانگین دریافت غذایی این ریزمغذی‌ها نیز بعد از تعدیل، کمتر از شاهدها مشخص شد. دریافت غذایی بیشتر از میانه ی فولات (۰/۱۸، ۰/۱۴؛ ۹۵٪ CI: ۰/۰۳، ۰/۰۷؛ ۹۵٪ OR: ۰/۰۷، ۰/۴۶)؛ ویتامین B_{۱۲} (۰/۱۰، ۰/۴۶)؛ ۹۵٪ CI: ۰/۲۱، ۰/۳۲)؛ ویتامین B_۶ (۰/۰۶، ۰/۳۲)؛ ۹۵٪ CI: ۰/۰۴، ۰/۳۱)؛ ویتامین B_{۱۲} (۰/۰۴، ۰/۳۹)؛ ۹۵٪ CI: ۰/۱۳، ۰/۵۱)؛ ویتامین B_۶ (۰/۰۵، ۰/۵۱)؛ ۹۵٪ CI: ۰/۱۶، ۰/۳۹)؛ همراه با کاهش احتمال ابتلا به دمانس مشخص شد. همچنین بعد از تعدیل، با افزایش دریافت غذایی این ریزمغذی‌ها خطر ابتلا به دمانس کاهش یافت.

نتیجه گیری: به نظر می‌رسد، دریافت بیشتر فولات، ویتامین B_{۱۲}، ویتامین B_۶ از منابع غذایی در ارتباط با کاهش خطر ابتلا به دمانس باشد. حفظ این ترکیبات از طریق مصرف غذاهای مخصوص می‌تواند یک راهکار مؤثر برای افراد در معرض خطر، به منظور پیشگیری از ابتلا و پیشرفت دمانس باشد.

واژه‌های کلیدی:

فولات، ویتامین B_{۱۲}، ویتامین B_۶، دمانس، رژیم غذایی

(۱) درمانگاه / دانشگاه شهید بهشتی : r_kiamanesh328@yahoo.com

(۲) Sciences Medical of University Beheshti Shahid of Faculty

Paper ID: 3

بررسی شیوع اضافه وزن و چاقی و عوامل موثر بر آن در کودکان ۵-۲ ساله شهر زرنديه

محمود کریمی^۱

خلاصه مقاله:

زمینه و هدف: چاقی دوران کودکی با سلامت جسمی و روانی همه دوران زندگی مرتبط است. این مطالعه به منظور بررسی شیوع اضافه وزن و چاقی و عوامل موثر بر آن در کودکان ۵-۲ ساله شهر زرنديه انجام شد. روش کار: در این مطالعه مقطعی جمعیت مورد مطالعه شامل ۵۷۲ کودک زیر سال دارای پرونده در مراکز بهداشتی درمانی زرنديه بودند که به روش نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب و وارد مطالعه شدند. نمایه توده بدنی کودکان و مادران با استفاده از روش استاندارد اندازه گیری شد و اطلاعات جمعیت شناسی، عملکرد تغذیه ای و عادات فعالیت بدنی کودکان، تهدید درک شده مادران نسبت به چاقی کودکان و سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت توسط پرسشنامه های خود گزارشی برای مادران باسواد و مصاحبه با مادران بی سواد جمع آوری شد. یافته ها: شیوع اضافه وزن و چاقی در مادران به ترتیب ۳۰,۸ و ۲۰,۳ درصد بود. این میزان در کودکان ۱۵/۵ و ۹/۹ درصد بود. تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیرهای BMI مادر، وزن تولد، اشتغال مادر، تماشای تلویزیون < ۲ ساعت در روز، بازی های رایانه ای < ۲ ساعت در روز و مصرف منظم صبحانه (≤ 4 در هفته)، تهدید درک شده، مسئولیت پذیری در سلامت، مدیریت استرس، فعالیت بدنی و تغذیه سالم به ترتیب پیش بینی کننده BMI کودک بودند. نتیجه گیری: نتایج ما نشان داد که شیوع اضافه وزن و چاقی در کودکان پیش دبستانی و مادران آنها بالاست. به نظر می رسد برنامه های مداخله ای مناسب برای کمک به مادران در درک خطر چاقی کودکان و اهمیت ایجاد سبک زندگی سالم آنها در دوران کودکی در جامعه مورد مطالعه ضروری باشد

واژه های کلیدی:

وزن تولد، تهدید درک شده، مسئولیت سلامت، نمایه توده بدنی

Paper ID: 4

بررسی اثر بخشی مداخله آموزشی خود مراقبتی در زمینه فعالیت بدنی در دانشجویان سفیر سلامت

اعظم گراوندی^۱، بهجت مرزبانی^۲

خلاصه مقاله:

زمینه و هدف: فعالیت بدنی کافی و منظم از عوامل اصلی حفظ و ارتقای سلامت در سراسر دوره زندگی است. بی‌تحرکی یک مشکل سلامت عمومی جهانی است. به طور کلی سالیانه ۱/۹ مرگ‌ها در جهان به بی‌تحرکی نسبت داده می‌شود. هدف از این مطالعه تعیین تأثیر مداخله آموزشی بر تغییر آگاهی، نگرش و رفتار دانشجویان سفیر سلامت در زمینه فعالیت بدنی بوده است. روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه مداخله ای بود. که بر روی ۱۰۰ نفر از دانشجو سفیر سلامت شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۷ انجام گردید، اطلاعات توسط یک پرسشنامه در دو مرحله قبل و بعد از مداخله در حیطه های آگاهی، نگرش، عملکرد تغذیه ای و متغیرهای جمعیتی دانشجویان شرکت کننده در مطالعه جمع آوری گردید. داده ها پس از جمع آوری توسط نسخه ۱۳ نرم افزار آماری SPSS و با استفاده از آزمون آماری تی زوجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها: میانگین سنی دانشجویان ۲۳,۳±۴,۶۱ سال بود. ۴۳٪ آنها مرد و ۵۷٪ زن بودند. در این مطالعه میانگین نمره آگاهی دانشجویان قبل و بعد از مداخله آموزشی به ترتیب ۴۰,۷±۸,۴ و ۶۵,۵±۸,۵۸ بوده است. تفاوت آماری معناداری بین میانگین قبل و بعد از آموزش مشاهده گردید. بطوری که پس از مداخله آموزشی سطح آگاهی دانشجویان افزایش یافت ($P < 0,05$). بحث و نتیجه گیری: بحث و نتیجه گیری: پژوهش حاضر نشان داد که برنامه خود مراقبتی فردی با محوریت اجرای آموزش فعالیت بدنی منظم موجب ارتقای آگاهی سفیران سلامت دانشجو می شود. بنابراین می توان با اجرای برنامه های آموزشی سبک زندگی سالم به طرق مختلف موجب ارتقای آگاهی و کیفیت زندگی جوانان و افزایش سال های عمر فعال آنان شد.

واژه های کلیدی:

فعالیت بدنی، سفیر سلامت، خود مراقبتی

(۱) معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه : geravandi_a88@yahoo.com

(۲) معاونت بهداشتی کرمانشاه

Paper ID: 7

مصرف غلات کامل بر پارامترهای چاقی تأثیری ندارد: یک مرور سیستماتیک و متاآنالیز بروزرسانی شده بر روی مطالعات مداخله‌ای کارآزمایی بالینی

مه‌دی صادقیان^۱، سپیده رحمانی^۲، احمد اسماعیل زاده^۳، امید صادقی^۳

خلاصه مقاله:

از زمان انتشار متاآنالیز قبلی بر روی تأثیر دریافت غلات کامل بر پارامترهای چاقی، چندین کارآزمایی بالینی منتشر شده است. بنابراین هدف از مطالعه حاضر، بروز رسانی متاآنالیز قبلی در زمینه تأثیر دریافت غلات کامل بر پارامترهای چاقی با در نظر گرفتن آخرین مطالعات منتشر شده و نیز محدودیت‌های اصلی در آن آنالیز قبلی می باشد. ما در پایگاه‌های PubMed، Scopus، Science of Web Clarivate، Embase، و Scholar Google را جهت بررسی مطالعات مرتبط منتشر شده تا فوریه ۲۰۱۹ با کلیدواژه‌های مرتبط جستجو کردیم. مطالعات کارآزمایی بالینی که به بررسی تأثیر محصولات غلات کامل یا رژیم غنی از غلات کامل در مقایسه با رژیم کنترل بر روی پارامترهای آنتروپومتری (شامل وزن، BMI، دور کمر، توده چربی (FM)) پرداخته بودند وارد آنالیز شدند. در مجموع، تعداد ۲۱ مطالعات با حجم نمونه ۱۷۹۸ نفر، سن بالاتر از ۱۸ سال، در نظر گرفته شدند. براساس ۲۲ اندازه اثر (size effect) از ۱۹ مطالعه بر روی وزن بدن، با حجم نمونه ۱۶۹۸ نفر فرد بالغ، مصرف غلات کامل هیچ تأثیر معنی داری بر وزن بدن نداشت. یافته‌های مشابهی نیز برای BMI مشاهده شده به این صورت که ۱۰ اندازه اثر از ۱۰ کارآزمایی بالینی با حجم نمونه ۷۶۹ نفر اثر معنی داری نشان نداد. با در نظر گرفتن درصد چربی بدن، توده چربی، توده بدون چربی، و دور کمر، هیچ یافته معنی داری مشاهده نشد. در مجموع، یافته‌های ما از این فرضیه که مصرف غلات کامل برای کنترل پارامترهای چاقی توصیه شوند حمایت نمی کند. با توجه به اثرات مفید دریافت غلات کامل بر سایر پارامترهای سلامتی، مطالعات بیشتری با طراحی بهتر نیاز است تا اثر آن بر روی چاقی بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی:

غلات کامل، چاقی، آنتروپومتری، متاآنالیز، کارآزمایی بالینی

(۱) دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز : mehdisad69@gmail.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

(۳) دانشگاه علوم پزشکی تهران

Paper ID: 8

بررسی ارتباط شاخص تغذیه سالم (Index Eating Healthy) با شاخص‌های تن‌سنجی در میان کودکان و نوجوانان ایرانی

مطهر حیدری بنی^۱، رویا ریاحی^۲، رویا کلیشادی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: باتوجه به نقش عادات غذایی در حفظ سلامتی و پیشگیری از بروز بیماری‌ها و اختلالاتی مانند چاقی، بررسی کیفیت رژیم غذایی حائز اهمیت است. به‌طور عمده شاخص تغذیه سالم به‌منظور ارزیابی کیفیت رژیم غذایی افراد بکار می‌رود. هدف این مطالعه بررسی ارتباط شاخص تغذیه سالم با شاخص‌های تن‌سنجی در میان کودکان و نوجوانان ایرانی است.

روش‌ها: در مطالعه مقطعی حاضر که در چهارچوب طرح ملی نظام مراقبت و پیشگیری از بیماری‌های غیر واگیر از دوران کودکی و نوجوانی «یا مطالعه کاسپین چهار (CASPIAN) انجام شده است. ۶۵۰۵ دانش‌آموز در رده سنی ۶ تا ۱۸ سال با روش نمونه‌گیری خوشه‌بندی دو مرحله‌ای ساکن در مناطق شهری و روستایی سراسر کشور انتخاب شدند. از پرسشنامه معتبر ارزیابی سلامت دانش‌آموزان جهت ارزیابی اطلاعات دموگرافیک و کلی افراد و از پرسشنامه نیمه‌کمی بسامد خوراک (۱۶۸ آیتم) جهت ارزیابی دریافت غذایی افراد بکار رفت. اندازه‌گیری شاخص‌های تن‌سنجی شامل شاخص توده بدن، دور کمر، دور باسن و دور گردن توسط افراد آموزش دیده با استفاده از ابزار استاندارد صورت گرفت. شاخص تغذیه‌ی سالم براساس ۹ گروه غذایی شامل میوه، سبزیجات، غلات کامل، مغزها و حبوبات، اسیدهای چرب امگا۳، گوشت قرمز، نمک و نوشیدنی‌های حاوی مواد قندی محاسبه شد.

یافته‌ها: میانگین (انحراف معیار) شاخص تغذیه سالم برابر با ۴۹/۳۶ (۸/۶۳) بود. ارتباط معکوس معناداری میان شاخص تغذیه‌ی سالم با چندک‌های ۱۸۵ام و ۹۰ام شاخص توده بدن مشاهده شد، بطوریکه به‌ازای یک واحد افزایش در نمره شاخص تغذیه‌ی سالم، چندک ۱۸۵ام به اندازه ۰/۰۳۶ و چندک ۹۰ام به اندازه ۰/۰۶۴ کاهش می‌یابد. کاهش معناداری نیز در ازای افزایش نمره شاخص تغذیه‌ی سالم در چندک‌های ۱۵۰ام، ۱۷۵ام، ۱۸۵ام و ۹۰ام اندازه دور کمر، اندازه دور باسن و دور گردن مشاهده شد ($P > 0.05$).

نتیجه‌گیری: باتوجه به یافته‌های این مطالعه و وجود ارتباط معکوس میان شاخص تغذیه سالم و شاخص‌های تن‌سنجی در میان کودکان و نوجوانان، بررسی کیفیت رژیم غذایی کودکان و نوجوانان و دادن آموزش‌های لازم در جهت ارتقا آن حائز اهمیت بنظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی:

شاخص تغذیه‌ی سالم، شاخص‌های تن‌سنجی، کودکان و نوجوانان

(۱) مرکز تحقیقات رشد و نمو کودکان، پژوهشکده پیشگیری اولیه از بیماری‌های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان :

heidari.motahar@gmail.com

(۲) مرکز تحقیقات رشد و نمو کودکان، پژوهشکده پیشگیری اولیه از بیماری‌های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

Paper ID: 9

بررسی وضعیت شاخص تن سنجی مرتبط با تغذیه در گروه سنی نوجوانان (۵ تا ۱۸ سال) در مناطق تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۷

کامبیز نعمتی^۱، سحر اسمعیلی دورانی^۲، فرشته فزونی^۲، شهنام عرشی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه و هدف: یکی از مهمترین و در دسترس ترین راه‌های ارزیابی وضعیت تغذیه در کودکان و نوجوانان، اندازه‌گیری قد و وزن و محاسبه نمایه توده بدنی (BMI) و مقایسه آن با نمودارهای استاندارد می‌باشد، که مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی (WHO) است. لذا این بررسی با هدف شناسایی وضعیت شاخص‌های تن سنجی مرتبط با تغذیه در گروه سنی نوجوانان (۵ تا ۱۸ سال) انجام شد. روش‌ها: در این مطالعه، اطلاعات کلیه نوجوانان (گروه سنی ۵-۱۸ سال) که جهت انجام مراقبت‌های غربالگری به مراکز جامع سلامت و یا پایگاه‌های بهداشت مراجعه نمودند، مورد بررسی قرار گرفت. در این مراکز و پایگاه‌ها، قد و وزن ایشان اندازه‌گیری و نمایه توده بدنی (BMI) محاسبه شد. این یک بررسی توصیفی است در دوره زمانی یکساله (از تیر ماه ۱۳۹۷ تا پایان خرداد ماه ۱۳۹۸) اطلاعات شاخص‌های مرتبط با تغذیه‌ی نوجوانان مورد بررسی قرار گرفت، در این فاصله زمانی، تعداد ۵۱۵۲۸۹ نفر مورد غربالگری قرار گرفتند که قد و وزن ایشان، با استفاده از قدسنج و ترازو بزرگسال استاندارد اندازه‌گیری و نمایه توده بدنی (BMI) محاسبه شد. افراد براساس وزن به پنج گروه (لاغری شدید، لاغر، وزن طبیعی، اضافه وزن و چاق) و بر اساس قد، به چهار گروه (کوتاه قد شدید، کوتاه قد، قد طبیعی و بلند قد) تقسیم شدند. یافته‌ها: در بین نفر غربالگری شده، ۱۰۰۴۴ نفر دچار لاغری شدید (۱٫۶٪)، ۲۶۶۷۸ نفر دچار لاغری (۶٫۰٪)، ۲۹۰۷۰۷ نفر وزن طبیعی (۶۵٫۳٪)، ۷۲۷۳۸ نفر دچار اضافه وزن (۱۶٫۳٪) و ۴۸۶۰۶ نفر چاق (۱۰٫۹٪) بودند. و شیوع چاقی و اضافه وزن با اختلاف معنی‌داری بیش از لاغری بود. ($P < 0.005$) در این گروه سنی، ۲۸۲۸ نفر دچار کوتاه‌قدی شدید (۰٫۶٪)، ۸۳۳۴ نفر دچار کوتاه‌قدی (۱٫۹٪) بودند و ۴ نفر قد طبیعی (۹۶٫۴٪) و ۲۷۹۰ نفر هم بلندقدی شدید (۰٫۶٪) داشتند. شیوع کوتاه‌قدی شدید و بلندقدی اختلاف معنی‌داری ندارد. ولی شیوع مجموع کوتاه‌قدی و کوتاه‌قدی شدید با اختلاف معنی‌داری بیشتر از بلندقدی بود. ($P < 0.005$) نتیجه‌گیری: براساس نتایج مشخص می‌شود که شیوع چاقی و اضافه‌وزن بیش از لاغری بود و شیوع مجموع کوتاه‌قدی و کوتاه‌قدی شدید، بیشتر از بلندقدی بود. که با توجه به این موضوع، بر اهمیت آموزش خانواده‌ها و به خصوص مادران، ارائه الگوی غذایی مناسب و شیوه زندگی صحیح، تأکید می‌شود.

واژه‌های کلیدی:

چاقی، اضافه‌وزن، لاغری، کوتاه‌قدی، دانش‌آموزان

(۱) معاونت امور بهداشتی شهید بهشتی : kambiznemati@yahoo.com

(۲) معاونت امور بهداشتی شهید بهشتی

Paper ID: 10

اثر سیگار بر بیماری‌های قلبی-عروقی در کردنشینان غرب کشور، نتایج مطالعه آینده نگر بیماری‌های غیرواگیر روانسر

بهروز حمزه^۱، یحیی پاسدار^۲، میترا دربندی^۳، رویا صفری فرامانی^۳، فزید نجفی^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: مصرف سیگار یکی از عوامل مخدوش‌کننده قوی در رابطه بین بیماری‌های قلبی عروقی و بسیاری از عوامل خطر آن است. در این مطالعه روابط بین عوامل خطر بیماری‌های قلبی عروقی در سطوح مختلف مصرف سیگار از ابتدای تولد فرد تا زمان شرکت در مطالعه بررسی می‌شود.

روش‌ها: این مطالعه تحلیلی مقطعی داده‌های فاز اولیه مطالعه آینده‌نگر بیماری‌های غیرواگیر روانسر (IRaNCDD) بود که بر روی ۱۰۰۶۳ بزرگسال ۳۵-۶۵ سال انجام شده است. وضعیت سیگار کشیدن در سه گروه سیگاری‌های فعلی، سیگاری‌های سابق و هرگز سیگاری نبوده و از نظر شدت سیگار کشیدن در سه سطح سبک، متوسط و قهار طبقه بندی شد. افراد با سابقه انفارکتوس میوکارد، سکته و بیماری‌های عروق کرونر، و یا مصرف داروهای بیماری‌های قلبی عروقی به عنوان بیمار قلبی عروقی در نظر گرفته شدند. داده‌ها با استفاده از رگرسیون لجستیک تجزیه و تحلیل شدند.

Disease Communicable-Non Ravansar [۱]

یافته‌ها: در افرادی که در حال حاضر سیگاری بودند پرفشاری خون، دیابت و اختلال چربی‌های خون، خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی عروقی را به ترتیب $(P < 0.0001, OR 7/87)$ ، $(P = 0.023, OR 1/47)$ و $(P < 0.0001, OR 1/81)$ برابر افزایش می‌دهند. در افرادی که قبلاً سیگاری بوده‌اند، پرفشاری خون $(P = 0.0001, OR 14/15)$ و دیابت $(P = 0.0001, OR 2/74)$ خطر ابتلا را افزایش می‌دهند. فعالیت بدنی شدید در افرادی که قبلاً سیگاری بودند، یک عامل محافظت‌کننده $(P < 0.0001, OR 0/53)$ در برابر بیماری‌های قلبی-عروقی بود. در افراد مبتلا به اضافه‌وزن یا چاقی خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی عروقی $(P < 0.0001, OR 1/97)$ برابر بیشتر بود. نتیجه‌گیری: دیابت، پرفشاری خون و اختلال چربی‌های خون علاوه بر اینکه به تنهایی جزء عوامل خطر بیماری‌های قلبی عروقی هستند، در همراهی با سیگار خطر ابتلا را افزایش می‌دهند. خطر ابتلا در افراد سیگاری بیشتر از غیر سیگاری و در سیگاری‌های قهار بیشتر از سیگاری‌های سبک و متوسط بود.

واژه‌های کلیدی:

بیماری‌های قلبی عروقی، سیگار، چاقی، دیابت، پرفشاری خون

(۱) دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه: behrooz.hamzeh@kums.ac.ir

(۲) دانشکده تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

(۳) دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

Paper ID: 11

بررسی ارتباط نمایه توده ی بدنی با میزان تغییرات دموگرافیک و پروفایل قند و چربی پس از روزه داری در بیماران دیابتی نوع II

طیبه یزدان یار^۱، محسن اعرابی^۱، آتنا رضانی^۱، زهرا کاشی^۱، پرستو کریمی علی آبادی^۱، مهرانوش سهراب^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: روزه داری بر وضعیت دموگرافیک، پروفایل قند و چربی تاثیرگذار بوده و تفاوت اثر آن در افراد چاق و غیر چاق نا مشخص است. در این تحقیق ارتباط نمایه توده ی بدنی با میزان تغییر دموگرافیک، پروفایل قند و چربی پس از روزه داری در بیماران دیابتی نوع II بررسی گردید.

روش‌ها: در این مطالعه مقطعی ۲۲ فرد دیابتی نوع II با نمایه ی توده بدنی (BMI) کمتر از ۳۰ و ۱۸ فرد با $BMI \geq 30$ با قصد روزه داری، وارد شدند. جمعیت مورد مطالعه از بین بیماران دیابتی مراجعه کننده به درمانگاه‌های تخصصی دانشگاه علوم پزشکی مازندران بصورت تصادفی ساده انتخاب شدند. یک ماه قبل از روزه داری افراد هر دو گروه، جهت اصلاح رژیم غذایی، فعالیت فیزیکی و تعدیل مصرف داروهای دیابت طی روزه داری، تحت مشاوره قرار گرفتند. قبل و پس از روزه داری علاوه بر وزن، دور کمر و فشارخون، پروفایل قند و لیپید ارزیابی شد. سطح معناداری $p < 0.05$ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: تعداد ۱۸ فرد دیابتی چاق ($BMI \geq 30$) با ۲۲ دیابتی غیر چاق (BMI کمتر از ۳۰) مقایسه شدند. در گروه چاق ۸۸/۹٪ و در گروه غیر چاق ۷۷/۳٪ درصد زن بودند ($P=0/34$). سن، سابقه ی دیابت، فشارخون، پروفایل قند و لیپید پایه و داروهای مصرفی بین دو گروه اختلاف معنی دار نداشت ($P > 0/05$). در هر دو گروه بدنمال روزه داری، وزن، دور کمر و قندخون ناشتا به طور معناداری کاهش و تری گلیسرید در هر دو گروه به طور معناداری افزایش یافت ($p < 0/05$). این تغییرات بین دو گروه اختلاف معنی دار نداشت. C-LDL در افراد چاق به طور معناداری کاهش یافت ($p=0/03$) اما این کاهش در گروه غیر چاق معنی دار نبود. در گروه غیر چاق فشارخون دیاستولیک به طور معنی دار پس از روزه داری کاهش پیدا کرد ($p=0/02$).

نتیجه گیری: بر اساس این مطالعه در افراد دیابتی نوع II، روزه داری در هر دو گروه با $BMI \geq 30$ و $BMI < 30$ موجب کاهش وزن، دور کمر، قند ناشتا و افزایش تری گلیسرید گردید. در افراد چاق LDL و در افراد غیر چاق فشارخون دیاستولیک بطور معنی دار کاهش یافت.

واژه های کلیدی:

روزه داری، چاقی، پروفایل قند، پروفایل چربی، دیابت نوع دو، فشارخون

(۱) دانشگاه علوم پزشکی مازندران

(۲) دانشگاه علوم پزشکی مازندران، مرکز تحقیقات دیابت، بیمارستان امام خمینی (ره)، ساری

Paper ID: 13

شیوع چاقی و ارتباط آن با اختلال در لیپیدهای سرمی در رانندگان مراجعه کننده به مرکز طب کار بیمارستان بهارلو

آرزو نجفی^۱، سمانه اکبرپور^۲، مریم سرایی^۲، خسرو صادق نیت^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: چاقی و اضافه وزن به همراه اختلال در لیپیدها یکی از مهم ترین فاکتورهای خطر بیماری های قلبی - عروقی در دنیا محسوب می شود که در رانندگان بدلیل فعالیت بدنی کم بیشتر از جمعیت عمومی دیده می شود. لذا در مطالعه حاضر سعی شده به بررسی شیوع اضافه وزن و چاقی در رانندگان و ارتباط آن با اختلالات لیپیدی پرداخته شود امید است نتایج این مطالعه توجه سیاست‌گذاران را جهت اقدامات پیشگیرانه و درمانی در رانندگان جلب نماید.

روش‌ها: این مطالعه به صورت مقطعی توصیفی بر روی ۹۰۳ راننده مراجعه کننده به مرکز طب کار بیمارستان بهارلو در طی سال ۱۳۹۷ انجام شده است. شاخص توده بدنی به عنوان ابزار ساده غربالگری برای چاقی عمومی و اضافه وزن استفاده گردید که به ترتیب عددهای بزرگتر مساوی ۲۵ و ۳۰ آن به عنوان اضافه وزن و چاقی در نظر گرفته شدند. مقدار کلسترول تام بیشتر مساوی ۲۴۰ و تریگلیسرید بیشتر مساوی ۱۵۰ نیز به عنوان اختلال در لیپیدهای سرمی در نظر گرفته شدند.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد شرکت کننده در مطالعه ۴۲٫۸۴ با انحراف معیار ۱۰٫۱۰ بوده است. از کل افراد شرکت کننده ۴۱۷ نفر (۴۶٫۲٪) دارای اضافه وزن و ۲۰۲ نفر (معادل ۲۲٫۴ درصد) چاق بوده اند. درصد هیپیرکلسترومی و هیپیرتریگلیسریدمی به ترتیب برابر با ۶٫۸ و ۴۱٫۹ درصد بوده است. شیوع هیپیر گلیسیدمی در افراد دارای چاق، دارای اضافه وزن و نرمال به ترتیب برابر با ۵۴ ، ۴۴٫۴ و ۲۹٫۴ درصد (پی ویو = ۰٫۰۰۲) و اعداد متناظر برای هیپیرکلسترومی برابر با ۲٫۸ ، ۸٫۶ ، ۸٫۹ درصد (پی ویو = ۰٫۰۰۷) بوده است.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر علاوه بر اینکه نشان داده است شیوع اضافه وزن و چاقی در رانندگان بالا است موید این مطلب می باشد که چاقی در این گروه نیز مانند دیگر گروههای جمعیتی با افزایش لیپیدها همراه می باشد. لذا لزوم مداخله برای تغییر در شیوه زندگی به منظور کاهش و یا کنترل لیپیدهای سرم از طریق کنترل وزن، و در نهایت کاهش میزان مرگ و میر ناشی از بیماریهای قلبی و عروقی در رانندگان ضروری بنظر می رسد.

واژه های کلیدی:

رانندگان، چاقی، اضافه وزن، لیپیدهای سرمی

(۱) هیات علمی مرکز تحقیقات اختلالات خواب شغلی دانشگاه علوم پزشکی تهران : najafeez@gmail.com

(۲) مرکز تحقیقات اختلالات خواب شغلی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران

(۳) دپارتمان طب کار، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران

Paper ID: 16

تاثیر وضعیت اقتصادی اجتماعی و شیوه زندگی بر ارتباط بین دریافت میوه و سبزی با اضافه وزن و چاقی: مطالعه قند و لیپید تهران

سمیه حسین پور نیازی^۱، پروین میرمیران^۲، فریدون عزیزی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: هدف از این مطالعه بررسی تاثیر وضعیت اقتصادی اجتماعی و شیوه زندگی بر ارتباط بین دریافت میوه و سبزی با چاقی در افراد بزرگسال ۱۹ تا ۷۴ سال شرکت کننده در مطالعه قند و لیپید تهران بود. روش‌ها: این مطالعه در چارچوب مطالعه قند و لیپید تهران، مطالعه‌ای که در سال ۱۳۷۸ آغاز شده و هر سه سال یکبار اطلاعات افراد جمع‌آوری می‌شود، انجام شد. مطالعه حاضر بر روی افراد شرکت کننده در فاز سوم مطالعه انجام شد و افراد در طی فازهای چهارم تا ششم مطالعه پیگیری شدند. طول مدت پیگیری ۸/۹ سال بود. از ۳۴۶۲ نفر در فاز سوم، ۳۲۶۵ نفر دارای داده‌های کامل دموگرافیک، تن‌سنجی، بیوشیمیایی و غذایی (پرسشنامه بسامدخوراک روا و پایا) بودند. افراد دارای اضافه وزن و چاقی، باردار و شیرده، کم‌گزارش‌دهی و بیش‌گزارش‌دهی در شروع مطالعه حذف شدند. افرادی که اطلاعات مورد نظر را در طول دوره پیگیری نداشتند نیز حذف شدند. در نهایت آنالیز بر روی ۲۱۵۲ نفر انجام شد. افراد دارای نمایه توده بدن بیش از ۲۵ کیلوگرم بر مترمربع به عنوان اضافه وزن و چاقی در نظر گرفت شدند. دریافت میوه و سبزی با استفاده از پرسشنامه بسامدخوراک پایا جمع‌آوری شد. ارتباط بین دریافت سبزی و میوه (بیشتر یا کمتر از میانه دریافت) با اضافه وزن و چاقی در زیرگروه‌های جمعیتی بر اساس سطح تحصیلات (دانشگاهی و غیردانشگاهی)، وضعیت شغلی (دارد/ندارد)، سیگاری (بلی/خیر) و تغییرات وزن در طی پیگیری با استفاده از آزمون کاکس انجام شد و به صورت نسبت خطر و فاصله اطمینان ۹۵٪ گزارش شد.

یافته‌ها: میانگین سن افراد شرکت کننده 38.5 ± 12 سال و نمایه توده بدن 23.6 ± 3.5 کیلوگرم بر مترمربع بود. ۴۵/۵ درصد از شرکت کنندگان مرد بودند. در طی مدت پیگیری ۵۲۳ نفر به اضافه وزن و چاقی مبتلا شدند. در افراد با افزایش وزن کمتر از ۷ درصد، دریافت میوه و سبزی کمتر یا بیشتر از مقدار میانه، در مقایسه با افراد با وزن بیشتر از ۷٪، سبب کاهش خطر اضافه وزن و چاقی، پس از تعدیل متغیرهای مخدوش کننده شد (نسبت شانس: ۰/۶۳؛ فاصله اطمینان: ۰/۸۵-۰/۴۵). خطر سندرم متابولیک در افراد با تحصیلات دانشگاهی و دریافت میوه و سبزی بیشتر (۰/۶۸؛ ۰/۸۳-۰/۵۱) یا کمتر از میانه دریافت (۰/۶۱؛ ۰/۷۹-۰/۴۳)، در مقایسه با افراد بدون تحصیلات دانشگاهی با دریافت سبزی و میوه کمتر از میانه کاهش یافت. خطر سندرم متابولیک در افراد غیرسیگاری و دریافت میوه و سبزی بیشتر (۰/۷۸؛ ۰/۹۸-۰/۴۹) یا کمتر از میانه دریافت (۰/۷۴؛ ۰/۹۴-۰/۴۳)، در مقایسه با افراد سیگاری با دریافت سبزی و میوه کمتر از میانه کاهش یافت. وضعیت شغلی هیچ تاثیری بر ارتباط بین دریافت میوه و سبزی و خطر چاقی و اضافه وزن نداشت.

نتیجه گیری: تحصیلات، افزایش وزن و سیگار بر ارتباط بین دریافت میوه و سبزی با خطر اضافه وزن و چاقی موثر می‌باشد.

واژه های کلیدی:

چاقی، افزایش وزن، سبزی و میوه، مطالعه قند و لیپید تهران

(۱) پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم : s.hossainpour@yahoo.com

(۲) پژوهشکده علوم غدد

Paper ID: 17

اثر ترکیبی اولتراسونیک کویتشن و رادیوفرکانسی بر تغییرات پروفایل چربی در ۴ گروه مورد مطالعه

رویا وزیر جواد^۱، ثریا مبصری^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: چاقی بویژه چاقی شکمیوچربی خون خطر بیماریهای قلبی وعروقی را افزایش می دهد. این مطالعه به بررسی اثرات هشت هفته (دوبار در هفته در کل ۱۶ جلسه) درمان کویتشن و رادیوفرکانسی در تغییر ترکیبات بدن و لیپید های سرم در اضافه وزن و چاقی مراجعین ۲۰ تا ۵۵ ساله به دفتر مشاوره تغذیه وبا توجه به سطح کلسترول 200dl/mg و تری گلیسیرید 150dl/mg می باشد.

روش ها: ۱۰۰ نفر از مراجعین دفتر مشاوره تغذیه که دچار اضافه وزن و چاقی بودند در نظر گرفته شده و در ۴ گروه تقسیم و ارزیابی شدند. گروه ۱: شاهد، گروه ۲: فقط کار با دستگاه کویتشن و رادیوفرکانسی، گروه ۳: دستگاه و رژیم غذایی و گروه ۴: دستگاه و رژیم و ورزش هوازی

یافته ها: بعد از دوره درمانی وزن و BMI و کلسترول و تری گلیسیرید گروه ۳ و ۴ به طور معنا داری کاهش یافته بود (وزن: 0.38 ، 0.35 ، BMI: 0.01 و کلسترول: 0.01 و تری گلیسیرید: 0.05) ولی در گروه ۱ و ۲ هیچ یک از آیتیم ها تغییر معنا داری نداشت.

نتیجه گیری: کار با دستگاه کویتشن و رادیو فرکانسی بهتر است با ورزش و رژیم غذایی همراه باشد تا نتایج رضایت بخش تری ایجاد شود.

واژه های کلیدی:

رادیوفرکانسی، کویتشن، شاخص توده بدنی، چاقی، پروفایل لیپیدی، اضافه وزن

(۱) بیمارستان : rvazirijavid2@gmail.com

(۲) مطب

Paper ID: 18

بررسی اثر مکمل یاری عصاره قهوه سبز بر چاقی : یک مطالعه مروری نظام مند و دوز پاسخ متآنالیز بر مطالعات کارآزمایی بالینی تصادفی و کنترل شده

شکوفه سلامت^۱، علی نظری وانانی^۲، حامد کرد ورکانه^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: در سال های اخیر در مورد نقش قهوه سبز در تسهیل روند کاهش وزن مطالعات بسیاری انجام شده است. حدود ۱۰ سال قبل نیز یک مطالعه مروری نظام مند منتشر شد، که نشان داد مکمل یاری با عصاره قهوه سبز تاثیر قابل ملاحظه ای بر اندازه های تن سنجی نداشته است، لذا این مرور جامع نظام مند و دوز پاسخ متآنالیز بر روی کلیه ی مطالعات کارآزمایی بالینی تصادفی و با هدف به روز رسانی و بررسی اثر مکمل یاری قهوه سبز و کلروژنیک اسید بر وزن، شاخص توده بدنی و دور کمر انجام شد.

روش ها: مطالعه ی حاضر بر اساس یک جست و جوی جامع و سیستماتیک در پایگاه های معتبر اطلاعات پزشکی شامل PubMed، Scopus، Science of Web ISI و Scholar Google و بر روی کلیه مقالات کارآزمایی بالینی منتشر شده تا ژوئن ۲۰۱۹ انجام شده است. به طور کلی مطالعات کارآزمایی بالینی که به بررسی اثر مکمل یاری قهوه سبز و کلروژنیک اسید بر تغییرات وزن، شاخص توده بدنی، دور کمر پرداخته بودند وارد آنالیز نهایی شدند و حاصل جمع مطالعات با استفاده از مدل رندوم محاسبه شد.

یافته ها: در مجموع از تعداد ۱۳ مقاله، ۱۶ مطالعه کارآزمایی بالینی وارد متآنالیز حاضر شد. نتایج این مطالعه نشان می دهد که مکمل یاری با قهوه سبز منجر به کاهش معنی دار شاخص توده بدنی (میانگین تغییرات: -0.403 m/kg و 95% فاصله اطمینان: -0.005 و -0.800 و $P=0.047$) و عدم هر نوع تغییر معنی دار در وزن (میانگین تغییرات: -0.585 kg و 95% فاصله اطمینان: 0.329 و -1.498 و $P=0.210$) و دور کمر (میانگین تغییرات: -0.847 cm و 95% فاصله اطمینان: 0.071 و -1.746 و $P=0.070$) شد. در آنالیز زیرگروه ها، مطالعاتی که بر پایه شاخص توده بدنی ≤ 25 انجام شده بودند نسبت به مطالعات بر پایه شاخص توده بدنی >25 ، کاهش معنی دار در وزن و شاخص توده بدنی نشان دادند. همچنین دوره مکل یاری کمتر از ۴ هفته هیچ نوع تاثیری نشان نداد.

نتیجه گیری: نتایج متآنالیز حاضر از تاثیر مثبت مکمل قهوه سبز بر روند کاهش وزن حمایت می کند، همچنین این تاثیر در افراد با شاخص توه بدنی اولیه ≤ 25 قابل ملاحظه تر می باشد.

واژه های کلیدی:

متآنالیز، دوز پاسخ، چاقی، قهوه سبز، شاخص توده بدنی، وزن

(۱) دانشگاه علوم پزشکی اهواز

(۲) دانشگاه علوم پزشکی تهران : nazaryali58@yahoo.com

(۳) دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی تهران

Paper ID: 19

مقایسه ترکیب میکروبیوتای روده در بزرگسالان با وزن نرمال و چاق ایرانی

هانیه السادات اجتهد^۱، شیرین حسنی رنجبر^۲، احمدرضا سروش^۲، سید داوود سیادت^۳، باقر لاریجانی^۴

خلاصه مقاله:

سابقه: شیوع فزاینده چاقی طی دهه‌های اخیر، آن را به چالش بزرگ سلامت عمومی جهان تبدیل کرده است. شواهد اخیر نشان داده است که میکروبیوتای روده می‌تواند از طریق تحریک هورمون‌های سیری، کنترل متابولیسم چربی در بافت چربی، تاثیر بر حساسیت انسولینی و بهبود عملکرد سدی روده در کنترل وزن موثر باشد. در نتیجه، مطالعه اخیر با هدف بررسی الگوی میکروبیوتای روده در ایرانیان چاق و با وزن نرمال انجام گرفته است.

روش‌ها: ترکیب میکروبیوتای روده میان ۳۰ بزرگسال با وزن نرمال (نمایه توده بدنی در محدوده ۱۸/۵ تا ۲۴/۹ m/kg) و ۲۷ بزرگسال چاق (نمایه توده بدنی مساوی و بالاتر از ۳۰ m/kg) در محدوده سنی ۲۰ تا ۴۵ سال مقایسه گردید. به منظور بررسی میکروبیوتای روده از افراد نمونه مدفوع گرفته شد. فراوانی هفت جنس باکتریایی شامل *Lactobacillus*، *Bifidobacterium*، *Akkermansia*، *Bacteroides*، *Faecalibacterium*، *Escherichia* و *Prevotella* در مدفوع به روش *PCR time real quantitative* مورد سنجش قرار گرفت.

یافته‌ها: غلظت قند خون و انسولین ناشتا و شاخص مقاومت انسولینی *IR-HOMA* در گروه چاق بالاتر از گروه نرمال بوده است ($P < 0.05$). غلظت تری‌گلیسرید در بزرگسالان چاق و غلظت کلسترول *HDL* در بزرگسالان نرمال بالاتر می‌باشد ($P < 0.01$). غلظت *hsCRP* نیز در گروه چاق نسبت به گروه با وزن نرمال بیشتر بوده است ($P < 0.001$). فراوانی جنس *Akkermansia* در افراد با وزن نرمال نسبت به افراد چاق بطور معنی داری بالاتر بوده است ($P = 0.003$). میزان *Bifidobacterium* در افراد با وزن نرمال و میزان *Prevotella* در افراد چاق بالاتر است؛ هرچند که از لحاظ آماری به سطح معنی‌داری نرسیده است ($P < 0.05$). میزان *Akkermansia* با شاخص‌های تن‌سنجی نمایه توده بدنی ($P = 0.006$)، وزن ($r = -0.36$ ، $P = 0.002$)، دور کمر ($r = -0.35$ ، $P = 0.007$) و دور باسن ($r = -0.36$ ، $P = 0.006$) و همچنین غلظت انسولین ($r = -0.37$ ، $P = 0.006$) و شاخص *HOMA* ($r = -0.3$ ، $P = 0.028$) ارتباط معکوس معنی‌داری دارد.

نتیجه‌گیری: شواهد اخیر از کاهش فراوانی *Akkermansia* در شرایط چاقی حمایت کرده‌اند. هر چند تفاوت‌های مشاهده شده در فراوانی نسبی جنس‌های باکتریایی مدفوع میان افراد چاق و افراد با وزن نرمال ایرانی نیاز به تایید در مطالعات بزرگتر دارد.

واژه‌های کلیدی: چاقی، میکروبیوتا، وزن

۱) دانشگاه علوم پزشکی تهران : haniejtahed@yahoo.com

۲) مرکز تحقیقات چاقی و عادات غذایی، پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران

۳) مرکز تحقیقات میکروبیولوژی، انستیتو پاستور تهران

۴) مرکز تحقیقات غدد و متابولیسم، پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران

Paper ID: 20

بررسی اثر مصرف گردو بر چاقی: یک مطالعه مروری نظام مند و دوز پاسخ متاآنالیز بر مطالعات کارآزمایی بالینی تصادفی و کنترل شده

شکوفه سلامت^۱، علی نظری وانانی^۲، حامد کرد ورکانه^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: مطالعات متعددی در ارتباط تاثیر مصرف گردو بر اندازه های تن سنجی منتشر شده، که در بسیاری از آنها نتایج ضد و نقیضی گزارش شده است. لذا این متاآنالیز بر روی مطالعات کارآزمایی بالینی تصادفی کنترل شده و با هدف بررسی تاثیر مصرف گردو بر تغییرات وزن، شاخص توده بدنی، دور کمر و توده چربی انجام شده است. روش ها: مطالعه ی حاضر بر اساس یک جست و جوی جامع و سیستماتیک در پایگاه های معتبر اطلاعات پزشکی شامل PubMed، Scopus، Science of Web ISI و Scholar Google و بر روی کلیه مقالات کارآزمایی بالینی تصادفی منتشر شده تا ژوئن ۲۰۱۹ انجام شده است. به طور کلی مطالعات کارآزمایی بالینی که به بررسی اثر مصرف گردو بر تغییرات وزن، شاخص توده بدنی، دور کمر و توده چربی پرداخته بودند وارد آنالیز نهایی شدند و حاصل جمع مطالعات با استفاده از مدل رندوم محاسبه شد.

یافته ها: به طور کلی ۲۲ مطالعه کارآزمایی بالینی وارد این متاآنالیز شد. نتایج این مطالعه نشان می دهد که مصرف گردو باعث افزایش معنی دار دور کمر (میانگین وزنی تغییرات: ۰/۱۷۰cm و ۹۵٪ فاصله اطمینان: ۰/۳۱۶ و ۰/۰۲۴) شد. در حالی که تاثیر مصرف گردو بر وزن (میانگین تغییرات: ۰/۰۹۴kg و ۹۵٪ فاصله اطمینان: ۰/۲۴۲ و -۰/۰۵۵)، شاخص توده بدنی (میانگین تغییرات: ۰/۴۰m/kg و -۰/۱۶۴ و ۹۵٪ فاصله اطمینان: ۰/۲۴۴ و -۰/۲۴۴) و توده چربی (میانگین تغییرات: ۰/۴۱۴ و -۰/۹۵٪ فاصله اطمینان: ۰/۰۷۳ و -۰/۹۰۲) از لحاظ آماری قابل ملاحظه نبود. آنالیز دوز پاسخ نشان داد که بر اساس دوز گردوی مصرفی، بیشترین میزان تغییرات در وزن (ضریب همبستگی: ۰/۹۱۶-)، شاخص توده بدنی (ضریب همبستگی: ۰/۲۴-) و توده چربی (ضریب همبستگی: ۰/۵۶-) در دوز مصرفی ۳۵گرم در روز مشاهده شد.

نتیجه گیری: مطالعه ی حاضر نشان داد که مصرف گردو سبب کاهش وزن، شاخص توده بدنی و توده چربی نشد. با این وجود آنالیز دوز پاسخ نشان داد که بر اساس دوز گردوی مصرفی، بیشترین میزان تغییرات در وزن، شاخص توده بدنی و توده چربی در دوز مصرفی ۳۵گرم در روز مشاهده گردید.

واژه های کلیدی:

متاآنالیز، دوز پاسخ، چاقی، گردو، شاخص توده بدنی، وزن

(۱) دانشگاه علوم پزشکی اهواز

(۲) دانشگاه علوم پزشکی تهران : nazaryali58@yahoo.com

(۳) دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی تهران

Paper ID: 21

تاثیر متفورمین بر کاهش وزن زنان چاق غیر دیابتی: کارآزمایی بالینی تصادفی دو سو کور

هانیه السادات اجتهد^۱، شیرین حسنی رنجبر^۲، احمدرضا سروش^۲، سید داور سیادت^۳، باقر لاریجانی^۴

خلاصه مقاله:

سابقه: زمینه و هدف: شیوع در حال افزایش چاقی طی دهه های اخیر به عنوان چالش مهم سلامتی در جهان مطرح است. استفاده از مداخلات درمانی در کنار اصلاح شیوه زندگی برای کنترل چاقی رایج است. کارآزمایی بالینی تصادفی دو سو کور حاضر با هدف بررسی اثرات متفورمین در مقایسه با دارونما در کنار رژیم غذایی کم کالری بر زنان چاق غیر دیابتی انجام گرفته است.

روش‌ها: روش مطالعه: ۴۶ زن چاق در محدوده سنی ۲۰ تا ۵۰ سال بطور تصادفی به دو گروه متفورمین یا دارونما وارد شدند. طول مدت مداخله دو ماه بوده است و شرکت کنندگان گروه متفورمین روزانه دو قرص متفورمین ۵۰۰ میلی گرم بعد از وعده های غذایی اصلی و شرکت کنندگان گروه دارونما، روزانه دو قرص دارونما که از لحاظ ظاهری مشابه متفورمین بوده است، مصرف میکردند. برای هر دو گروه رژیم غذایی با کاهش ۵۰۰ کیلوکالری انرژی روزانه تجویز شده بود. اندازه گیریهای تنسجی و آزمایشات بیوشیمیایی قبل از شروع مطالعه و بعد از دو ماه مداخله تکرار شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها: بیست شرکت کننده در گروه متفورمین و شانزده شرکت کننده در گروه دارونما، مطالعه را به پایان رسانده اند. در گروه متفورمین و دارونما، شاهد ۴/۵٪ و ۲/۶٪ کاهش نمایه توده بدنی طی دو ماه مداخله بودیم ($P < 0.01$). میزان کاهش وزن مشاهده شده در گروه متفورمین نسبت به گروه دارونما بطور معنی داری بالاتر بود. غلظت انسولین و شاخص مقاومت انسولینی HOMA در افراد دریافت کننده متفورمین کاهش معنی داری داشته است ($P < 0.05$). میزان کلسترول HDL در این افراد افزایش داشته است ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: بحث و نتیجه گیری: شواهد رو به رشدی از پتانسیل کاهندگی وزن متفورمین در افراد چاق غیر دیابتی حمایت می‌کند. در کارآزمایی بالینی حاضر، متفورمین در کنار رژیم کم کالری در مقایسه با دارونما کاهش وزن بیشتری را در زنان چاق غیر دیابتی طی مدت دو ماه مداخله در پی داشته است. از آنجا که یکی از محدودیت‌های کارآزمایی بالینی حاضر حجم نمونه آن می‌باشد، مطالعات مداخله‌ای بزرگتری با توان بیشتر نیاز است تا نتایج مطالعه حاضر مورد تایید قرار گیرد.

واژه های کلیدی:

متفورمین، چاقی، انسولین، کارآزمایی بالینی

(۱) دانشگاه علوم پزشکی تهران : haniejtahed@yahoo.com

(۲) مرکز تحقیقات چاقی و عادات غذایی، پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران

(۳) مرکز تحقیقات میکروبیولوژی، انستیتو پاستور تهران

(۴) مرکز تحقیقات غدد و متابولیسم، پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران

Paper ID: 23

آیا کلسترول‌های غیراز لیپوپروتئین‌های با چگالی بالا با سندرم متابولیک کودکان در ارتباطند؟

هانیه السادات اجتهد^۱، شیرین حسنی رنجبر^۲، پونه انگورانی^۲، مصطفی قربانی^۳، رویا کلیشادی^۴، رامین حشمت^۵

خلاصه مقاله:

سابقه: C-HDL-non cholesterol lipoprotein density-high-Non (C-HDL-non) به عنوان پیش بینی کننده ارزشمند دیس لیپیدمی و مشکلات قلبی عروقی در نظر گرفته می شود که می تواند شاخصی مناسب برای شناسایی افراد مبتلا به سندرم متابولیک باشد. هدف از این مطالعه بررسی ارتباط بین C-HDL-non و سندرم متابولیک و تعیین نقاط برش این شاخص برای شناسایی سندرم متابولیک در کودکان و نوجوانان ایرانی است.

روش ها: این مطالعه ملی در چارچوب پنجمین فاز کاسپین بر روی کودکان و نوجوانان ۷-۱۸ سال انجام گرفت. سندرم متابولیک توسط معیارهای اصلاح شده برای گروه سنی کودکان III ATP تعریف شد. برای تعیین نقاط برش بهینه non-C-HDL ، C-Diff (تفاوت بین C-HDL-non و C-LDL) و نسبت تری گلیسیرید (TG) به C-HDL برای پیش بینی سندرم متابولیک، از آزمون characteristic operation iverrece (ROC) analysis curve استفاده شد.

یافته ها: در کل شرکت کنندگان مطالعه ۳۸۴۳ دانش آموز با میانگین سنی ۱۲ سال بوده اند (۵۲٪ پسر). شانس C-LDL بالا، C-HDL کم و سندرم متابولیک در کودکانی که C-HDL-non، C-Diff، C-HDL/TG بالاتری داشتند، افزایش می یابد. مقادیر نقاط برش شاخصهای C-HDL-non، C-Diff، C-HDL/TG و C-HDL/TG برای پیش بینی سندرم متابولیک به ترتیب ۱۲۰،۵ میلی گرم در دسی لیتر (حساسیت: ۴۴٪، ویژگی: ۷۳٪)، ۱۹،۹ میلی گرم در دسی لیتر (حساسیت: ۸۵٪، ویژگی: ۷۵٪) و ۲،۵۳ (حساسیت: ۸۲٪، ویژگی: ۷۹٪) بوده است.

نتیجه گیری: این مطالعه ارتباطی مابین جانشینان پروفایل لیپیدهای سرم و سندرم متابولیک کودکان نشان داد. یافته های ما نشان می دهد که مقادیر مرجع مختص سن و جنس این نشانگرها برای طبقه بندی ریسک قلبی-عروقی و کنترل طولانی مدت وقایع قلبی عروقی در ارزیابی های بالینی مناسب میباشد.

واژه های کلیدی:

نوجوانان، کودکان، سندرم متابولیک، پروفایل لیپیدهای سرم

(۱) دانشگاه علوم پزشکی تهران : haniejtahed@yahoo.com

(۲) مرکز تحقیقات چاقی و عادات غذایی، پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران

(۳) دانشگاه علوم پزشکی البرز

(۴) دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

(۵) پژوهشگاه علوم غدد، دانشگاه علوم پزشکی تهران

Paper ID: 24

نسبت دور کمر به قد به عنوان شاخصی برای غربالگری چاقی عمومی و چاقی شکمی در کودکان و نوجوانان ایران

هانیه السادات اجتهد^۱، شیرین حسنی رنجبر^۲، پونه انگورانی^۲، رامین حشمت^۳، رویا کلیشادی^۴، مصطفی قربانی^۵

خلاصه مقاله:

سابقه: نسبت دور کمر به قد (WHtR) به دلیل عدم وابستگی به سن، جنسیت و قومیت، به عنوان یک شاخص تن سنجی ساده برای ارزیابی چربی در نظر گرفته می‌شود. هدف از این مطالعه تعیین نقاط برش WHtR در غربالگری چاقی و مقایسه آن با سایر شاخص‌های چاقی از جمله شاخص توده بدنی (BMI) و دور کمر (WC) در کودکان و نوجوانان ایرانی است. روش‌ها: این مطالعه بزرگ بر روی ۱۴۲۷۴ کودک و نوجوان ایرانی به عنوان یک بررسی ملی بر پایه مدارس در سال ۲۰۱۵ انجام شده است. از آزمون analysis curve (ROC) characteristic operation erreceiv برای تخمین نقاط برش مطلوب WHtR برای پیش بینی چاقی کلی و مرکزی استفاده شد. از ناحیه زیر منحنی (AUC) برای مقایسه توانایی نقاط برش WHtR، در مقایسه با صدکهای BMI و WC در تفکیک دانش آموزان چاق و نرمال با توجه به سن و جنس استفاده شد.

یافته‌ها: نقطه برش بهینه WHtR برای پیش بینی چاقی عمومی در پسران و دختران به ترتیب ۰/۴۹ و ۰/۴۸ و برای چاقی مرکزی براساس دور کمر مساوی و بالاتر از صدک ۹۰ برای هر دو جنس ۰/۵۰ بود. مقادیر زیر منحنی WHtR برای پیش بینی چاقی عمومی و مرکزی ۰/۸۷ و ۰/۹۶ بود که نشان دهنده توانایی بالای این شاخص در پیش بینی است. برای چاقی مرکزی، سطوح زیر منحنی WHtR نسبت به صدک‌های WC برتر بودند. ضریب توافق کاپا بین دور کمر مساوی و بالای صدک نود و شاخص دور کمر به قد مساوی و بالاتر از ۰/۵، ۰/۵۵ بود. نتیجه‌گیری: شاخص دور کمر به قد مساوی و بالاتر از ۰/۵، به عنوان یک ابزار غربالگری ساده و مفید بهتر از دور کمر برای پیش بینی چاقی عمومی و مرکزی در گروه‌های سنی و جنسی مختلف کودکان و نوجوانان ایرانی عمل میکند.

واژه‌های کلیدی:

کودکان، نوجوانان، چاقی، نسبت دور کمر به قد

(۱) دانشگاه علوم پزشکی تهران : haniejtahed@yahoo.com

(۲) مرکز تحقیقات چاقی و عادات غذایی، پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران

(۳) پژوهشگاه غدد دانشگاه علوم پزشکی تهران

(۴) دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

(۵) دانشگاه علوم پزشکی البرز

Paper ID: 25

بررسی شیوع چاقی در دانشجویان پزشکی مشغول به تحصیل در مقطع علوم پایه در دانشگاه علوم پزشکی زاهدان در سال ۹۶

فرزانه منتظری فر^۱، منصور کرجی بانی^۲، فیروزه احمدی بنکدار^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: چاقی یک بحران رو به افزایش بهداشت عمومی در سراسر دنیا است. با توجه به این که چاقی عوارض جدی ای در طول زندگی به دنبال دارند و با توجه به اهمیت سلامت جوانان، مطالعه‌ی حاضر با هدف بررسی شیوع چاقی عمومی و شکمی در دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه در دانشگاه علوم پزشکی زاهدان در سال ۹۶ به انجام رسید.

روش‌ها: مطالعه‌ی حاضر در سال ۹۶ به صورت توصیفی بر روی ۳۷۴ نفر از دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه در دانشگاه علوم پزشکی زاهدان انجام گرفت. وزن و قد جهت محاسبه‌ی BMI، دور کمر جهت محاسبه‌ی چاقی شکمی اندازه‌گیری و سایر مشخصات دموگرافیک از جمله سن، جنس، محل اقامت و فعالیت فیزیکی روزانه، برای این افراد ثبت شد.

یافته‌ها: نتایج این مطالعه نشان داد، ۲۱/۱٪ از دانشجویان دارای دارای اضافه وزن / چاقی (BMI بیشتر از ۲۵) بودند. شیوع اضافه وزن / چاقی در پسران (۲۵،۴٪) بیشتر از دختران دانشجو (۱۶،۹٪) بود. بین چاقی عمومی و جنسیت اختلاف معنادار جزئی مشاهده گردید ($P=0,055$). ۵/۳٪ از دانشجویان دارای چاقی شکمی بودند و در مجموع شیوع چاقی شکمی در پسران (۳۳،۵٪) بیشتر از دختران دانشجو (۹٪) بود. بین چاقی شکمی و جنسیت نیز اختلاف معنادار مشاهده گردید. ($P<0,0001$). ۲۲،۴٪ از دانشجویان دارای اضافه وزن/چاقی دارای فعالیت فیزیکی کمتر از ۳۰ دقیقه در روز بودند. از بین دانشجویان ساکن خوابگاه، به ترتیب ۲۱/۶٪ و ۲۱٪ و دانشجویانی که در منزل سکونت داشتند ۱۸٪ و ۲۲٪ دارای چاقی عمومی (BMI > 25) و چاقی شکمی بودند.

نتیجه‌گیری: به طور کلی نتایج نشان داد شیوع چاقی در پسران بیشتر از دختران می‌باشد. بین چاقی عمومی و محل اقامت، چاقی عمومی و شکمی با جنسیت ارتباط معناداری وجود داشت. برنامه‌ریزی مدون جهت اصلاح سبک زندگی افراد از طریق آموزش و ارائه‌ی الگوی صحیح مصرف غذایی و فعالیت‌های جسمانی مناسب می‌تواند راهکار مناسبی جهت ارتقا سلامت دانشجویان باشد.

واژه‌های کلیدی:

چاقی عمومی، چاقی شکمی، دانشجویان پزشکی

(۱) دانشگاه علوم پزشکی زاهدان : fmontazerifar@gmail.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

Paper ID: 26

تاثیر مصرف پروتئین وی بر سطوح آنانداماید، ۲-آراشیدنوئیل گلیسرول، پروفایل لیپیدی، شاخص‌های التهابی و آدیپوسیتوکین‌ها در زنان چاق غیر یائسه

وحیده آقامحمدی^۱

خلاصه مقاله:

سابقه: برخلاف نقش اندوکانبینوئیدها در افزایش چربی احشایی و تغییرات متابولیسمی مرتبط با چاقی، توجهی به تاثیر پروتئین وی و دیگر محصولات لبنی بر این لیپیدهای اندوژن نشده است. از اینرو این مطالعه طراحی شده است تا اثر پروتئین وی بر سطوح اندوکانبینوئیدها و ارتباط این متغیرها با سایر متغیرهای بیوشیمیایی در زنان چاق تحت رژیم کاهش وزن را بررسی نماید.

روش‌ها: افراد پس از تخصیص تصادفی به دو گروه تخصیص داده شدند: گروه کاهش وزن استاندارد (گروه کنترل=۳۰ نفر)، گروه کاهش وزن +۳۰ گرم مکمل پروتئین وی (گروه مداخله=۳۰ نفر). همه افراد تحت رژیم هیپوکالریک ۸۰۰ کیلوکالری کمتر از انرژی کل مورد نیاز قرار گرفتند.

یافته‌ها: بر اساس مقایسه بین گروهی، دو گروه مورد مطالعه از لحاظ مشخصات دموگرافیکی، سطح فعالیت فیزیکی و تن سنجی، دریافت تغذیه ای به جز دریافت MUFA تفاوت معنی دار نداشتند. ($p > 0/05$). بر اساس نتایج حاصل از تعدیل مخدوش گر، مکمل یاری وی در گروه مداخله به مدت ۸ هفته منجر به کاهش معنی دار متغیرهای اندوکانبینوئیدی، تری گلیسرید، کلسترول تام و α -TNF سرم و افزایش c-HDL و آدیپونکتین نسبت به گروه کنترل شد ($p < 0/05$). در پایان مداخله از لحاظ وزن و نمایه توده بدنی تفاوت آماری معنی داری بین دو گروه در انتهای مطالعه مشاهده نشد ($p > 0/05$). سطوح آنانداماید و ۲-آراشیدنوئیل گلیسرول همبستگی مستقیم معنی دار با c-LDL نشان دادند. کاهش سطوح آنانداماید و ۲-آراشیدنوئیل گلیسرول در گروه مداخله ارتباط مستقیم معنی دار با کاهش تری گلیسرید داشت.

نتیجه گیری: در این مطالعه برای اولین بار یکی دیگر از فواید وی پروتئین بر چاقی و سلامتی نشان داده شد و آن اینکه وی توسط مکانیسم‌های غیر از کاهش وزن می‌تواند اندوکانبینوئید و عوامل خطر متابولیک را کاهش دهد.

واژه‌های کلیدی:

پروتئین وی، رژیم کاهش وزن، اندوکانبینوئیدها، آدیپوکین‌ها، فاکتورهای التهابی، پروفایل لیپیدی

(۱) دانشکده علوم پزشکی خلخال : v_agamohammadi@yahoo.com

Paper ID: 27

بررسی اثر پروتئین وی بر سطوح اندوکانبینوئیدها، شاخص گلیسمی و ترکیب بدن در زنان چاق تحت رژیم کاهش وزن

فاطمه حیدری^۱

خلاصه مقاله:

سابقه: اندوکانبینوئیدها متابولیت های اسید آراشیدونیک می باشند و آنندامید و ۲-آراشیدونوئیل گلیسرول دو اندوکانبینوئید بیشتر شناخته شده هستند. به غیر از تاثیر PUFA و سایر اسیدهای چرب بر سطوح اندوکانبینوئیدها، تاثیر نوترینت های دیگر بر این متغیرها مشخص نیست.

روش ها: شصت زن چاق وارد این کارآزمایی بالینی شدند. افراد پس از تخصیص تصادفی به دو گروه تخصیص داده شدند: گروه کاهش وزن استاندارد (گروه کنترل=۳۰ نفر)، گروه کاهش وزن + مکمل پروتئین وی (گروه مداخله=۳۰ نفر). همه افراد تحت رژیم هیپوکالریک ۸۰۰ کیلوکالری کمتر از انرژی کل مورد نیاز قرار گرفتند. هر یک از افراد گروه مداخله رژیم ایزوکالریک همراه با ۳۰ گرم پودر پروتئین وی (۱ ساشه ۳۰ گرمی پروتئین ایزوله وی) در روز، به مدت ۸ هفته دریافت کردند.

یافته ها: سه نفر در گروه مداخله و یک نفر در گروه کنترل از مطالعه خارج شدند ولی آنالیز نهایی به صورت *to intention treat* صورت گرفت. بر اساس مقایسه بین گروهی، دو گروه مورد مطالعه از لحاظ مشخصات دموگرافیکی، سطح فعالیت فیزیکی و تن سنجی، دریافت تغذیه ای به جز دریافت MUFA تفاوت معنی دار نداشتند. ($p > 0.05$). در انتهای مداخله، میزان دریافت انرژی و ماکرونوترینتها بین دو گروه تفاوت معنی دار نداشت. بر اساس نتایج حاصل از تعدیل مخدوش گرها، مکمل یاری وی در گروه مداخله به مدت ۸ هفته منجر به کاهش معنی دار متغیرهای اندوکانبینوئیدی و گلوکز ناشتا نسبت به گروه کنترل شد ($p < 0.05$). در پایان مداخله، پس از تعدیل اثر متغیرهای مخدوشگر، بین دو گروه متغیرهای دور کمر، درصد چربی بدن، توده بافت ماهیچه ای و نسبت توده عضلانی به توده چربی تفاوت معنی داری را نشان دادند ($p < 0.05$). **نتیجه گیری:** برای اولین بار تاثیر همزمان کاهش وزن و پروتئین وی بر کاهش اندوکانبینوئیدهای پلاسمایی نشان داده شد. هم چنین در این مطالعه، مصرف پروتئین وی، مستقل از کاهش وزن توانست سطوح این ریسک فاکتورها را کاهش دهد.

واژه های کلیدی:

پروتئین وی، چاقی، رژیم کاهش وزن، اندوکانبینوئیدها، شاخص گلیسمیک، ترکیب بدنی

(۱) دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز-دانشکده پیراپزشکی : haidari58@gmail.com

Paper ID: 29

ارتباط چاقی یکی از زوجها با بروز وقایع قلبی عروقی در زوج دیگر: مطالعه قند و لیپید تهران

عدرا رمضانخانی^۱، کامران گیتی^۲، فریدون عزیزی^۲، فرزاد حدائق^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: بیماری‌های قلبی و عروقی (CVD) عامل اصلی مرگ و میر و ناتوانی در سراسر جهان است. شناسایی و مدیریت عوامل خطر این بیماریها همواره یکی از چالش‌های محققین و سیاست‌گذاران بوده است. تحقیقات در مورد زوجین امکان تعیین عوامل خطر محیطی را فراهم آورده است. زیرا زوجها غالباً از نظر موقعیتهای اقتصادی-اجتماعی، الگوی غذایی و سبک زندگی شبیه هستند، اما از نظر ژنتیکی یکسان نیستند. هدف از مطالعه حاضر، بررسی ارتباط چاقی یکی از زوجها با بروز CVD در زوج دیگر بود.

روش‌ها: از میان شرکت کنندگان در مطالعه قند و لیپید تهران، کلیه افراد متاهل ≥ 20 سال با سن ازدواج بالای ۱۸ سال که تا پایان مطالعه حداقل دارای یک فرزند بودند، و به طور همزمان در یکی از فازهای اول (۱۳۷۷-۱۳۸۰) یا دوم (۱۳۸۰-۱۳۸۳) شرکت کرده بودند، وارد مطالعه شده و تا پایان مطالعه (۱۳۹۴) از نظر بروز CVD مورد پیگیری قرار گرفتند. تعداد ۴۳۹۰ فرد (۲۱۵۲ مرد) انتخاب شدند. چاقی عمومی با شاخص توده بدن (BMI) و چاقی شکمی با اندازه دور شکم تعریف شد. ارتباط بین چاقی یک زوج با بروز CVD در زوج دیگر با مدل مخاطرات نسبی کاکس با در نظر گرفتن عوامل مخدوشگر مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: در مدت ۱۶،۱ سال پیگیری، تعداد ۵۸۸ (۴۱۹ مرد) مورد CVD شناسایی شد. یافته‌ها نشان داد که پس از تعدیل نسبت به عوامل مخدوشگر، اضافه وزن ($BMI=25-29.9$) و چاقی ($BMI \geq 30$) در زنها موجب افزایش خطر ابتلا به CVD در همسران آنها گردید. نسبت خطر و فاصله اطمینان ۹۵٪ برای اضافه وزن و چاقی به ترتیب برابر بود با: $(1.03-1.81)$ و $(1.02-1.84)$. یافته‌ها همچنین نشان داد که افزایش هر یک سانتی متر دور شکم در مردان موجب افزایش ۱٪ ($1.01-1.02$) در بروز CVD در همسران آنها گردید.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های مطالعه، در شناسایی و غربالگری افراد در معرض خطر برای CVD رویکرد تمرکز بر همسران ممکن است موثرتر از رویکرد تمرکز بر فرد باشد.

واژه‌های کلیدی:

بیماریهای قلبی عروقی، چاقی، زوج

(۱) پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم : ma.ramezankhani@gmail.com

(۲) پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

Paper ID: 30

ارتباط بین شاخص کنترل قند با چاقی شکمی در بیماران دیابتی ایرانی

ثریا دوست محمدیان^۱، نعیم اسادات کیا^۲، سپیده فتاحی^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: مقدمه و هدف: بر اساس پیش بینی سازمان جهانی بهداشت شیوع دیابت نوع ۲ در کشور ما در سال ۲۰۳۰ از مرز ۶/۴ میلیون نفر خواهد گذشت و به شدت در حال افزایش است. از آنجا که بهبود کنترل قند خون موجب تأخیر در شروع و پیشرفت عوارض میکروواسکولار و ماکروواسکولار میشود، شناخت فاکتورهای مرتبط با آن کلیدی برای درمان موثر این بیماران است. در نتیجه این مطالعه به منظور تعیین شیوع کنترل نامطلوب قند خون با استفاده از معیار C1A Hb و ارتباط آن با چاقی شکمی انجام گردید.

روش‌ها: مطالعه از نوع مقطعی بود که بر روی ۳۸۸ بیمار دیابتی بالای ۳۰ سال مراجعه کننده به کلینیک دیابت انجام پذیرفت. اندازه گیری قد، وزن و دور کمر توسط یک نفر در کلینیک انجام شد. کنترل مطلوب قند خون براساس هموگلوبین گلیکوزیله کمتر از ۷ درصد تعریف شد و چاقی شکمی نیز بر اساس دور کمر بالای ۹۰ سانتی متر در دو جنس در نظر گرفته شد. بیماران باردار، دارای بدخیمی شناخته شده، دیالیزی، هموگلوبینوپاتی، سابقه خونریزی یا تزریق خون طی سه ماه اخیر از مطالعه خارج شدند. نهایتاً داده های بدست آمده توسط نرم افزار SPSS مورد آنالیز قرار گرفتند.

یافته‌ها: در مطالعه ما میانگین C1A Hb ۸/۰۴۴ درصد بود و ۷۴٪ کنترل ضعیف قند خون داشتند. در این مطالعه بین کنترل قند خون و جنس ارتباط دیده شد. طوری که زنان دیابتی کنترل مطلوب تری داشتند. میانگین C1HbA در بیماران با چاقی شکمی ۸/۰۴ ± ۱/۰۴ بود و در آنالیز پیروسون ارتباط دو متغیر -۰/۰۲ بود، لذا از نظر آماری ارتباط معنی داری یافت نشد. (P=۰,۶۵۷).

نتیجه گیری: اگرچه در این مطالعه بین چاقی شکمی و شاخص کنترل قند ارتباطی دیده نشد، ولی جهت بررسی بهتر ارتباط بین چاقی (شکمی یا زرنالیزه) با شاخص کنترل قند خون مطالعات آینده نگر بیشتری لازم هست.

واژه های کلیدی:

چاقی شکمی، کنترل ضعیف قند خون، C1A Hb

(۱) استادیار دانشگاه علوم پزشکی سمنان : sorayadoust@yahoo.com

(۲) مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت علوم پزشکی سمنان

(۳) علوم پزشکی سمنان

Paper ID: 32

شناسایی عوامل زمینه ساز اختلالات خوردن در میان افراد مبتلا به چاقی

بنفشه مهاجرین^۱، مریم بختیاری^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خطر ابتلا به اختلالات خوردن در افراد چاق بیشتر از جمعیت عادی است (موسایگر و همکاران، ۲۰۱۳). با این وجود پژوهش‌های اندکی به شناسایی عوامل روان شناختی موثر در افزایش خطر این اختلال در بین افراد مبتلا به چاقی پرداخته است (اینناکون، د المپیر، اسلا و کوتروفا، ۲۰۱۶). با این وجود تصویر بدنی منفی (کارگیل و همکاران، ۱۹۹۹)، شرم (سجورگ، نلسونو لپر، ۲۰۰۵) و سابقه رویدادهای آسیب زای در کودکی مانند طرد، سوء استفاده (جسمی، جنسی و هیجانی) و غفلت (گلبرت و همکاران، ۲۰۰۶) در بروز اختلالات خوردن نقش مهمی دارند. بنابراین این پژوهش می‌کوشد تا توان پیش‌گویی این مولفه‌ها را در بروز این اختلال در این جمعیت مشخص نماید.

روش‌ها: ۱۲۰ فرد با میانگین شاخص توده بدنی ۳۳ گروه مبتلا به چاقی و ۱۲۰ فرد با میانگین شاخص بدنی ۲۶ گروه کنترل این پژوهش را تشکیل دادند. در ابتدا، گروه‌ها از نظر جنسیت (۶۴ زن و ۵۸ مرد در هر گروه)، سن (میانگین سنی ۳۶ با $SD=2/25$)، میزان تحصیلات (۱۸٪ دیپلم، ۵۸٪ کارشناسی، ۲۰٪ ارشد و ۴ درصد دکترا) هم‌تا گشتند. شرکت‌کننده نسخه فارسی پرسشنامه‌های تصویر بدنی (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۵)، تجربه شرم (رجبی و عباسی، ۱۳۹۰) را کامل کردند و از مصاحبه بالینی ساختار یافته (امینی همایون پور و همکاران، ۱۳۸۶) استفاده شد.

یافته‌ها: روش t دو گروه مستقل و تحلیل رگرسیون چندگانه برای بررسی نتایج استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که گروه هدف به طور معناداری تعداد رویدادهای تروماتیک کودکی ($\chi^2=15/2, df=1, p<$)، میزان شرم ($t=16/000, 53, p<$) و تصویر بدنی منفی ($t=14/00, 53, p<$) آنها به طور معناداری بالا است. شرم تنها عاملی است که به شکل معنادار بروز اختلالات خوردن را پیش‌بینی می‌کند. ($R^2=0/00044, p<$).

نتیجه‌گیری: اهمیت هیجانات منفی در بروز و تداوم اختلالات خوردن اثبات شده است و به نظر می‌رسد توجه ویژه به شرم در پروتکل‌های روان‌درمانی افراد مبتلا به چاقی می‌تواند گامی مهم در پیشگیری از این اختلال باشد.

واژه‌های کلیدی:

چاقی، اختلالات خوردن، شرم، تصور بدنی، رویداد‌های تروماتیک کودکی

(۱) دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی - بیمارستان طالقانی - گروه روانشناسی بالینی : banafshehmohajerin@gmail.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی - بیمارستان طالقانی، گروه روانشناسی بالینی

Paper ID: 33

بررسی ارتباط گروه خونی O با نمایه توده بدنی در زنان مبتلا به دیابت نوع ۲

زهرا کاشی^۱، سید حسن لنگری^۲، سعید عابدیان کناری^۳، عادلہ بهار^۴

خلاصه مقاله:

سابقه: چاقی و گروه های خونی هر کدام به تنهایی بعنوان عامل خطر بسیاری از بیماریهای مهم از جمله دیابت و بیماریهای قلبی عروقی شناخته شده اند. تعدادی از مطالعات قبلی گروه خونی O را بعنوان عامل خطر چاقی مطرح کرده اند. مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط گروه خونی O با نمایه توده بدنی در زنان مبتلا به دیابت نوع ۲ طراحی گردید.

روش ها: این مطالعه مقطعی شامل ۶۴۵ زن مبتلا به دیابت نوع ۲ با سن بالاتر از ۳۰ سال بود که بطور تصادفی از بین بیماران مراجعه کننده به کلینیک های دانشگاهی غدد دانشگاه علوم پزشکی مازندران انتخاب شدند. معیار خروج شامل درمان با انسولین و تiazolidinediones، اختلالات فانکشنال تیروئید، نارسایی پیشرفته ی قلبی-ریوی، ماکروآلبومینوری و کراتینین بالاتر از ۲ dl/mg (به علت ایجاد ادم و افزایش وزن) بود. گروه خونی همه ی افراد شرکت کننده با استفاده از روش Hemagglutination slide Standard تعیین گردید و به صورت گروههای خونی O، A، B، و AB تقسیم شدند. بیماران از نظر سن، مدت ابتلا به دیابت و داروهای مصرفی پایین آورنده ی قند خون با هم همسان شدند. معاینه آنتروپومتری شامل قد و وزن بیماران انجام و نمایه ی توده ی بدنی محاسبه شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و $P \geq 0.05$ به لحاظ آماری معنی دار تلقی گردید.

یافته ها: از ۶۴۵ خانم مبتلا به دیابت نوع دو، ۲۳۳ نفر واجد شرایط ورود به مطالعه بودند (۷۳ نفر با گروه خونی O و ۱۶۰ نفر O-non). اطلاعات بیماران در جدول ۱ آمده است. نمایه توده ی بدنی در افراد با گروه خونی O-non بطور معنی داری بالاتر از گروه خونی O بود. (30.8 ± 4.9 m/kg در برابر 29.3 ± 3.9 و $P=0.03$) در بین گروه های خونی O-non، افراد با گروه خونی B، نمایه ی توده بدنی بالاتری نسبت به دیگر گروه های خونی داشتند (31.4 ± 5.7 m/kg در برابر 29.8 ± 4.0 و $P=0.02$). نمایه توده ی بدنی با گروه خونی A و AB مرتبط نبود. نتیجه گیری: در مطالعه حاضر بر روی خانم های مبتلا به دیابت نوع ۲ انجام شد، افراد با گروه خونی O، وزن و نمایه توده ی بدنی پایین تری نسبت به گروه های خونی O-non داشتند. در بین بیماران با گروه خونی O-non، نمایه توده بدنی در افراد با گروه خونی B بالاتر از دیگر گروهها بود.

واژه های کلیدی:

دیابت، گروه خونی، چاقی، نمایه توده ی بدنی

(۱) مرکز تحقیقات دیابت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری ایران

(۲) دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

(۳) دانشگاه علوم پزشکی مازندران

(۴) دانشگاه علوم پزشکی مازندران : doctor_bahar2000@yahoo.com

Paper ID: 34

بررسی برهمکنش الگوهای غذایی و پلی مورفیسم های ژن R⁴MC در ارتباط با بروز فنوتیپ های چاقیزهرا سادات موسوی زاده^۱، فیروزه حسینی اصفهانی^۲، امیر جوادی^۳، مریم السادات دانشپور^۴، مهدی اکبرزاده^۴،
مریم جوادی^۵، پروین میرمیران^۶، فریدون عزیزی^۷

خلاصه مقاله:

سابقه: یکی از مهمترین ژن های مرتبط با چاقی، ژن گیرنده ملانوکورتین ۴ (R⁴MC)^[1] می باشد؛ براساس نتایج مطالعات قبلی، فاکتورهای محیطی مانند دریافت مواد مغذی، الگوی غذایی و فعالیت بدنی می تواند ارتباط این ژن با چاقی را تعدیل نمایند. بنابراین مطالعه حاضر به بررسی برهمکنش الگوهای غذایی و پلی مورفیسم های ژن R⁴MC در ارتباط با بروز فنوتیپ چاقی پرداخته است. ۱. R⁴MC Receptor ۴-Melanocortin (R⁴MC)

روش ها: در این مطالعه کوهورت (با میانه پیگیری ۴ سال) افراد مورد مطالعه از میان شرکت کنندگان مطالعه قند و لیپید تهران انتخاب شدند (n=۳۸۵۰). الگوهای غذایی با استفاده از روش تحلیل عاملی در ۱۳ گروه غذایی تعیین گردید. ژنوتیپ پلی مورفیسم های انتخابی (IS1۷۷۸۲۳۱۳ و IS1۲۹۷۰۱۳۴) تعیین شد و برهمکنش این پلی مورفیسم ها با چارک های الگوی غذایی در ارتباط با بروز فنوتیپ های چاقی (شامل چاقی شکمی، چاقی عمومی و اختلال چربی احشایی) بررسی گردید.

یافته ها: در مطالعه ما دو الگوی غذایی غالب (سالم و ناسالم) شناسایی گردید. برهمکنش معنی داری بین IS1۷۷۸۲۳۱۳ و الگوی غذایی سالم در ارتباط با بروز چاقی عمومی مشاهده شد (P=۰/۰۱ برهمکنش). اما برهمکنش معنی داری بین پلی مورفیسم ها و الگوهای غذایی در ارتباط با بروز سایر فنوتیپ های چاقی مشاهده نگردید. حاملین آلل C در IS1۷۷۸۲۳۱۳ که در بالاترین چارک الگوی غذایی سالم قرار داشتند در مقایسه با افراد با ژنوتیپ TT، با کاهش معنی داری در بروز چاقی عمومی در ارتباط بودند (CI=۰/۴۲-۰/۸۹، درصد، HR=۰/۶۱). در مورد حاملین آلل A در IS1۲۹۷۰۱۳۴ که در چارک دوم الگوی غذایی سالم قرار داشتند درمقایسه با پایینترین چارک، کاهش معنی داری در ارتباط با بروز چاقی عمومی مشاهده گردید (CI=۰/۴۶-۰/۹۹، درصد، HR=۰/۶۸).

نتیجه گیری: بر اساس یافته های مطالعه حاضر، برهمکنش معنی داری بین پلی مورفیسم IS1۷۷۸۲۳۱ و الگوی غذایی سالم در ارتباط با بروز چاقی عمومی وجود دارد. پیروی از الگوی غذایی سالم می تواند جهت کاهش بروز چاقی در این گروه ژنتیکی مفید باشد. و در نهایت می توان گفت الگوی غذایی تعیین کننده بروز فنوتیپ های چاقی در مطالعه ما می باشد.

واژه های کلیدی:

الگوی غذایی، پلی مورفیسم R⁴MC، چاقی شکمی، چاقی عمومی، اختلال چربی احشایی، برهمکنش

(۱) دانشگاه علوم پزشکی قزوین : zohreh.mosavi@yahoo.com

(۲) مرکز تحقیقات تغذیه در بیماری های غدد درون ریز پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمان

شهید بهشتی

(۳) دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

(۴) مرکز تحقیقات سلولی مولکولی غدد درون ریز پژوهشکده علوم غدد درون ریز، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

(۵) گروه تغذیه دانشگاه علوم پزشکی قزوین

(۶) مرکز تحقیقات تغذیه در بیماری های غدد درون ریز پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمان

شهید بهشتی

(۷) مرکز تحقیقات غدد درون ریز و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی شهید بهشتی

Paper ID: 35

بررسی ارتباط بین شاخص‌های آنتروپومتریک با سن شروع قاعدگی و سندرم پیش از قاعدگی در دختران نوجوان شهر زاهدان، ۱۳۹۸

منصور کرچی بانی^۱، فرزانه منتظری فر^۲، نیلوفر نظری^۳، علیرضا داشی پور^۴

خلاصه مقاله:

سابقه: مقدمه: سندرم پیش از قاعدگی (PMS) به عنوان یکی از مشکلات شایع در بین خانمها که به عود دوره ای ترکیبی از تغییرات جسمی، روانی و رفتاری در فازلوتئال چرخه قاعدگی گفته می شود. بین PMS و شاخص‌های آنتروپومتریک مانند شاخص توده بدن و چربی ارتباط وجود دارد. این مطالعه با هدف تعیین شاخصهای آنتروپومتریک و ارتباط آن با سن شروع قاعدگی و PMS در دختران دبیرستان های شهر زاهدان طراحی شده است. **روش‌ها:** مواد و روشها: این مطالعه توصیفی - تحلیلی، مقطعی بوده و در ۳۰۰ دختر دبیرستانی در شهر زاهدان انجام شد. اطلاعات دموگرافیک و آنتروپومتریک شامل وزن (W.B)، قد (T.H)، شاخص توده بدن (BMI)، محیط دور کمر (Waist) و دور کمر به باسن (RpWH) جهت بررسی علایم PMS از پرسشنامه استاندارد استفاده شد. داده ها جمع آوری و با نرم افزار SPSS ۲۲۷ تجزیه و تحلیل شد. مقدار $P < 0/05$ معنی دار تلقی شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها: نتایج نشان داد از ۳۰۰ دانش آموز دختر جوان، تعداد ۲۲۱ نفر (۷۳/۷٪) دچار سندرم PMS بوده و تعداد ۷۹ نفر (۲۶/۳٪) آنان فاقد این سندرم بوده اند. بین میانگین سن شروع قاعدگی با وزن ($P = 0/004$) و قد ($P = 0/025$) ارتباط مثبت و معنی داری وجود داشت. اما این ارتباط با BMI، WC و RpWH معنی داری نبود. بین نمره حیطة ی جسمانی PMS و سن شروع قاعدگی در دختران دبیرستانی تفاوت معنی داری مشاهده شد ($P = 0/03$). **نتیجه گیری:** نتیجه گیری: با توجه به دامنه تغییرات گسترده سن شروع قاعدگی و ارتباط شاخص‌های آنتروپومتریک با PMS، پیشنهاد میشود وضعیت تغذیه ای و شاخص‌های بدنی دانش آموزان دختر دبیرستانی بهبود یابد.

واژه‌های کلیدی:

شاخص‌های آنتروپومتریک، سن شروع قاعدگی، سندرم پیش از قاعدگی، دختران نوجوان

(۱) گروه تغذیه، مرکز تحقیقات ارتقای سلامت دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران:

mkarajibani@yahoo.com

(۲) گروه تغذیه، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران

(۳) گروه تغذیه، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

(۴) گروه صنایع غذایی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران

Paper ID: 36

بررسی ارتباط سطوح فعالیت بدنی با بروز پیامدهای قلبی-عروقی در بزرگسالان تهرانی: مطالعه قند و لیپید تهران

پریسا امیری^۱، هستی مسیحای اکبر^۱، پریسا ناصری^۱، سارا جلالی فراهانی^۱، داوود خلیلی^۲، آرش قنبریان^۳، فریدون عزیزی^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: زمینه و هدف: اگرچه شواهد موجود ارتباط مستقیم فعالیت بدنی با کاهش احتمال بروز پیامدهای قلبی-عروقی را نشان می‌دهد، در زمینه تاثیر شدت و مدت فعالیت بدنی موثر در کاهش خطر این دست بیماریها در گروه های سنی مختلف، اتفاق نظر وجود ندارد. مطالعه حاضر بعنوان یکی از اولین بررسی های صورت گرفته در این حوزه به بررسی ارتباط سطوح فعالیت بدنی با بروز پیامدهای قلبی-عروقی در بزرگسالان تهرانی میپردازد. **روش ها:** روش مطالعه: با استفاده از داده های مطالعه قند و لیپید تهران، ۴۰۷۳ شرکت کننده بالای ۴۰ سال و بدون بیماری قلبی-عروقی وارد مطالعه شدند و به مدت ۱۲ سال از نظر بروز پیامدهای قلبی-عروقی پیگیری شدند. سطح فعالیت بدنی با استفاده از نسخه ایرانی پرسشنامه فعالیت اصلاح شده (MAQ) ارزیابی شد و بصورت چارک گزارش شد. ارتباط سطوح فعالیت بدنی با بروز پیامدهای قلبی-عروقی (CHD و CVD) با استفاده از مدل خطرات متناسب کاکس در طی ۱۲ سال ارزیابی شد. جهت آنالیز داده ها از ورژن ۱۴ نرم افزار آماری STATA استفاده شد. **یافته ها:** یافته ها: بر اساس یافته های مطالعه حاضر، در مردان و زنان ۴۰ تا ۶۰ سال با افزایش سطح فعالیت بدنی احتمال بروز CHD و CVD کاهش یافت ولی این ارتباط تنها در چارک چهارم فعالیت بدنی و تنها در زنان ۴۰ تا ۶۰ سال معنادار بود. در مدل ۱ و بدون در نظر گرفتن هیچ مخدوشگری، در زنان ۴۰ تا ۶۰ سال که در چارک چهارم فعالیت بدنی قرار داشتند نسبت به چارک اول، نسبت خطر برای پیامدهای CHD و CVD به ترتیب ($P=0.02$ و $CI/95: 0.89/0-3.3/0$) و 0.46% و ($p=0.2/0$ و $0.93/0-3.3/0$) کاهش یافت. بعد از تعدیل متغیرهای وضعیت تاهل، اشتغال، تحصیلات، وضعیت مصرف سیگار و ریسک فاکتورهای قلبی-عروقی در مدل ۴، نسبت خطر CHD و CVD در زنان ۴۰ تا ۶۰ سال، به ترتیب ($P=0.07/0$ و $0.83/0-3.0/0$) : 0.49% ($CI/95: 0.29/0-0.85/0$) و $P=0.1/0$ ($CI/95: 0.51\%$) گزارش شد. در سنین بالای ۶۰ سال در مردان و زنان ارتباط معناداری بین سطوح مختلف فعالیت بدنی با بروز پیامدهای قلبی-عروقی دیده نشد.

نتیجه گیری: بحث و نتیجه گیری: یافته های مطالعه حاضر نشان داد که با افزایش فعالیت بدنی در زنان ۴۰ تا ۶۰ سال، خطر ابتلا به پیامدهای قلبی-عروقی کاهش مییابد. طراحی مداخلاتی با هدف افزایش فعالیت بدنی در این گروه سنی جهت کاهش ابتلا به بیماریهای قلبی-عروقی در برنامه های ارتقا سلامت جامعه توصیه میشود.

واژه های کلیدی:

سطوح فعالیت بدنی، پیامدهای قلبی-عروقی، بزرگسالان

(۱) پژوهشکده ی علوم غدد درون ریز و متابولیسم، مرکز تحقیقات تعیین کننده های اجتماعی سلامت

(۲) مرکز تحقیقات پیشگیری از بیماری های متابولیک، پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

(۳) مرکز تحقیقات غدد درون ریز و متابولیسم، پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

Paper ID: 37

تغییرات فعالیت فیزیکی در نوجوانان ساکن در شهر و روستا های ایران در یک دوره ی زمانی ۶ ساله: یافته های پیمایش ملی عوامل خطر بیماری های غیر واگیر

پریسا ناصری^۱، پریسا امیری^۱، گلناز واحدی نوتاش^۱، سارا جلالی فراهانی^۱، بداله محرابی^۲، نجمه حمزوی زرقانی^۳،
فریدون عزیزی^۴، داوود خلیلی^۵، فرزاد حدائق^۵

خلاصه مقاله:

سابقه: فعالیت فیزیکی ناکافی در دوران نوجوانی علاوه بر این که از مهمترین عوامل زمینه ساز چاقی و عوارض آن محسوب می شود می تواند زمینه ساز سبک زندگی ناسالم و ابتلاء به بیماری های غیرواگیر در بزرگسالی باشد. با توجه به رواج شهرنشینی و تغییرات سبک زندگی در دهه های اخیر، بررسی حاضر برای نخستین بار با هدف ارزیابی تغییرات فعالیت فیزیکی در نوجوانان ایرانی ساکن شهر و روستا طی یک دوره ی زمانی ۶ ساله انجام شد. **روش ها:** تعداد ۱۲۱۷۸ نوجوان ۱۵-۱۹ ساله ی شرکت کننده در پیمایش ملی عوامل خطر بیماری های غیر واگیر در ایران (CDSuRFN) در فاصله سال های ۹۰-۱۳۸۴ مورد بررسی قرار گرفتند. سطوح فعالیت فیزیکی با استفاده از پرسشنامه ی GPAQ تعیین شد. از طرح نمونه گیری پیچیده و رگرسیون لجستیک چند جمله ای برای مدل بندی سطوح فعالیت فیزیکی استفاده شد. مدل ها به تفکیک جنس و ناحیه ی سکونت، برازش داده شدند. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار STATA نسخه ۱۴ انجام شد.

یافته ها: شیوع فعالیت فیزیکی کم (٪) در فاصله ی زمانی ۹۰-۱۳۸۴ در شهر (۳۰،۹۰-۱۹،۷۴) و در روستا (۲۸،۴۶-۱۸،۹۹) بود. با در نظر گرفتن فعالیت فیزیکی زیاد به عنوان مرجع، شیوع فعالیت فیزیکی کم و متوسط در مقایسه با فعالیت فیزیکی زیاد در پسرها نسبت به دخترها به ترتیب (۰،۰۹-۰،۱۴: CI ٪۹۵) و (۰،۱۱) و (۰،۱۷-۰،۲۵: CI ٪۹۵) در شهرها و به ترتیب (۰،۱۰-۰،۱۴: CI ٪۹۵) و (۰،۱۱) و (۰،۱۸-۰،۲۴: CI ٪۹۵) در روستاها بود. همچنین شیوع فعالیت فیزیکی کم و متوسط در دختران روستایی نسبت به دختران شهری به ترتیب (۰،۴۷-۰،۷۴: CI ٪۹۵) و (۰،۵۹) و در پسران روستایی نسبت به پسران شهری به ترتیب (۰،۴۳-۰،۷۵: CI ٪۹۵) و (۰،۵۶) و (۰،۴۸-۰،۷۴: CI ٪۹۵) بود. **نتیجه گیری:** مطالعه ی حاضر روند رو به رشد فعالیت فیزیکی ناکافی را در دختران و پسران نوجوان ایرانی ساکن در شهر و روستا نشان می دهد. یافته های حاضر اهمیت طراحی مداخلات ارتقاء فعالیت فیزیکی را برای همه نوجوانان کشور به ویژه دختران ساکن در شهرهای کشور نشان می دهد.

واژه های کلیدی:

فعالیت فیزیکی، نوجوانان، ایران، شهر، روستا

۱) پژوهشکده ی علوم غدد درون ریز و متابولیسم، مرکز تحقیقات تعیین کننده های اجتماعی سلامت

۲) دانشکده بهداشت، گروه اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳) دانشکده ی علوم پزشکی، گروه آموزش بهداشت، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۴) مرکز تحقیقات غدد درون ریز و متابولیسم، پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۵) مرکز تحقیقات پیشگیری از بیماری های متابولیک، پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

Paper ID: 40

بررسی اثرات مکمل سزآمین بر وضعیت آنتروپومتریک زنان مبتلا به آرتریت روماتوئید

بیژن حلی^۱، لیلا شیخی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: به دلیل افزایش وقوع چاقی و استرس حدود ۹۰٪ جمعیت مسن و ۴۰٪ جمعیت بزرگسال در معرض خطر آرتریت قرار دارند که تهدید بزرگی برای سلامت بشر است. چاقی و اضافه وزن باعث گسترش بیماری روماتوئید در میان زنان می‌شود. مطالعه حاضر با هدف بررسی اثر سزآمین بر وضعیت آنتروپومتریک زنان مبتلا به آرتریت می‌باشد.

روش‌ها: پژوهش حاضر یک مطالعه کار آزمایی بالینی سه سو کور با حجم نمونه ۴۴ نفر می‌باشد. پژوهش حاضر یک مطالعه کار آزمایی بالینی سه سو کور با حجم نمونه ۴۴ نفر می‌باشد. افراد به صورت تصادفی به دو گروه پلاسبو و مصرف کننده سزآمین تقسیم شدند. مدت مداخله ۶ هفته بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS (ویرایش ۱۸) انجام شد. برای مقایسه میانگین شاخص‌های تن سنجی بین دو گروهی دریافت کننده مکمل سزآمین و دارو نما از آزمون آماری *test-t-sample-Independent* استفاده و سطح معناداری $P > 0.05$ لحاظ شد. (کد ثبت IRCT42415111310201)

یافته‌ها: مقایسه درون گروهی متغیرهای مذکور حاکی از آن بود که میانگین وزن در گروه دریافت کننده سزآمین، در انتهای مطالعه (۷۹/۱±۱۳/۲) نسبت به ابتدای مطالعه (۸۱/۰۲±۱۴/۱) کاهش معنی داری داشت ($P=0.049$). همچنین در گروه دریافت کننده سزآمین برخلاف گروه دریافت کننده دارو نما، شاخص توده بدنی، دور کمر، نسبت دور کمر به دور باسن و درصد چربی بدن در انتهای مطالعه در مقایسه با مقادیر ابتدای مطالعه به طور معنی داری کاهش یافت ($P<0.05$). میانگین تغییرات دور لگن و شاخص آدیپوزیتی نیز در گروه سزآمین بیشتر بود ولی از نظر آماری معنی دار نبود ($P>0.05$)

نتیجه گیری: سزآمین به عنوان یکی از ترکیبات مؤثره اصلی روغن کنجد موجب القاء آنزیم‌های دخیل در اکسیداسیون چربی شده و از این طریق اثرات ضد چاقی خود را اعمال می‌کند، بنابراین می‌تواند اثرات بهبود دهندگی و کنترل شاخص‌های آنتروپومتریک را در بیماران مبتلا به آرتریت روماتوئید داشته باشد. لزوم انجام تحقیقات بیشتر با در نظر گرفتن الگو غذایی در این خصوص ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی:

سزآمین، آنتروپومتریک، آرتریت روماتوئید

(۱) علوم پزشکی اهواز

(۲) دانشگاه علوم پزشکی اهواز : lsheikhy@yahoo.com

Paper ID: 41

مقایسه میزان آگاهی خانوارهای شهری و روستایی استان هرمزگان در خصوص مصرف فست فودها و ارتباط آن با خطر بروز اضافه وزن و چاقی در طی سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶

اعظم زمانی^۱، علی موصلی^۲، زهرا مستانه^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: عادات نامطلوب غذایی تهدیدی برای سلامت افراد و افزایش خطر ابتلا به بیماری‌های غیرواگیر می‌باشد. مصرف زیاد غذاهای آماده و سریع (فست فودها) نقش مهمی در بروز اضافه وزن و چاقی دارد. روش‌ها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی-مقطعی است که در طی سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۶ با هدف تعیین میزان ارزیابی وضعیت آگاهی خانوارهای شهری و روستایی استان هرمزگان در مورد ارتباط مصرف فست فودها با بروز اضافه وزن و چاقی اجرا شد، روش نمونه‌گیری به شیوه خوشه‌ای یک مرحله‌ای بود که بر این اساس ۴۵۶ خانوار در ۵۷ خوشه انتخاب شدند. از مجموع ۵۷ خوشه مورد بررسی، ۲۹ خوشه شهری و ۲۸ خوشه روستایی بودند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد خانوارهای شهری و روستایی در خصوص تغذیه (NUTRIKAP) بود که توسط دو نفر پرسشگر دوره دیده و مجرب با مراجعه به درب منزل تکمیل گردید. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روشهای آمار توصیفی توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در بررسی انجام شده در سال ۱۳۹۰ میزان آگاهی خانوارهای مورد بررسی در مورد اثرات مصرف زیاد فست فودها و رابطه آن با بروز اضافه وزن و چاقی در نمونه‌های شهری ۳۶٫۷ درصد و در نمونه‌های روستایی ۲۱٫۹ درصد و در کل نمونه‌ها ۳۰٫۵ درصد بود. همچنین یافته‌های حاصل از تکرار این مطالعه در سال ۱۳۹۶، میزان آگاهی خانوارهای مورد بررسی در نمونه‌های شهری ۶۶٫۸۱ درصد و در نمونه‌های روستایی ۶۳٫۶۸ درصد و در کل نمونه‌ها ۶۵٫۲۷ را نشان داد. نتیجه‌گیری: نتایج این بررسی‌ها نشان می‌دهد که آگاهی خانوارهای مورد بررسی در مورد اثرات مصرف زیاد فست فودها و رابطه آن با بروز اضافه وزن و چاقی، به خصوص در مناطق روستایی در سال ۱۳۹۰ پایین بوده که با آموزش‌های انجام شده و براساس نتایج مطالعه سال ۱۳۹۶ به نظر می‌رسد اجرای برنامه‌های آموزشی به مردم در این خصوص طی ۵ سال به افزایش میزان آگاهی اقشار مختلف جامعه نسبت به مضرات و عواقب استفاده از این نوع غذاها در جامعه منجر شده است.

واژه‌های کلیدی:

چاقی، اضافه وزن، فست فود، استان هرمزگان

(۱) معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان : azamzamani44@yahoo.com

(۲) دانشکده بهداشت

(۳) دانشکده پیراپزشکی

Paper ID: 42

بررسی میزان آگاهی خانوارهای شهری و روستایی در خصوص مصرف نوشابه‌های گازدار و ارتباط آن با خطر بروز اضافه وزن و چاقی در استان هرمزگان ۱۳۹۶

اعظم زمانی^۱، علی موصلی^۲، زهرا مستانه^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: یکی از مهمترین علل مشکلات تغذیه‌ای، عدم آگاهی و در نتیجه عملکرد نامناسب در این مورد است. عادات نامطلوب غذایی در شیوه زندگی کشورهای در حال توسعه از جمله جامعه ما، تهدیدی برای سلامت افراد و افزایش خطر ابتلا به بیماری‌های غیرواگیر می‌باشد. از عوارض مصرف این غذاها چاقی و اضافه وزن، بیماری‌های قلبی عروقی، سرطان و اختلالات گوارشی است.

روش‌ها: این مطالعه از نوع توصیفی-مقطعی است که در ۱۳۹۶ با هدف تعیین میزان ارزیابی وضعیت آگاهی خانوارهای شهری و روستایی استان هرمزگان در مورد ارتباط مصرف نوشابه‌های گازدار با بروز اضافه وزن و چاقی اجرا شد، روش نمونه‌گیری به شیوه خوشه‌ای یک مرحله‌ای بود که بر این اساس ۴۵۶ خانوار در ۵۷ خوشه انتخاب شدند. از مجموع ۵۷ خوشه مورد بررسی، ۲۹ خوشه شهری و ۲۸ خوشه روستایی بودند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد خانوارهای شهری و روستایی در خصوص تغذیه (NUTRIKAP) بود که توسط دو نفر پرسشگر دوره دیده و مجرب با مراجعه به درب منزل تکمیل گردید. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روشهای آمار توصیفی توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: این مطالعه نشان داد که میزان آگاهی خانوارهای مورد بررسی در مورد اثرات مصرف زیاد نوشابه‌های گازدار و رابطه آن با بروز اضافه وزن و چاقی در نمونه‌های شهری ۴۳،۵ درصد و در نمونه‌های روستایی ۵۱،۱۲ درصد و در کل نمونه‌ها ۴۷،۲۵ درصد می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج این بررسی نشان می‌دهد که آگاهی خانوارهای مورد بررسی در مورد اثرات مصرف زیاد نوشابه‌های گازدار و رابطه آن با بروز اضافه وزن و چاقی، با توجه به شیوع بالای اضافه وزن و چاقی و مضرات نوشابه‌های گازدار هنوز کافی نبوده و لذا باید برنامه‌های آموزشی به مردم در این خصوص تداوم یابد.

واژه‌های کلیدی:

چاقی، اضافه وزن، نوشابه‌های گازدار، استان هرمزگان

(۱) معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان : azamzamani44@yahoo.com

(۲) دانشکده بهداشت

(۳) دانشکده پیراپزشکی

Paper ID: 43

اثربخشی گیاهان دارویی در درمان چاقی و سندرم متابولیک: مرور نظام مند و متاآنالیز کارآزمایی‌های بالینی

مولود پیاب^۱، شیرین حسنی رنجبر^۲، محمد عبداله‌هی^۳، مصطفی قربانی^۴، حامد حقی امین جان^۵، شکوفه نیکفر^۵، باقر لاریجانی^۶

خلاصه مقاله:

سابقه: چاقی یک بیماری متابولیکی پیچیده ناشی از تجمع بیش از حد چربی است که نتیجه عدم تعادل بین مقدار دریافت و میزان مصرف انرژی می باشد که شیوع آن در سراسر جهان رو به افزایش است. با وجود انواع مطالعات در درمان و مدیریت این بیماری، 'globesity' یک موضوع بسیار چالش برانگیز باقی مانده است. طیف گسترده ای از گیاهان دارویی، از جمله عصاره آنها و یا ترکیبات موثر جدا شده از گیاهان را می توان برای کاهش وزن و جلوگیری از اضافه وزن استفاده کرد. هدف این مطالعه بررسی نظام مند و متاآنالیز با رویکرد ارزیابی اثربخشی، ایمنی و مکانیسم داروهای گیاهی مؤثر در مدیریت و درمان چاقی و سندرم متابولیک می باشد.

روش‌ها: تمام مطالعات کارآزمایی بالینی تا ابتدای ژوئن ۲۰۱۹ که به بررسی گیاهان دارویی و مواد مؤثره آنها در درمان چاقی و سندرم متابولیک پرداخته شده است، بدون محدودیت زمانی جستجو و بررسی شدند. در این مرحله از بانک‌های اطلاعاتی Pubmed, Scopus, Science of Web و Cochrane استفاده شد. تمام مطالعات انجام شده در پایان ماه مه ۲۰۱۹ در بررسی سیستماتیک در نظر گرفته شده است. داده‌های موردنظر توسط دو متخصص به طور مستقل از مطالعات واجد شرایط استخراج شدند. ارزیابی کیفیت با استفاده از چک لیست (CONSORT) انجام شد. نتایج اصلی و اولیه مورد نظر در این مطالعه شاخصهای آنتروپومتریک و اجزای سندرم متابولیک بود.

یافته‌ها: در مجموع ۲۷۹ مطالعه وارد شد. گیاهان دارویی حاوی چای سبز، فازهولوس ولگاریس، گارسینیا کامبوجیا، سیاه دانه و کارالوما و مواد مؤثره آنها در درمان چاقی و سندرم متابولیک مؤثر بودند. همچنین تخم کتان، اسفناج و شنبلیله قادر به کاهش اشتها بودند. علاوه بر این، افزایش چشمگیر در مصرف انرژی توسط دانه بهشت، چای اوولونگ و چای سبز، و همچنین ترکیبی از تیروزین، چای سبز و کافئین مشاهده شد. نتایج مطالعات کاهش قابل توجهی در ترشح لپتین توسط فازهولوس ولگاریس، گارسینیا کامبوجیا و روغن کلزا را گزارش دادند. متاآنالیز نشان داد که مصرف چای سبز باعث بهبود معنی داری در وزن، BMI، دور کمر، دور باسن و کلسترول می شود. همچنین سیاه دانه منجر به بهبودی معنی داری در وزن و تری

(۱) پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی تهران : moloudpayab@gmail.com

(۲) Center Research Habits Eating and Obesity, Sciences Cellular-Molecular Metabolism and Endocrinology

Institute, Tehran, Sciences Medical of University Tehran, Iran

(۳) دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران

(۴) دانشگاه علوم پزشکی البرز

(۵) دانشکده داروسازی

(۶) پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی تهران

۶ تا ۸ آذر ۱۳۹۸ تهران، مرکز همایش‌های شادروان دکتر غرضی، بیمارستان فوق تخصصی میلاد

گلیسیرید شدند. نتیجه گیری: مطالعات کارآزمایی بالینی با کیفیت بالاتر هنوز هم لازم است تا اثربخشی و ایمنی گیاهان دارویی در درمان چاقی و سندرم متابولیک را مورد بررسی قرار دهد.

نتیجه گیری: مطالعات کارآزمایی بالینی با کیفیت بالاتر هنوز هم لازم است تا اثربخشی و ایمنی گیاهان دارویی در درمان چاقی و سندرم متابولیک را مورد بررسی قرار دهد.

واژه های کلیدی:

چاقی، گیاهان دارویی، سندرم متابولیک، مرور نظام مند، متآنالیز، کارآزمایی بالینی

Paper ID: 44

تاثیر مکمل یاری زنجبیل بر شاخص‌های آنترپومتریک و سطح سرمی آدیپوسایتوکین‌ها در زنان چاق با در نظر گرفتن پلی مورفیسم ژنهای لپتین و آدیپونکتین

وحیده ابراهیم زاده عطاری^۱، علیرضا استادرحیمی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: مطالعه حاضر با هدف بررسی اثر مصرف مکمل زنجبیل بر برخی جنبه‌های متابولیک و بالینی زنان چاق با رویکرد نوتریژنتیک طراحی و اجرا گردید.

روش‌ها: با استفاده از فراخوان عمومی، ۸۰ خانم چاق واجد شرایط و داوطلب در رنج سنی ۴۵-۱۸ سال انتخاب گردید و بطور تصادفی و سه سو کور در یکی از دو گروه مصرف کننده مکمل زنجبیل یا دارونما قرار گرفتند. افراد مورد مطالعه روزانه ۲ گرم پودر زنجبیل یا نشاسته ذرت را بصورت دو قرص یک گرمی به مدت ۱۲ هفته مصرف نمودند. ارزیابی شاخص‌های تن سنجی شامل وزن، قد، نمایه توده بدنی (BMI)، دور کمر و دور باسن و همچنین سنجش ترکیب بدن در ابتدا، وسط و انتهای مداخله انجام شد. خونگیری ناشتا در ابتدا و انتهای مطالعه برای تعیین سطح سرمی لپتین، رزیستین، آدیپونکتین، FBS و انسولین انجام شد. همچنین ژنوتیپ افراد از نظر پلی مورفیسم تک نوکلئوتیدی ژنهای لپتین (۷۷۹۹۰۳۹rs) و آدیپونکتین (۲۲۴۱۷۶۶rs) بررسی گردید.

یافته‌ها: مصرف زنجبیل به مدت ۱۲ هفته موجب کاهش معنی‌دار شاخص‌های تن سنجی و سطح سرمی انسولین و شاخص مقاومت انسولینی (IR-HOMA) و افزایش شاخص حساسیت انسولینی (QUICKI) در مقایسه با مصرف پلاسبو گردید. همچنین کاهش معنی‌دار سطح لپتین، رزیستین و گلوکز در هر دو گروه بویژه گروه زنجبیل مشاهده شد. سطح آدیپونکتین و ترکیب بدن تغییر معنی‌داری در هیچ یک از دو گروه نداشت. همچنین آنالیز تغییرات فوق تحت تاثیر ژنوتیپ افراد نشان داد که تغییرات BMI، توده چربی و سطح سرمی لپتین و آدیپونکتین در گروه زنجبیل در مقایسه با دارونما در افراد با ژنوتیپ GG ژن لپتین و TT و TG آدیپونکتین در مقایسه با سایر ژنوتیپ‌ها قابل توجه تر بود اگرچه از نظر آماری معنی‌دار نبود. نتیجه‌گیری: بطور کلی یافته‌های ما تاثیر مثبت مصرف ۲ گرم در روز پودر زنجبیل را بر کاهش وزن و برخی خصوصیات چاقی نشان داد و این اثربخشی مانند سایر یافته‌های نوتریژنتیک ممکن است تحت تاثیر ژنوتیپ افراد قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی:

چاقی، زنجبیل، مکمل یاری، آدیپوکین، نوتریژنتیک، پلی مورفیسم

(۱) ebrahimzadeh.va@gmail.com : ehMaragh ,Sciences Medical of University Maragheh

(۲) Iran ,Tabriz ,Sciences Medical of University Tabriz

Paper ID: 47

ارتباط بین نمایه ی شکل بدنی (Index Shape Body A-ABSI) با امتیاز استرس ادراک شده در پرستاران شاغل در بیمارستان های تحت نظارت دانشگاه علوم پزشکی تهران

آزاده دهقانی کری بزرگ^۱، مهناز سنجری^۲، صدیقه سالمی^۳، ژیلا مقبولی^۴، خدیجه میرزایی^۵

خلاصه مقاله:

سابقه: امتیاز بالای استرس ادراک شده، با افزایش پر خوری و دریافت بالاتر اسنک ها و هم چنین کاهش دریافت میوه ها در ارتباط است. از طرفی خود چاقی با استرس ادراک شده بالاتر همراه است که می تواند منجر به یک سیکل معیوب شود. شاخص نمایه ی شکل بدنی (Index shape body A -ABSI) شاخص جدید در تعریف چاقی است که نواقص BMI مانند عدم در نظر گرفتن وزن ماهیچه و چربی را نیز برطرف کرده است. هدف از این مطالعه بررسی ارتباط بین امتیاز استرس ادراک شده و ABSI در پرستاران به عنوان یکی از مشاغل با استرس بالا می باشد. روش ها: در مجموع تعداد ۲۷۰ پرستار که در بیمارستان های تحت نظر دانشگاه علوم پزشکی تهران شاغل بودند به طور تصادفی در این مطالعه ی مقطعی انتخاب شدند. پرسشنامه ی رضایت آگاهانه شرکت در مطالعه و هم چنین پرسشنامه ی ۱۰ موردی PSS برای ارزیابی استرس ادراک شده در همه ی افراد شرکت کننده تکمیل شد. شاخص های تن سنجی در همه ی پرستاران وارد شده به مطالعه نیز اندازه گیری شد.

یافته ها: یافته ها نشان داد که ارتباط خطی معناداری (Regression Linear) بین ABSI، دور کمر، وزن، BMI و امتیاز استرس ادراک شده در شرکت کنندگان وجود نداشت (به ترتیب برابر با $Beta = -۰.۶۲,۴۵$ و $value P = ۰.۰۳۴$ ، $Beta = -۰.۰۰۱$ و $value P = ۰.۰۱۲۳$ ، $Beta = -۰.۰۴۶$ و $value P = ۰.۰۰۹$ ، $Beta = -۰.۱۴۸$ و $value P = ۰.۰۰۸$). تقسیم بندی به سهک های امتیاز استرس ادراک شده کم، متوسط و زیاد نیز اختلاف معناداری بین این شاخص ها در گروه های مختلف افراد نشان نداد.

نتیجه گیری: یافته های مطالعه ی حاضر نشان داد که رابطه ی معناداری بین امتیاز استرس ادراک شده و ABSI وجود نداشت. به دلیل حجم نمونه کم مطالعات بیشتر در این خصوص نیاز است تا به ارتباط احتمالی شاخص های تن سنجی و امتیاز استرس ادراک شده پی برد.

واژه های کلیدی:

چاقی، نمایه ی شکل بدنی، امتیاز استرس ادراک شده

(۱) دانشکده علوم تغذیه و رژیم شناسی، دانشکده پرديس بين الملل، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران :

azadehdehghani68@yahoo.com

(۲) مرکز تحقیقات غدد و متابولیسم، انستیتو علوم غدد و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

(۳) دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

(۴) انستیتو غدد و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

(۵) دانشکده علوم تغذیه و رژیم شناسی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

Paper ID: 48

مراقبت های پرستاری در مدیریت چاقی در بیماران

اکرم همتی پور^۱، فروزان جلودار^۲، فروزان طوسی^۳

خلاصه مقاله:

زمینه و هدف: پرستاران به دلیل مراقبت های اولیه در برخورد با بیماران اطلاعات کافی از وزن و مشاوره مدیریتی با بیماران چاق دارند. مداخلات برای تقویت کاهش وزن در بیماران نشان داده است که روش های موثری برای ایجاد تغییرات کوچک برای بیماران وجود دارد. مواد و روش ها. هجده مصاحبه با پرستاران بیمارستان های دانشگاه علوم پزشکی شوشتر انجام شد. مصاحبه ها با استفاده از رویکرد موضوعی ضبط شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج. پرستاران دو نقش را توصیف کردند. یک نقش در زمینه مدیریت چاقی بیمارانی که معیارهای چاقی را داشتند و به طور مرتب در کلینیک ها دیده می شدند. پرستاران دریافتند که این بیماران به طور منظم جهت کنترل وزن مراجعه می کنند. نقش دیگر این بود که موضوع را با بیمارانی که اضافه وزن دارند اما سالم نشان می دهند، بیان کردند. اما نظرات پرستاران با این بیماران با اختلاف نظر همراه بود. بحث و نتیجه گیری برخورد با با بیماران سالم اما دارای اضافه وزن ممکن است نیاز به انگیزه های بیشتری برای تغییر و بحث و گفتگوی فراتر از خطرات سلامتی آینده داشته باشد. این بیماران همچنین برای نظارت بر پیشرفت آنها در کاهش وزن، نیاز به پیگیری های واضح تر دارند. همه بیماران دارای اضافه وزن همچنین به راهنمایی های واضح تر متناسب با شرایط خاص خود در مورد چگونگی کاهش وزن نیاز دارند.

واژه های کلیدی:

مراقبت های پرستاری، چاقی، موانع ارتباطی

(۱) دانشکده علوم پزشکی شوشتر : hematipour.a64@gmail.com

(۲) دانشکده علوم پزشکی شوشتر

(۳) دانشگاه علوم تحقیقات تهران

Paper ID: 49

طراحی و اعتبارسنجی ابزار اندازه‌گیری ولع به غذا خوردن (craving food) با استفاده از فناوری واقعیت مجازی، یک مطالعه مقدماتی

مهديه تهراني^۱، نازیلا نمازی^۲، عطا پورعباسی^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: به نظر می‌رسد عامل ولع به غذا خوردن از میان عوامل تشدید کننده چاقی، مستقل از وضعیت بدنی فرد و BMI، در افزایش میزان کالری دریافتی روزانه و به خصوص مصرف غذاهای مضر موثر باشد. با توجه به کمبود ابزار دقیق، این مطالعه با هدف تدارک اولیه مقدمات به منظور طراحی ابزار موثر در اندازه‌گیری ولع خوردن و ارزیابی اعتبار این ابزار انجام شد.

روش‌ها: در این مطالعه، ۶ مرد و ۸ زن ۲۶ تا ۵۰ ساله شرکت داشتند. شرکت کنندگان ابتدا به عنوان یک استاندارد طلایی توسط متخصص تغذیه از نظر میزان ولع به غذا، روی چارت مدرج امتیاز بندی شدند. در فاز دوم پس از یک هفته و ۴ ساعت پس از آخرین وعده غذایی، پس از تکمیل پرسشنامه ترجمه شده R-T-FCQ، با استفاده از دوربین واقعیت مجازی، ۴۰ عکس استاندارد شده رنگی و سه بعدی غذا از پایگاه System Picture Affective International (IAPS) را به مدت ۸ ثانیه تماشا کرده و با استفاده از مقیاس آنالوگ دیداری کامپیوتری (CVAS) به میزان اشتها آور بودن و میل به خوردن هر غذا امتیاز دادند. در نهایت، با حذف داده‌های ناقص، ۱۲ داده، وارد تحلیل SPSS ورژن ۱۷ شد.

یافته‌ها: میانگین سنی نمونه مطالعه ۳۴/۶۷ و میانگین BMI آنان، ۲۵/۴۸ بود. داده‌های حاصل از تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد بین داده‌های حاصل از پرسشنامه ترجمه شده R-T-FCQ با نظر متخصص تغذیه در خصوص میزان ولع به غذا همبستگی وجود دارد ($r=0.68$) و نمرات حاصل از تست طراحی شده VR با نظر متخصص تغذیه دارای همبستگی مثبت است ولیکن این همبستگی از لحاظ آماری معنی دار نبود.

نتیجه‌گیری: این مطالعه مقدماتی نشان داد ابزار واقعیت مجازی (VR) با رفع نواقص کشف شده از مطالعه اولیه، با کمی کردن داده‌های ولع غذا خوردن و در شرایطی نزدیک به وضعیت زندگی واقعی، برای ارزیابی ولع غذایی در کلینیک‌ها و تحقیقات آینده قابل استفاده است. مطالعات بعدی برای اعتبارسنجی دقیق این روش در حال برنامه‌ریزی و اجراست.

واژه‌های کلیدی:

چاقی، ولع غذا خوردن، شاخص توده بدنی، عینک واقعیت مجازی

(۱) دانشگاه علامه طباطبایی : mahdie.tehrani93@gmail.com

(۲) پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی تهران

(۳) پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی تهران

Paper ID: 50

مقایسه برچسب کالری با برچسب فعالیت فیزیکی: مرور سیستماتیک و متآنالیز

شیرین سیدحمزه^۱، مینو باقری^۲، عباسعلی کشتکار^۳، مصطفی قربانی^۴، آنتونی جی ویرا^۱

خلاصه مقاله:

سابقه: چاقی یک تهدید جدی برای سلامت عمومی می باشد و به همین دلیل برای پیشگیری یا کاهش روند روبه رشد چاقی سیاست های مختلفی در سراسر دنیا اتخاذ شده است. برچسب گذاری مواد غذایی یکی از سیاست هایی است که برای تأثیرگذاری بر انتخاب های غذایی، اطلاعات مفیدی را به مصرف کنندگان می دهد. در این مطالعه مروری ما به مقایسه برچسب گذاری کالری در منوی رستوران های فست فود (نشان دادن کالری غذاها در منو) و برچسب گذاری فعالیت فیزیکی (نشان دادن میزان فعالیت فیزیکی مورد نیاز برای سوزاندن کالری موجود در مواد غذایی) پرداخته ایم تا تفاوت این دو برچسب را در سفارش کالری مصرف کنندگان بررسی کنیم.

روش ها: جستجو در پایگاه های Agris، Science of Web، Scopus، medline / Pubmed، کتابخانه کوکران، Scholar Google و فهرست منابع مطالعات وارد شده انجام شد. مطالعاتی که بین ۱ ژانویه ۲۰۰۰ تا ۳۱ اکتبر ۲۰۱۶ منتشر شده بودند و میزان کالری سفارش داده شده را با برچسب گذاری کالری و برچسب گذاری فعالیت فیزیکی در بزرگسالان مقایسه کرده بودند، وارد متآنالیز شدند. این متآنالیز با استفاده از مدل اثر ثابت و با در نظر گرفتن میانگین و انحراف معیار نتایج مطالعات وارد شده انجام شد.

یافته ها: از نود و دو مقاله کامل که برای ارزیابی معیارهای ورود سنجش شدند، پانزده مورد مطالعات کیفی، ۱۵ مورد مقاله مروری و نامه، ۱۸ مورد در شرکت کنندگان کمتر از ۱۸ سال انجام شده بود و ۴۳ مقاله نیز پیامد مورد نظر را اندازه گیری نکرده بودند. بنابراین، ۸۴ مقاله از متآنالیز خارج شدند، و هشت مقاله در متآنالیز درج شدند. مقدار کالری سفارش داده شده در گروه برچسب گذاری کالری و گروه برچسب گذاری فعالیت فیزیکی تفاوت معنی داری نداشت (SMD: -۰٫۰۳؛ CI ۹۵ I: -۰٫۱۳، ۰٫۰۷). با این حال، مطالعات انجام شده در شرایط واقعی در مقایسه با شرایط غیر واقعی منجر به کاهش ۶۵ کیلو کالری در کالری سفارش داده شد.

نتیجه گیری: در مقایسه برچسب گذاری فعالیت فیزیکی با برچسب گذاری کالری در بین مصرف کنندگان، کاهش قابل توجهی در کالری سفارش داده شده وجود نداشت.

واژه های کلیدی:

سیاست، چاقی، برچسب گذاری، غذا، کالری

(۱) دانشگاه علوم پزشکی تهران: shirinseyedhamzeh@gmail.com

(۲) آمریکا

(۳) دانشگاه علوم پزشکی تهران

(۴) دانشگاه علوم پزشکی البرز

Paper ID: 51

رفتارگرایی معنوی؛ الگویی یکپارچه نگر در کنترل رفتار خوردن

مجتبی نیکپور^۱، محمدمهدی شمسایی^۲، محسن شتی^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: هدف از پژوهش حاضر در گروه درمانی باراکا کنترل رفتار خوردن با استفاده از رفتارگرایی معنوی (استفاده از فنون رفتارگرایی در بستری از معنویت و فضیلت‌های فردی)، در الگویی یکپارچه‌نگر بود. **روش‌ها:** روش: برای محقق شدن این هدف، از روش پژوهشی کیفی شامل مرور سیستماتیک، دلفی و گروه متمرکز استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها: برخی از مفاهیم و تکنیک‌های به‌دست آمده در این الگو عبارت بودند از: پذیرش مسئولیت ژن چاقی به عنوان سرمایه‌ای فردی؛ استفاده از فضیلت‌ها و توانمندی‌های روان‌شناختی در مواجهه با چاقی در مقابل رویکردی منفعلانه با تاکید بر نقاطه ضعف وجود خود؛ تعیین اهداف مطلوب درونی تاثیرگذار بر رفتار خوردن، همخوان با خویشتن (self) به‌جای توجه صرف بر اهداف بیرونی (کاهش عدد وزن و بر اساس معیارهای اجتماعی)؛ رعایت شروط پنج‌گانه بازخورد در ارائه به مراجعه کننده؛ تعدیل احساس محرومیت با امکان دسترسی به سفره متداول؛ مدیتیشن خوردن برای جایگزینی کمیت با کیفیت؛ کاربست C-B-A رفتاری؛ کاربست برنامه تقویت همزمان زنجیره‌ای، شرطی‌سازی تقابلی، شرطی‌سازی کلاسیک، و شرطی‌سازی عامل در افزایش خویشتن‌داری و مدیریت رفتار خوردن؛ وقفه در خوردن-فقط همین سفره؛ واگذاری سفره به تو؛ فاشق طلایی؛ فراخوانی توجه، آگاهی بر افکار، هیجانها و رفتارهای زنجیره‌سازی شده و خودکار.

نتیجه‌گیری: بحث و راهکار: به نظر می‌رسد توجه به تمامی عوامل زیربنایی رفتار خوردن در الگویی یکپارچه‌نگر و به‌کارگیری فنون رفتارگرایی در تقویت فضیلت‌ها و توانمندی‌های منش و درونی افراد برای ایجاد و تقویت رفتار خوردن سالم؛ تحولی مهم در حوزه چاقی باشد. لذا بکارگیری این مفاهیم و تکنیک‌ها به پژوهشگران و درمانگران این حوزه پیشنهاد می‌گردد.

واژه‌های کلیدی:

رفتارگرایی معنوی، رفتار خوردن، یکپارچه‌نگری

(۱) تهران. فلکه دوم صادقیه. ابتدای کاشانی. جنب بیمارستان ابن سینا. ابتدای اعتمادیان. پ. ۲۸. ط. ۴. واحد ۱۹: drmojtbanikpour@gmail.com

(۲) گروه روانشناسی بالینی، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی بندرگز، ایران. عضو مرکز تحقیقات سلامت معنوی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران،

ایران

(۳) دانشگاه ایران

Paper ID: 52

مدت زمان خواب شبانه کمتر با افزایش پارامترهای چاقی در یک جمعیت ایرانی همراه است: مطالعه کوهورت فسا

محمدحسین یزدان پناه^۱، رضا همایونفر^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: در دهه های اخیر افزایش قابل توجهی در شیوع چاقی مشاهده شده است تا جایی که سازمان جهانی بهداشت از چاقی به عنوان اپیدمی جهانی یاد کرده است. اگرچه چاقی میتواند تحت تاثیر ژنتیک افراد باشد اما فاکتور های محیطی و سبک زندگی آنها نیز میتواند نقش به سزایی داشته باشد. مدت زمان خواب افراد میتواند به عنوان یکی از فاکتور های سبک زندگی تاثیرگذار در چاقی افراد مطرح شود. اختلالات خواب باعث کاهش فعالیت بدنی و تغییر در تعادل انرژی دریافتی افراد می شود. بنابراین تصمیم گرفتیم تا مدت زمان خواب افراد را به عنوان یک ریسک فاکتور احتمالی برای چاقی افراد بر اساس شاخص های انتروپومتریکی و ترکیب توده بدنی آنها مورد بررسی قرار دهیم.

روش ها: این مطالعه یک مطالعه مقطعی است که از داده های تمامی افراد تحت نظر در کوهورت فسا استفاده شده است. افراد در محدوده سنی ۳۵ تا ۷۰ سال که در مجموع ۱۱۰۹۷ نفر بودند به عنوان جمعیت هدف در نظر گرفته شدند. همچنین در بدو ورود افراد به مطالعه کوهورت فسا از آنها رضایت کتبی آگاهانه اخذ گردید. بعد از خارج کردن ۹۶۸ نفر (۸.۷۲٪) به دلیل کمبود دیتای خواب و سابقه مصرف منظم هرگونه داروی hypnotic sedative، نهایتاً ۱۰۱۲۹ نفر (۵۵۵۴ زن و ۴۵۷۵ مرد) وارد مطالعه شدند. شاخص توده بدنی (BMI) با استفاده از فرمول تقسیم وزن بر حسب کیلوگرم و مجذور قد بر حسب متر محاسبه گردید. همچنین جهت سنجش ترکیب توده بدنی افراد از روش آنالیز امپدانس بیوالکتریک (BC Tanita-۴۱۸، Japan, corp Tanita) استفاده شد. شاخص های انتروپومتریکی شامل دور مچ، دور لگن و دور کمر توسط فرد آموزش دیده شده اندازه گیری شد. عادات خواب هر فرد به وسیله پرسشنامه پیتزبورگ سنجیده شد. نهایتاً مدت زمان خواب شبانه، با تفریق ساعت بیدار شدن افراد از ساعت به خواب رفتن آنها به صورت ساعت محاسبه شد. بر اساس تعریف Sleep National Foundation خواب شبانه کمتر از ۸ ساعت به عنوان خواب ناکافی و خواب بیشتر از ۸ ساعت به عنوان خواب کافی تلقی شد و افراد به دو گروه تقسیم شدند. جهت آنالیز بین دو گروه از تی تست دو نمونه مستقل استفاده شد. کلیه آنالیزها با استفاده از نرم افزار SPSS IBM Statistics، ۲۳.۷ و در سطح معنی داری زیر ۰.۰۵ انجام شد.

یافته ها: در مجموع افراد، میانگین سنی 48.63 ± 9.57 سال، میانگین ساعات خواب 6.92 ± 1.62 ساعت و همچنین میانگین BMI، 25.65 ± 4.82 m/Kg بود. تعداد افراد از نظر ساعت خواب در گروه کمتر از ۸ ساعت ۶۸۳۵ نفر (۶۷.۴۷٪) و در گروه بیشتر و مساوی ۸ ساعت ۳۲۹۴ نفر (۳۲.۵۳٪) بود. بین ساعات خواب و میزان BMI در مرد ها ($r = 0.077$) و در میان زن ها ($r = 0.034$) ارتباط معنا دار مشاهده شد ($P < 0.001$). در مرد ها از بین شاخص های انتروپومتریکی دور مچ، دور لگن و دور کمر و BMI بین دو گروه خواب کافی و ناکافی تفاوت معناداری وجود داشت ($P < 0.001$). همچنین در میان زن ها، دور لگن، دور کمر و BMI بین دو گروه تفاوت داشتند ($P < 0.001$)، اما دور مچ با $P = 0.095$ تفاوتی بین دو گروه خواب نداشت. در هر دو جنس، بین دو گروه خواب در داده های ترکیب توده بدنی، توده چربی مجموع هر دو دست، مجموع هر دو ران و تده تفاوت معناداری مشاهده شد ($P < 0.01$).

(۱) دانشگاه علوم پزشکی فسا : mhyazdanpanah@yahoo.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی فسا

نتیجه گیری: بررسی ما نشان داد که به طور کلی، افراد با خواب ناکافی دور لگن، دور کمر، دور مچ و BMI بیشتری نسبت به افراد با خواب کافی داشتند و همچنین توده چربی بدنی آنها در قسمت‌های مختلف بدن از جمله تنه، ران‌ها، دست‌ها و کل بدن در مقایسه با افراد گروه دارای خواب کافی بیشتر بود، که این یافته به معنای چاقی بیشتر این افراد و همچنین جثه بزرگتر آنها می‌باشد. بنابراین مطالعه ما نشان داد که خواب کافی (۸ ساعت و بیشتر) میتواند افراد را کمتر در معرض چاقی و افزایش توده چربی بدن قرار دهد.

واژه‌های کلیدی:

خواب، ترکیب توده بدنی، شاخص انتروپومتریک، چاقی

Paper ID: 53

بررسی تأثیر رژیم غذایی ضد التهابی در مقایسه با رژیم کم کالری بر شاخص های تن سنجی در زنان اضافه وزنی و چاق مبتلا به استئوآرتریت زانو

ندا دولت خواه^۱

خلاصه مقاله:

سابقه: مشکل چاقی به یک اپیدمی در جهان تبدیل شده است و افزایش وزن به معنی افزایش فشار بر مفاصل متحمل وزن می باشد. با مسن شدن جمعیت جهان از یک سو و افزایش وزن ایشان از سوی دیگر، استئوآرتریت به یکی از اساسی ترین علل ناتوانی تبدیل شده است و کاهش وزن اهمیت فوق العاده در کاهش سرعت پیشرفت استئوآرتریت دارد. هدف از مطالعه حاضر تعیین تأثیر رژیم غذایی ضد التهابی در مقایسه با رژیم کم کالری متعادل بر شاخص های تن سنجی در زنان اضافه وزنی و چاق مبتلا به استئوآرتریت زانو می باشد.

روش ها: مطالعه حاضر یک کارآزمایی بالینی تصادفی شده بر روی ۶۰ زن ۵۰ ساله و بالاتر با شاخص توده بدنی ۲۷-۴۰ کیلوگرم بر مترمربع بود که تشخیص استئوآرتریت خفیف تا متوسط برای ایشان داده شده بود. بررسی شوندهگان به صورت تصادفی به دو گروه رژیم غذایی کم کالری متعادل و رژیم غذایی ضد التهابی تخصیص داده شدند و بعد از اندازه گیری شاخص های تن سنجی تحت رژیم غذایی مربوطه قرار گرفتند. رژیم کم کالری مورد استفاده در این مطالعه، ۵۰۰ کیلوکالری کم تر از انرژی مورد نیاز افراد بوده و پس از محاسبه کل انرژی و با در نظر گرفتن میزان فعالیت بدنی تعیین شد.

یافته ها: متوسط وزن در گروه رژیم غذایی کم کالری متعادل و ضد التهابی قبل از مداخله به ترتیب $۱۳/۴۷ \pm ۸۳/۳۵$ و $۱۲/۸۲ \pm ۸۶/۳۹$ کیلوگرم بود ($p=۰/۳۷۳$). این مقادیر بعد از اتمام مداخله به ترتیب $۱۲/۵۷ \pm ۸۱/۲۲$ و $۱۲/۷۳ \pm ۷۹/۸۷$ کیلوگرم بود ($p=۰/۶۷۹$). بررسی شوندهگان در دو گروه رژیم کم کالری متعادل و رژیم ضد التهابی به ترتیب $۲/۱۰ \pm ۲/۱۲$ و $۷/۴۴ \pm ۶/۵۲$ کیلوگرم کاهش وزن داشتند که بعد از تعدیل به کالری دریافتی بررسی شوندهگان به صورت معنی داری در گروه رژیم غذایی ضد التهابی بیشتر از رژیم غذایی کم کالری بود ($p=۰/۰۰۳$).
نتیجه گیری: رژیم غذایی ضد التهابی در مقایسه با رژیم غذایی کم کالری متعادل تأثیر بیشتری در کاهش و مدیریت وزن بیماران مبتلا به استئوآرتریت زانو در کالری یکسان دارد. با توجه به ماهیت التهابی بیماری استئوآرتریت، رژیم غذایی ضد التهابی می تواند گزینه مناسبی برای مدیریت وزن و علائم این بیماران باشد.

واژه های کلیدی:

استئوآرتریت، تن سنجی، رژیم غذایی ضد التهابی، چاقی، اضافه وزن

(۱) دانشگاه علوم پزشکی تبریز : neda_dolatkah@yahoo.com

Paper ID: 55

بررسی شیوع چاقی و عوامل مرتبط با آن در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان کامیاران سال ۱۳۹۵

گلاویز احمدی^۱، آوات کریمی^۲، سعید امانی^۳، محمد احمدی^۴، شهین احمدی^۵، مریم چوبتاشانی^۶

خلاصه مقاله:

سابقه: شیوع اضافه وزن و چاقی در دوران کودکی و نوجوانی همراه با افزایش خطر ابتلا به بیماریهای مزمن از جمله فشارخون و عوامل خطر بیماریهای قلبی عروقی در بزرگسالی است. این مطالعه با هدف بررسی میزان شیوع اضافه وزن و چاقی در دانش آموزان شهرستان کامیاران انجام شد.

روش‌ها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی (مقطعی) بوده ۴۰۰ نفر از دانش آموزان ۷ تا ۱۲ ساله شهرستان کامیاران که در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ مشغول به تحصیل بودند انجام شد. نمونه‌گیری به صورت تصادفی و خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شد و پرسشنامه سه قسمتی شامل اطلاعات فردی، مشخصات والدین و مدارس و اطلاعات تن‌سنجی جهت دانش آموزان تکمیل شد. شاخص‌های تن‌سنجی بر اساس معیارهای CDC انجام شد. افراد بر پایه صدک BMI به چهار گروه کم وزن (کمتر از ۵)، وزن طبیعی (۵-۸۴)، اضافه وزن (۸۵-۹۴)، و چاق (۹۵ و بالاتر) تقسیم شدند، سپس داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۳ و روشهای آمار توصیفی، آزمون آماری مجذور کای دو و تست دقیق فیشر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در این مطالعه شیوع لاغری، اضافه وزن، چاقی به ترتیب ۲۱٫۸٪، ۱۱٫۵٪، ۱۱٫۲٪ بود. شیوع چاقی در پسران ۱۰٫۱٪ و در دختران ۱۲٫۴٪ بود ($p=۰٫۰۵$). در گروه سنی ۱۱ سال و بالاتر بیشترین میزان اضافه وزن و چاقی (بترتیب ۱۵٪ و ۱۶٫۳٪) مشاهده شد ($p=۰٫۰۱۸$). میزان چاقی در فرزندان افراد کارمند و افراد با تحصیلات دانشگاهی بیشتر بود و اختلاف از نظر آماری معنی‌دار نبود. شیوع چاقی در شهر ۱۵٪، حاشیه شهر ۶٫۸٪ و مناطق روستایی ۸٫۹٪ بود ($p=۰٫۰۰۴$). میزان اضافه وزن و چاقی در مدارس شاهد دولتی و مدارس خصوصی بیشتر از مدارس عادی دولتی بود ($p=۰٫۰۰۰$).

نتیجه‌گیری: شیوع اضافه وزن و چاقی در این دانش آموزان نزدیک به برخی کشورهای صنعتی جهان بوده و انجام اقدامات لازم جهت کنترل و پیشگیری از گسترش اضافه وزن و چاقی با توجه به عوامل مرتبط با آن در این مطالعه، در میان دانش آموزان ضروری است.

واژه‌های کلیدی:

شیوع، دانش آموزان، چاقی

(۱) شهر کامیاران : arvin_amani@yahoo.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی کردستان

(۳) مرکز بهداشت کامیاران

(۴) دانشگاه پیام نور واحد کامیاران

(۵) آموزش و پرورش شهرستان کامیاران

(۶) مرکز بهداشت شهرستان کامیاران

تاثیر مکمل یاری با پروبیوتیک یا سین بیوتیک بر شاخص های تن سنجی و متابولیسمی در کودکان و نوجوانان دارای اضافه وزن یا چاق: مرور نظامند و فراتحلی

حامد محمدی^۱، عابد قوامی^۲، امیر هادی^۲، سپیده طالبی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: شواهد موجود در مورد اثرات احتمالی پروبیوتیک یا سین بیوتیک بر کودکان و نوجوانان دارای اضافه وزن یا چاق هنوز اثبات نشده است. بنابراین، مطالعه حاضر با هدف بررسی اثرات کلی مکمل های پروبیوتیک یا سین بیوتیک بر روی شاخص های تن سنجی و شاخص های متابولیک در کودکان و نوجوانان دارای اضافه وزن یا چاق انجام شده است.

روش ها: پنج پایگاه اطلاعاتی الکترونیکی شامل Google Scholar، Science of Web، Cochrane، Scopus، Pubmed و تا آبان ۹۷ جستجو شدند. تمام مطالعات کارآزمایی های بالینی که از مکمل های پروبیوتیک یا سین بیوتیک در کودکان و نوجوانان دارای اضافه وزن یا چاق استفاده کرده بودند، در این مطالعه مرور نظام مند و فراتحلیل وارد شدند.

یافته ها: در نهایت ۹ مطالعه کارآزمایی تصادفی شامل ۴۱۰ کودک و نوجوان چاق یا دارای اضافه وزن برای مطالعه حاضر شناسایی شدند. نتایج نشان داد مکمل یاری با پروبیوتیک یا سین بیوتیک به مدت ۴ تا ۱۶ هفته تغییر چشمگیری در BMI، score-Z، دور کمر، وزن، چربی بدن، قند خون ناشتا و فراسنج های لیپیدی شامل تری گلیسیرید، کلسترول تام، لیپوپروتئین با چگالی بالا و لیپوپروتئین با چگالی پایین نشان نداد. با این حال، تجزیه و تحلیل زیر گروهی بر پایه نوع مداخله، کاهش معنی داری در score-Z BMI را در مطالعات استفاده کننده از مکمل سین بیوتیک نشان داد.

نتیجه گیری: براساس یافته های ما، تعدیل ترکیب میکروبی روده از طریق مکمل یاری با پروبیوتیک یا سین بیوتیک اثرات مطلوبی در مدیریت کودکان و نوجوانان اضافه وزن یا چاق ندارد. مطالعات بیشتری در مقیاس بزرگ تر برای تأیید یافته های موجود لازم است.

واژه های کلیدی:

سین بیوتیک، پروبیوتیک، چاقی، کودکان، فراتحلیل

(۱) علوم پزشکی اصفهان : mohamadihd@gmail.com

(۲) علوم پزشکی اصفهان

Paper ID: 58

بررسی ارتباط بین آگاهی از نشانگرهای رنگی غذا و چاقی در بزرگسالان مراجعه کننده به فروشگاه های زنجره ای شهر شیراز

مریم محمدحسینی^۱

خلاصه مقاله:

عنوان: بررسی ارتباط بین آگاهی از نشانگرهای رنگی غذا و چاقی در بزرگسالان مراجعه کننده به فروشگاه های زنجره ای شهر شیراز نویسندگان: مریم محمدحسینی^{*}، دکتر فاطمه محمدی نصرآبادی، دکتر شیوا فقیه سازمان متبوع: مرکز تحقیقات تغذیه، دانشکده تغذیه و علوم غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران زمینه و هدف: در دهه های اخیر اضافه وزن و چاقی بطور جهانی در حال افزایش است. مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط بین آگاهی از نشانگرهای رنگی غذا و چاقی در بزرگسالان شهر شیراز انجام شد. روش مطالعه: این مطالعه یک بررسی توصیفی - تحلیلی مقطعی است. نمونه گیری در شعب مختلف فروشگاه مواد غذایی تیرازیس شیراز، توسط کارشناسان تغذیه انجام گرفت. ضمن تکمیل پرسشنامه (که پایایی و روایی آن تایید شده بود) توسط شرکت کنندگان، سبد خرید ایشان ارزیابی شد و با توجه به رنگ های مختلف نشانگر رنگی غذا روی محصولات غذایی، اقلام خریداری شده و در نهایت کل سبد امتیازدهی شد. در مجموع تعداد ۴۱۸ پرسشنامه قابل قبول به دست آمد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: ۲۳،۳٪ از شرکت کنندگان دارای اضافه وزن و ۱۲،۳٪ چاق بودند. ۲۴،۶٪ از آنها آگاهی تغذیه ای خوب و ۴۸،۸٪ آگاهی از نشانگر رنگی خوب داشتند. ۵۲٪ افراد گاهی اوقات یا همیشه در هنگام خرید، به برچسب نشانگر رنگی روی بسته بندی محصولات غذایی توجه می کردند، اما رابطه معنی داری بین BMI و توجه به نشانگر رنگی یافت نشد. همچنین BMI شرکت کنندگان و سطح آگاهی ایشان (در هر دو قسمت آگاهی تغذیه ای و آگاهی از نشانگر) ارتباط آماری معنی دار نداشت. تحلیل همبستگی بین BMI شرکت کنندگان با امتیاز سبد، رابطه نزدیک به معنی داری بین BMI افراد با امتیاز سبد خرید نشان داد ($P=0.051$). از بین اجزای برچسب رنگی غذا، تنها امتیاز قند بدست آمده با BMI افراد ارتباط معنی داری داشت ($P=0.034$ ، $R=0.10$). نتیجه گیری: نتیجه مطالعه حاضر حاکی از این است که چاقی افراد ارتباطی با میزان آگاهی آنها در مورد برچسب رنگی غذا و استفاده از آن ندارد و صرفا افراد با BMI بالاتر، به محتوای قند مواد غذایی مصرفی خود توجه بیشتری دارند که می تواند ناشی از حساسیت بیشتر این افراد به انتخاب مواد غذایی حاوی قند در مقایسه با افراد با وزن طبیعی می باشد.

واژه های کلیدی:

نشانگر رنگی غذا، آگاهی تغذیه ای، شاخص توده بدنی، سبد خرید

(۱) شیراز، بیمارستان قلب الزهرا(س)

Paper ID: 59

ارتباط پلی مورفیسم تک نوکلئوتیدی در اولین اینترون از توده چربی و چاقی مرتبط با ژن (FTO) با خطر چاقی در آسیایی‌ها: یک مطالعه فراتحلیل

حامد محمدی^۱، کوروش جعفریان^۲، سکینه شب بیدار^۲، علیرضا صادقی^۲، سپیده طالبی^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط بین پلی مورفیسم ژنهای چاقی مرتبط با (FTO) و خطر چاقی در جمعیت‌های آسیایی انجام شد.

روش‌ها: از پایگاه‌های اطلاعاتی الکترونیکی شامل PubMed و Scopus تا آبان ۹۵ برای جستجو مطالعات مربوطه استفاده شد. نسبت شانس (OR) و فاصله اطمینان ۹۵٪ (CI) با استفاده از مدل با اثرات ثابت یا تصادفی محاسبه شد. یافته‌ها: در نهایت چهارده مطالعه برای پلی مورفیسم ۹۹۳۹۶۰۹rs تا ۸۸۱۰ نفر در گروه مورد و ۱۷۰۳۱ نفر در گروه شاهد) و هشت مطالعه برای پلی مورفیسم ۸۰۵۰۱۳۶rs (۳۳۰۵ نفر در گروه مورد و ۶۸۴۱ نفر در گروه شاهد) در این مطالعه وارد شدند. در همه مدل‌ها ارتباط معناداری بین هر دو پلی مورفیسم با خطر چاقی وجود داشت. برای پلی مورفیسم ۹۹۳۹۶۰۹rs، مدل آلی (آل A در برابر آل T): OR=۱,۲۹، CI/۹۵=۱,۲۰-۱,۳۹، مدل مغلوب (AA در مقابل TA,TT) CI/۹۵=۱,۴۵، مدل آلی (آل A در برابر آل T): OR=۱,۲۶-۱,۶۵، مدل غالب (AA و TA در مقابل TT): OR=۱,۳۱، CI/۹۵=۱,۱۹-۱,۴۴، مدل هموزیگوت (AA در مقابل TT): OR=۱,۶۳، CI/۹۵=۱,۳۹-۱,۸۷، برای پلی مورفیسم ۸۰۵۰۱۳۶rs، مدل آلی (آل A در برابر آل T): OR=۱,۳۲، CI/۹۵=۱,۳۲-۱,۴۸، مدل مغلوب (AA در مقابل TA,TT): OR=۱,۱۶-۱,۴۸، مدل غالب (AA و TA در مقابل TT): OR=۱,۳۶، CI/۹۵=۱,۰۹-۱,۶۲، مدل هموزیگوت (AA در مقابل TT): OR=۱,۵۱، CI/۹۵=۱,۲۰-۱,۸۲. نتیجه‌گیری: این مطالعه فراتحلیل نشان داد که رابطه مثبت معناداری بین پلی مورفیسم‌های تک نوکلئوتیدی ژن FTO (۸۰۵۰۱۳۶rs و ۹۹۳۹۶۰۹rs) و خطر چاقی در بین نژاد آسیایی‌ها وجود دارد.

واژه‌های کلیدی:

FTO، ۹۹۳۹۶۰۹rs، ۸۰۵۰۱۳۶rs، پلی مورفیسم، چاقی، فراتحلیل

(۱) علوم پزشکی اصفهان : mohamadihd@gmail.com

(۲) علوم پزشکی تهران

(۳) علوم پزشکی اصفهان

Paper ID: 62

تأثیر چاقی بر میگرن

افسون طلائی^۱، فردین فرجی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: میگرن یک بیماری ناتوان کننده بوده که در خانم‌ها شیوع بیشتری داشته و با سردردهای ضرباندار یکطرفه متوسط تا شدید مشخص میگردد که ۷۲ - ۴ ساعت طول میکشد. چاقی نیز یک عامل شایع موربیدیتی و مورتالیتی در جهان میباشد و همانند میگرن در خانم‌ها شایعتر است. از آنجایی که چاقی یک فاکتور خطر قابل کنترل و تغییر میباشد بنابراین مطالعه تأثیر متقابل چاقی و میگرن میتواند جالب و مهم باشد.

روش‌ها: منابع اطلاعاتی متعددی در مورد رابطه میگرن و چاقی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: تحقیقات متعدد بیانگر ارتباط بین میگرن و چاقی، بخصوص با واسطه جنسیت و فرکانس حملات میگرن میباشد بطوریکه میگرن در افراد چاق و نیز افراد دارای کمبود وزن نسبت به افراد با وزن نرمال شایعتر است که در خانم‌ها این اختلاف بارزتر از آقایان است. از طرفی میگرن در افراد چاق زیر ۵۰ سالگی شایعتر بوده ولیکن در بالای سن ۵۰ سال در افراد چاق شیوع بیشتری ندارد. همچنین در مطالعات مختلف ارتباط مثبتی بین میگرن و چاقی در سنین یائسگی بدست نیامده است. متقابلاً بیماران میگرن نیز چاقتر از جامعه نیستند گرچه داروهای ضد میگرن منجر به افزایش وزن میگردد.

نتیجه گیری: مکانیسم دقیق رابطه بین چاقی و میگرن مشخص نیست و هر دوی این بیماری‌ها باعث افزایش بیماریهای عروقی میگرددند که خود موضوع جالب توجهی است. افزایش میگرن در افراد چاق میتواند یک منشاء ایمونولوژیک داشته باشد زیرا سلولهای چربی فاکتورهای التهابی ادیپوسیتوکین نظیر ادیپونکتین و اینترلوکین ۶ آزاد میکنند که باعث فعال شدن مسیر NO در مغز شده که منجر به تشدید علائم میگرن میگردد.

واژه‌های کلیدی:

چاقی، میگرن، وزن

(۱) دانشگاه آزاد اسلامی اراک، دانشکده علوم پزشکی: afsoon.talaie@gmail.com

(۲) دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اراک

Paper ID: 63

مقایسه سطح سرمی ویتامین D و اسید اوریک و مقاومت به انسولین در افراد چاق مبتلا و غیرمبتلا به سندرم متابولیک در شهر اهواز

حمیرا رشیدی^۱، عاطفه مرادخانی^۲، سید محمود لطیفی^۲، سید بهمن قادریان^۲

خلاصه مقاله:

هدف: با نظر به شیوع کمبود ویتامین D و همچنین شیوع بالای سندرم متابولیک در جمعیت ایرانی و به علت اثرات محافظتی مطرح شده در خصوص این ویتامین در ایجاد سندرم متابولیک، اهمیت و ارتباط سطح سرمی اسید اوریک در بروز بیماری قلبی عروقی و مرگ و میر ناشی از آن، هدف از انجام این مطالعه، مقایسه سطح سرمی ویتامین D و اسید اوریک و مقاومت به انسولین در افراد چاق مبتلا و غیرمبتلا به سندرم متابولیک در شهر اهواز است.

روش کار: این مطالعه از نوع مورد-شاهدی است. در این مطالعه ۸۶ نفر افراد چاق (۳۰)

نتایج: ۳۱ نفر (۵۴,۳٪) در افراد چاق مبتلا به سندرم متابولیک و ۱۴ نفر (۴۸,۲٪) دارای شیوع کمبود ویتامین D هستند. البته، بین سطح سرمی ویتامین D در افراد چاق مبتلا و غیرمبتلا به سندرم متابولیک تفاوت معناداری وجود ندارد (۰,۰۵) در افراد چاق مبتلا و غیرمبتلا به سندرم متابولیک تفاوت معناداری وجود ندارد (P=۰,۰۵) بین سطح سرمی ویتامین D و اسید اوریک در افراد چاق مبتلا و غیرمبتلا به سندرم متابولیک دارای مقاومت به انسولین تفاوت معناداری وجود ندارد (۰,۰۵)

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج این مطالعه به نظر می‌رسد، سطح سرمی انسولین و مقاومت به انسولین در افراد چاق مبتلا به سندرم متابولیک به طور معناداری بیشتر از افراد چاق غیرمبتلا به سندرم است. اما، بین سطح سرمی ویتامین D و اسید اوریک افراد چاق مبتلا و غیرمبتلا به سندرم متابولیک تفاوتی وجود ندارد

واژه‌های کلیدی:

چاقی، سندرم متابولیک، ویتامین D، اسید اوریک، مقاومت به انسولین

(۱) دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز پژوهشکده سلامت مرکز تحقیقات دیابت : hrashidi2002@gmail.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

(۳) دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز پژوهشکده سلامت مرکز تحقیقات دیابت

Paper ID: 65

اثر عصاره قهوه سبز بر قند خون ناشتا، غلظت انسولین و ارزیابی مدل هوموستاتیک مقاومت به انسولین (IR-HOMA): بررسی سیستماتیک و متاآنالیز مطالعات مداخله‌ای

گلبن سهراب^۱، مرضیه نجفی^۱، ندا روشن روان^۲، امید نیک پیام^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: تعداد زیادی از مطالعات رابطه بین قهوه و بیماری دیابت را مورد بررسی قرار داده اند. ارزیابی شواهد موجود در رابطه با تاثیر مصرف قهوه بر بیماری دیابت بسیار مهم می باشد. بنابراین این مطالعه با هدف بررسی رابطه بین عصاره قهوه سبز با سطوح قند خون ناشتا، انسولین و میزان مقاومت به انسولین از ترکیب نتایج مطالعات کارآزمایی بالینی صورت گرفته است. این مطالعه از نوع متاآنالیز می باشد که در سال ۱۳۹۷ انجام گردید

روش ها: جستجوی مقالات در پایگاه های علمی Science of Web, Scopus, Pubmed جهت یافتن مقالات مرتبط با تاثیر مصرف عصاره قهوه سبز بر شاخص های گلیسمیک انجام گردید. جستجوی مطالعات منتشر شده تا December ۲۰۱۸ بدون هیچ محدودیتی انجام گردید.

یافته ها: در نهایت ۶ مطالعه کارآزمایی بالینی مرتبط با مصرف عصاره قهوه سبز بر شاخص های گلیسمیک جهت آنالیز انتخاب شدند. نتایج این مطالعه نشان داد که مصرف عصاره قهوه سبز باعث کاهش معناداری در سطح قندخون ناشتا می شود (SMD: -۰,۳۲, CI: -۰,۵۹ to -۰,۰۵, P = ۰,۰۲), اما اثری بر سطح انسولین ندارد (SMD: -۰,۲۲, CI: -۰,۹۵ to ۰,۵۳, P = ۰,۰۹). اگرچه براساس نتایج این مطالعه مصرف عصاره قهوه سبز باعث کاهش سطح مقاومت به انسولین (IR-HOMA) نمی شود (SMD: -۰,۳۰, CI: -۰,۷۳ to ۰,۱۳, P = ۰,۱۷۲), اما بعد از تقسیم مطالعات به دو زیر گروه براساس دوز مصرفی عصاره قهوه سبز (>۴۰۰ میلی گرم در روز و <۴۰۰ میلی گرم در روز)، در مطالعاتی که دوز بالاتر از ۴۰۰ میلی گرم استفاده کرده بودند کاهش معناداری در سطح مقاومت به انسولین مشاهده گردید.

نتیجه گیری: شواهد گردآوری شده نشان می دهد که مصرف عصاره قهوه سبز می تواند باعث بهبود شاخص های گلیسمیک شود.

واژه های کلیدی:

عصاره قهوه سبز، قند خون ناشتا، انسولین، متاآنالیز

(۱) دانشکده علوم تغذیه دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

(۲) مرکز تحقیقات قلب بیمارستان شهید مدنی تبریز

(۳) دانشکده علوم تغذیه دانشگاه علوم پزشکی تبریز : nikpayamomid@gmail.com

Paper ID: 66

بررسی ارتباط میان ریت فیلتراسیون گلومرولی پیش از جراحی باریاتریک و کاهش وزن پس از جراحی در بیماران بدون افت شدید عملکرد کلیوی

پوریا موسی پور^۱، فرهاد حسین پناه^۲، مریم برزین^۲، علیرضا خلج^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: بسیاری از بیماران کاندید جراحی باریاتریک به درجاتی از کاهش عملکرد کلیوی و بیماری مزمن کلیه مبتلا هستند. پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط میان ریت فیلتراسیون گلومرولی پیش از جراحی باریاتریک و نتایج کاهش وزن پس از جراحی در بیماران بدون افت شدید عملکرد کلیوی (ریت فیلتراسیون گلومرولی ≤ 30 dl/mg) انجام شده است.

روش‌ها: جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۹۵۸ بیمار بالای ۱۸ سال بدون افت شدید عملکرد کلیوی است که در قالب مطالعه درمان چاقی تهران بین سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ تحت عمل جراحی *gastroctomy sleeve* و یا *one-bypass gastric anastomosis* قرار گرفته‌اند. بیماران بر اساس ریت فیلتراسیون گلومرولی پیش از جراحی به چهار گروه ۳۰-۵۹، ۶۰-۸۹، ۹۰-۱۲۴ و ≤ 125 (میلی لیتر/دقیقه) تقسیم شد. تغییرات شاخص توده بدن، درصد کاهش کل وزن بدن و درصد کاهش اضافه وزن بدن پس از ۶ ماه و ۱۲ ماه بین چهار گروه مطالعه به صورت خام توسط تست آماری ANOVA و پس از حذف اثر مخدوش‌کنندگی سایر شاخص‌ها به روش ANCOVA مقایسه گردید. همچنین اثر پیش‌گویی‌کنندگی ریت فیلتراسیون گلومرولی (به ازای یک گروه تغییر) برای کاهش وزن ناکافی (کاهش اضافه وزن کمتر از ۵۰٪ پس از یک سال از جراحی) توسط آنالیز رگرسیون لجستیک چندمتغیره انجام گردید.

یافته‌ها: ارتباط معنی‌دار میان ریت فیلتراسیون گلومرولی پیش از جراحی باریاتریک با تغییرات شاخص توده بدن، درصد کاهش کل وزن بدن و درصد کاهش اضافه وزن بدن پس از ۶ و ۱۲ ماه از جراحی مشاهده شد. در صورتی که پس از حذف اثر مخدوش‌کنندگی سایر شاخص‌ها، هیچ‌گونه ارتباط معنی‌دار میان ریت فیلتراسیون گلومرولی پیش از جراحی با نتایج کاهش وزن بیماران مشاهده نشد. همچنین در آنالیز یک متغیره، ارتباط معنی‌دار میان ریت فیلتراسیون گلومرولی پیش از جراحی مشاهده شد (نسبت شانس: ۱،۳۸، حدود اطمینان ۰،۹۵٪: ۱،۱۱-۱،۷۱، $p=0,004$)، که این اثر در آنالیز رگرسیون لجستیک چندمتغیره مشاهده نشد (نسبت شانس: ۰،۹۸، حدود اطمینان ۰،۹۵٪: ۰،۴۶-۱،۲۴، $p=0,886$).

نتیجه‌گیری: اگر چه ریت فیلتراسیون گلومرولی کمتر پیش از جراحی باریاتریک با نتایج ضعیف‌تر کاهش وزن پس از جراحی همراه است، در بیماران بدون افت شدید عملکرد کلیوی، ریت فیلتراسیون گلومرولی پیش از جراحی باریاتریک فاکتور پیش‌گویی‌کننده مستقلی برای کاهش وزن پس از جراحی به شمار نمی‌رود.

واژه‌های کلیدی: جراحی باریاتریک، عملکرد کلیوی، ریت فیلتراسیون گلومرولی، کاهش وزن

(۱) پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی : p_mousapour@sbmu.ac.ir

(۲) پژوهشکده غدد درون ریز و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

(۳) مرکز درمان چاقی تهران، دانشکده پزشکی، دانشگاه شاهد

Paper ID: 67

تاثیر جراحی و ۸ هفته ورزش قدرتی - هوازی بر ظرفیتهای جسمانی، کیفیت زندگی و راستای زانو در زنان چاق مفرط

مستانه رجیبان تابش^۱، مریم ابوالحسنی^۲، هومن مینونژاد^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: چاقی یکی از جدی‌ترین نگرانی‌های سلامت عمومی در دنیا است. یکی از روش‌های درمانی چاقی مفرط استفاده از روش‌های جراحی در کنار اصلاح سبک زندگی است. هدف این مطالعه بررسی تاثیر جراحی چاقی به همراه ۸ هفته ورزش قدرتی - هوازی بر ظرفیتهای جسمانی، کیفیت زندگی و راستای زانو در زنان چاق مفرط است. **روش‌ها:** ۲۰ خانم کاندید جراحی چاقی با شاخص توده بدنی ۴۰-۵۵ (میانگین سنی ۲۰-۶۰ سال) دارای سابقه درد زانو انتخاب و وارد مطالعه شدند. به بیماران پس از انجام جراحی باریتریک، ورزش هوازی به صورت پیاده روی ۵ روز در هفته با حداقل زمان ۱۵۰ دقیقه در هفته و شدت سختی ۱۴-۱۲ (مقیاس بورگ) و از هفته ۵ بعد از جراحی، ۳ روز در هفته ورزش قدرتی با الاستیک باند تجویز شد. اندازه‌گیری‌ها شامل خصوصیات آنتروپومتریک و ظرفیت جسمانی و راستای زانو دو هفته قبل و ۸ هفته پس از عمل جراحی انجام شد.

یافته‌ها: ۲۰ بیمار تحت آنالیز قرار گرفتند. وزن و توده چربی و درد زانو در مقایسه با اندازه‌گیری قبل از جراحی به طور معناداری کاهش یافت ($p < 0.05$). ظرفیت جسمانی هوازی پس از جراحی به طور معناداری افزایش یافت و تعداد دفعات نشستن به ایستادن افزایش یافته و همچنین زمان انجام تست بلند شدن و رفتن زمان‌دار کوتاه‌تر شد که نشان می‌دهد کاهش وزن ایجاد شده بعد از جراحی در کنار ورزش قدرتی - هوازی در افزایش ظرفیت عملکردی اندام تحتانی تأثیر زیادی دارد ($p < 0.05$).

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج مطالعه حاضر، به نظر می‌رسد جراحی چاقی به همراه ۸ هفته ورزش قدرتی - هوازی باعث کاهش وزن و کاهش توده چربی، کاهش درد و بهبود کیفیت زندگی، ظرفیت جسمانی و راستای زانو در زنان با شاخص توده بدنی بالاتر از ۴۰ و دارای سابقه زانودرد می‌شود.

واژه‌های کلیدی:

چاقی، جراحی چاقی، ورزش قدرتی، ورزش هوازی، آنتروپومتري، ظرفیت جسمانی

(۱) مرکز تحقیقات چاقی بیمارستان سینا : mastaneh.tabesh@gmail.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی تهران / بیمارستان سینا

(۳) دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی

Paper ID: 68

بررسی مقایسه ای اثر ورزش های اینتروال با شدت بالا (HIIT) و ورزش مداوم با شدت متوسط (MICT) بر روی اندکس های چاقی و اندکس های آزمایشگاهی در افراد با $POI < p >$

وحید قاسم عمویان^۱، مریم ابوالحسنی^۲، علی واشقانی فراهانی^۳، مستانه رجیبیان تابش^۴

خلاصه مقاله:

سابقه: در مطالعات قبلی در ایران شیوع اضافه‌وزن و چاقی را به ترتیب ۶۲٫۲ درصد و ۲۸ درصد برآورد نموده‌اند. یکی از روش‌های پیشگیری از این مشکل ورزش است. اما چه ورزشی برای ما در کمترین زمان بیشترین بازده را خواهد داشت؟ با توجه به کمبود وقت و امکانات و هزینه‌ها، این سوال می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت نوع ورزش را برای افرادی که به دنبال کاهش وزن هستند، نشان دهد.

روش‌ها: این کارآزمایی بالینی تصادفی در بیمارستان امام خمینی به مدت دو سال روی ۳۸ داوطلب انجام گرفت. از این تعداد ۱۷ نفر ورزش MICT و ۲۱ نفر ورزش HIIT را به مدت ۸ هفته انجام دادند. تمامی داوطلبان یک رژیم ایزوکالوریک توسط متخصص تغذیه دریافت کردند و به مدت ۸ هفته و هفته ای سه بار در جلسات ورزش شرکت کردند. ارزیابی‌ها شامل قد، وزن، ترکیب بدن، مایش های بیوشیمیایی خون مثل پروفایل لیپید - قند و سنجش فشار خون و کنترل rate heart در طول ورزش با مانیتورینگ و زیر نظر ناظر بود.

یافته‌ها: طبق بررسی آماری تاثیر نوع ورزش در کاهش وزن و کاهش BMI و کاهش توده چربی معنادار است و در این زمینه تاثیر ورزش HIIT بیشتر است ($P=0.002$). درحالی که در تغییرات توده عضلانی تفاوت معناداری میان این دو ورزش دیده نشد. درحالیکه هر دو ورزش باعث کاهش مختصری در توده عضلانی می‌شوند. در شاخص‌های بیوشیمیایی هم تفاوت معناداری بین دو نوع ورزش وجود نداشت این در حالی است که این تغییرات در FBS محسوس‌تر بود ($P=0.058$). با این وجود به نظر می‌رسد تفاوت این دو ورزش بیشتر در مورد شاخص‌های آنترپومتریکی است.

نتیجه‌گیری: ورزش HIIT برای تغییرات آنترپومتریکی در ۸ هفته کارآمدتر از ورزش MICT است و پیشنهاد می‌شود که از ورزش HIIT برای کاهش اضافه وزن استفاده شود. با این حال هنوز مکانسیم و ارتباط بالینی این تفاوت‌ها به صورت کامل مشخص نیست و این باعث شده که این موضوع مورد بحث و توجه مقالات باقی بماند.

واژه های کلیدی:

ورزش HIIT، ورزش مداوم، چربی، چاقی، اضافه وزن، چربی سوزی

۱) دانشگاه علوم پزشکی تهران

۲) دانشگاه علوم پزشکی تهران / بیمارستان سینا

۳) دانشگاه علوم پزشکی تهران / مرکز قلب تهران

۴) مرکز تحقیقات چاقی بیمارستان سینا : mastaneh.tabesh@gmail.com

Paper ID: 69

بررسی تأثیر هایپراکسی بر سطح نیتریک اکسید سنتاز و آرژیناز در عضله اسکلتی موش های دیابتی نوع ۲

اصغر قاسمی^۱، رضا نوروزی راد^۲، سجاد جدی^۲

خلاصه مقاله:

زمینه و هدف: علاوه بر اختلال در عملکرد سلول های بتا و مقاومت به انسولین، کاهش اکسیژن و اختلال اندوتلیال نیز در پاتوفیزیولوژی بیماری دیابت نوع ۲ نقش دارند. مطالعات اخیر نشان داده اند که هایپراکسی می تواند به عنوان یک درمان جدید برای دیابت نوع ۲ در نظر گرفته شود. گزارش شده است که هایپراکسی منجر به تشدید فراهمی زیستی کاهش یافته اکسید نیتریک در بیماری دیابت نوع ۲ می گردد. بنابراین هدف مطالعه حاضر بررسی اثر هایپراکسی بر سطح پروتئین آنزیم اکسید نیتریک سنتاز اندوتلیال و القایی (eNOS و iNOS) و همچنین آرژیناز در عضله اسکلتی موش های صحرایی با دیابت نوع ۲ می-باشد. مواد و روش ها: موش های صحرایی نژاد ویستار (۲۱۰-۱۹۰ گرم) به طور تصادفی به چهار گروه (۶ موش در هر گروه) تقسیم شدند: گروه کنترل، کنترل + هایپراکسی، دیابت و دیابت + هایپراکسی. دیابت با استفاده از رژیم غذایی پرچرب و تزریق دوز کم استرپتوزوتوسین القا شد. گروه های هایپراکسی به مدت ۲ ساعت در روز، به جز روزهای جمعه به مدت ۵ هفته در معرض اکسیژن ۹۵ درصد قرار گرفتند. در انتهای مطالعه، عضله سولئوس از موش ها جدا و سطح پروتئین eNOS، iNOS و آرژیناز با استفاده از کیت های ELISA مخصوص موش صحرایی اندازه گیری شد. نتایج: تفاوت معنی داری بین سطح پروتئین eNOS بین گروه کنترل و دیابتی در عضله سولئوس وجود نداشت (۲/۵۷±۰/۲۸) در مقابل ۲/۵۶±۰/۲۴ نانو گرم در میلی گرم پروتئین). در مقایسه با گروه کنترل، در عضله سولئوس گروه دیابتی سطح پروتئین iNOS بالاتر (۶/۳۷±۰/۵۸) در مقابل ۲/۸۵±۰/۷۱۲۴ نانو گرم در میلی گرم پروتئین ($P < 0.001$) و سطح آرژیناز (۰/۳۱±۰/۰۷) در مقابل ۰/۵۶±۰/۰۴ نانو گرم در میلی گرم پروتئین ($P = 0.018$) پایین تر بود. درمان با اکسیژن منجر به کاهش ۴۴ درصدی سطح eNOS ($P = 0.004$) و افزایش ۲۴۰ درصدی ($P < 0.001$) سطح آرژیناز در عضله سولئوس موش های صحرایی با دیابت نوع ۲ گردید. نتیجه گیری: هایپراکسی با کاهش بیان eNOS و افزایش بیان آرژیناز منجر به کاهش فراهمی زیستی اکسید نیتریک در موش های صحرایی با دیابت نوع ۲ می گردد.

واژه های کلیدی:

آرژیناز، هایپراکسی، اکسید نیتریک سنتاز، موش، دیابت نوع ۲

(۱) پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی : ghasemi@endocrine.ac.ir

(۲) پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

Paper ID: 70

سندرم متابولیک در بیماران مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک در ایران

سیده هاجر شارمی^۱

خلاصه مقاله:

سابقه: مقدمه: شیوع سندرم متابولیک در مبتلایان به سندرم تخمدان پلی کیستیک در مطالعات مختلف بررسی شده است اما نتایج آنها در ایران باهم ناهمخوانی دارد. هدف: در مطالعه حاضر مشخصات بالینی، آزمایشگاهی و تظاهرات بالینی سندرم متابولیک در مبتلایان به سندرم تخمدان پلی کیستیک بررسی شده است. **روش‌ها:** در این مطالعه مقطعی آینده نگر ۲۱۵ زن مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک بررسی شدند. معیار تشخیص سندرم تخمدان پلی کیستیک و سندرم متابولیک به ترتیب براساس معیار روتردام ۲۰۰۳ و معیار ATP III صورت گرفت. متغیرهای دموگرافیک، باروری، سابقه خانوادگی و نتایج آزمایشگاهی در شرکت کنندگان بررسی شدند.

یافته‌ها: فراوانی سندرم متابولیک در مبتلایان به سندرم تخمدان پلی کیستیک ۲۸/۸٪ بود. بطور کلی در مبتلایان به سندرم تخمدان پلی کیستیک، ۷۲٪ دور کمر بالای ۸۸ سانتی متر، ۹/۳٪ پرفشارخون، ۶٪ قندخون ناشتای بالای ۱۱۰ میلی گرم بر دسی لیتر، ۴۷٪ تری گلیسیرید بالای ۱۵۰ میلی گرم بر دسی لیتر و ۸۶٪ HDL زیر ۵۰ میلی گرم بر دسی لیتر داشتند. در مبتلایان به سندرم تخمدان پلی کیستیک مبتلا به سندرم متابولیک در مقایسه با گروه بدون ابتلا به سندرم متابولیک متغیرهای دور کمر، پرفشاری خون، نمایه توده بدنی، تری گلیسیرید، کلسترول، قندخون ناشتا، قندخون دوساعته، آنزیمهای کبدی بیشتر بوده است. و بالعکس HDL و LH در مبتلایان به سندرم متابولیک در مقایسه با گروه کنترل کمتر بوده است. **نتیجه گیری:** فراوانی سندرم متابولیک در مبتلایان به سندرم تخمدان پلی کیستیک ۲۸/۸٪ بود که نسبت به مطالعات مشابه و جمعیت کلی جامعه بالاتر در ایران بوده است. زنان مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک خطر بالایی برای ابتلا به سندرم متابولیک دارند بنابراین توصیه میشود در مبتلایان به سندرم تخمدان پلی کیستیک توجه خاص جهت پیشگیری از ابتلا به سندرم متابولیک صورت گیرد.

واژه های کلیدی:

سندرم متابولیک، سندرم تخمدان پلی کیستیک، ایران

(1) Namjoo, Hospital Zahra-Al, Gynecology and Obstetrics of Department, Center Research Health Reproductive

sharami@gums.ac.ir : Iran ,Rasht ,St

Paper ID: 71

سدیم هیدروسولفید اثرات محافظتی نیتريت بر متابولیسم کربوهیدرات در موشهای دیابتی نوع ۲ را افزایش می دهد

سجاد جدی^۱، سودا غیبی^۲، möCarlstr Mattias^۳، خسرو کشفی^۴، اصغر قاسمی^۲

خلاصه مقاله:

زمینه و اهداف: کاهش فراهمی زیستی اکسید نیتريك (NO) و کمبود هیدروژن سولفید (S₂H) در پاتوفیزیولوژی بیماری دیابت نوع ۲ (D₂T) نقش دارند. بازگرداندن سطح NO دارای اثرات مفید در بیماری D₂T می باشد. سدیم هیدروسولفید (NaSH)، بعنوان یک عامل آزاد کننده S₂H، اثرات NO را در سیستم قلبی عروقی تقویت می کند. هدف از این مطالعه تعیین اثرات طولانی مدت تجویز همزمان نیتريت و NaSH بر متابولیسم کربوهیدرات در موشهای صحرایی دیابتی نوع ۲ بود. مواد و روش ها: D₂T با استفاده از غذای پرچرب همراه با دوز کم استرپتوزوتوسین القا شد. موش ها به ۵ گروه: کنترل، دیابتی، دیابتی + نیتريت، دیابتی + NaSH و دیابتی + NaSH + نیتريت تقسیم شدند. نیتريت سدیم (۵۰ میلی گرم در لیتر در آب آشامیدنی) و NaSH (۲۸/۰ میلی گرم بر کیلوگرم، تزریق داخل صفاقی به صورت روزانه) به مدت ۹ هفته تجویز شد. گلوکز و انسولین سرم ناشتا قبل و بعد از درمان اندازه گیری شد. تست تحمل گلوکز (GTT) در پایان هفته هشتم درمان انجام شد. تست تحمل پیروات (PTT) (۳ روز پس از GTT انجام شد. در پایان مطالعه میزان پروتئین GLUT-۴ در عضله سولئوس و بافت چربی اپیدیدیمال اندازه گیری شد. یافته ها: NaSH به تنهایی تاثیری بر متابولیسم کربوهیدرات نداشت. نیتريت باعث کاهش گلوکز و انسولین سرم و همچنین افزایش GTT و PTT و افزایش سطح پروتئین GLUT-۴ در بافت های حساس به انسولین شد. تجویز همزمان NaSH با نیتريت اثرات محافظتی نیتريت بر انسولین سرم، GTT، PTT و پروتئین GLUT-۴ را تقویت کرد. نتیجه گیری: میزان NaSH با دوز کم تاثیری بر متابولیسم کربوهیدرات نداشت ولی باعث افزایش اثرات محافظتی نیتريت در موش های دیابتی نوع ۲ شد.

واژه های کلیدی:

هیدروسولفید سدیم، اکسید نیتريك، دیابت، تحمل گلوکز، مقاومت به انسولین

(۱) پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی : sajad.jeddy62@gmail.com

(۲) پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

(۳) Sweden, Stockholm, Institutet Karolinska, Pharmacology and Physiology of Department

(۴) ,Education Biomedical of School Davis Sophie ,Sciences Biomedical and Cellular ,Molecular of Department

USA ,York New ,Medicine of School York New of University City

Paper ID: 72

بررسی شیوع چاقی در نوجوانان و جوانان مراجعه کننده به مراکز بهداشت شهرستان حمیدیه در سال ۱۳۹۷ و مقایسه آن با این شاخص در سال ۱۳۹۶

بهاره بیت سوده^۱، الهه کیانی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: اضافه وزن و چاقی بصورت توزیع غیرطبیعی یا نامناسب چربی در بدن تعریف می شود که خطری برای سلامتی انسان می باشد. تعداد کودکان و نوجوانان ۵ تا ۱۹ ساله چاق و اضافه وزن در سراسر جهان در طول ۴ دهه ی اخیر ۱۰ برابر شده است. بنابر گزارش سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۱۶ (۱۳۹۵) بیش از ۹/۱ بیلیون افراد بالای ۱۸ سال دچار اضافه وزن بودند که از این میزان بیش از ۶۵۰ میلیون نفر چاق بودند. این مطالعه با هدف بررسی شیوع چاقی در نوجوانان و جوانان مراجعه کننده به مراکز بهداشت شهرستان حمیدیه در سال ۱۳۹۷ و مقایسه آن با این شاخص در سال ۱۳۹۶ طراحی و اجرا شده است.

روش ها: جهت بررسی میزان شیوع چاقی در نوجوانان و جوانان مراجعه کننده به مراکز بهداشت شهرستان حمیدیه، تعداد ۳۸۳۲ نفر نوجوان ۵ تا ۱۸ ساله و تعداد ۳۵۰۶ نفر جوان ۱۹ تا ۲۹ ساله در یک مطالعه توصیفی-مقطعی مورد بررسی قرار گرفتند. داده های حاصل از تن سنجی شامل قد و وزن بر اساس شاخص توده ی بدنی سنجیده شدند. افراد با شاخص توده بدنی ۳۰ و بالاتر چاق و بالاتر چاق در نظر گرفته می شوند

یافته ها: نتایج بدست آمده نشان داد که ۹۳/۴٪ از نوجوانان و ۳۳/۱۸٪ از جوانان مورد بررسی چاق بودند که در مقایسه با این شاخص در نوجوانان و جوانان این شهرستان در سال ۱۳۹۶ که به ترتیب ۷/۳٪ و ۶۲/۱۲٪ بوده، افزایش یافته است.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که شیوع چاقی در نوجوانان و جوانان شهرستان حمیدیه در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است. با توجه به اینکه چاقی در سنین پایین ریسک ابتلا به چاقی و بیماری های غیرواگیر را در سنین بالاتر افزایش می دهد بهبود شیوه زندگی در این جمعیت می بایست در اولویت های بهداشتی این شهرستان قرار گیرد.

واژه های کلیدی:

چاقی، نوجوان، جوان، مرکز بهداشت، توصیفی-مقطعی، شیوع

(۱) شبکه بهداشت و درمان حمیدیه : bahare.beytsude@gmail.com

(۲) بیمارستان ابوذر

Paper ID: 73

شبکه علیتی عوامل مؤثر بر چاقی افراد زیر ۱۸ سال با استفاده از منطق سیستم‌های پویا

محمد حسین مهرالحسنی^۱، وحید یزدی فیض آبادی^۱، افسانه راجی زاده^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: از آنجا که چاقی سنین پایین یکی از عوامل زمینه ساز ابتلا به چاقی بزرگسالی و سایر بیماریهای مزمن میباشد، مطالعه حاضر باهدف شناسایی و ارائه شبکه علیتی از عوامل مؤثر بر چاقی افراد زیر ۱۸ سال طراحی شد تا زمینه ترسیم الگوی پویا و تدوین سناریو آینده فراهم گردد.

روش‌ها: این مطالعه در دو مرحله طراحی شد؛ ابتدا در پایگاه Pubmed و Scholar Google تا پایان سال ۲۰۱۸، مرور چتری مقالات بر اساس عناوینی صورت پذیرفت که در آن عوامل مؤثر بر چاقی و نحوه تعامل بین آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته بود. از بین ۱۵۰ مقاله مرتبط، متن کامل ۶۹ مقاله بررسی و در جلسات گروه کاری متمرکز تیم پژوهش مورد تحلیل چارچوبی قرار گرفت. در مرحله دوم با استفاده از گروه کاری متمرکز شبکه علیتی عوامل به صورت کیفی مورد بحث قرار گرفت و در نرم‌افزار Vensim ترسیم شد.

یافته‌ها: ۶۷ عامل مؤثر بر چاقی گروه سنی زیر ۱۸ سال در چهار طبقه اصلی عوامل فردی، محیط نزدیک، محیط دور و دوران زندگی شناسایی شد. عوامل فردی دارای ۴ تم اصلی عوامل وراثتی، پاتوژن، عادات و رفتارهای فردی، سلامت جسمی و روانی و عوامل محیط نزدیک دارای ۳ تم اصلی محیط خانوادگی، مدرسه و محل زندگی و عوامل محیط دور نیز دارای ۳ تم اصلی عوامل اجتماعی، اقتصادی و حاکمیتی بودند. عوامل مرتبط با دوران زندگی در سه دوره جنینی و زمان بارداری، دوران نوزادی، کودکی و نوجوانی طبقه‌بندی شد. از مهم‌ترین عوامل می‌توان به وراثت، وزن مادر در بارداری، تغذیه نوزاد، زمان شروع تغذیه تکمیلی، فعالیت بدنی، تماشای تلویزیون، رژیم غذایی، وضعیت اقتصادی اجتماعی خانواده، برنامه‌های تغذیه‌ای مدرسه، امکانات تفریحی و ورزشی محله، گذار تغذیه‌ای، برنامه‌های بهداشتی و قیمت مواد غذایی اشاره نمود.

نتیجه‌گیری: گستردگی عوامل مؤثر بر چاقی و تعامل بین آن‌ها شبکه علیتی پیچیده‌ای را در سطوح مختلف فردی، خانوادگی و جامعه ایجاد می‌کند که برای پیشگیری از چاقی در این گروه سنی نیازمند انجام هم‌زمان مداخلات با تأکید بر عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت است. شبکه علیتی ارائه شده می‌تواند یک چارچوب مفهومی و تصویر کلانی از عوامل مهم در اختیار شورای سلامت و امنیت غذایی قرار دهد تا بتواند سیاست‌های آینده نگرانه و یکپارچه‌ای در این زمینه اتخاذ نمایند.

واژه‌های کلیدی:

چاقی، اضافه‌وزن، کودکان، نوجوانان، زیر ۱۸ سال، شبکه علیتی، مدل پویا

(۱) دانشگاه علوم پزشکی کرمان

(۲) کرمان : a.rajizadeh@gmail.com

Paper ID: 74

بررسی شیوع چاقی و اضافه وزن در جوانان مراجعه کننده به مراکز بهداشت در شهرستان حمیدیه در سال ۱۳۹۷ و مقایسه آن با میزان مورد انتظار

الهه کیانی^۱، بهاره بیت سوده^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: بنا بر تعریف سازمان جهانی بهداشت چاقی به تجمع غیرطبیعی و مازاد چربی در بدن اطلاق می شود که عامل خطر اصلی بیماری های مزمن مانند دیابت، سرطان و بیماری های قلبی-عروقی می باشد. بنا بر گزارش سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۱۶ (۱۳۹۵) بیش از ۹/۱ بیلیون افراد بالای ۱۸ سال دچار اضافه وزن بودند که از این میزان بیش از ۶۵۰ میلیون نفر چاق بودند. این مطالعه با هدف بررسی شیوع چاقی و اضافه وزن در جوانان مراجعه کننده به مراکز بهداشت شهرستان حمیدیه در سال ۱۳۹۷ و مقایسه آن با میزان مورد انتظار و میزان استانی طراحی و اجرا شده است.

روش ها: جهت بررسی میزان شیوع چاقی و اضافه وزن در جوانان مراجعه کننده به مراکز بهداشت شهرستان حمیدیه در سال ۱۳۹۷، تعداد ۳۵۰۶ نفر جوان ۱۹ تا ۲۹ ساله در یک مطالعه توصیفی-مقطعی مورد بررسی قرار گرفتند. داده های حاصل از تن سنجی شامل قد و وزن بر اساس شاخص توده ی بدنی سنجیده شد. افراد با شاخص توده بدنی ۳۰ و بالاتر چاق در نظر گرفته می شوند.

یافته ها: نتایج به دست آمده نشان داد که ۳۳/۳۹٪ از کل جامعه آماری مورد بررسی مبتلا به چاقی هستند که به میزان مورد انتظار که ۴۰٪ می باشد نزدیک و از میزان استانی که برابر با ۳۷٪ است بالاتر می باشد. **نتیجه گیری:** این مطالعه نشان داد شاخص چاقی در جوانان گروه هدف این مطالعه به میزان مورد انتظار نزدیک و از میزان استانی بالاتر می باشد. با توجه به ارتباط مستقیم میان چاقی و ابتلا به بیماری های غیرواگیر، توصیه می شود شناسایی این افراد و آموزش در زمینه سبک زندگی سالم در اولویت های بهداشتی این شهرستان قرار گیرد.

واژه های کلیدی:

جوانان، حمیدیه، شیوع، چاقی، توصیفی-مقطعی، بهداشت

(۱) بیمارستان ابودر : e.kianiy@gmail.com

(۲) شبکه بهداشت و درمان حمیدیه

Paper ID: 75

ارزیابی وضعیت چاقی در دانش آموزان پایه اول دوره اول ابتدایی شهرستان دزفول در سال ۱۳۹۶

بهزاد جعفری نیا^۱

خلاصه مقاله:

سابقه: شیوع اضافه وزن و چاقی در کودکان کشورهای در حال توسعه هم گام با تغییرات سریع در شیوه ی زندگی در حال افزایش می باشد و این در حالی است که بطور هم زمان سوء تغذیه و توقف رشد کودکان نیز وجود دارد، مطالعه حاضر با هدف ارزیابی وضعیت چاقی دانش آموزان پایه اول دوره اول ابتدایی شهرستان دزفول در سال ۱۳۹۶ انجام گردید.

روش ها: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی اطلاعات متغیرهای سن، جنس، وزن، قد و محل سکونت دانش آموزان پایه اول دوره اول ابتدایی شهرستان دزفول در سال ۱۳۹۶ مورد ارزیابی و نمایه توده بدنی (BMI) بر اساس نمره Z و تقسیم بندی سازمان بهداشت جهانی محاسبه و از طریق نرم افزار SPSS ویراست ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته ها: در کل تعداد ۶۰۲۲ دانش آموز پایه اول دوره اول ابتدایی در محدوده سنی ۶ تا ۹ سال با میانگین و انحراف معیار $6/4 \pm 0/5$ سال مورد بررسی قرار گرفتند، ۵۰/۸٪ (۳۰۶۱) دانش آموزان پسر و بقیه دختر بودند، از لحاظ محل سکونت ۵۸/۴٪ (۳۴۸۷) دانش آموزان ساکن شهر و ۴۱/۶٪ ساکن روستا بودند و همچنین ۹۶/۶٪ (۵۷۶۴) دانش آموزان در مدارس دولتی و بقیه در مدارس غیردولتی بودند. از لحاظ گروه بندی BMI، ۷۱/۸٪ (نفر ۴۲۹۳) وزن متناسب، ۱۲/۷٪ (۷۵۹) اضافه وزن، ۶٪ (۳۵۹) چاق، ۷/۸٪ (۴۶۹) لاغر و ۱/۷٪ (۹۹) لاغری شدید داشتند. پسران بطور معنی داری وزن بیشتر و همچنین BMI بزرگتری نسبت به دختران داشتند ($p < 0/01$)، اما این اختلاف در سن معنی دار نبود ($p = 1/0$). دختران BMI متناسب تری نسبت به پسران داشتند بطوری که شیوع چاقی و اضافه وزن و همچنین لاغری و لاغری شدید در پسران نسبت به دختران بیشتر بود ($p < 0/01$). همچنین بیشترین شیوع چاقی و اضافه وزن در دانش آموزان مدارس غیردولتی و همچنین در شهر بیشتر از روستا بود ($p < 0/01$).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که در دانش آموزان پایه اول دوره اول ابتدایی شهرستان دزفول چاقی و اضافه وزن از شیوع بالایی برخوردار بوده و نیاز به یک برنامه آموزشی - مداخله ای بخصوص در سطح مدارس پسرانه و غیردولتی واقع در شهر می باشد.

واژه های کلیدی:

چاقی، نمایه توده بدنی (BMI)، دانش آموزان، دزفول.

(۱) معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی دزفول : brjh62@yahoo.com

Paper ID: 76

اثر رژیم غذایی کاهش وزن با و بدون مکمل اسید هیدروکسی سیتریک استخراج شده از *Garcinia Cambogia* بر شاخص‌های آنتروپومتری و پروفایل لیپیدی در زنان مبتلا به کبد چرب غیر الکلی

مهرانگیز ابراهیمی ممقانی^۱، شهرزاد توکلی^۱، سلطانه‌علی محبوب^۱، سولماز نومی گلزار^۲

خلاصه مقاله:

زمینه و هدف: چاقی وضعیت التهابی خفیف و مزمنی در بدن ایجاد می‌کند که عوارض طولانی مدت خواهد داشت. هدف این مطالعه بررسی اثر رژیم غذایی کاهش وزن با و بدون مکمل اسید هیدروکسی سیتریک استخراج شده از *Garcinia Cambogia* بر شاخص‌های آنتروپومتری و پروفایل لیپیدی در زنان مبتلا به کبد چرب غیر الکلی می‌باشد. روش مطالعه: در این کارآزمایی بالینی تصادفی شده، در مجموع ۴۰ زن مبتلا به کبد چرب غیر الکلی دارای نمایه توده بدنی بیش از ۵/۲۷ به مدت ۸ هفته پایایی در دو گروه ۱۹ نفری به عنوان گروه مداخله که رژیم کاهش وزن همراه با ۶ عدد قرص مکمل اسید هیدروکسی سیتریک استخراج شده از *Garcinia Cambogia* و ۲۱ نفری به عنوان گروه کنترل که فقط رژیم کاهش وزن دریافت می‌کردند قرار گرفتند. شاخص‌های آنتروپومتری و پروفایل لیپیدی افراد اندازه‌گیری شد. برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ استفاده شد. ($p < 0.05$) به عنوان سطح معنی داری در نظر گرفته شد. یافته‌ها: تفاوت معنی داری در متغیرهای زمینه‌ای، شاخص‌های آنتروپومتری و پروفایل لیپیدی در ابتدای مطالعه بین دو گروه دیده نشد. پس از ۸ هفته میانه وزن و نمایه توده بدنی افراد در گروه مداخله کاهش معنی داری یافت ($p = 0.01$). در هر دو گروه سطوح تری گلیسرید سرم و کلسترول LDL کاهش معنی داری داشت. کلسترول تام در گروه کنترل کاهش معنی داری یافت. کلسترول HDL در گروه مداخله افزایش معنی داری داشت. در انتهای مطالعه از بین تمامی شاخص‌ها فقط سطح کلسترول HDL بین دو گروه تفاوت معنی داری داشت ($p < 0.05$). بحث و نتیجه‌گیری: در این مطالعه با مکمل یاری اسید هیدروکسی سیتریک تاثیر مطلوب قابل توجهی بر اکثر شاخص‌های پروفایل لیپیدی و آنتروپومتری زنان مبتلا به اضافه وزن یا چاقی دارای کبد چرب غیر الکلی در مقایسه با رژیم کاهش وزن به تنهایی دیده نشد. از آنجایی که تعداد مطالعات در این زمینه محدود می‌باشد، برای نتیجه‌گیری قطعی کارآزمایی‌های بالینی بیشتری مورد نیاز هست.

واژه‌های کلیدی:

اسید هیدروکسی سیتریک، پروفایل لیپیدی، شاخص‌های آنتروپومتری، کبد چرب غیر الکلی، گارسینیا کمبوجیا

(۱) دانشگاه علوم پزشکی تبریز- دانشکده تغذیه

(۲) تبریز-دانشگاه علوم پزشکی تبریز- دانشکده تغذیه : solmaz.golzar2010@gmail.com

Paper ID: 77

اثرات ضد آپوتوتیک تمرین تداومی و مصرف کروسین در بافت کبد موش‌های صحرایی دیابتی چاق شده با غذای پرچرب

زینب عالی منش^۱، سپیده دولتی^۲، زهرا عالی منش^۳، فاطمه داوری^۴، سید علی حسینی^۵

خلاصه مقاله:

سابقه: زمینه و هدف: باتوجه به اثر ضد آپوتوزی کروسین این مطالعه با هدف بررسی اثرات ضد آپوتوتیک تمرین تداومی و مصرف کروسین در بافت کبد موش‌های صحرایی دیابتی چاق شده با غذای پرچرب انجام گرفت. روش‌ها: در این مطالعه نیمه تجربی ۳۲ سر موش صحرایی دیابتی (چاق شده با غذای پرچرب و تزریق داخل صفاقی 30 mg/kg استروپتوزوتوسین) بر اساس گلوکز ناشتا در ۴ گروه ۸ سری (۱ کنترل، ۲ تمرین تداومی، ۳ مصرف کروسین و ۴) تمرین تداومی همراه با مصرف کروسین تقسیم شدند. گروه‌های ۲ و ۴ به مدت هشت هفته، سه جلسه و هر جلسه ۶۰ دقیقه با شدت ۵۵-۵۰ درصد حداکثر سرعت دویدن روی نوارگردان دویدند و گروه‌های ۳ و ۴ روزانه 25 mg/kg کروسین به صورت درون صفاقی دریافت کردند. ۴۸ ساعت پس از آخرین جلسه تمرینی و مصرف کروسین، موش‌های صحرایی بیهوش و پس از قربانی، بافت کبد استخراج و سطوح بیان ژن Bcl-2، Bax و P53 به روش Real-time PCR اندازه گیری شد. تجزیه و تحلیل یافته‌ها با آزمون‌های آماری شاپیروویلیک و آنالیز واریانس دو طرفه در نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ انجام شد (p<۰/۰۵).

یافته‌ها: تمرین (p=۰/۰۶ و اندازه اثر ۰/۱۱) و کروسین (p=۰/۳۹ و اندازه اثر ۰/۰۲) اثر معنی داری بر Bax نداشت همچنین تعامل تمرین و کروسین بر Bax معنی دار نبود (p=۰/۲۵ و اندازه اثر ۰/۰۴)؛ تمرین (p=۰/۱۸ و اندازه اثر ۰/۰۶) و کروسین (p=۰/۶۳ و اندازه اثر ۰/۰۰۸) اثر معنی داری بر Bcl-2 نداشت با این وجود تعامل تمرین و کروسین اثر معنی داری بر کاهش Bcl-2 داشت (p=۰/۰۰۱ و اندازه اثر ۰/۳۱)؛ تمرین اثر معنی داری بر P53 (88/0=p و اندازه اثر ۰/۰۰۱) نداشت با این وجود کروسین اثر معنی داری بر افزایش P53 (p=۰/۰۰۱ و اندازه اثر ۰/۷۶) داشت همچنین تعامل تمرین و مصرف کروسین (p=۰/۰۴ و اندازه اثر ۰/۱۳) اثر معنی داری بر افزایش P53 داشت. نتیجه گیری: اگرچه در موش‌های صحرایی چاق مصرف کروسین می‌تواند اثرات ضد آپوتوتیک داشته باشد با این وجود تمرین تداومی همزمان با مصرف کروسین نسبت به مصرف کروسین به تنهایی دارای اثرات بیشتری می‌باشد. واژه‌های کلیدی: بافت کبد، آپوتوز تمرین، کروسین، چاقی، دیابت

(۱) بیمارستان امام سجاد یاسوج

(۲) وزارت بهداشت : sd.dolati@gmail.com

(۳) شهرستان مارگون - دبیر

(۴) دانشگاه آزاد اسلامی - یاسوج

(۵) دانشگاه آزاد مرودشت

Paper ID: 78

طراحی و اعتبارسنجی پرسشنامه های بسامد خوراک در ایران، مرور نظام مند

سمانه سادات ایوبی^۱، عبدالرضا نوروزی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: پرسشنامه بسامد خوراک (FFQ = Questionnaire Frequency Food) در سراسر جهان بعنوان ابزاری جهت ارزیابی دریافت های غذایی در بررسی های اپیدمیولوژیک مورد استفاده قرار می‌گیرد. با توجه به تفاوت دریافت های غذایی در جمعیت‌های مختلف، بومی سازی FFQ با توجه به فرهنگ و عادات غذایی در جوامع گوناگون امری ضروری بنظر می‌رسد. بر اساس جستجوی انجام شده، مطالعه ای وجود ندارد که به بررسی جامع و نظام مند پرسشنامه های FFQ طراحی شده در ایران و مطالعات بررسی روایی و پایایی این پرسشنامه ها پرداخته باشد. **روش‌ها:** بررسی منابع به منظور یافتن مقاله های مرتبط با طراحی و اعتبارسنجی پرسشنامه های FFQ در جمعیت ایرانی، انجام گرفت. خصوصیات هر یک از پرسشنامه ها و اطلاعات مربوط به مطالعات روایی و پایایی آنها استخراج گردید. به منظور بررسی روایی و پایایی FFQ، ضریب همبستگی بین روش مرجع تغذیه ای (ثبت/ یادآمد غذایی) با FFQ و بین FFQهایی که دو نوبت پر شده بودند، مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها: بر اساس جستجوی انجام شده طبق دستورالعمل طراحی شده جهت بررسی نظام مند، ۱۹ مقاله یافت شد که مربوط به ۱۷ پرسشنامه FFQ طراحی شده در ایران بود. ۱۴ FFQ روایی و پایایی قابل قبولی داشتند، اما مطالعه اعتبارسنجی برای ۳ QFF یافت نشد. میانه های ضرایب همبستگی بین دریافت های غذایی FFQ و روش مرجع تغذیه ای برای مواد مغذی ۰,۲۰۷۵ تا ۰,۶۵ بود؛ که بیانگر روایی قابل قبول این پرسشنامه ها است. میانه های ضرایب همبستگی برای مواد مغذی بین دریافت های غذایی دو FFQ یکسان که با فاصله ۰,۵ تا ۱۴ ماه پر شده بودند نیز ۰,۲۸ تا ۰,۸۵ بود؛ که پایایی مناسب پرسشنامه ها را نشان میدهد. اعتبار نسبتا پایین پرسشنامه ها برای برخی گروه های غذایی و مواد مغذی نظیر تخم مرغ، حبوبات، آهن، فولات، α -توکوفرول مشاهده شد. در برخی مطالعات مارکرهای بیوشیمیایی بعنوان استاندارد طلایی برای مقایسه با FFQ استفاده شدند، که در این مطالعات میانه های ضرایب همبستگی بین FFQ و بیومارکرها ۰,۰۶۷۵- تا ۰,۴۲۳ بود.

نتیجه گیری: پرسشنامه های بسامد خوراک طراحی شده در ایران برای بررسی دریافت های غذایی در جامعه ایرانی اعتبار قابل قبولی دارند. اگرچه برخی مواد مغذی و گروه های غذایی که اعتبار پایینی داشتند باید در مطالعات آینده مورد توجه قرار گیرند.

واژه های کلیدی:

پرسشنامه بسامد خوراک، جمعیت ایرانی، روایی، پایایی، مرور

(۱) گروه تغذیه، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران: ayoubis911@mums.ac.ir

(۲) گروه تغذیه، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

Paper ID: 79

اثر هشت هفته تمرینات اینتروال شدید به همراه کروسین بر آنزیم‌های اکسیداسیون اسید چرب موش های صحرائی دیابتی

فاطمه داوری^۱، سپیده دولتی^۲، زهرا عالی منش^۳، زینب عالی منش^۴، سید علی حسینی^۵

خلاصه مقاله:

سابقه: توجه به تاثیر کروسین بر آنزیم‌های اکسیداسون چربی این مطالعه با هدف بررسی اثر هشت هفته تمرینات اینتروال شدید به همراه کروسین بر آنزیم‌های اکسیداسیون اسید چرب موش‌های صحرائی دیابتی انجام گرفت. روش‌ها: در این مطالعه نیمه تجربی ۳۲ سر موش صحرائی دیابتی انتخاب بر اساس گلوکز ناشتا در ۴ گروه ۸ سری (۱ کنترل، ۲ تمرین تناوبی با شدت بالا (HIIT)، ۳ مصرف کروسین و ۴ HIIT همراه با مصرف کروسین تقسیم شدند. گروه‌های ۲ و ۴ به مدت هشت هفته، سه جلسه در هفته با شدت ۸۵-۸۰ حداکثر سرعت دویدن روی نوارگردان دویدند و گروه‌های ۳ و ۴ روزانه ۲۵ kg/mg کروسین (حل شده در نرمال سالین) به صورت درون صفاقی دریافت کردند. ۴۸ ساعت پس از آخرین جلسه تمرینی و مصرف کروسین، موش‌های صحرائی بوسیله کتامین ۱۰ درصد (با دوز ۵۰ میلی گرم بر کیلوگرم وزن بدن) و زایلوزین ۲ درصد (با دوز ۱۰ میلی گرم بر کیلوگرم وزن بدن) بیهوش شدند و پس از قربانی بافت کبد آنها توسط متخصصین استخراج و سطوح بیان ژن α PGC و LCAD به روش PCR time-Real اندازه گیری شد. جهت تجزیه و تحلیل یافته‌ها از آزمون‌های آماری شاپیروویلیک و آنالیز واریانس دو طرفه در نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ استفاده شد ($p \leq 0/05$). یافته‌ها: HIIT ($p=0/001$ و اندازه اثر ۰/۸۵) و کروسین ($p=0/001$ و اندازه اثر ۰/۸۶) اثر معنی داری بر افزایش α PGC داشت همچنین تعامل HIIT و کروسین در افزایش α PGC معنی دار بود ($p=0/001$ و اندازه اثر ۰/۸۵) همچنین HIIT ($p=0/001$ و اندازه اثر ۰/۸۹) و کروسین ($p=0/001$ و اندازه اثر ۰/۸۴) اثر معنی داری بر افزایش LCAD داشت همچنین تعامل HIIT و کروسین در افزایش LCAD معنی دار بود ($p=0/001$ و اندازه اثر ۰/۳۳). نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد هشت هفته تمرینات اینتروال شدید همزمان با مصرف کروسین دارای اثرات تعاملی در بهبود آنزیم‌های اکسیداسیون اسید چرب در موش‌های صحرائی دیابتی چاقی می‌باشند.

واژه‌های کلیدی:

تمرین، کروسین، α PGC، LCAD، دیابت

(۱) دانشگاه آزاد یاسوج

(۲) وزارت بهداشت : sd.dolati@gmail.com

(۳) شهرستان مارگون - دبیر

(۴) بیمارستان امام سجاد- یاسوج

(۵) دانشگاه آزاد مرودشت

Paper ID: 82

بررسی میزان شیوع اضافه وزن و چاقی در میانسالان استان آذربایجان شرقی

آرزو اصغری^۱، فتح‌اله پورعلی^۲، حمیده کوشا^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: افزایش شهرنشینی و صنعتی شدن در اغلب کشورها همراه با تغییرات رفتاری و تغذیه‌ای به سمت تغذیه با میزان بالای چربی و انرژی در کنار کم‌تحركی، باعث اپیدمی چاقی در دنیا شده است. مطالعه‌ی حاضر جهت بررسی چاقی در میانسالان ۵۹ تا ۳۰ ساله در استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۷ به اجرا درآمده است. **روش‌ها:** در این مطالعه قد، وزن و نمایه توده بدنی میانسالان ۳۰ تا ۵۹ ساله اندازه‌گیری و در سامانه سیب ثبت شد. معیارهای تعریف شده برای اضافه وزن، نمایه توده بدنی ۲۹/۹-۲۵ و برای چاقی، نمایه توده بدنی بیشتر و مساوی ۳۰ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: در این بررسی تعداد ۴۱۶۲۲۰ نفر از میانسالان تن‌سنجی شد که از تعداد کل افراد تن‌سنجی شده ۱۸۲۶۷۶ نفر دارای اضافه وزن و ۱۳۹۵۸۴ نفر دارای چاقی و ۳۲۲۲۶۰ نفر دارای اضافه وزن و چاقی بودند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد میزان شیوع اضافه وزن در بین افراد ۵۹ تا ۳۰ ساله، ۴۳ درصد، شیوع چاقی در بین افراد ۵/۳۳ درصد و شیوع اضافه وزن و چاقی ۴/۷۷ درصد است. میزان شیوع اضافه وزن و چاقی در بین زنان ۸/۸۳ درصد و در بین مردان ۵/۶۴ درصد می‌باشد.

نتیجه‌گیری: این مطالعه خطر شیوع اضافه وزن و چاقی را در میانسالان نشان می‌دهد. آموزش در مورد چاقی و عوارض آن، تشویق افراد به تغییر عادات غذایی و اصلاح شیوه زندگی و انجام فعالیت فیزیکی می‌تواند در جهت کاهش شیوع مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی:

اضافه وزن، چاقی، میانسالان

(۱) معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز : arezooasghari80@gmail.com

(۲) معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز

Paper ID: 84

توزیع دریافت مواد مغذی و زمان مصرف صبحانه در میان نوجوانان چاق در یزد، ایران

مریم اژدری^۱، حسن مظفری خسروی^۲، علی محمد هادیان فرد^۳، مجید کاراندیش^۴

خلاصه مقاله:

سابقه: اضافه وزن و چاقی در بین نوجوانان در سراسر جهان رو به افزایش است. چاقی را به عنوان یک مشکل عمومی در نظر گرفته می‌شود. صبحانه مهم‌ترین وعده غذایی روز است. متأسفانه حذف صبحانه در بین نوجوانان رایج است. هدف از این مطالعه، بررسی توزیع مواد مغذی صبحانه و زمان مصرف آن در نوجوانان چاق در شهر یزد بود. روش‌ها: فراوانی و زمان مصرف صبحانه، ترکیب آن در ۵۶۹ نوجوان از هر دو جنس (۱۶-۱۲ سال) اندازه‌گیری شد. برای تعیین میزان دریافت درشت و ریز مغذی‌ها در صبحانه از نرم افزار Nutrition ۴ محاسبه گردید. یافته‌ها: شیوع اضافه وزن یا چاقی و دریافت صبحانه به صورت نامنظم به ترتیب ۴۰٪ و ۵۷/۱٪ گزارش شده است. میانگین (sd) زمان دریافت صبحانه (min:h) در نوجوان با وزن طبیعی (۰۰:۵۹) (۰۹:۰۵) در مقایسه با نوجوانان با اضافه وزن یا چاقی (۹:۰۶) (۰۰:۴۳) (< p=۰,۰۵)، تفاوتی معنی‌دار را نشان نداد. همچنین، تفاوتی در میزان دفعات صبحانه بین نوجوانان با وزن های طبیعی (۲,۶۳(۲,۵)) در مقایسه با نوجوانان دارای اضافه وزن و چاق (۳(۲,۸۵))، (p = ۰/۱) وجود نداشت. درصد و میزان انرژی دریافتی در نوجوانان با وزن نرمال به طور معنی‌داری بالاتر بود (p = ۰,۰۱). اما تفاوتی در مقدار دریافت درشت و ریز مغذی‌ها در بین نوجوانان مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: وزن بالا و دریافت صبحانه به صورت نامنظم در نوجوانان نسبتاً شایع بود. فراوانی و زمان مصرف صبحانه و مقدار دریافت درشت و ریز مغذی‌ها در بین دو گروه تفاوت معنی‌داری را نشان ندادند. صرفاً میزان و درصد انرژی در نوجوانان با وزن نرمال به طور معنی‌داری بالاتر بود. رژیم غذایی ناکافی می‌تواند پیامد‌های جبران‌ناپذیری را در این گروه سنی به همراه داشته باشد. هرچند وعده صبحانه بسیار بااهمیت می‌باشد. اما عوامل دیگر (کیفیت شام و فعالیت فیزیکی) نیز می‌توانند تاثیر گذار باشند. نتایج این مطالعه نشان داد که نیاز به مطالعات بیشتر برای تعیین عوامل تاثیر می‌باشد.

واژه‌های کلیدی:

نوجوانان، زمان دریافت صبحانه، فراوانی مصرف صبحانه، درشت مغذی، ریز مغذی

(۱) مرکز تحقیقات تغذیه و بیماری‌های متابولیک، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

(۲) دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

(۳) گروه فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

(۴) موسسه تحقیقات سلامت، مرکز تحقیقات دیابت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران : mkarandish@yahoo.com

Paper ID: 85

بررسی شیوع اضافه وزن و چاقی مادران باردار در شروع و پایان بارداری در استان آذربایجان شرقی

آرزو اصغری^۱، فتح‌اله پورعلی^۲، حمیده کوشا^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: با توجه به اهمیت تغذیه در دوران بارداری و نقش آن در سلامتی نسل آینده و چاقی به عنوان عامل خطر ساز در بیماری‌های غیر واگیر، پژوهش حاضر با هدف تعیین شیوع اضافه وزن و چاقی مادران باردار در شروع و پایان بارداری در استان آذربایجان شرقی انجام گرفت.

روش‌ها: در این بررسی کلیه مادران باردار تحت پوشش مراکز بهداشتی و درمانی در ۲۰ شهرستان این استان در این مطالعه وارد شدند. تعداد افراد مورد بررسی ۵۲۳۱۳ مادر باردار بود. نمایه توده بدنی مادران در قبل از بارداری و در طول دوران بارداری اندازه‌گیری گردید و براساس دستورالعمل وزارت بهداشت در خصوص روند وزن‌گیری مادران طبقه‌بندی گردید.

یافته‌ها: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که در کل استان آذربایجان شرقی شیوع کم‌وزنی، وزن نرمال، اضافه وزن و چاقی به ترتیب ۷/۴٪، ۲۱/۵۴٪، ۷۵/۲۸٪ و ۳۳/۱۲٪ بود.

نتیجه‌گیری: کنترل میزان افزایش وزن در دوران بارداری بخصوص در افرادی که قبل از بارداری دچار اضافه وزن و یا چاقی بوده‌اند، از اهمیت بسزایی برخوردار است. زیرا افزایش وزن بی‌رویه در دوران بارداری می‌تواند زنان را در معرض مشکلات مرتبط با سلامتی از جمله چاقی، افزایش فشارخون و غیره در مراحل بعدی زندگی‌شان قرار دهد.

واژه‌های کلیدی:

اضافه وزن، چاقی، مادران باردار

(۱) معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز : arezooasghari80@gmail.com

(۲) معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز

Paper ID: 86

بررسی میزان آگاهی خانوارهای شهری و روستایی استان آذربایجان شرقی در مورد ارتباط مصرف نوشابه‌های گازدار با چاقی

آرزو اصغری^۱، فتح اله بورعلی^۲، حمیده کوشا^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: یکی از مهمترین علل مشکلات تغذیه‌ای، عدم آگاهی تغذیه‌ای و در نتیجه عملکرد نامناسب در این مقوله است که باعث مشکلاتی از قبیل چاقی، سرطان و ابتلا به بیماریهای غیرواگیر مختلف می‌شود. مصرف نوشابه‌های گازدار یکی از مواردی است که بر بروز چاقی نقش مهمی را ایفا می‌کند. بنابراین در این مطالعه میزان آگاهی خانوارهای شهری و روستایی استان آذربایجان شرقی در مورد ارتباط مصرف نوشابه‌های گازدار با چاقی مورد بررسی قرار گرفت.

روش‌ها: جامعه آماری در این بررسی خانوارهای مناطق شهری و روستایی استان بود، که جمعا ۵۷ خوشه ۸ نفری در مناطق شهری و روستایی بررسی شدند که از مجموع ۵۷ خوشه ۳۸ خوشه شهری و ۱۹ خوشه روستایی بود. داده‌های مورد نیاز در این مطالعه از طریق پرسشنامه‌ای ساختار یافته و با انجام مصاحبه پرسشگران در خانوارها جمع‌آوری شد. داده‌ها توسط برنامه SPSS مورد آنالیز قرار گرفت.

یافته‌ها: در کل خانوارهای مورد بررسی، ۵/۲۲ درصد در مورد تاثیر نوشابه‌های گازدار بر ایجاد چاقی آگاهی داشتند. همچنین میزان آگاهی در این مورد در خانوارهای شهری ۳/۱۹ درصد و در خانوارهای روستایی ۲۸ درصد بود. نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که میزان آگاهی خانوارهای شهری و روستایی در مورد مضرات مصرف زیاد نوشابه‌های گازدار و رابطه آن با ایجاد چاقی پایین بوده و میزان آگاهی در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری بود. لذا برنامه‌های آموزشی مناسب در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی:

نوشابه‌های گازدار، خانوار، چاقی، آذربایجان شرقی

(۱) معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز : arezooasghari80@gmail.com

(۲) معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز

Paper ID: 87

بررسی وضعیت تغذیه ای مادر در شروع بارداری بر حسب نمایه توده بدنی (BMI) در استان آذربایجان شرقی

حمیده کوشا^۱، آرزو اصغری^۲، فتح اله پورعلی^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: یکی از عوامل مهم موثر بروز نوزاد هنگام تولد وزن مادری قبل از دوران بارداری می‌باشد. مطالعات زیادی رابطه مستقیم بین وزن مادر قبل از بارداری و وزن موقع تولد نوزاد را نشان می‌دهند. عوارضی که به وزن بالا یا کم مادر قبل از بارداری مربوطند عبارتند از افزایش ناکافی وزن مادر در زمان بارداری، افزایش فشارخون، پره اکلامپسی، دیابت حاملگی، استعداد نوزادان ماکروزوم، پارگی زودرس کیسه آمنیون، نمره آپگار پایین نوزاد، وزن پایین نوزاد هنگام تولد، زایمان زودرس و افزایش مرگ و میر پریناتال می‌باشد. بنابراین در این مطالعه وضعیت تغذیه مادران در شروع بارداری مورد بررسی قرار گرفته است.

روش‌ها: یکی از عوامل مهم موثر بروز نوزاد هنگام تولد وزن مادری قبل از دوران بارداری می‌باشد. مطالعات زیادی رابطه مستقیم بین وزن مادر قبل از بارداری و وزن موقع تولد نوزاد را نشان می‌دهند. عوارضی که به وزن بالا یا کم مادر قبل از بارداری مربوطند عبارتند از افزایش ناکافی وزن مادر در زمان بارداری، افزایش فشارخون، پره اکلامپسی، دیابت حاملگی، استعداد نوزادان ماکروزوم، پارگی زودرس کیسه آمنیون، نمره آپگار پایین نوزاد، وزن پایین نوزاد هنگام تولد، زایمان زودرس و افزایش مرگ و میر پریناتال می‌باشد. بنابراین در این مطالعه وضعیت تغذیه مادران در شروع بارداری مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که در شهر تبریز از ۱۲۶۸۲ مادر بررسی شده ۳٫۹۶٪ مادران در ابتدای بارداری دچار کم وزنی، ۵۱٫۹٪ مادران دارای وزن طبیعی، ۳۰٫۴۹٪ دچار اضافه وزن و ۱۳٫۶۹ درصد مادران دچار چاقی بوده‌اند. همچنین در کل استان آذربایجان شرقی شیوع کم وزنی، وزن نرمال، اضافه وزن و چاقی به ترتیب ۴٫۷٪، ۲۱/۵۴٪، ۲۸٫۷۵٪ و ۱۲٫۳۳٪ بود.

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه نشان داد که شیوع اضافه وزن و چاقی در شروع بارداری در استان آذربایجان شرقی بالا بود. بنابراین بایستی آموزش‌های تغذیه‌ای لازم قبل از بارداری برای زنان دچار اضافه وزن و چاقی صورت گیرد تا احتمال عوارض بارداری کاهش یابد.

واژه‌های کلیدی:

بارداری، BMI، آذربایجان شرقی

(۱) معاونت بهداشتی تبریز : kooshahamideh@yahoo.com

(۲) معاونت بهداشتی

(۳) معاونت بهداشت

Paper ID: 88

بررسی شیوع اضافه وزن، چاقی در ادارات استان آذر شرقی

حمیده کوشا^۱، آرزو اصغری^۲، فتح اله پورعلی^۲، فریده کوشا^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: چاقی عامل خطر برای بروز بسیاری از بیماریها نظیر بیماریهای قلبی، فشارخون و دیابت است که رو به رشد است. کارکنان ادارات و سازمان ها بدلیل تحرک بدنی ناکافی جزء افرادی هستند که میزان شیوع اضافه وزن و چاقی در آنها بیشتر است.

روش ها: این مطالعه با هدف بررسی وضعیت شیوع چاقی و اضافه وزن در کارکنان ادارات دولتی استان آذربایجان شرقی انجام شد. در این مطالعه قد، وزن، نمایه توده بدنی کارکنان اندازه گیری شد. معیارهای تعریف شده برای اضافه وزن، نمایه توده بدنی ۲۹٫۹- ۲۵ و برای چاقی، نمایه توده بدنی بیشتر و مساوی ۳۰ در نظر گرفته شد. **یافته ها:** در این بررسی تعداد ۱۴۷۵۷ نفر از کارکنان ادارات استان آذر شرقی تن سنجی شده که از تعداد کل افراد تن سنجی شده ۷۰۴۳ نفر دارای اضافه وزن، ۲۰۳۰ نفر دارای چاقی خفیف، ۳۲۶ نفر دارای چاقی متوسط و ۳۹ نفر دارای چاقی شدید بودند. از تعداد کل افراد تن سنجی شده ۲۳۹۵ نفر دارای چاقی بودند که نتایج نشان داد میزان شیوع اضافه وزن در بین افراد ۶۴ درصد و شیوع چاقی در بین افراد ۱۶٫۲۳ درصد بود.

نتیجه گیری: این مطالعه خطر افزایش شیوع اضافه وزن و چاقی را در کارکنان ادارات استان نشان می دهد و آموزش در مورد چاقی و عوارض آن، تشویق افراد به تغییر عادات غذایی و اصلاح شیوه زندگی و انجام فعالیت فیزیکی می تواند در جهت کاهش شیوع چاقی مؤثر باشد.

واژه های کلیدی:

چاقی، نمایه توده بدنی، تن سنجی

(۱) معاونت بهداشتی تبریز : kooshahamideh@yahoo.com

(۲) معاونت بهداشتی

(۳) سازمان تامین اجتماعی

Paper ID: 89

عوارض و کمبودهای تغذیه‌ای متعاقب جراحی‌های چاقی

شبنم بالادستیان^۱

خلاصه مقاله:

مقدمه: جراحی‌های چاقی در زمینه درمان این بیماری به طور موفق عمل کرده و در حال رشد فزاینده هستند. با این وجود عوارض بلندمدتی که پس از این گونه جراحی‌ها به وجود می‌آید می‌تواند سلامتی فرد را تهدید کند. به همین جهت این پژوهش با هدف بررسی عوارض و کمبودهای تغذیه‌ای متعاقب جراحی‌های چاقی انجام شده است. روش کار: این مطالعه از نوع مروری بر مطالعات گذشته می‌باشد که با به کارگیری موتور جستجوی پایگاه‌های Science, Scopus, PubMed، Science Of Web و Direct در بازه زمانی ۵ سال اخیر و با کلیدواژه‌های *bypass Gastric, surgery Bariatric, Nutrient and deficiencies, complication* صورت گرفته است. از بین ۵۸۰ متن یافت شده، پس از حذف عناوین غیر مرتبط و تکراری و در نظر گرفتن معیارهای ورود تعداد ۹ مقاله مورد بررسی قرار گرفت. معیارهای ورود شامل در دسترس بودن متن مقاله، انگلیسی بودن و تمرکز روی نقص‌هایی همچون ریز مغذی‌ها بود. یافته‌ها: ۴ مقاله از نوع مروری، ۴ مقاله از نوع آینده‌نگر و ۱ مقاله نیز از نوع گذشته‌نگر بودند. یافته‌های مقالات مروری حاکی از بروز کمبود در انواعی از ویتامین‌ها خصوصاً ویتامین D و B_{۱۲}، بروز کم‌خونی و سندرم دامپینگ است. سایر مطالعات نیز علاوه بر موارد ذکر شده به کمبود پروتئین نیز اشاره دارند. به طور کلی مطالعات مرور شده بر لزوم استفاده از مکمل‌های تغذیه‌ای جهت پیشگیری یا درمان عوارض ذکر شده تأکید می‌کنند. نتیجه‌گیری: به طور کلی نتایج این پژوهش حاکی از بروز عوارض و کمبود در ریز مغذی‌ها می‌باشد و توصیه می‌شود اقدامات پیشگیری‌کننده از جمله به کارگیری مکمل‌های تغذیه‌ای قبل از جراحی صورت بگیرد.

واژه‌های کلیدی:

جراحی چاقی، بای پس معده، عارضه، نقایص، ریز مغذی

(۱) واحد توسعه تحقیقات بالینی، بیمارستان کوثر، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران: sh_baladastian@yahoo.com

Paper ID: 90

بررسی شیوع اضافه وزن و عوامل موثر بر آن در کودکان ۶-۲ ساله شهر جیرفت

پروانه نظری^۱، علی کمالی^۱، ناصر نصیری^۲

خلاصه مقاله:

زمینه و هدف: در سال‌های اخیر ما شاهد افزایش شیوع اضافه وزن در جهان بودیم. اضافه وزن یکی از مشکلات بهداشت عمومی است. شناخت عوامل موثر بر اضافه وزن کودکان می‌تواند نقش مهمی در کاهش اضافه وزن در کودکی و بزرگسالی داشته باشد. هدف این مطالعه تعیین شیوع اضافه وزن و عوامل موثر بر آن در کودکان ۶-۲ ساله شهر جیرفت در سال ۱۳۹۷ بود. روش مطالعه: این مطالعه مقطعی برای بررسی شیوع اضافه وزن در ۱۲۵۰ کودک، در مهدکودک‌های سطح شهر جیرفت به روش طبقه‌ای متناسب انجام شد. اندازه‌گیری وزن و قد کودکان بدون کفش، با کمترین لباس، با تراوز و متر آلمانی با خطای ۰/۰۱ انجام شد، اضافه وزن با توجه به صدک بر اساس CDC انجام و برای آنالیز داده‌ها از آزمون χ^2 و t -test استفاده شد. یافته‌ها: درصد پاسخگویی در این مطالعه ۸۲/۵ درصد بود. از میان ۱۰۲۰ کودک تعداد ۵۲۰ نفر (۵۰/۴ درصد) دختر و ۵۱۲ نفر (۴۹/۶ درصد) پسر بودند. ۱۵۰ کودک (۱۵/۲ درصد) در معرض خطر اضافه‌وزن و اضافه‌وزن بودند و تعداد ۲۱۹ نفر (۲۱/۵ درصد) زیر وزن طبیعی وزن داشتند. ارتباط معنی‌داری بین اضافه‌وزن با درآمد پایین خانواده (۰/۰۳۳)، تحصیلات دانشگاهی پدر و مادر (۰/۰۰۵ و <0.001) و جنسیت دختر (۰/۰۰۳) وجود داشت. کودکانی که بیشتر از دو بار در هفته فست فود مصرف کرده بودند اضافه‌وزن بیشتری داشتند ($\text{value-p} = 0.067$)، ارتباط معنی‌داری بین دیابت زمان بارداری و داشتن وزنی زیر وزن طبیعی در کودکان وجود داشت ($\text{value-p} < 0.0001$)، ارتباط غیر معنی‌داری بین کودکانی که در ۶ ماهه اول زندگی از غذای کمکی استفاده کرده بودند و داشتن وزنی زیر وزن طبیعی در این کودکان وجود داشت ($\text{value-p} = 0.159$)، بحث و نتیجه‌گیری: کودکانی که پدر مادرشان تحصیلات دانشگاهی داشتند و فست فود بیشتر از دو بار در هفته مصرف می‌کردند اضافه‌وزن بیشتری داشتند. بنابراین توجه بیشتر والدین به تغذیه سالم و استفاده کمتر از فست فود می‌تواند نقش مهمی در کاهش اضافه‌وزن در کودکان داشته باشد.

واژه‌های کلیدی:

عوامل خطر، اضافه‌وزن، کودکان ۶-۲ ساله، جیرفت

(۱) دانشگاه علوم پزشکی جیرفت

(۲) دانشگاه علوم پزشکی جیرفت : nasiri.epi@gmail.com

Paper ID: 94

ارتباط وضعیت مس با شاخص‌های عملکرد کبد در بیماران مبتلا به NAFLD

سیده سارا عارف حسینی^۱، مهرانگیز ابراهیمی ممقانی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: بیماری NAFLD از شایع‌ترین پیامدهای چاقی در جهان امروز محسوب می‌شود که ناشی از تجمع اسیدهای چرب در بافت چربی و لیپوژنز کبدی توام با افزایش دریافت چربی و کربوهیدرات غذایی می‌باشد. مس بعنوان یک عنصرزیستی که در فعالیت بسیاری از آنزیم‌ها در واکنش‌های سلولی نقش داشته و شواهدی وجود دارد که با اختلال در عملکرد کبد ممکن است تحت تاثیر قرار گیرد. لذا این مطالعه با هدف مقایسه وضعیت مس در ارتباط با شاخص‌های عملکرد کبدی در بیماران NAFLD در مقایسه با افراد سالم صورت گرفت.

روش‌ها: در مطالعه مقطعی تحلیلی حاضر ۸۳ بیمار بزرگسال مبتلا به NAFLD تایید شده توسط یافته‌های سونوگرافی با ۴۲ فرد به ظاهر سالم از نظر سطح سرمی آنزیم‌های کبدی - فریتین و مس و سرولوپلاسمین مورد مقایسه قرار گرفتند. نمایه توده بدن (BMI) با اندازه‌گیری وزن و قد برآورد و نسبت ALT به AST سرم محاسبه گردید.

یافته‌ها: میانگین نمایه توده بدنی 32.37 ± 7.4 کیلوگرم بر متر مربع و 60.2% و 37.3% به ترتیب دارای کبد چرب گرید ۱ و ۲ بودند. تنها 5% افراد مورد مطالعه دارای غلظت مس سرم $< 70 \text{ dl/g}\mu$ بودند. گرچه تفاوت معنی‌داری در بین دو گروه از نظر سطح سرمی مس و سرولوپلاسمین و فریتین دیده نشد اما سطح آنزیم‌های کبدی و نسبت آن‌ها در بیماران به طور معنی‌داری بیش از افراد سالم بود. تنها سرولوپلاسمین سرم ارتباط معکوس معنی‌داری را با سطح آنزیم‌های کبدی و نسبت آن‌ها نشان داد.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های مطالعه حاضر احتمالاً هومئوستاز مس با پیشرفت بیماری NAFLD ارتباط داشته باشد لذا مطالعات بیشتری در این خصوص پیشنهاد میشود.

واژه‌های کلیدی:

کبدچرب غیرالکلی، آنزیم‌های کبدی، مس، آهن

(۱) دانشگاه علوم پزشکی تبریز : arefhosseini.sa@gmail.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی تبریز

Paper ID: 96

مقایسه تاثیر مصرف رژیم پر پروتئین با منشا پروتئین حیوانی با رژیم پر پروتئین با منبع پروتئین گیاهی بر کاهش وزن

ملیکه مهاجرانی^۱، صبا محمدپور^۲، نیکی بهرام پور^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: آمارهای سازمان بهداشت جهانی شیوع چاقی را در سراسر دنیا چندین برابر دهه های گذشته تخمین زده است. گسترش بیماری های ناشی از چاقی مانند بیماری های قلبی، دیابت نوع ۲ و برخی سرطانها نگران کننده است. بسیاری از مطالعات مزایای مهمی را برای رژیم پرپروتئین ذکر می کنند از جمله افزایش احساس سیری، افزایش متابولیسم، حفظ توده عضلانی در طی کاهش وزن، کاهش چربی. به علاوه این رژیم از وزن گیری مجدد پیشگیری می کند. مطالعات حاکی از آن است که در رژیم غذایی تنها میزان پروتئین مهم نیست، بلکه منبع پروتئین غذایی برای مدیریت وزن و کاهش خطر مشکلات قلبی و متابولیک حائز اهمیت است. هدف از این مطالعه، مقایسه اثربخشی رژیم پرپروتئین بر پایه منابع حیوانی با رژیم پر پروتئین منشا گیاهی در درمان چاقی می باشد.

روش ها: مطالعه حاضر یک مقاله مروری حاصل بررسی پایگاه های علمی معتبر و انتخاب مطالعات کارآزمایی بالینی و مطالعات مشاهده ای، از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ می باشد.

یافته ها: پروتئین های حیوانی ارزش بیولوژیک بالاتری دارند، بنابراین اثرات آنابولیک بیشتری بر توده عضلانی می گذارند اما مصرف بیشتر آنها در طولانی مدت می تواند منجر به وزن گیری شود. به علاوه مصرف پروتئین حیوانی بیشتر، باعث دریافت چربی اشباع بالاتر می شود. رژیم سرشار از پروتئین حیوانی باعث دریافت بیشتر دو اسید آمینه ی لوسین و هیستیدین می شود، که کاهش دریافت آنها به ترتیب با توده چربی کمتر و بهبود مقاومت به انسولین همراه است. برخی مطالعات کوتاه مدت بر روی پروتئین سویا نشان می دهد که مصرف سویا می تواند تأثیرات مشابه پروتئین حیوانی در ایجاد سیری و پاسخ هورمون های مربوط به اشتها در کاهش وزن داشته باشد. **نتیجه گیری:** بیشتر تحقیقات، از فواید رژیم پرپروتئین با منشا گیاهی نسبت به رژیم پرپروتئین با پروتئین حیوانی حمایت می کنند. با توجه به تأثیرات مثبت رژیم پرپروتئین با منشا گیاهی بر کاهش وزن، توده چربی، توده عضلانی و بهبود مقاومت به انسولین، توصیه می شود برای کنترل چاقی و پیشگیری از بیماری های متابولیک مانند دیابت نوع ۲ و بیماری های قلبی عروقی از این الگوی رژیمی استفاده شود.

واژه های کلیدی:

رژیم پر پروتئین، کاهش وزن، چاقی، پروتئین گیاهی، پروتئین حیوانی

(۱) دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات : moh.malikeh@gmail.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی تهران

(۳) دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات

Paper ID: 97

بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد تغذیه ای دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز و عوامل مرتبط با آن در سال ۱۳۹۸

الهه کیانی^۱، یعقوب مدملی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: تغذیه نامناسب، زمینه ساز بسیاری از بیماریهای شایع نظیر دیابت، سرطانها و بیماریهای قلبی-عروقی می باشد. برنامه ریزی مناسب برای دانشجویان گروه علوم پزشکی که الگوهای رفتاری مردم و مسؤولان آتی سلامت کشور هستند، ضروری به نظر می رسد، لذا این مطالعه با هدف تعیین آگاهی، نگرش و عملکرد تغذیه ای دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز و عوامل مرتبط با آن در سال ۱۳۹۸ انجام شد.

روش ها: در این مطالعه توصیفی مقطعی نمونه گیری به صورت تصادفی ساده در دانشجویان رشته های مختلف دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در سال ۱۳۹۸ انجام گردید. معیارهای ورود به مطالعه شامل دانشجویان ترم ۲ و بالاتر و رضایت کتبی آگاهانه بود. جهت بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد تغذیه ای محقق ساخته با روایی صوری و پایایی ۰/۷۶ استفاده گردید. تجزیه تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS-۲۰ و آزمون های آماری T مستقل، آنوا و ضریب همبستگی پیرسون انجام شد.

یافته ها: در این مطالعه ۲۶۰ دانشجوی علوم پزشکی با میانگین سنی $22/24 \pm 2/49$ وارد مطالعه گردیدند. از این تعداد ۸۴/۶ درصد مونث و بقیه مذکر، ۸۵/۵ درصد مجرد و ۸۵ درصد خواگاهی بودند. ۱۵/۷ درصد دانشجویان از رشته بهداشت، ۱۲/۷ درصد دانشجوی پزشکی، ۱۲/۷ درصد دانشجوی رادیولوژی، ۱۱/۵ درصد رشته تغذیه و بقیه از سایر رشته ها بودند. میانگین شاخص توده بدنی $23/56 \pm 3/87$ و ۱۳/۱ درصد اضافه وزن، ۳/۱ درصد چاقی و ۷/۷ درصد زیر حد نرمال بودند. میانگین آگاهی، نگرش و عملکرد تغذیه ای این افراد به ترتیب $10/15 \pm 52/13$ ، $5/68 \pm 1/13$ و $5/68 \pm 1/13$ می باشد. بین نگرش تغذیه ای با شغل پدر و مادر و همچنین رشته تحصیلی ارتباط آماری معنی داری مشاهده شد. ($P > 0.05$) همچنین بین درآمد خانوار و عملکرد تغذیه ای همبستگی منفی و معنی دار آماری مشاهده شد. $P = 0.06$ ، $T = -17/0$ بین آگاهی، نگرش و عملکرد تغذیه ای و سایر متغیرهای دموگرافیک ارتباط معنی داری یافت نشد $P < 0.05$ بین شاخص توده بدنی و آگاهی، نگرش و عملکرد تغذیه ای دانشجویان همبستگی معنی دار آماری وجود نداشت. $P < 0.05$.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد شاخص توده بدنی این افراد در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارد. لازم است با بررسی و پژوهش در خصوص عواملی نظیر میزان گرایش به غذاهای آماده، عوامل اجتماعی مرتبط با تغذیه نظیر وضعیت خانوادگی و مذهبی و ارزیابی های دقیق تر جسمی مرتبط با تغذیه به اطلاعات روشنی در خصوص وضعیت تغذیه این دانشجویان دست پیدا کرد.

واژه های کلیدی:

سوء تغذیه، وضعیت تغذیه، عملکرد تغذیه ای، دانشجویان، توصیفی-مقطعی، نگرش

(۱) بیمارستان ابودر

(۲) دانشگاه علوم پزشکی آبادان

Paper ID: 99

تاثیر obesogenes (مواد چاق کننده) موجود در لوازم آرایشی بهداشتی بر تغییرات وزن

ثمین حجازی^۱، عاطفه اصحابی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: امروزه، استفاده گسترده و روز افزون لوازم آرایشی بهداشتی، عطر و لاک و پیامدهای ناشی از آن‌ها به دلیل تماس مداوم با پوست به عنوان بزرگترین ارگان جذب کننده بدن، به یکی از نگرانی‌های محققان تبدیل شده است. مواد شیمیایی افزودنی و معطر در این محصولات با تغییر تعادل هورمون‌ها و اختلال در روند طبیعی عملکرد آدیپوسیت‌ها در ایجاد چاقی نقش دارند. اگرچه لوازم آرایشی بهداشتی حاوی مقادیر کمی از این مواد هستند اما مواجهه روزانه و مکرر می‌تواند باعث افزایش اثرگذاری گردد.

روش‌ها: طی جستجو کامل مقالات با موضوع نقش لوازم آرایشی بهداشتی در چاقی در پایگاه‌های الکترونیک معتبر نظیر Scholar Google, Pubmed از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸، ۲۷ مقاله یافت شد که از این بین ۱۳ مقاله به نقش این مواد شیمیایی بر چاقی اشاره کرده بود.

یافته‌ها: مطالعات نشان می‌دهند که لوازم آرایشی بهداشتی حاوی پارابن و فتالات هستند این مواد که به منظور افزایش طول مدت نگهداری و انعطاف پذیری لوازم آرایشی به کار رفته، تحت عنوان Obesogenes (چاق کننده) شناخته می‌شوند که به دلیل ساختار چربی دوست، با فعالیت آنتی آدرنژیک خود، افزایش تعداد و سائز آدیپوسیت‌ها را به همراه داشته و با برهم زدن تعادل انرژی بر چاقی تاثیر می‌گذارد. DBP (دی بوتیل فتالات) موجود در لاک ناخن با وجود اینکه کراتین ناخن بافتی با نفوذپذیری کم است، به خوبی جذب بدن شده و با تاثیر بر هورمون‌ها و اختلال عملکرد تیروئید باعث چاقی می‌شود. اندازه گیری نمونه ادراری افراد نشان‌دهنده افزایش ۱۰-۷ برابری فتالات در ۱۴-۱۰ ساعت بعد از زدن لاک بود.

نتیجه گیری: به طور کلی obesogenes به کار رفته در لوازم آرایشی بهداشتی، باعث به هم خوردن تعادل هورمون‌ها و افزایش آدیپوژنز شده است. این تغییر در هموستاز لیپید می‌تواند عامل ایجاد چاقی شود. به همین دلیل امروزه استفاده از آن‌ها در کارخانه‌های لوازم آرایشی بهداشتی اروپا منع گردیده و با مطالعه برچسب می‌توان از فقدان آن‌ها اطمینان حاصل کرد. هم‌اینطور لاک‌های ناخن با برچسب Free-۳ (فاقد هرگونه DBP، تولوئن و فرمالدهید) به بازار عرضه می‌شود.

واژه‌های کلیدی:

مواد چاق کننده، فتالات، پارابن، لاک، لوازم آرایشی بهداشتی

(۱) سمنان : samin.hejazi.93@gmail.com

(۲) سمنان

Paper ID: 100

رسانه های مجازی و چالش لاغری در بزرگسالان مبتلا به اضافه وزن و چاقی - قرچک

رعنا رفعت^۱، نکیسا محمدپور^۲، فرشته فزونی^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: با تغییر الگوی مصرف مواد غذایی و زندگی ماشینی، اضافه وزن و چاقی رو به افزایش است. با اینکه یکی از علل چاقی بی تحرکی ناشی از استفاده از رسانه های مجازی است، با این حال در صورت دسترسی و استفاده صحیح از این رسانه ها می-تواند فرصت مناسبی در اجرای مداخلات سلامت-محور باشد. مطالعه حاضر با هدف بررسی اثرمداخلات گروهی کاهش وزن تحت عنوان 'چالش لاغری' با کمک رسانه های مجازی در بزرگسالان مبتلا به اضافه وزن و چاقی شهرستان قرچک طراحی شد.

روش ها: در این مطالعه شرکت کنندگان با اطلاع از خبر برگزاری 'چالش لاغری' از طریق سایت شبکه بهداشت و درمان شهرستان و شبکه های خبری اجتماعی منطقه ورامین-پرس و قرچک-نیوز، مشخصات خود را با پست الکترونیکی یا تلفنی به کارشناس تغذیه برنامه اعلام نمودند. زمان و مکان اجرای 'چالش لاغری' علاوه بر رسانه ها با ارسال پیامک به متقاضیان بالای ۱۸ سال و مبتلا به اضافه وزن و چاقی اطلاع رسانی شد. مطالعه با برگزاری کارگاه یک روزه، و با هدف ارائه آموزش هایی با محوریت علل و عوارض چاقی، پیشگیری و درمان بیماری های غیرواگیر و سبک زندگی سالم با فعالیت و دریافت کافی ریزمغذی ها توسط کارشناس تغذیه و راهکارهای کاهش پرخوری ناشی از استرس توسط کارشناس سلامت روان انجام شد. رژیم غذایی افراد به صورت فردی تنظیم شد. پخش انیمیشن های کوتاه با محتوای پیشگیری از چاقی، دعوت از افراد موفق در کاهش وزن و ارائه دستبند لاغری جهت افزایش انگیزه شرکت کنندگان انجام گرفت. آموزش ها طی مدت مداخله با برگزاری فایل های آموزشی در بخش ویژه 'چالش لاغری' سایت شبکه و پاسخ تلفنی به مشکلات اجرای رژیم به صورت مستمر ادامه داشت. بررسی های آنتروپومتری طرح در ابتدا و پایان ۶ هفته توسط مراقب سلامت آموزش دیده انجام گرفت. **یافته ها:** در این مطالعه ۴۱ نفر (۸۵,۴ درصد زن و ۱۴,۶ مرد)، با میانگین سنی ۳۷,۷ شرکت کردند. نمایه توده بدنی اولیه شرکت کننده ها ۲۸,۹ بود. طی ۶ هفته مداخله میانگین نمایه توده بدنی ۲,۱ کیلوگرم کاهش یافت که این تغییرات از نظر آماری معنا دار بود. ($p < 0,05$).

نتیجه گیری: مطالعه ما نشان داد مداخلات گروهی با کمک رسانه های اجتماعی می تواند منجر به کاهش وزن افراد شرکت کننده شود. بنابراین این رسانه ها می توانند کانال ارتباطی موثری بین ارائه دهندگان خدمات بهداشتی و خدمت گیرندگان این مراکز باشند و رفتارهای خودمراقبتی را در افراد بهبود بخشند.

واژه های کلیدی:

چاقی، رسانه، تغذیه، قرچک، شهیدبهبشتی

(۱) شبکه بهداشت و درمان شهرستان قرچک : r_rafat80@yahoo.com

(۲) دانشگاه ایران

(۳) معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

Paper ID: 101

تاثیر مکمل یاری اسپیرولینا بر پروفایل لیپیدی و شرایط التهابی

مریم مفیدی نژاد^۱، ثمین حجازی^۲، عاطفه اصحابی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: پروفایل لیپیدی شامل کلسترول تام، و تری گلیسیرید C-HDL، C-LDL می باشد. هایپرلیپیدمی یا سطح بالای چربی خون در طولانی مدت میتواند آترواسکلروزیس را سبب شود. اسپیرولینا یک سیانوباکتر میکروسکوپی و رشته ای (جلبک سبز آبی) غنی از مواد مغذی مانند گاما لینولنیک اسید و آنتی اکسیدان ها می باشد که در کنترل دیابت، پیشگیری از چاقی، چربی خون، بیماری های قلبی و التهاب می تواند موثر باشد. **روش ها:** جستجوی سیستماتیک در سایت های معتبر Pubmed, Scholar Google, scopus و Science Direct بدون محدودیت زمانی تا ۲۰۱۸ october، با کلمات کلیدی 'اسپیرولینا'، 'مکمل یاری اسپیرولینا'، 'هایپرلیپیدمی'، 'پروفایل لیپیدی' و 'آنتی اکسیدان' ' اضافه وزن' صورت گرفت. پس از مطالعه و ارزیابی مقالات، تعدادی از آن ها انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: داوطلبان و نمونه های حیوانی یک دوره مکمل اسپیرولینا را مصرف کردند و در پایان پژوهش، اندازه گیری های آزمایشگاهی نشان دهنده کاهش قابل ملاحظه C-LDL، VLDL، TG و افزایش C-HDL بود. شایان ذکر است میزان کاهش ها و افزایش ها بستگی به غلظت اولیه چربی فرد قبل از ورود به آزمایش دارد. این تاثیر مثبت ناشی از غلظت بالا گاما لینولنیک اسید در این جلبک دریایی می باشد. همچنین عصاره اسپیرولینا می تواند آنزیم ردوکتاز COA-HMG را مهار کند. این جلبک باعث کاهش التهاب و بهبود عملکرد کبد و کلیه نیز می گردد. **نتیجه گیری:** به طور کلی یافته ها حاکی از خاصیت هیپولیپیدمی و ضدالتهابی این جلبک می باشند که میتوان برای پیشگیری از چاقی از آن استفاده کرد.

واژه های کلیدی:

اسپیرولینا، پروفایل لیپیدی، هایپرلیپیدمی، آنتی اکسیدان، اضافه وزن

(۱) سمنان : maryammofidi83@gmail.com

(۲) سمنان

Paper ID: 104

آیا مکمل یاری با آلفا لیپوئیک اسید بر شاخص‌های تن سنجی در بیماران مبتلا به سندرم متابولیک تاثیر دارد؟ : کارآزمایی بالینی تصادفی، دوسوکور و کنت

نفسه کاویانی^۱، محبوبه احمدی^۱، سید علی کشاورز^۲، بهنود عباسی^۳

خلاصه مقاله:

زمینه و هدف: چاقی با افزایش پرفشاری خون، هیپرلیپیدمی، هیپرانسولینمی، افزایش مقاومت به انسولین و بیماری‌های قلبی عروقی همراه است. درمان سندرم متابولیک در واقع درمان اجزای آن است که چاقی در بروز اجزای آن نقش مهمی دارد. بنابراین این مطالعه با هدف اینکه آیا مکمل یاری با آلفا لیپوئیک اسید بر شاخص‌های تن سنجی در بیماران مبتلا به سندرم متابولیک تاثیر دارد؟ انجام شد. روش اجرای تحقیق: در این کارآزمایی بالینی تصادفی، دوسوکور و کنتراول شده با دارونما، ۴۶ بیمار مبتلا به سندرم متابولیک انتخاب شدند و در نهایت ۴۲ نفر مطالعه را به پایان رساندند. بیماران به دو گروه دریافت کننده (۶۰۰ mg) آلفا لیپوئیک اسید و دارونما (۶۰۰ mg) تقسیم و به مدت ۱۲ هفته مکمل یاری شدند. در ابتدا و انتهای مطالعه قد، وزن، نمایه توده بدن، محیط دور کمر، دریافت رژیمی و معیار فعالیت بدنی اندازه گیری شد. آنالیز داده‌های دریافت غذایی با نرم افزار Nutrition-۴ و تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها با نرم افزار SPSS ۲۴ انجام گردید. یافته‌ها: در ابتدای مطالعه بین دو گروه از نظر دریافت رژیمی (دریافت کالری، کربوهیدرات، چربی، پروتئین) و فعالیت بدنی تفاوت معناداری مشاهده نشد. اختلاف معنی داری بین میانگین تغییرات وزن ($p=0.07$)، نمایه توده بدن ($p=0.26$)، دور کمر ($p=0.89$) بین دو گروه (مورد و شاهد) در پایان مطالعه مشاهده نشد. بحث و نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر علی‌رغم تبلیغاتی که صورت می‌گیرد تایید کننده اثر مثبت مکمل آلفا لیپوئیک اسید بر شاخص‌های تن سنجی در بیماران مبتلا به سندرم متابولیک نیست.

واژه‌های کلیدی:

آلفا لیپوئیک اسید، سندرم متابولیک، وزن، شاخص توده بدن، محیط دور کمر

(۱) واحد علوم و تحقیقات

(۲) دانشگاه علوم پزشکی تهران

(۳) واحد علوم و تحقیقات : abbasi.b@srbiau.ac.ir

Paper ID: 106

مقایسه روش جراحی گاسترکتومی اسلیو و بایپس معده در درمان دیابت در بیماران چاق

عرفان تصدیقی^۱، مریم برزین^۲، علیرضا خلج^۳، فرهاد حسین پناه^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: شیوع بیماری چاقی در سراسر جهان و ایران به سرعت در حال افزایش است. مطالعات فراوانی نشان داده اند که بیماری چاقی دارای عوارض همراهی مانند دیابت، فشار خون، حوادث قلبی عروقی، کبد چرب و سرطان میباشد. به همین علت درمان چاقی و عوارض ناشی از آن بسیار حائز اهمیت است. در حال حاضر یکی از بهترین روشهای درمان چاقی شدید جراحی چاقی می باشد. جراحی چاقی روشهای گوناگونی دارد که شناسایی مزایا و معایب هر کدام از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

روش ها: در این مطالعه که به صورت کوهورت آینده نگر می باشد تمام افرادی که دارای دیابت نوع ۲ بوده و تحت جراحی چاقی قرار گرفته، مورد بررسی قرار گرفته اند. این افراد بر اساس نوع جراحی، به دو گروه جراحی گاسترکتومی اسلیو (SG) و بای پس معده (GB) تقسیم شده اند. این دو گروه در میزان اثرگذاری در کاهش شاخص توده بدن (BMI)، میزان قند سرم ناشتا (FBS)، درصد هموگلوبین گلوکوزیله (c1HbA)، درمان دیابت و کاهش داروهای دیابت با هم مقایسه شده اند.

یافته ها: در این مطالعه ۶۷۱ نفر مبتلا به دیابت تایپ ۲ با میانگین سن 44.5 ± 10.5 تحت جراحی چاقی قرار گرفتند. از کل افراد ۳۶۴ نفر (۵۲٫۳٪) تحت جراحی اسلیو گاسترکتومی و ۲۵۹ نفر (۴۷٫۷٪) تحت جراحی بایپس معده قرار گرفتند. هر دو گروه کاهش قابل توجه ای در BMI افراد داشته است. EWL در ماه ششم، دوازدهم و بیست و چهارم پیگیری بیماران، در گروه GB بیشتر از گروه SG بود. سطح گلوکز سرم و c1HbA٪ در هر دو گروه به صورت قابل توجه ای کاهش یافت. مقایسه گروه SG با گروه GB نشان داد که میزان FBS در دوازدهمین ماه پیگیری 18.4 ± 68.3 vs 19.4 ± 75.0 ، p-value = ۰٫۰۱۲ (در گروه SG کمتر میباشد. همچنین فراوانی افراد با $c1HbA > 6.5$ ٪ در ششمین (۵۴٫۹٪ vs ۴۵٫۱٪، p-value = ۰٫۰۳۸) و دوازدهمین (۵۴٫۲٪ vs ۴۵٫۸٪، p-value = ۰٫۰۰۱) ماه پیگیری در گروه GB کمتر بوده است. میزان درمان دیابت در ماه ۶، ۱۲ و ۲۴ پیگیری به ترتیب در گروه SG ۷۵٫۷٪، ۸۱٫۴٪، ۷۱٫۸٪، و در گروه GB ۵۶٫۰٪، ۶۴٫۲٪، ۵۰٫۹٪ میباشد. میزان درمان دیابت در گروه SG به طور قابل ملاحظه ای بیشتر بوده است. میزان بهبود دیابت در ماه ۶، ۱۲ و ۲۴ پیگیری به ترتیب در گروه SG ۲۲٫۰٪، ۱۷٫۵٪، ۱۹٫۲٪، و در گروه GB ۴۱٫۷٪، ۳۲٫۱٪، ۳۸٫۱٪ میباشد. در ابتدای مطالعه و قبل از جراحی در گروه SG ۳۱ نفر (۸٫۷٪) و در گروه GB ۶۹ نفر (۲۲٫۹٪) انسولین را به تنهایی یا به همراه دیگر داروهای دیابت استفاده میکردند. این در حالی است که پس از گذشت ۲ سال از جراحی میزان مصرف انسولین در هر دو گروه در کمتر از ۲٪ از افراد بود.

نتیجه گیری: جراحی چاقی درمان بسیار اثرگذاری برای بیماری چاقی است زیرا که علاوه بر کاهش BMI، عوارض ناشی از چاقی مثل دیابت را نیز بهبود می بخشد. با توجه به نتایج این مطالعه هر دو روش جراحی در درمان دیابت و بهبود آن و همچنین کاهش میزان مصرف انسولین و داروهای دیابت اثر گذار میباشد ولی میزان درمان دیابت در گروه SG بیشتر بوده است. مطالعاتی با حجم نمونه بیشتر و طول دوره پیگیری بیشتر برای تایید این نتایج مورد نیاز می باشد.

واژه های کلیدی: جراحی چاقی، دیابت، چاقی

(۱) پژوهشکده علوم غدد دانشگاه شهید بهشتی : erfana.tasdighi@gmail.com

(۲) پژوهشکده علوم غدد دانشگاه شهید بهشتی

(۳) مرکز جراحی چاقی تهران

Paper ID: 107

مروری بر مستندات مربوط به پیام‌های بازرگانی مرتبط با محصولات غذایی در رسانه‌های جمعی ایران در بازه زمانی ۹۶-۱۳۷۵

مریم امینی^۱، عزیزالله زرگران^۲، دل آرام قدسی^۳

خلاصه مقاله:

مقدمه: شیوع چاقی در کشور روند نگران کننده ای را نشان می دهد. با توجه به نقش انکار ناپذیر محیط غذایی در پیشگیری، کنترل و درمان چاقی، و به ویژه با عنایت به نقش آگهی های محصولات غذایی بر انتخاب های غذایی مطالعه حاضر در قالب یک مرور نظام مند با هدف بررسی وضعیت انطباق محتوای پیام های بازرگانی محصولات غذایی در رسانه های جمعی کشور با سیاست های مرتبط در حوزه سلامت در بازه زمانی ۱۳۹۶-۱۳۷۵ انجام شد.

معرفی مورد: کلیه اخبار، مقالات، پایان نامه ها و گزارش های فارسی و انگلیسی منتشر شده و منتشر نشده در زمینه محتوای پیام‌های بازرگانی مرتبط با غذا در رسانه‌های جمعی (رادپو، تلویزیون و مجلات) جمهوری اسلامی ایران طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار گرفت. کلیه بانک های اطلاعاتی ایرانی و خارجی شامل SID، doc.iran، magiran، google scholar، scopus، pubmed و موتور جستجوی google مورد بررسی قرار گرفت. در فاز اول مجموعاً ۱۵۳ مقاله، پایان نامه، خبر و گزارش جستجو شد. نتایج: پس از بررسی اولیه در مجموع تعداد ۳۲ مستند شامل ۱۵ مقاله، ۸ عنوان خبر، پنج پایان نامه و چهار گزارش وارد مطالعه شد. گروه هدف در حدود یک چهارم از مستندات، کودکان بودند. مضامین کلی در یافته های مقالات، گزارش ها و پایان نامه ها که به طور مشخص حول محور پیام های بازرگانی مرتبط با غذا بودند در شش گروه اصلی ارائه شدند. این شش گروه شامل چگونگی تبلیغ خدمات و مواد غذایی مضر، کمیت یا روند تعداد پیام های بازرگانی در حوزه محصولات غذایی، چگونگی تطابق تبلیغات محصولات غذایی با توصیه های علمی، چگونگی تطابق تبلیغات محصولات غذایی با مفاهیم ارزشی، چگونگی تطابق تبلیغات محصولات غذایی با قوانین مرتبط با حوزه سلامت و حجم تبلیغات محصولات غذایی در مقایسه با سایر تبلیغات بودند. در برخی مستندات به روند کاهشی تعداد پیام های بازرگانی اشاره شده بود در حالی که در بقیه مطالعات، گروه مواد غذایی جزء پر تکرارترین پیام های بازرگانی بودند. در تعدادی از مطالعات، نقض صریح توصیه های علمی یا مفاهیم ارزشی گزارش شده بود. در چند مورد نیز نقض قانون مرتبط با تبلیغ محصولات غذایی مشاهده شده بود. در تعدادی از اخبار مرتبط با پیام‌های بازرگانی مرتبط با غذا نیز نقض قانون ممنوعیت تبلیغات مواد غذایی مضر گزارش شده بود.

بحث و نتیجه گیری: مرور مستندات در مطالعه حاضر حکایت از نقش مهم پیام های بازرگانی محصولات غذایی به عنوان کالاهایی پرسود در رسانه های جمعی و به ویژه تلویزیون دارد. هر چند به نظر می رسد در بازه زمانی انجام این مطالعه تعداد پخش پیام های بازرگانی محصولات غذایی کاهش یافته باشد، اما موارد گزارش شده از نقض قانون و عدم تطابق توصیه های علمی و نیز مضامین ارزشی در تبلیغات این محصولات به مصابه زنگ خطری برای سیاستگذاران و متولیان مربوطه خواهد بود که لزوم برخورد جدی تر با این مقوله را گوشزد می نماید.

واژه های کلیدی: پیام بازرگانی، محصولات غذایی، رسانه های جمعی، مرور نظام مند

(۱) انستیتو تحقیقات تغذیه و صنایع غذایی کشور، گروه تحقیقات تغذیه : maramin2002@yahoo.com

(۲) انستیتو تحقیقات تغذیه و صنایع غذایی کشور، گروه تحقیقات سیاستگذاری

(۳) انستیتو تحقیقات تغذیه و صنایع غذایی کشور، گروه تحقیقات تغذیه

Paper ID: 109

مدت خواب ناکافی با شاخص توده بدنی بالاتر در نوجوانان ارتباط دارد

مجید کاراندیش^۱، حسن مظفری خسروی^۲، علی محمد هادیان فرد^۳، مریم اژدری^۴

خلاصه مقاله:

سابقه: متأسفانه، اضافه وزن، چاقی و عادت ناکافی خواب در نوجوانان به سرعت در حال افزایش است. چاقی و مدت خواب ناکافی می‌تواند منجر به پیامدهای جدی سلامتی شود. هدف از این مطالعه بررسی ارتباط بین مدت خواب ناکافی با شاخص توده بدنی (BMI) می‌باشد.

روش‌ها: ۵۶۹ دانش آموز ۱۲ تا ۱۶ ساله به دو گروه بر اساس شاخص توده بدنی (BMI) تقسیم شدند. بودند. گروه اول را نوجوانان چاق یا اضافه وزن (BMI بزرگتر از صدک برای سن) و گروه دوم را نوجوانان با وزن طبیعی (BMI صدک بین ۳ تا ۸۵ برای سن) شامل شدند. عادات خواب با استفاده از مصاحبه و شاخص کیفیت خواب پیتسبورگ مورد ارزیابی قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS (نسخه ۱۶) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. **یافته‌ها:** شیوع اضافه وزن یا چاقی و مدت خواب ناکافی (کمتر از ۷ ساعت) به ترتیب ۳۷٫۸٪ و ۶۲٪ بود. با وجود عادات خواب بهتر در دانش آموزان با وزن نرمال، میانگین زمان رفتن به رختخواب، زمان بیدار شدن، طول مدت خواب، تاخیر در خواب رفتن و کیفیت خواب در بین دو گروه دانش آموزان تفاوت معناداری را نشان نداد. اما در دانش آموزان با مدت خواب کمتر از ۷ ساعت، میانگین BMI ($2m/kg$) (۴٫۸۶) 22.03 به طور معناداری بالاتر از میانگین BMI در دانش آموزان با خواب بیشتر از ۷ ساعت (۴٫۵) (21.02) گزارش شد ($p = 0.01$).

نتیجه گیری: متأسفانه درصد بالایی از نوجوانان با اضافه وزن و چاقی و هم چنین مدت خواب ناکافی بودند. رابطه معنادار اما منفی بین BMI و مدت طول خواب گزارش شده است. اما در سایر جنبه‌های مرتبط با عادات خواب بین نوجوانان تفاوت معنی داری وجود نداشت. با توجه به اینکه جمع آوری داده‌ها در طول سال تحصیلی صورت گرفت می‌تواند یکی از دلایل مربوط به عدم معناداری در عادت خواب باشد. جمع آوری داده‌های در طول سال (سال تحصیلی و تعطیلات) ممکن است این خطا را کاهش دهد. برای ارزیابی همزمان سایر جنبه‌های تاثیرگذار چاقی، مطالعات دیگری جهت ارزیابی کاملتر سایر جنبه‌های تاثیر گذار بر چاقی لازم می‌باشد.

واژه‌های کلیدی:

اضافه وزن، چاقی، عادت خواب، نوجوانان، دانش آموزان

۱) موسسه تحقیقات سلامت، مرکز تحقیقات دیابت، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

۲) گروه تغذیه، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، اهواز، ایران

۳) گروه فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

۴) مرکز تحقیقات تغذیه و بیماری‌های متابولیک، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران : azhdari_mar@yahoo.com

Paper ID: 110

مقایسه ارتباط میان ترکیب درشت مغذی‌های رژیم غذایی با بیماری کبد چرب غیرالکلی در دو گروه مبتلایان با یا بدون اضافه وزن و چاقی: مطالعه مقطعی

بهاره امیرکلایی^۱، محمودرضا خوانساری^۲، مسعودرضا سهرابی^۲، حسین اژدرکش^۲، نیما معتمد^۳، منصوره معادی^۴، حسین نوبخت^۴، اسماعیل قلی زاده^۲، فرهاد زمانی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: کبد چرب غیر الکلی (NAFLD) در افراد لاغر به معنای حضور NAFLD در افراد با نمایه توده بدن (BMI) کمتر از ۲۵ می باشد. درمان اصلی این بیماری کاهش وزن است ولی در زمینه تنظیم رژیم غذایی در بیمارانی که در حال حاضر در محدوده طبیعی وزن قرار دارند، داده های محدودی وجود دارد. هدف از این مطالعه بررسی ارتباط میان ترکیب درشت مغذیهای رژیم غذایی با شیوع NAFLD در دو گروه از بزرگسالان با BMI کمتر و بزرگتر مساوی ۲۵ می باشد.

روش ها: این مطالعه یک مطالعه مقطعی مبتنی بر جامعه (در قالب مطالعه کوهورت آمل) است که بر روی افراد بزرگسال ۱۸ تا ۶۵ سال انجام شد. از پرسشنامه بسامد غذایی برای تجزیه و تحلیل میزان دریافت درشت مغذیهای رژیم غذایی استفاده شده و از طریق سونوگرافی در غیاب مصرف داروهای استاتوژنیک و الکل و هپاتیت ویروسی تشخیص NAFLD صورت گرفت. در دو گروه (با BMI کمتر و بزرگتر مساوی ۲۵) به صورت جداگانه از رگرسیون لجستیک چند متغیره برای ارزیابی ارتباط بین مقادیر دریافتی درشت مغذی های رژیم غذایی (درصد از کالری دریافتی روزانه) و NAFLD تعدیل شده در سه مدل (دموگرافیک، سبک زندگی و متابولیک) استفاده شد. همچنین تجزیه و تحلیل جایگزینی درشت مغذیها نیز انجام گرفت.

یافته ها: در مجموع ۲۳۰۸ نفر (۸۱/۵۰٪ زن) وارد مطالعه شدند که از این تعداد ۱۰۷۸ نفر (۷۱/۴۶٪) مبتلا به NAFLD بودند. در شرکت کنندگان با BMI > ۲۵، جایگزینی پلی ساکاریدها برای پروتئین حیوانی (OR = ۰/۹۴۱، P = ۰/۰۳۸) و اسیدهای چرب اشباع (SFA) (OR = ۰/۹۲۵، P = ۰/۰۴۲) منجر به کاهش OR برای NAFLD و جایگزینی تقریباً برای همه درشت مغذی ها [پروتئین حیوانی (OR = ۰/۰۸۶، P = ۰/۰۴۲)، پروتئین گیاهی (OR = ۰/۰۸۷، P = ۰/۰۳۵)، پلی ساکاریدها (OR = ۰/۱۰۱، P = ۰/۰۱۰) و اسیدهای چرب غیر اشباع مونو (MUFA) (OR = ۰/۰۸۵، p = ۰/۰۴۰)] به جز PUFA و مونو-دی ساکاریدها، منجر به افزایش OR برای NAFLD گردید. در شرکت کنندگان با BMI ≤ ۲۵، جایگزینی MUFA برای مونو-دی ساکاریدها (OR = ۰/۹۶۴، P = ۰/۰۴۳) منجر به کاهش معنی دار OR و جایگزینی تقریباً همه درشت مغذیها از جمله: کربوهیدرات کل (OR = ۰/۰۲۸، p = ۰/۰۲۹)، مونو-دی ساکاریدها (OR = ۰/۰۴۱، P = ۰/۰۰۶)، پروتئین کل (OR = ۰/۰۳۸، p = ۰/۰۴۸)، SFA (OR = ۰/۰۴۶، p = ۰/۰۴۹) و اسیدهای چرب غیر اشباع پلی (PUFA) (OR = ۰/۰۷۷، p = ۰/۰۳۳) برای MUFA و جایگزینی PUFA برای پلی ساکاریدها (OR = ۰/۰۸۳، p = ۰/۰۱۸) منجر به افزایش معنی دار OR برای NAFLD شد.

(۱) مرکز تحقیقات بیماریهای گوارش و کبد دانشگاه علوم پزشکی ایران : kalalinutms@yahoo.com

(۲) مرکز تحقیقات بیماریهای گوارش و کبد دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

(۳) گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران

(۴) گروه پزشکی داخلی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران

نتیجه گیری: در افراد مبتلا NAFLD با نمایه توده بدن کمتر از ۲۵، کاهش درصد کالری حاصل از SFA و پروتئین حیوانی و جایگزین کردن پلی‌ساکاریدها به جای آنها سودمند است و در مقابل افراد مبتلا NAFLD با نمایه توده بدن بیشتر مساوی ۲۵، نسبت به درصد کالری حاصل از MUFA در رژیم غذایی حساس‌تر بوده و جایگزینی MUFA به جای تقریباً انواع درشت‌مغذی‌ها به ویژه مونو-دی‌ساکاریدها در این گروه مفید می‌باشد.

واژه‌های کلیدی:

درشت‌مغذی، کبد چرب غیر الکلی

Paper ID: 112

شانس ابتلا به کبد چرب غیر الکلی در بزرگسالان دارای اضافه وزن و چاق و ارتباط آن با الگوی مصرف چربی‌ها و لبنیات: مطالعه مقطعی تحلیلی

عذرا بهروزی فرد مقدم^۱، محمد علی تربتی^۲، مهر انگیز ابراهیمی ممقانی^۳، مهدی علمی^۴، نازیلا فرین^۵

خلاصه مقاله:

سابقه: مقدمه و هدف: بر اساس مطالعات انجام شده در بیماری NAFLD، اصلاح شیوه زندگی از مهمترین راهکارها در بهبود این بیماری میباشد ولی در خصوص الگوی مصرف روغن‌ها در این بیماری مطالعه چندانی یافت نشد. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی شانس ابتلا به کبد چرب غیر الکلی در بزرگسالان دارای اضافه وزن و چاق و ارتباط آن با الگوی مصرف چربی‌ها انجام گرفت.

روش‌ها: در مطالعه مقطعی حاضر پرسشنامه بسامد غذایی الگوی مصرف روغن‌ها و لبنیات (۲۴ قلم ماده غذایی) برای ۴۲۲ نفر در محدوده سنی ۲۰-۶۰ سال و با نمایه توده بدنی بیش از ۲۵ kg/m² تکمیل گردید. تشخیص NAFLD با بالا بودن سطح آنزیم‌های کبدی و سونوگرافی کبدی توسط یک سونوگرافیست صورت گرفت. ارتباط میان NAFLD و شاخص‌های مذکور با برآورد نسبت شانس و فاصله اطمینان ۹۵٪ بررسی گردید.

یافته‌ها: ۲/۶۸٪ افراد مبتلا به NAFLD بودند. یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد نسبت شانس ابتلا به NAFLD با افزایش مصرف روغن‌های مایع (P=۰۰۵/۰) (۹۵٪ CI: ۰۰/۱ - ۹۸/۰) OR = ۹۴/۰ و با مصرف لبنیات پرچرب (P=۰۵۱/۰) (۹۵٪ CI: ۰۰/۱ - ۷۶/۱) OR = ۳۲/۱ افزایش یافت ولی در مورد کره، روغن جامد، زیتون، لبنیات کم چرب ارتباط معنی داری مشاهده نگردید.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها مطالعه حاضر حاکی از نقش پیشگوئی مصرف روغن‌های مایع در کاهش و مصرف بالای لبنیات پر چرب در افزایش شانس ابتلا به NAFLD در بزرگسالان دارای بیش وزنی و چاقی تبریز بود. هر چند در مورد لبنیات پرچرب، داده‌ها در مرز معنی داری بود.

واژه‌های کلیدی:

کبد چرب غیر الکلی، چربی‌ها، لبنیات، نمایه توده بدن، بزرگسال

(۱) دانشکده طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی تبریز: azra.behroozifm@gmail.com

(۲) گروه علوم صنایع غذایی، دانشکده تغذیه و علوم غذایی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

(۳) دانشکده تغذیه دانشگاه علوم پزشکی تبریز

(۴) دانشگاه علوم پزشکی تبریز

(۵) دانشکده تغذیه - مرکز تحقیقات علوم تغذیه

Paper ID: 113

راهبردهای هزینه اثربخش در کنترل چاقی کودکان: یک مرور جامع

فاطمه تورنگ^۱، حامد پورآرام^۲، امیرحسین تکیان^۳، بهاره ساسانفر^۴

خلاصه مقاله:

سابقه: اگرچه کنترل اضافه وزن و چاقی از اهداف سند ملی تغذیه و امنیت غذایی کشور و سند ملی پیشگیری و کنترل بیماریهای غیر واگیر است، اما مطالعات پورا حاکی از اینست که اضافه وزن متوسط و شدید در کودکان و نوجوانان ایرانی افزایش یافته و به ۵,۶٪ و ۳۰٪ رسیده است. این مطالعه با هدف مرور جامعی بر سیاستهای کنترل چاقی کودکان در دنیا، میزان هزینه اثربخشی و علل موفقیت یا شکست آنها انجام شده است.

روش ها: پایگاههای Pubmed, Scopus, Medline و science of Web مورد بررسی قرار گرفت. همچنین برنامه‌های سازمانهای بین‌المللی از جمله سازمان جهانی بهداشت، صندوق کودکان ملل متحد و سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد مطالعه شدند. سیاستهای به کارگرفته شده در سایر کشورها بویژه سیاستهای هزینه اثربخش استخراج شدند و میزان اثربخشی و علل موفقیت یا شکست آنها و همچنین بافتار کشور مورد مطالعه از نظر میزان مشابهت با کشور ما بررسی شد.

یافته ها: در مرحله ابتدایی ۱۶۶۳۶ مطالعه یافت شد و پس از بررسی خلاصه مقالات، سیصد مطالعه وارد شدند. اگرچه امروزه عوامل محیطی ایجاد کننده چاقی بیش از عوامل فردی مورد توجه قرار گرفته است اما هنوز در برنامه های کنترل چاقی در تمام دنیا بیشتر به کنترل محرکهای فردی توجه شده است. از جمله سیاستهای رایج دنیا که در این مطالعه معرفی شده است میتوان به سیاست ترویج تغذیه با شیرمادر، برنامه‌های غربالگری و رژیم درمانی، مدرسه سالم، کنترل تبلیغات غذایی، برچسبهای غذایی، فرمولاسیون مجدد غذاها، ایجاد محیط امن و امکانات لازم برای فعالیت بدنی، تخصیص یارانه به غذای سالم، مالیات بر غذاهای ناسالم و برنامه های خانواده محور یا مدرسه محور اشاره کرد. میزان هزینه اثربخشی هر کدام از این مداخلات در مطالعات مختلف متفاوت گزارش شده است که ناشی از روشهای متفاوت بررسی و مهمتر از آن، بافتار متفاوت آنهاست. در میان سیاستهای کنترل چاقی جامعه محور، سیاست مدرسه سالم پر تکرارترین سیاست بود. اگرچه سیاستهای مدرسه محور قابلیت اجرایی بالا و اثربخشی خوبی دارند، اما این مساله بیشتر ناشی از این حقیقت تلخ است که راهحلهای شناخته شده دیگری چون مالیات بر غذاهای ناسالم و ممانعت تبلیغ آنها به دلیل وجود تعارض منافع متعدد در بسیاری از نقاط دنیا به خوبی اجرا نمیشود. از آنجاییکه سازمانهای متعددی در کنترل مشکلات تغذیه‌ای دخیل هستند و بافتار متفاوت جوامع بر قابلیت اجرا و هزینه اثربخش بودن سیاستها موثر هستند، ممکن است نیاز به بررسی عمیق تر سیاستهای کارا در جامعه ایرانی بخصوص با بررسی کشورهای مشابه و دریافت نظر خبرگان باشد.

نتیجه گیری: به نظر میرسد که روشهای موثر متعددی برای کنترل چاقی کودکان وجود دارد که برخی از آنها در کشور ما اجرا نشده است. اکنون زمان معرفی سیاستهای هزینه اثربخش در کشورهای مشابه ما مانند ترکیه، عمان، شیلی و تایلند به سیاستگذاران و بررسی نحوه حمایت طلبی موفق و پایش اجرای سیاستهای در حال اجراست.

واژه های کلیدی: چاقی کودکان، سیاستگذاری، هزینه اثربخشی

(۱) مرکز تحقیقات سرطان، دانشگاه علوم پزشکی تهران : f.toorang@gmail.com

(۲) گروه تغذیه جامعه، دانشکده تغذیه و رژیم شناسی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

(۳) گروه سلامت جهانی و سیاستگذاری عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

(۴) مرکز تحقیقات سرطان، انستیتو کانسر ایران، دانشگاه علوم پزشکی تهران

Paper ID: 114

برهمکنش دریافت های غذایی و ژنوتایپ های گیرنده ی ویتامین دی بر سطح کورتیزول و ارتباط آن با چاقی و اضافه وزن

زهرا ویسی^۱، مهناز سنجری^۲، صدیقه سالمی^۳، ژیلا مقبولی^۴، خدیجه میرزایی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: در بسیاری از افراد افزایش میزان کورتیزول خون منجر به واکنش های اضطراب از قبیل پرخوری در افراد و در نتیجه منجر به افزایش وزن و چاقی می گردد.

روش ها: در این مطالعه توصیفی ۲۷۰ پرستار از هر دو جنس انتخاب شدند، مصرف و دریافت های غذایی با استفاده از پرسش نامه دریافت غذای ۲۴ ساعته (سه روزه) اندازه گیری شد، تعیین انواع ژنوتایپ های مختلف ژن گیرنده ی ویتامین دی با استفاده از RFLP-PCR مورد بررسی قرار گرفت، برای تعیین سطوح کورتیزول خون از کیت های الایزا، و برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS استفاده کردیم.

یافته ها: در این مطالعه ژنوتایپ های گیرنده ی ویتامین دی (1-FOK) در افراد به سه گروه (ff, Ff, FF) تقسیم بندی شدند، در این مطالعه با استفاده از مدل آماری GLM، برهمکنش ژنوتایپ های حاصل شده و دریافت های غذایی مختلف (حاصل از نرم افزار ۴N) مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت سطوح بالاتر کورتیزول در افراد با ژنوتایپ ff (مغلوب) که دریافت های غذایی پایین تری از اسیدهای چرب امگا سه DHA (Pvalue: ۰۶/۰)، و اسید های چرب امگا سه EPA (Pvalue: ۰۵/۰)، داشتند نسبت به افراد با ژنوتایپ های غالب (Ff, FF)، با دریافت های غذایی بیشتر از اسید های چرب امگا سه (DHA, EPA)، مشخص گردید. (این ارتباطات نزدیک به معنا دار بود). نتیجه گیری: با توجه به اینکه کورتیزول خون یک شاخص التهابی است در افرادی که این شاخص در آنها بالاتر است احتمال اضافه وزن و چاقی نیز در آنها بیشتر است، بنابراین می توانیم نتیجه بگیریم دریافت کم اسید های چرب امگا ۳ (EPA, DHA) در سطوح بالاتر کورتیزول و در نتیجه ایجاد اضافه وزن و چاقی تا حدودی موثر هستند.

واژه های کلیدی:

کورتیزول، استرس ادراک شده و اضطراب، اسید های چرب امگا ۳ (EPA, DHA)، اضافه وزن و چاقی

(۱) دانشگاه علوم پزشکی تهران : zarinkian@gmail.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی تهران

(۳) دانشگاه علوم پزشکی تهران

(۴) انیستیتو غدد و متابولیسم

Paper ID: 116

اثر رژیم غذایی کاهش وزن با و بدون مکمل *Cambogia Garcinia* بر ترکیب بدن در زنان مبتلا به کبد چرب غیر الکلی

شهرزاد توکلی^۱، مهرانگیز ابراهیمی ممقانی^۲، سولماز نومی گلزار^۲، سلطانعلی محبوب^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: بیماری کبد چرب غیر الکلی شایع ترین بیماری مزمن کبدی است که هنوز راه درمان قطعی برای آن مشخص نشده است. هدف این مطالعه بررسی اثر رژیم غذایی کاهش وزن با و بدون مکمل *Cambogia Garcinia* بر ترکیب بدن در زنان مبتلا به کبد چرب غیر الکلی می باشد.

روش ها: در این کارآزمایی بالینی تصادفی شده، در مجموع ۴۰ زن مبتلا به کبد چرب غیر الکلی دارای اضافه وزن یا چاقی به مدت ۲ ماه در دو گروه ۱۹ نفری به عنوان مداخله که رژیم کاهش وزن همراه با ۳ عدد کپسول *Cambogia Garcinia* و ۲۱ نفری به عنوان کنترل که فقط رژیم کاهش وزن دریافت می کردند قرار گرفتند. در ابتدا و انتهای دوره آنزیم های کبدی، ترکیب بدن و دور کمر افراد اندازه گیری شد. برای تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ استفاده شد. ($p < 0.05$) به عنوان سطح معنی داری در نظر گرفته شد.

یافته ها: میانگین سنی بیماران در گروه مداخله $37/7 \pm 7/39$ و در گروه کنترل $32/8 \pm 6/32$ بود. دور کمر در هر دو گروه کاهش معنی داری یافت. درصد چربی کل بدن در هر دو گروه کاهش غیر معنی داری داشت. درصد چربی احشایی در هر دو گروه کاهش غیر معنی داری داشت اما در انتهای مطالعه تفاوت معنی داری بین دو گروه وجود داشت ($p = 0.09$). سطح آنزیم آلانین آمینو ترانسفراز در گروه مداخله افزایش معنی دار و در گروه کنترل کاهش معنی دار داشته و در انتهای بررسی بین دو گروه تفاوت معنی داری وجود داشت ($p < 0.01$). سطح آنزیم آسپاراتات آمینو ترانسفراز در گروه مداخله افزایش غیر معنی دار و در گروه کنترل کاهش محسوس اما غیر معنی داری داشت، در انتهای مطالعه نیز بین دو گروه تفاوت معنی داری وجود داشت ($p = 0.03$).

نتیجه گیری: با در نظر گرفتن افزایش سطح آنزیم های کبدی در گروه دریافت کننده مکمل *Cambogia Garcinia* و احتمال بدتر کردن وضعیت کبد، و کاهش شاخص های ترکیب بدن در هر دو گروه، به نظر می رسد رژیم کاهش وزن به تنهایی گزینه مناسبی در بهبود بیماران کبد چرب باشد، هر چند برای نتیجه گیری قطعی انجام بررسی های بیشتر توصیه میگردد.

واژه های کلیدی:

ترکیب بدن، کبد چرب غیر الکلی، آنزیم های کبدی، گارسینیا کامبوجیا

(۱) تبریز-خیابان عطار نیشابوری-دانشگاه علوم پزشکی تبریز-دانشکده تغذیه و علوم غذایی : sh.tavakkoli@gmail.com

(۲) تبریز-خیابان عطار نیشابوری-دانشگاه علوم پزشکی تبریز-دانشکده تغذیه و علوم غذایی

Paper ID: 118

بررسی میزان شیوع اضافه وزن و چاقی در سالمندان استان آذربایجان شرقی

فریده کوشا^۱، حمیده کوشا^۲، فتح‌اله پورعلی^۳، آرزو اصغری^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: چاقی به عنوان مهمترین عامل تهدید کننده سلامتی افراد در قرن حاضر مطرح می باشد. اضافه وزن و چاقی عمدتاً اثر منفی بر طول عمر داشته و با بسیاری از بیماریها از جمله فشار خون، دیابت، بیماری قلبی، استئو آرتروز ارتباط دارد. مطالعه‌ی حاضر جهت بررسی چاقی در گروه سنی سالمندان (۶۰ سال به بالا) به اجرا درآمده است. **روش‌ها:** چاقی به عنوان مهمترین عامل تهدید کننده سلامتی افراد در قرن حاضر مطرح می باشد. اضافه وزن و چاقی عمدتاً اثر منفی بر طول عمر داشته و با بسیاری از بیماریها از جمله فشار خون، دیابت، بیماری قلبی، استئو آرتروز ارتباط دارد. مطالعه‌ی حاضر جهت بررسی چاقی در گروه سنی سالمندان (۶۰ سال به بالا) به اجرا درآمده است. **یافته‌ها:** در این بررسی تعداد ۱۲۳۴۶۸ نفر از سالمندان استان آذربایجان شرقی تن سنجی شد که از تعداد کل افراد تن سنجی شده ۲۹۴۱۷ نفر دارای اضافه وزن و ۳۹۶۳۷ نفر دارای چاقی و ۶۹۰۵۴ نفر دارای اضافه وزن و چاقی بودند. نتایج این بررسی نشان می دهد میزان شیوع اضافه وزن در بین افراد بالای ۶۰ سال، ۲۳/۸ درصد، شیوع چاقی در بین افراد ۳۲/۱ درصد و شیوع اضافه وزن و چاقی ۵۵/۹ درصد است. میزان شیوع اضافه وزن و چاقی در بین زنان ۶۵ درصد و در بین مردان ۴۳/۲ درصد می باشد.

نتیجه گیری: این مطالعه خطر افزایش شیوع اضافه وزن و چاقی را در سالمندان استان نشان می دهد. آموزش در مورد چاقی و عوارض آن، تشویق افراد به تغییر عادات غذایی می تواند در جهت کاهش شیوع چاقی و بیماریهای وابسته به آن مؤثر باشد.

واژه های کلیدی:

اضافه وزن، چاقی، سالمندان

(۱) سازمان تامین اجتماعی

(۲) معاونت بهداشتی تبریز : kooshahamideh@yahoo.com

(۳) معاونت بهداشتی

Paper ID: 121

بررسی ارتباط ترکیبات صبحانه و مصرف مداوم آن بر چاقی احشایی و ارائه راهکار مناسب : یک مطالعه مروری نظامند

فاطمه بحرینی^۱، زهرا مصلی نژاد^۲، محمد جلالی^۳

خلاصه مقاله:

زمینه و هدف : چاقی یکی از پیش زمینه های عمده در بروز بیماری های متابولیکی مزمن می باشد که شیوع آن در سراسر جهان ، روزافزون در حال افزایش است . از عوامل موثر بر بهبود آن تغذیه صحیح در وعده های روزانه به ویژه صبحانه می باشد . لذا هدف از این مطالعه ، بررسی اثر مصرف مداوم صبحانه و مواد غذایی مصرفی در این وعده ، بر چاقی شکمی است . روش مطالعه : جهت یافتن اطلاعات مرتبط ، از مقالات نمایه شده در پایگاه های pubmed ، scopus ، science of web ، embase، از تاریخ ۲۰۱۹ - ۲۰۰۹ استفاده شد. برخی کلید واژه های مورد استفاده شامل چربی احشایی ، چاقی شکمی ، ترکیبات صبحانه بود.

یافته ها : پس از حذف مطالعات نامرتبط ، ۳۲ مقاله که در ۱۸ کشور مختلف دنیا و همه گروه های سنی انجام شده بود ، باقی ماند .

شیوع چاقی ۳۰٫۸٪ مشخص شد . با توجه به نتایج حاصل ، امکان ابتلا به چاقی در افرادی که صبحانه نمی خورند ۱٫۵ برابر افرادی است که بر مصرف صبحانه مداومت دارند . مواد غذایی مشمول در صبحانه نیز بر چاقی شکمی موثرند . گنجاندن غلات سبوس دار ، میوه ها ، مغزها و لبنیات در وعده صبحانه سبب کاهش احتمال چاقی شکمی می گردد . علت این ارتباط ، متعادل شدن اشتهای افراد برای انتخاب وعده های دیگر غذایی در طول روز ذکر شد . نشان داده شد که مصرف غلات آماده صبحانه ، می تواند خطر ابتلا به چاقی را ۵۷٪ افزایش دهد . بحث و نتیجه گیری : با توجه به شرایط برآمده از مطالعه حاضر ، ارتباط موثری بین چاقی احشایی ، مصرف صبحانه و ترکیبات غذایی مصرفی در آن وجود دارد . علاوه بر توجه به مصرف صبحانه و نوع آن ، تعادل رژیم غذایی در تمام طول روز مانعی برای خطر چاقی و به طور مشخص چاقی شکمی خواهد بود . مطالعات بیشتری با ترکیب غذایی مشخص جهت تعیین رژیم مناسب صبحانه ، مورد نیاز می باشد .

واژه های کلیدی:

چاقی ، صبحانه ، تغذیه

(۱) بوشهر

(۲) شیراز

(۳) شیراز : mj.artak@gmail.com

Paper ID: 122

ارتباط بین تعداد گلبول‌های سفید خون با میزان قند خون و احتمال ابتلا به دیابت

فاطمه رستمیان^۱، رضا همایونفر^۲، سید رضا حجتی^۳

خلاصه مقاله:

مقدمه دیابت امروزه یکی از شایع‌ترین بیماری‌های غیرواگیر است. دیابت‌ها گروهی از بیماری‌های متابولیکی هستند که با وضعیت هایپرگلیسمی منتج از نقص در ترشح انسولین، نقص در فعالیت انسولین و یا ترکیبی از هر دو، شناسایی می‌شوند. ارتباط بین تعداد گلبول‌های سفید خون و دیابت اخیراً مورد توجه قرار گرفته است. فعال شدن سیستم ایمنی و واکنش‌های التهابی منجر به افزایش غلظت مارکرهایی اعم از گلبول‌های سفید و سیتوکاین‌ها در خون می‌شود. محققان بر این باورند که افزایش اندک فعالیت سیستم ایمنی به صورت مزمن می‌تواند در ابتلا به دیابت موثر باشد. روش‌ها در این پژوهش تعداد ۹۵۳۱ نفر از داده‌های از پیش تهیه شده کوهورت پرشین دانشگاه علوم پزشکی فسا وارد مطالعه شدند. ابتدا رابطه بین تعداد گلبول‌های سفید و قند خون افراد بررسی شد. سپس به دلیل وجود تاثیر داروها و بیماری‌های مربوط به سیستم ایمنی و بیماری‌های التهابی، این فاکتور‌ها نیز وارد آنالیز شدند تا سهم هر کدام در تاثیر گذاری بر تعداد گلبول‌های سفید مشخص گردد. منظور از اختلال گلوکز، قند خون ناشتای (FBS) بیشتر از ۱۲۶ mg/dL است. تمامی آنالیزها و گزارش‌گیری‌ها توسط نرم افزارهای Excel Microsoft ۲۰۱۶ و SPSS ۲۲. Ver انجام شد. برای مقایسه داده‌های کیفی از آماره کای دو و برای داده‌های کمی از تست‌های متناظر مانند test-T و ANOVA و روش Regression استفاده شد. یافته‌ها طبق یافته‌های مطالعه، تعداد کل گلبول‌های سفید خون با میزان قند خون و اختلال گلوکز ارتباط معناداری ($P < 0.05$) دارد. با افزایش هر ۱۰۰۰ عدد گلبول سفید در هر میکرولیتر خون (یک واحد در $10^3/L\mu$) خطر ابتلا به اختلال گلوکز ۱.۱۲ برابر می‌شود. نتیجه‌گیری با توجه به یافته‌های مطالعه، کنترل و درمان بیماری‌های التهابی، التهاب‌های مزمن و بیماری‌های تحریک‌کننده سیستم ایمنی مانند عفونت‌ها در پیشگیری از ابتلا به دیابت و اختلال گلوکز تاثیر قابل توجهی دارد.

واژه‌های کلیدی:

دیابت، هایپرگلیسمی، گلبول سفید، التهاب، سیتوکاین، قند خون

(۱) کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

(۲) مرکز تحقیقات بیماری‌های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران : r_homayounfar@yahoo.com

(۳) کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

Paper ID: 123

ترکیب بدنی و خطر ابتلا به کبد چرب در یک جمعیت تصادفی تهرانی

سید رضا حجتی^۱، رضا همایونفر^۲، فرید کوهپایه^۳، فاطمه رستمیان^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: کبد چرب غیر الکلی شایع‌ترین بیماری کبدی در جهان است. کبد چرب غیر الکلی یک تظاهر کبدی از سندرم متابولیک است که شامل چاقی مرکزی شکم و سایر موارد دیگر است. بیشتر از ۸۰٪ از بیمارانی که کبد چرب غیر الکلی دارند چاق هستند. با این حال توزیع بافت چربی نقش بزرگتری را در ایجاد مقاومت انسولین نسبت به BMI دارد. بررسی رابطه بین ترکیب بدنی و کبد چرب اخیراً مورد توجه محققان قرار گرفته است. **روش‌ها:** در یک مطالعه مقطعی، ۲۱۶۰ نفر (شامل ۱۱۰۳ مرد و ۱۰۵۷ زن) به طور تصادفی از بین مراجعه‌کنندگان یک کلینیک تغذیه در شهر تهران انتخاب شدند. افراد به دو گروه بیمار (۷۴۵ نفر) و سالم (۱۴۱۵ نفر) تقسیم شدند. شاخص‌های آنتروپومتریک افراد با استفاده از ابزارهای استاندارد سنجش شد. سپس شرکت‌کنندگان به آزمایشگاه معرفی شدند تا آزمایش‌های مربوطه برای بررسی کبد چرب، تعیین پروفایل چربی از قبیل (HDL, LDL, Chol, TG)، تعیین چگونگی ترکیب بدنی با استفاده از دستگاه DEXA و تعیین فشار خون انجام شود. همچنین افراد پرسشنامه رژیم غذایی و وضعیت فعالیت فیزیکی را تکمیل کردند. پس از جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS Ver ۲۲ تحلیل شدند. **یافته‌ها:** طبق یافته‌های مطالعه، ترکیب بدنی که شامل میزان چربی کل بدن، چربی شکم، چربی موجود در دست‌ها و پاها است، با ابتلا به کبد چرب رابطه معناداری ($P < 0.05$) دارد. همچنین، یافته‌ها نشان دادند که سایر فاکتورهای مانند پروفایل نامناسب چربی موجود در خون، فشار خون بالا، سن بالا، جنس زن، وزن بالا، BMI نامناسب، اندازه دور کمر زیاد، میزان انرژی دریافتی زیاد از غذا و میزان فعالیت فیزیکی کم با ابتلا به کبد چرب غیرالکلی رابطه معناداری ($P < 0.05$) دارند. آنالیزهای بیشتر نشان داد که جهت پیش‌بینی خطر ابتلا به کبد چرب، بررسی میزان چربی کل بدن نسبت به بررسی چربی شکم قدرتمندتر است.

نتیجه‌گیری: از یافته‌ها نتیجه‌گیری می‌شود که ترکیب بدنی و توزیع بافت چربی تاثیر بسیار مهمی در ابتلا به کبد چرب دارد. همچنین حفظ پروفایل چربی در محدوده استاندارد در پیشگیری از ابتلا به کبد چرب موثر است. علاوه بر این‌ها، کنترل وزن و سایر شاخص‌های آنتروپومتریک جهت کاهش ریسک ابتلا به کبد چرب نیز بی‌فایده نیست.

واژه‌های کلیدی:

کبدچرب، ترکیب بدنی، چربی، کبد، چاقی

(۱) کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

(۲) مرکز تحقیقات بیماری‌های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران : r_homayounfar@yahoo.com

(۳) کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

Paper ID: 124

سوتغذیه در دانش آموزان مقطع ابتدایی در شهرستان فسا

فاطمه رستمیان^۱، سعیده زارعی^۱، رضا همایونفر^۲، سید رضا حجتی^۳

خلاصه مقاله:

سابقه و هدف پایش رشد از جمله بهترین روش‌های پیشگیری از سوءتغذیه است که نشان‌دهنده وضع تندرستی عمومی، تغذیه‌ای و وضعیت ارائه خدمات درمانی در جامعه خواهد بود. این مطالعه با هدف شناسایی ابعاد مختلف سوءتغذیه در کودکان دبستانی شهرستان فسا انجام گرفت. مواد و روش‌ها در پژوهش توصیفی تحلیلی حاضر ۱۳۹۲ دانش‌آموز ابتدایی در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ بصورت تصادفی چند مرحله‌ای از سه منطقه برخوردار، نیمه برخوردار و کمتر برخوردار مورد بررسی قرار گرفتند. همزمان با اندازه‌گیری قد و وزن، دیگر اطلاعات بصورت تکمیل چک‌لیست، مصاحبه، مراجعه به پرونده سلامت و مشاهده‌ای جمع‌آوری شد. جهت محاسبه سه شاخص سوءتغذیه (کم‌وزنی، لاغری و کوتاه‌قدی) و برای توصیف و تجزیه داده‌ها از آزمون‌های آماری توصیفی، کای دو با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۲۲ و برای بدست آوردن zscore از نرم‌افزار WHO plus Anthro استفاده شد. یافته‌ها بیش از ۵۰ درصد دانش‌آموزان مورد مطالعه، دختر بودند. سوءتغذیه براساس معیار کم-وزنی، کوتاه‌قدی و لاغری به ترتیب ۵/۸، ۵/۵ و ۹/۴ درصد بود. شاخص کوتاه‌قدی با جنسیت، محل زندگی، تحصیلات پدر و مصرف قرص آهن رابطه معنی‌دار داشت. نوع زایمان نیز با کوتاه‌قدی و کم‌وزنی رابطه مستقیمی داشت. مصرف وعده صبحانه نیز با کم‌وزنی در دانش‌آموزان اختلاف معنی‌داری نشان داد ($P > 0.05$). نتیجه‌گیری براساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت که دانش‌آموزان دارای درجاتی از سوءتغذیه متوسط و شدید هستند. دانستن وضعیت تغذیه‌ای دانش‌آموزان و عوامل تاثیرگذار بر آن، موجب برنامه‌ریزی بهتر در بخش بهداشت و آموزش و پرورش خواهد شد.

واژه‌های کلیدی:

کم‌وزنی، کوتاه‌قدی، لاغری، دانش‌آموز، سوء تغذیه، شیوع

(۱) کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

(۲) مرکز تحقیقات بیماری‌های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران : r_homayounfar@yahoo.com

(۳) کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

Paper ID: 126

شاخص توده بدنی و عوامل مرتبط در سالمندان کاشان

علی صدرالاهی^۱، محدثه قربانی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: مقدمه: عوامل مختلفی در شاخص توده بدنی سالمندان نقش دارند. هدف از این مطالعه بررسی شاخص توده بدنی و عوامل مرتبط با آن در سالمندان شهر کاشان بود.

روش‌ها: مواد و روشها: این مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۳ انجام شد. جامعه آماری سالمندان بالای ۶۰ سال تخت پوشش مراکز بهداشتی درمانی کاشان بود. حجم نمونه براساس ۴۰۰ مطالعه قبلی تعیین شد. روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای سهمیه بود. اندازه سهمیه‌ها بر اساس جنسیت و وضعیت بهداشتی سالمندان تحت پوشش متفاوت بود که از نظر مشخصات دموگرافیک شرکت‌کنندگان، سطح شاخص توده بدنی مورد بررسی قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۱/۵، آمار توصیفی و آزمونهای Smirnov-Kolmogorov، Spearman و Wallis-Kruskal در سطح معنی داری $p < 0/05$ تجزیه تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌ها: در این مطالعه ۲۳۷ سالمند (۵۹/۲ درصد) زن بودند. سن متوسط جامعه مورد مطالعه $67/6 \pm 6/8$ سال بود. شاخص توده بدنی $27/01 \pm 3/1$ کیلوگرم در متر مربع بود. براساس مطالعه شاخص توده بدنی، ۲۹۴ نفر (۷۳/۶ درصد) از نظر شاخص وزن بدن بالا بودند. بین شاخص توده بدنی و جنسیت ($P=0/04$)، وضعیت تأهل ($P=0/003$)، محل سکونت ($P=0/001$)، آموزش ($P=0/02$)، و تحرک استقلال ($P=0/03$)، ارتباط معناداری را نشان داد. و همچنین جنسیت ($P=0/001$)، و استقلال در تحرک ($OR=4/469$)، و استقلال در تحرک ($OR=2/343$)، شاخص مؤثر پیش‌بینی‌کننده وضعیت توده بدنی سالمندان بود.

نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری: جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات، محل زندگی و استقلال و تحرک عوامل مؤثر بر BMI سالمندان کاشان بود.

واژه‌های کلیدی:

سالمند، شاخص توده بدنی، عوامل مرتبط

(۱) علوم پزشکی گلستان : ali.sadrollahi@yahoo.com

(۲) سازمان بهزیستی گلستان

Paper ID: 127

الگوی تغذیه در سالمندان تحت پوشش مراکز بهداشتی

علی صدرالاهی^۱، محدثه قربانی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: یکی از مهمترین نیازهایی که با فرایند پیری با تغییرات زیادی همراه است وضعیت تغذیه می باشد. هدف از این مطالعه ارزیابی الگوی تغذیه ای در افراد مراجعه کننده سالمند به مراکز بهداشتی است. روش‌ها: مواد و روشها: این مطالعه توصیفی- مقطعی در سال ۱۳۹۲ انجام شد. ۳۵۳ نفر از سالمندان بالای ۶۰ سال تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی کردکوی بود. نمونه گیری سهمیه خوشه ای در ۳ مرکز بهداشتی و ۱۲ خانه بهداشت انجام شد. ابزار مطالعه اطلاعات جمعیت شناختی و پرسشنامه پیشنهاد تغذیه ای (RDA) بود. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ در سطح معنی داری $P < 0.05$ تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: ۱۹۴ سالمند (۵۴/۹ درصد) شرکت کننده مرد بودند. متوسط انرژی دریافتی $1519 \pm 486/4$ کیلوکالری بود. متوسط دریافت پروتئین $62/3 \pm 19/8$ ، چربی $2304 \pm 40/1$ و فیبر $9/1 \pm 6/8$ گرم بود. همبستگی آماری معکوس بین میزان دریافت انرژی در رژیم غذایی و سن سالمندان ($P=0/02$ ، $P=0/386$) نشان داد. آزمون T تفاوت معنی داری در میزان کالری دریافتی براساس وضعیت تأهل سالمندان ($P=0/008$) نشان داد؛ زنان مسن نسبت به مردان مسن کالری بیشتری دریافت می کنند. نتیجه گیری: یافته های این مطالعه نشان داد که الگوی خوردن سالمندان براساس الگوها ارائه استاندارد نیست. تدوین برنامه های آموزشی و استقرار متخصصان تغذیه در هر یک از مراکز بهداشتی می تواند وضعیت تغذیه سالمندان را بهبود بخشد.

واژه های کلیدی:

سالمند، تغذیه، سلامتی

(۱) علوم پزشکی گلستان : ali.sadrollahi@yahoo.com

(۲) سازمان بهزیستی گلستان

Paper ID: 128

کیفیت زندگی با رویکرد فعالیت جسمانی در زنان سالمند فعال و غیر فعال

علی صدرالاهی^۱

خلاصه مقاله:

سابقه: کیفیت زندگی یکی از مولفه‌های مهم دوران سالمندی است که تحت عوامل زیادی است. هدف مطالعه حاضر مقایسه کیفیت زندگی با رویکرد فعالیت‌های جسمانی در زنان سالمند فعال و غیر فعال بود.

روش‌ها: مطالعه مقطعی حاضر از نوع توصیفی بود که در سال ۱۳۹۵ انجام شد. جامعه پژوهش زنان سالمند بالای ۶۰ سال شهرستان بندرگز با نمونه مطالعه ۱۷۶ نفر بود. روش نمونه‌گیری این مطالعه به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شد. ابزار گردآوری مطالعه شامل پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناسی و نسخه بلند پرسشنامه استاندارد کیفیت زندگی (SF-۳۶) بود. داده‌های مطالعه با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ با آزمون‌های آماری آزمون کالموگروف اسمیرنوف و آزمون یومن ویتنی یو و آزمون فریدمن تجزیه تحلیل شد. سطح معناداری رعایت شده در تجزیه تحلیل داده‌ها $P < 0.05$ بود.

یافته‌ها: اکثریت جامعه مورد مطالعه شامل ۱۰۲ زن (۵۷/۹) درصد در گروه غیر فعال فعالیت جسمانی بود. نتایج آزمون‌ها اختلاف معناداری ($P=0/016$) در کیفیت زندگی زنان سالمند فعال با زنان غیر فعال نشان داد. متوسط کیفیت زندگی زنان فعال ($55/9 \pm 14/3$) بالاتر از زنان غیر فعال ($47/4 \pm 15/5$) بود. نتایج آزمون من ویتنی یو نشان داد زیرمقیاس‌های سلامت عملکرد بدنی ($P=0/001$)، سلامت جسمانی ($P=0/005$)، سلامت عاطفی ($P=0/017$)، انرژی/سرزندگی ($P=0/019$)، سلامت روانی ($P=0/003$)، درد ($P=0/012$) و سلامت عمومی ($P=0/001$) کیفیت زندگی زنان سالمند فعال اختلاف معناداری با زنان غیر فعال داشت. نتایج آزمون فریدمن نشان داد در رتبه بندی حیطة‌های کیفیت زندگی مولفه سلامت روان ($Rank\ Mean=5/26$) نسبت به سایر مولفه‌های کیفیت زندگی تاثیرگذاری بالاتری داشت.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان داد زنان سالمند فعال از لحاظ فعالیت جسمانی از کیفیت زندگی بالاتری نسبت به زنان سالمند غیر فعال برخوردار بودند. با توجه به یافته‌های این تحقیق، استفاده از فعالیت‌های جسمانی مبتنی بر اصول علمی که با کمترین امکانات نیز قابل انجام است، به عنوان ابزاری مناسب جهت ارتقا سلامتی توصیه می‌گردد.

واژه‌های کلیدی:

سالمند، کیفیت زندگی، فعالیت جسمانی

(۱) علوم پزشکی گلستان : ali.sadrollahi@yahoo.com

Paper ID: 131

اثر رژیم غذایی کاهنده فشار خون (DASH) بر وزن، ترکیب بدن و فشار خون در کودکان مبتلا به اختلال کم توجهی و بیش فعالی (ADHD): یک کارآزمایی بالینی

یدالله خوشبخت^۱، امین صالحی ابرقویی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه

اختلال بیش فعالی کم توجهی (ADHD) یکی از شایع ترین اختلالات روانپزشکی در کودکان می باشد. کودکان مبتلا به ADHD معمولا داری فشار خون پایین و اختلالات وزن می باشند. بنابراین، کارآزمایی بالینی تصادفی شده حاضر به منظور بررسی اثر رژیم غذایی کاهنده فشار خون (DASH) در مقایسه با رژیم کنترل بر روی ترکیب وزن و فشار خون در کودکان نوجوانان مبتلا به ADHD انجام شد.

روش ها

هشتاد و شش کودک ۶ تا ۱۲ ساله با توجه به پرسشنامه کانرز معلم و معیارهای DSM-4 که توسط پزشک متخصص انجام شد، مبتلا به ADHD تشخیص داده شدند. سپس شرکت کنندگان به طور تصادفی برای دریافت رژیم غذایی DASH و رژیم غذایی کنترل به مدت ۱۲ هفته به دو گروه تقسیم شدند. شرکت کنندگان هر ماه برای ارزیابی شاخص های تن سنجی، اندازه گیری فشار خون، فعالیت فیزیکی و رعایت رژیم غذایی ویزیت شدند. تبعیت از رژیم غذایی با استفاده از ثبت غذایی سه روزه که توسط والدین تکمیل گردید انجام شد.

یافته ها

هشتاد کودک مطالعه را به پایان رساندند (۴۰ نفر در هر گروه). تفاوت معنی داری در هر یک از شاخص های ترکیب وزن اندازه گیری شده قبل و بعد از مداخله در هر دو گروه مطالعه مشاهده نشد. هر چند درصد چربی بدن کاهش یافت و درصد عضله بدن افزایش داشت. همچنین سرعت افزایش BMI کاهش یافت. تفاوت معنی داری در فشار خون سیستولیک و دیاستولیک قبل از مطالعه مشاهده نشد اما در فشار خون دیاستولیک بعد از مطالعه تفاوت معنی داری مشاهده شد. میانگین تغییرات در فشار خون دیاستولیک بین ابتدا و انتهای مطالعه بین دو گروه DASH و کنترل تفاوت معنی داری داشت.

نتیجه گیری

به طور خلاصه، مصرف الگوی غذایی DASH برای ۱۲ هفته ممکن است فشار خون کودکان مبتلا به ADHD را افزایش دهد. مطالعات بیشتری با طول مدت پیگیری های طولانی تری برای تایید این نتایج ضروری می باشد.

واژه های کلیدی:

اختلال کم توجهی و بیش فعالی، رژیم غذایی کاهنده فشار خون، وزن، کودک، نوجوان

(۱) یاسوج. بیمارستان شهید جلیل: y.khoshbakht1369@gmail.com

(۲) یزد. دانشکده بهداشت

Paper ID: 132

بررسی ریسک فاکتورهای متابولیک و فعالیت بدنی در بیماران کاندید جراحی قلب

مریم فدایی دشتی^۱، فاطمه صحتی^۱، علیرضا دهقان نیری^۱، فاطمه رحیمی^۲، مرتضی نظری^۱، زینب محمدی^۱، زینب کمی پور^۱

خلاصه مقاله:

سابقه: بیماری های قلبی - عروقی شایع ترین علت مرگ و مهمترین عامل از کارافتادگی در بیشتر کشورهای جهان بوده و نخستین عامل مرگ و میر در دنیا هستند که آمار ۱۸ میلیون نفر در جهان (در حدود ۳۱٪) را شامل می‌شوند که تا سال ۲۰۲۵ این رقم، به مرگ نیمی از مردم دنیا خواهد رسید. میزان عدم تحرک بدنی و چاقی که دو عامل از مهمترین عوامل خطر بیماری های قلبی عروقی می‌باشد. گذران زندگی به صورت ساکن و بی‌تحرک و غیرفعال به حدی شایع شده است که باعث بسیاری از مشکلات همچون بیماریهای قلبی عروقی و متابولیک شده است. فعالیت بدنی، با ایجاد بار مکانیکی بر سطح استخوان، باعث ترشح شاخص‌های بازجذب استخوانی به گردش خون می‌شود که در تعامل با آدیپوکین‌ها می‌تواند باعث کاهش چاقی و پیشگیری از عوارض قلبی عروقی می‌شوند.

روش‌ها: این پژوهش مطالعه ای مقطعی از نوع توصیفی تحلیلی جهت ۱۰۰ بیمار قلبی کاندید جراحی قلب در سال ۹۷ انجام شده است. ابزار مطالعه پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه فعالیت بدنی و میزان ریسک فاکتورهای چاقی در خانواده بیمار به صورت خودگزارش دهی بوده است. داده‌های این مطالعه توسط آزمونهای استنباطی و توصیفی تحلیل شده است.

یافته‌ها: طبق نتایج این مطالعه ۶۳ درصد زن، میانگین مدت زمان ابتلا به بیماری قلبی با مصرف دارو ۳ سال، ۴۵ درصد از خانواده بیماران نمایه توده بدنی بیشتر از ۳۲، ۴۳ درصد ورزش و فعالیت بدنی ولی نامنظم داشته اند، ۸۵ درصد کمتر از ۳۰ دقیقه ورزش و فعالیت بدنی در هفته، ۷۸ درصد فعالیت روزانه خود را کم تحرک گزارش نمودند. میانگین زمان مصرف داروی قلبی ۲،۵ سال، میانگین مصرف داروی فشارخون ۴ سال، ۶۸ درصد میزان تحصیلات کمتر از دیپلم، ۲۳ درصد سابقه ۲ بار آنژیوگرافی در ۲ سال اخیر را گزارش نمودند.

نتیجه گیری: طبق نتایج این مطالعه فعالیت بدنی به عنوان جزء کلیدی سبک زندگی سالم، کم‌تر از حد لازم است. مداخلات آموزشی سلامت، مبتنی بر نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده و توسعه فرایند مشارکتی برای حمایت از ارائه برنامه های اصلاح شیوه زندگی، راهکار مراقبت بهداشتی قابل انجام و موثری برای ارتقاء سلامت قلب و عروق می باشد.

واژه های کلیدی:

ریسک فاکتورهای متابولیک، فعالیت بدنی، جراحی قلب

(۱) مرکز آموزشی درمانی شهید رجایی

(۲) واحد توسعه تحقیقات بالینی رجایی، مرکز آموزشی درمانی شهید رجایی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج: frahimi110@gmail.com

Paper ID: 133

بررسی تاثیر چاقی بر خواب در مراجعه کنندگان به کلینیک خواب

فاطمه ویسی همپا^۱، احمد آفاقی^۲، مریم جوادی^۲، امیر جوادی^۲، شبنم جلیل القدر^۲، زهره یزدی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: کیفیت خواب نقش مهمی در سالمته جسمی و روانشناختی انسان دارد و میتواند تحت تأثیر دریافت های غذایی و چاقی قرار گیرد. مطالعه حاضر با هدف بررسی تاثیر چاقی بر خواب در مراجعه کنندگان به کلینیک خواب انجام پذیرفت. **روش ها:** این مطالعه توصیفی مقطعی در سال ۱۳۹۶ در بیمارستان قدس قزوین انجام شد. ۸۰ بیمار شناخته شده به روش تصادفی وارد مطالعه شده و در کلینیک خواب جهت بررسی اختلالات خواب مورد ارزیابی قرار گرفتند. شاخص توده بدنی، دور کمر، نسبت دور کمر به دور باسن و نسبت دور کمر به قد در بیماران اندازه گیری شد. در این مطالعه مقطعی کلیه بیماران تحت آزمون پلی سومنوگرافی شبانه قرار گرفتند و شاخص آپنه-هیپوپنه، میانگین و حداقل اکسیژن خون و شاخص اختلال تنفسی ثبت گردید. داده ها جهت تجزیه و تحلیل آماری وارد نرم افزار SPSS شد.

یافته ها: همبستگی معنی داری بین شاخص آپنه-هیپوپنه با نمایه توده بدنی ($p < 0.001, r = 0.516$) نسبت دور کمر قد ($p = 0.002, r = 0.477$) و دور کمر ($p = 0.024, r = 0.333$) و نسبت دور کمر به دور باسن ($p = 0.042, r = 0.302$) در مردان وجود داشت. همچنین همبستگی منفی بین این شاخص های تن سنجی با اکسیژن اشباع وجود داشت. همبستگی معنی داری بین اندازه های تن سنجی و شاخص آپنه-هیپوپنه در زنان مشاهده نشد. نتایج رگرسیون خطی نشان داد که افزایش نمایه توده بدنی بیشترین تأثیر را در شدت آپنه-هیپوپنه در مردان دارد ($\beta = 0.469$).

نتیجه گیری: نمایه توده بدنی به عنوان شاخص مهم چاقی است که به طور واضح با اختلال تنفسی در خواب در ارتباط است. نمایه توده بدنی شاخصی مناسب از اندازه دور کمر و یا نسبت دور کمر به قد برای پیش بینی اختلال خواب می باشد.

واژه های کلیدی:

چلقلی، خواب

(۱) دانشگاه علوم پزشکی قزوین : veisi2012@yahoo.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی قزوین

(۳) دانشگاه علوم پزشکی قزوین

Paper ID: 136

بررسی کیفیت و مدت خواب به عنوان دو عامل مؤثر بر چاقی در کارکنان شاغل در سازمان های دولتی شهر اهواز

معصومه تهرانی^۱

خلاصه مقاله:

سابقه: با توجه به نقش کیفیت و مدت خواب در پیدایش چاقی و اضافه وزن و نیز اهمیت توجه به بحث اضافه وزن و چاقی در کارکنان، این مطالعه با هدف بررسی کیفیت و مدت خواب در کارکنان شاغل در سازمان های دولتی شهر اهواز انجام شد. روش ها: این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی است که بر تعداد ۳۸۴ نفر از کارمندان شاغل در سازمان های دولتی شهر اهواز انجام شد. نمونه گیری از میان سازمان های دولتی به روش خوشه ای صورت گرفت. کیفیت و مدت خواب کارکنان از طریق پرسشنامه کیفیت خواب پیتزبورگ مورد ارزیابی واقع شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ویراست ۲۳ و آزمون های آماری توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین سنی کارکنان $39/16 \pm 7/96$ به دست آمد. میانگین نمره کیفیت خواب در کارکنان $5/90 \pm 2/32$ گزارش گردید. طول مدت خواب شبانه نیز در کارکنان $5/58 \pm 2/32$ به دست آمد.

نتیجه گیری: بر اساس یافته ها، کارکنان سازمان های دولتی شهر اهواز از کیفیت خواب نامطلوب برخوردار بودند. همچنین با توجه به میزان خواب توصیه شده در شب (۷-۸ ساعت) در بزرگسالان، کارمندان از منظر خواب شبانه نیز از وضعیت مناسبی برخوردار نبودند. این امر می تواند زمینه ابتلا به اضافه وزن و چاقی را در کارکنان ایجاد نماید. با توجه به تأثیر کیفیت و مدت خواب بر افزایش بهره وری در کارمندان و نیز کاهش غیبت آنان از کار و نیز تأثیری که الگوی خواب نامناسب می تواند در بروز چاقی و اضافه وزن داشته باشد، ارائه مداخلات آموزشی به منظور آشنایی کارکنان سازمان ها و ادارات با مشکلات بهداشتی و شغلی ناشی از کم خوابی ضروری به نظر می رسد.

واژه های کلیدی:

کیفیت خواب، مدت خواب، کارکنان

(۱) جهاد دانشگاهی خوزستان : masoumehtehrani3@gmail.com

Paper ID: 137

بررسی تأثیر آموزش تغذیه بر بهبود رفتار مصرف فست فود در دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر اهواز

معصومه تهرانی^۱

خلاصه مقاله:

سابقه: با توجه به افزایش شیوع مصرف فست فود و نیز شیوع هم زمان چاقی در جوامع مختلف بویژه ایران و بویژه در میان نوجوانان، این مطالعه با هدف بررسی تأثیر آموزش تغذیه بر بهبود رفتار مصرف فست فود در دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر اهواز انجام شد.

روش‌ها: این مطالعه از نوع مداخله ای شاهد دار است که بر تعداد ۶۰ نفر از دانش آموزان دختر شهر اهواز (۳۰ نفر در گروه شاهد و ۳۰ نفر در گروه آزمون) انجام شد. آموزش تغذیه در قالب ۶ جلسه سخنرانی همراه با ارائه اسلاید به گروه آزمون ارائه گردید. داده ها در زمان های قبل و ۲ ماه بعد از مداخله ی آموزشی با استفاده از پرسشنامه بسامد خوراک مرتبط با مصرف فست فود به شیوه مصاحبه جمع آوری گردید. رفتار مصرف فست فود با استفاده از دو متغیر بار مصرف فست فود در ماه و نیز گرم مصرفی فست فود مورد ارزیابی واقع شد. در پایان داده ها با استفاده از نرم افزارهای SPSS و χ^2 ویراست ۲۳ و با بهره گیری از آزمون های آماری توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: قبل از اجرای مداخله، گروه شاهد و گروه آزمون از نظر متغیرهای مورد بررسی همگن بوده و تفاوت آماری معنادار نداشتند. بار مصرف فست فود در گروه آزمون از $5/29 \pm 3/62$ بار در ماه به $2/29 \pm 2/06$ بار در ماه در فاصله دو ماه بعد از مداخله آموزشی کاهش یافت. مقدار مصرفی فست فود در گروه آزمون از $622/11 \pm 505/12$ گرم در زمان قبل از مداخله به $402/95 \pm 423/37$ گرم در فاصله دو ماه بعد از مداخله کاهش پیدا کرد.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان می دهد که آموزش تغذیه می تواند تأثیر مثبتی بر بهبود رفتار مصرف فست فود در دختران نوجوان داشته باشد. اجرای مداخلات بیشتر و نیز لحاظ کردن نوجوانان پسر در مطالعات بعدی، توصیه می گردد.

واژه های کلیدی:

آموزش تغذیه، فست فود، دانش آموزان

(۱) جهاد دانشگاهی خوزستان : masoumehtehrani3@gmail.com

Paper ID: 139

بررسی رفتارهای غذا خوردن به عنوان یکی از فاکتورهای مؤثر بر وزن بدن در کارکنان سازمان های دولتی شهر اهواز

معصومه تهرانی^۱

خلاصه مقاله:

سابقه: رفتار غذا خوردن عاملی است که می تواند بر دریافت غذایی و در نتیجه سلامت افراد تأثیرگذار باشد. بر اساس مطالعات انجام شده، رفتارهای غذا خوردن با شاخص های چاقی بویژه نمایه توده بدنی ارتباط دارند. با توجه به نقش رفتارهای غذا خوردن در پیدایش چاقی و اضافه وزن، این مطالعه با هدف بررسی رفتارهای غذا خوردن در کارکنان سازمان های دولتی شهر اهواز انجام شد.

روش ها: این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی است که بر تعداد ۳۸۴ نفر از کارمندان شاغل در سازمان های دولتی شهر اهواز انجام شد. نمونه گیری از میان سازمان های دولتی به روش خوشه ای صورت گرفت. رفتارهای غذا خوردن در کارکنان از طریق پرسشنامه رفتار غذا خوردن داچ مورد ارزیابی واقع شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ویراست ۲۳ و آزمون های آماری توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین سنی کارکنان $39/16 \pm 7/96$ به دست آمد. میانگین نمره رفتار غذا خوردن هیجانی، رفتار غذا خوردن بیرونی و رفتار غذا خوردن مهاری به ترتیب $0/25 \pm 0/07$ ، $1/57 \pm 0/53$ ، $1/65 \pm 0/51$ به دست آمد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه غذا خوردن هیجانی حاکی از تمایل به خوردن در پاسخ به احساسات منفی، غذا خوردن بیرونی حاکی از تمایل به خوردن در پاسخ به محرک های خارجی مرتبط با غذا و خوردن مهاری نیز منعکس کننده درجه ای از محدودیت آگاهانه غذا با هدف کاهش و یا حفظ وزن می باشد، می توان گفت که دو مولفه ی غذا خوردن هیجانی و بیرونی با چاقی و اضافه وزن ارتباط مستقیم و غذا خوردن مهاری ارتباطی معکوس دارد. بنابراین بیشتر بودن نمره غذا خوردن مهاری و کمتر بودن نمرات رفتارهای غذا خوردن هیجانی و بیرونی در این مطالعه می تواند به معنای اعمال محدودیت بیشتر کارکنان سازمان های دولتی شهر اهواز بر دریافت غذا و لذا پیشگیری از پرخوری و دریافت غذا باشد. اندازه گیری شاخص های تن سنجی در مطالعات بعدی همزمان با بررسی رفتارهای غذا خوردن، به کسب نتیجه ای با اطمینان بیشتر در این زمینه کمک خواهد کرد.

واژه های کلیدی:

رفتار غذا خوردن، کارکنان، سازمان های دولتی

(۱) جهاد دانشگاهی خوزستان : masoumehtehrani3@gmail.com

Paper ID: 140

بررسی وضعیت دور کمر، نسبت دور کمر به دور لگن و نسبت دور کمر به قد به عنوان شاخص های چاقی شکمی در کارکنان شاغل در جهاد دانشگاهی خوزستان

معصومه تهرانی^۱

خلاصه مقاله:

سابقه: بر اساس مطالعات انجام شده، میزان چاقی و اضافه وزن در بین افراد جامعه بویژه شاغلین سازمان ها و ادارات در حال افزایش است. این مطالعه با هدف بررسی وضعیت دور کمر، نسبت دور کمر به دور لگن و نسبت دور کمر به قد به عنوان شاخص های چاقی شکمی در کارکنان جهاد دانشگاهی خوزستان انجام شده است. روش ها: این مطالعه توصیفی مقطعی بر تعداد ۲۴۵ نفر از کارکنان شاغل در جهاد دانشگاهی خوزستان انجام شد. نمونه گیری به روش تصادفی از میان کارکنان شاغل در واحدهای مختلف سازمان جهاد دانشگاهی خوزستان صورت گرفت. به منظور ارزیابی دور کمر، نسبت دور کمر به دور لگن و نسبت دور کمر به قد از متر نواری غیر قابل ارتجاع Seca با دقت ۱ میلی متر استفاده شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ویراست ۲۳ و بهره گیری از آزمون های آماری توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین مقدار دور کمر، نسبت دور کمر به دور لگن و نسبت دور کمر به قد در کارکنان جهاد دانشگاهی خوزستان به ترتیب $۹۵/۳۹ \pm ۱۱/۵۴$ ، $۰/۸۳ \pm ۰/۰۸$ و $۰/۵۵ \pm ۰/۴۶$ به دست آمد. بر اساس یافته ها به ترتیب در ۳۰٪، ۱۲٪ و ۷۴٪ مردان دور کمر، نسبت دور کمر به دور لگن و نسبت دور کمر به قد بالاتر از محدوده طبیعی مشاهده شد. به ترتیب در ۵۷٪، ۲۹٪ و ۴۹٪ زنان نیز دور کمر، نسبت دور کمر به دور لگن و نسبت دور کمر به قد بالاتر از محدوده طبیعی گزارش گردید. این متغیرها در میان زنان و مردان تفاوت معنادار داشت ($P < ۰/۰۰۰۱$).

نتیجه گیری: بر اساس یافته ها مشاهده می شود که زنان و مردان از نظر شاخص های مرتبط با توزیع چربی در بدن از وضعیت مناسبی برخوردار نمی باشند. از آنجا که نسبت دور کمر به قد یکی از برترین شاخص های ارزیابی چاقی شکمی است، هم مردان و هم زنان از چاقی شکمی رنج می برند. بنابراین ارائه مداخلات آموزشی و راه کارهای تغذیه ای به منظور کاهش چربی های بدنی بویژه چربی های شکمی و تأکید بر فواید کاهش وزن می تواند در ارتقاء سطح سلامتی کارکنان مؤثر باشد.

واژه های کلیدی:

دور کمر، نسبت دور کمر به دور لگن، نسبت دور کمر به قد، کارکنان

(۱) جهاد دانشگاهی خوزستان : masoumehtehrani3@gmail.com

Paper ID: 141

بررسی وضعیت نمایه توده بدنی در کارکنان شاغل در سازمان جهاد دانشگاهی خوزستان

معصومه تهرانی^۱

خلاصه مقاله:

سابقه: اضافه وزن و چاقی در کارکنان می تواند منجر به بروز بیماری های مختلف شده و کاهش بازدهی کاری و افزایش غیبت از کار کارکنان را در پی داشته باشد. بنابراین این مطالعه با هدف بررسی وضعیت نمایه توده بدنی به عنوان یک استاندارد بالینی برآورد چاقی در کارکنان شاغل در سازمان جهاد دانشگاهی خوزستان انجام شد. **روش ها:** این مطالعه توصیفی مقطعی بر تعداد ۲۴۵ نفر از کارمندان شاغل در جهاد دانشگاهی خوزستان انجام شد. نمونه گیری به روش تصادفی از میان کارکنان شاغل در واحدهای مختلف سازمان جهاد دانشگاهی خوزستان صورت گرفت. قد و وزن افراد به منظور برآورد نمایه توده بدنی بر اساس دستورالعمل سازمان بهداشت جهانی اندازه گیری گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ویراست ۲۳ و بهره گیری از آزمون های آماری توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. **یافته ها:** میانگین سنی کارکنان $38/39 \pm 19/02$ به دست آمد. ۴۵٪ از کارکنان را زنان و ۵۵٪ را مردان تشکیل می دادند. میانگین نمایه توده بدنی در کارکنان $26/8 \pm 4/5$ و در محدوده اضافه وزن بدست آمد. همچنین بر اساس یافته ها، در ۶۷٪ مردان و ۵۳٪ زنان نمایه توده بدنی بالاتر از محدوده طبیعی مشاهده شد. نمایه توده بدنی در زنان و مردان فاقد تفاوت آماری معنادار بود.

نتیجه گیری: بر اساس یافته ها مشاهده می شود که کارکنان شاغل در سازمان جهاد دانشگاهی خوزستان به اضافه وزن مبتلا دارند. بنابراین با توجه به نقش اضافه وزن و چاقی در بروز بیماری های قلبی، دیابت، سرطان و ... ، برگزاری کارگاه های آموزشی به منظور آشنایی کارکنان با فواید کاهش وزن و افزایش فعالیت بدنی و نیز ارائه راهکارهای تغذیه ای به منظور کاهش وزن بویژه کاهش چربی های شکمی می تواند در ارتقاء سلامت کارکنان مؤثر باشد.

واژه های کلیدی:

نمایه توده بدنی، کارکنان، جهاد دانشگاهی

(۱) جهاد دانشگاهی خوزستان : masoumehtehrani3@gmail.com

Paper ID: 142

بررسی نمایه توده بدنی، دور شکم و قند خون در زنان یائسه طبیعی در مقایسه با زنان یائسه به روش جراحی

مریم فرهمند^۱، فهیمه رضانی تهرانی^۲

خلاصه مقاله:

زمینه و هدف: قطع هورمون‌های جنسی در زنان یائسه به روش جراحی بطور ناگهانی صورت می‌گیرد ولی این مسأله در زنان یائسه طبیعی روندی تدریجی دارد. بنابراین در این مطالعه به بررسی نمایه توده بدنی، دور شکم و قند خون در زنان یائسه جراحی در مقایسه با زنان یائسه طبیعی می‌پردازیم.

روش مطالعه: زنان شرکت کننده در این مطالعه از میان زنان یائسه مطالعه قند و لیپید تهران انتخاب شدند. بدین منظور ۴۹۵ زن یائسه وارد مطالعه شدند که با به تفکیک نوع یائسگی در دو گروه یائسه طبیعی و یائسه جراحی قرار گرفتند. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های مطالعه قند و لیپید تهران استفاده شد. در این مطالعه در هر دو گروه مطالعه، اطلاعات در قبل از یائسگی و اطلاعات شرکت کنندگان پس از وقوع یائسگی جمع‌آوری شدند. جهت جلوگیری از اثرات مخدوش کننده نتایج بدست آمده، مقادیر قبل از یائسگی متغیرهای مورد بررسی در آنالیزهای آماری تعدیل گردید.

یافته‌ها: مقایسه و بررسی قند خون، نمایه توده بدنی و دور شکم در میان ۴۲۳ زن یائسه طبیعی با ۷۲ زن یائسه به روش جراحی انجام شد. نتایج نشان داد که میانگین قند خون ناشتا در افراد یائسه به روش جراحی با لاتر از گروه زنان یائسه طبیعی بوده و این ارتباط از نظر آماری معنادار بود ($P < 0.05$). میانگین دور شکم در زنان یائسه طبیعی بطور معناداری در مقایسه با گروه مقابل بالاتر بود ($P < 0.05$).

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج حاصل نشان می‌دهد، بعضی از متغیرهای متابولیک در مقایسه دو گروه اصلی یائسگی متفاوت بوده، بنابراین لازم است که این متغیرها مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی:

یائسگی طبیعی، یائسگی جراحی، قند خون، نمایه توده بدن، دور شکم

(۱) پژوهشکده غدد : mfarahmand14@yahoo.com

(۲) پژوهشکده غدد

Paper ID: 143

بررسی ارتباط شاخص فعالیت بدنی در اوقات فراغت با نمایه توده بدنی و شاخص‌های چاقی شکمی و نمایه توده بدنی در کارکنان جهاد دانشگاهی خوزستان

قدرت اله شاکری نژاد^۱، فرزانه جاروندی^۲، سعیده حاجی نجف^۱، معصومه تهرانی^۱، زهرا باجی^۱

خلاصه مقاله:

سابقه: میزان فعالیت بدنی افراد به عنوان یک عامل مستقل مؤثر در بروز برخی از بیماری‌های مزمن از جمله دیابت، فشارخون بالا، بیماری‌های قلبی-عروقی و استئوپوروز نقش دارد. لذا این پژوهش با هدف بررسی ارتباط شاخص فعالیت بدنی در اوقات فراغت با نمایه توده بدنی و شاخص‌های چاقی شکمی در کارکنان جهاد دانشگاهی خوزستان کارکنان سازمان جهاد دانشگاهی خوزستان انجام گردید.

روش‌ها: در این مطالعه توصیفی - مقطعی ۲۴۵ نفر از کارکنان جهاد دانشگاهی خوزستان شرکت نمودند. پرسشنامه فعالیت بدنی بک (Baecke) به منظور بررسی سطح فعالیت بدنی در اوقات فراغت استفاده گردید. به منظور ارزیابی شاخص‌های چاقی شکمی و نمایه توده بدنی، متغیرهای دور کمر، نسبت دور کمر به لگن، نسبت دور کمر به قد افراد اندازه‌گیری شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از SPSS و با بهره‌گیری از آزمون‌های آماری توصیفی - تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که، شاخص فعالیت بدنی در اوقات فراغت با متغیرهای دور کمر ($P = 0.012$, $r = -0.163$) نسبت دور کمر به دور لگن ($P = 0.0696$, $r = -0.026$)، نسبت دور کمر به قد ($P = 0.047$, $r = -0.130$) و نمایه توده بدن ($P = 0.017$, $r = -0.155$) ارتباط معکوس داشتند. به این معنا که با افزایش این شاخص، متغیرهای مذکور در افراد کاهش می‌یابند. از آنجا که این متغیرها به عنوان شاخص چاقی در نظر گرفته می‌شوند، لذا کاهش آنها به معنای کاهش خطر چاقی و اضافه وزن به ویژه در ناحیه شکم افراد می‌باشد. اما این رابطه در مورد متغیر نسبت دور کمر به دور لگن از لحاظ آماری معنادار نبود.

نتیجه‌گیری: با توجه به مطالعه حاضر و میزان بی‌حرکی افراد، به نظر می‌رسد که برگزاری کارگاه‌های آموزشی در مورد فواید فعالیت ورزشی منظم و همچنین آموزش چگونگی انجام صحیح فعالیت بدنی بویژه در محیط کار و اوقات فراغت به منظور کاهش وزن، بویژه کاهش چربی‌های شکمی می‌تواند در ارتقاء سطح سلامتی کارکنان مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی:

شاخص فعالیت بدنی در اوقات فراغت، شاخص‌های چاقی شکمی، نمایه توده بدنی

(۱) جهاد دانشگاهی خوزستان

(۲) جهاد دانشگاهی خوزستان : jarvandif@gmail.com

Paper ID: 144

بررسی ارتباط فعالیت فیزیکی و تغذیه با سواد سلامت در کارمندان شاغل در سازمان های دولتی شهر اهواز

فرزانه جاروندی^۱، معصومه تهرانی^۲، قدرت اله شاکری نژاد^۲، زهرا باجی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: با توجه به پیشرفت های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و توسعه شهرنشینی و صنعتی شدن جوامع، تغییرات سریعی در الگوی غذایی و سبک زندگی جوامع بشری ایجاد شده است. این پژوهش با هدف بررسی ارتباط فعالیت فیزیکی و تغذیه به عنوان دو عامل رفتار انسانی در جهت ایجاد چاقی با سواد سلامت شاغلین در سازمان های دولتی شهر اهواز انجام شد.

روش ها: در این مطالعه مقطعی از نوع توصیفی- تحلیلی، ۳۸۴ نفر از کارمندان شاغل در سازمان های دولتی شهر اهواز که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، شرکت نمودند. ابزار جمع آوری داده ها، دو نوع پرسشنامه سواد سلامت، بومی سازی شده توسط آقای دکتر منتظری و همکاران و پرسشنامه سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از SPSS ۲۴ و آزمونهای توصیفی-استنباطی استفاده گردید.

یافته ها: میانگین سنی شرکت کنندگان $39/16 \pm 7/96$ سال بود، ۳۲/۴ درصد زن و ۶۷/۶ درصد مرد، ۷۷/۷ درصد متأهل و ۲۲/۳ درصد مجرد بودند. ۴۸ درصد دارای سطح تحصیلات لیسانس و ۳۳/۲ درصد فوق لیسانس بودند براساس یافته های این مطالعه میزان فعالیت فیزیکی ($P < 0/005$)، $29/3 \%$ و الگوی تغذیه سالم ($P < 0/004$)، $26/5 \%$ با سواد سلامت ارتباط معنی داری داشت. با افزایش سطح سواد سلامت میزان فعالیت فیزیکی و الگوی سالم تغذیه بهبود یافت. همچنین شدت این ارتباط با فعالیت فیزیکی بیشتر بود.

نتیجه گیری: با توجه به مطالعه حاضر، و نقش دو عامل فعالیت فیزیکی و تغذیه سالم در بروز چاقی، تلاش در جهت افزایش سواد سلامت جامعه به خصوص کارکنان شاغل در زمینه بهبود فعالیت فیزیکی منظم و تغذیه سالم در سازمان ها پیشنهاد می گردد.

واژه های کلیدی:

فعالیت فیزیکی، تغذیه، سواد سلامت

(۱) جهاد دانشگاهی خوزستان : jarvandif@gmail.com

(۲) جهاد دانشگاهی خوزستان

Paper ID: 145

مقایسه مکانیسم‌های دفاعی در افراد چاق و غیر چاق

مریم ریحانی^۱

خلاصه مقاله:

این تحقیق با هدف بررسی مقایسه مکانیسم‌های دفاعی در افراد چاق و غیر چاق انجام شد. جامعه آماری شامل تمامی کارکنان اداری وزارت آموزش و پرورش بود که در سال ۱۳۹۷ در وزارت آموزش و پرورش شهر تهران مشغول به کار بودند. حجم نمونه ۱۷۰ نفر شامل ۸۵ نفر چاق یعنی نمایه توده بدنی (BMI) بالای ۳۰ و تعداد ۸۵ نفر دارای وزن طبیعی یعنی نمایه توده بدنی بین ۱۸-۲۵ بودند. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است و جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه سبک‌های دفاعی (اندروز، سینگ و بوند، ۱۹۹۳) استفاده گردید. نتایج تحقیق نشان داد که بین افراد غیرچاق و افراد چاق از لحاظ مکانیسم‌های دفاعی تفاوت وجود ندارد. تفاوت میانگین نمره‌های افراد غیرچاق و افراد چاق در ۳ سبک دفاعی معنادار نیست. بین افراد غیرچاق و افراد چاق از لحاظ ۲۰ مکانیسم دفاعی تفاوت وجود دارد. ممکن است مشکلات روانشناختی چاقی به خاطر مسائلی مانند کم‌ تحرکی باشد و نه چاقی. اما چون گروه مورد بررسی افراد کارمند بودند که فعالیت خوبی دارند تفاوتی در شادکامی و مکانیسم‌های دفاعی دیده نشد.

واژه‌های کلیدی:

مکانیسم‌های دفاعی، افراد چاق و افراد غیر چاق

(۱) وزارت آموزش و پرورش دفتر سلامت و تندرستی : rahan102@yahoo.com

Paper ID: 147

بررسی وضعیت چاقی و ارتباط آن با فشار خون در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

اکرم احمدی زاده فینی^۱، الهام احمدی زاده فینی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: اموزن به نمایه توده بدنی بین ۲۹/۹-۲۵ کیلوگرم بر مترمربع و چاقی به نمایه توده بدنی بالای ۳۰ اطلاق میشود. که به سه نوع چاقی درجه ۱، چاقی درجه ۲ و چاقی درجه ۳ تقسیم میشود هدف مطالعه حاضر بررسی وضعیت چاقی و اضافه وزن و ارتباط آن با فشار خون در دانشجویان جدیدالورود روزه چاقی به عنوان یه مشکل بهداشت عمومی مطرح است. معیار سنجش وضعیت چاقی و اضافه وزن در افراد نمایه توده بدن یا میباشد. اضافه‌ها دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان می باشد.

روش‌ها: مطالعه حاضر بصورت مقطعی بود که ۳۷۸ نفر از دانشجویان از دانشجویان جدیدالورود در دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان از نظر وضعیت اضافه وزن و چاقی براساس شاخص نمایه توده بدنی مورد بررسی قرار گرفتند همچنین فشار خون سیستولیک و دیاستولیک در آنها اندازه گیری و ثبت شد و نهایتاً پس از کد گذاری وارد نرم افزار آماری SPSS شد و با استفاده از آمار توصیفی نظیر جداول فراوانی و نمودارهای توصیفی از شاخصهای دموگرافیک ارائه گردید و سپس جهت بررسی زمینه های تحقیق از آزمون های آماری مناسب استفاده شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که ۲۲/۲٪ افراد لاغر، ۶۲/۲٪ وزن نرمال، ۱۳/۵٪ اضافه وزن داشتند و ۱/۶٪ از افراد چاقی درجه یک، ۰/۳٪ چاقی درجه دو، ۰/۳٪ در محدوده چاقی درجه سه بودند. بین فشار خون سیستولیک و نمره نمایه توده بدنی افراد ارتباط آماری معنی داری وجود داشت.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان می دهد که نمایه توده بدنی (BMI) ۱۵ درصد از افراد مورد مطالعه فرا تر از وضعیت نرمال قرار دارند لذا ارتقا، آگاهی عمومی دانشجویان در زمینه تغذیه مناسب و تحرک کافی در برنامه روزانه دانشجویان همچنین مطالعات هزینه اثربخش جهت شناخت علل زمینه ای چاقی و اضافه وزن در این گروه از افراد پیشنهاد می گردد.

واژه های کلیدی:

چاقی، اضافه وزن، دانشجویان، هرمزگان

(۱) دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان : NIKA367@yahoo.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

Paper ID: 148

بررسی وضعیت آموزش تغذیه افراد دارای اضافه وزن و چاقی توسط کارشناسان تغذیه تحول سلامت در استان آذربایجان شرقی

فتح اله پورعلی^۱، آرزو اصغری^۲، حمیده کوشا^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: اضافه وزن و چاقی همراه با شیوه زندگی، افزایش شهرنشینی و فعالیت بدنی کم به عنوان عوامل موثر در بروز بیماریهای مزمن است. ناآگاهی شهروندان و رژیم غذایی نادرست از جمله علل ایجاد چاقی هستند. هدف این مطالعه بررسی وضعیت آموزش تغذیه افراد مبتلا به اضافه وزن و چاقی توسط کارشناسان تغذیه شاغل در طرح تحول سلامت در استان آذربایجان شرقی می باشد.

روش ها: این مطالعه با هدف بررسی وضعیت جلسات آموزش تغذیه برای بیماران مبتلا به اضافه وزن و چاقی در مراکز جامع سلامت استان آذربایجان شرقی در طول سالهای ۹۶ و ۹۷ پس از اجرای طرح تحول سلامت انجام شد. جلسات آموزشی برای افراد مبتلا به اضافه وزن و چاقی توسط کارشناسان تغذیه شاغل در مراکز جامع سلامت بصورت هفته ای یک جلسه برگزار گردید و تمام بیماران مبتلا به اضافه وزن و چاقی پس از مشاوره تغذیه و دریافت رژیم غذایی ملزم به شرکت در جلسات آموزشی حداقل دو بار می باشند.

یافته ها: نتایج نشان داد که در سال ۱۳۹۶ تعداد ۱۰۱۷۷ نفر افراد مبتلا به اضافه وزن و چاقی در ۱۰۵۳ جلسه آموزشی برگزار شده توسط کارشناسان تغذیه مراکز جامع سلامت شرکت نمودند و در سال ۱۳۹۷ تعداد ۲۶۴۳۰ نفر بیمار مبتلا به اضافه وزن و چاقی در ۲۰۴۰ جلسه آموزشی برگزار شده توسط کارشناسان تغذیه مراکز جامع سلامت شرکت نمودند.

نتیجه گیری: باتوجه به نقش مهم آموزش در کنترل بیماریهای مزمن از جمله چاقی، استفاده از این آموزش ها جهت دستیابی به کیفیت زندگی مطلوب توصیه می شود. اجرای برنامه های آموزشی بلندمدت تغذیه سالم و راههای پیشگیری و کنترل اضافه وزن و چاقی توسط کارشناسان تغذیه و کارکنان بهداشت بطور مرتب پیشنهاد می گردد.

واژه های کلیدی:

اضافه وزن، چاقی، آموزش، کارشناس تغذیه

(۱) بهداشت استان : poorali77@gmail.com

(۲) معاونت بهداشتی

Paper ID: 149

بررسی میزان شیوع اضافه وزن و چاقی در نوجوانان استان آذربایجان شرقی

فتح اله پورعلی^۱، آرزو اصغری^۲، حمیده کوشا^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: در حال حاضر افزایش روزافزون چاقی در نوجوانان به‌عنوان یک مشکل بهداشتی در دنیا مطرح می‌باشد. تغذیه نامناسب، کم تحرکی، چاقی در دوران نوجوانی زمینه‌ساز چاقی در بزرگسالی و عوارض مربوط به آن است؛ هدف از این مطالعه تعیین شیوع اضافه وزن و چاقی در نوجوانان ۶ تا ۱۸ ساله استان آذربایجان شرقی بود. **روش‌ها:** در این مطالعه مقطعی قد، وزن و نمایه توده بدنی تعداد ۲۸۰۲۶۰ نفر از نوجوانان استان در سامانه سیب ثبت و تجزیه و تحلیل گردید. معیارهای تعریف شده برای اضافه وزن، نمایه توده بدنی ۲۹/۹-۲۵ و برای چاقی، نمایه توده بدنی بیشتر و مساوی ۳۰ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: از تعداد کل افراد تن سنجی شده ۴۱۲۶۴ نفر دارای اضافه وزن و ۲۴۲۷۰ نفر دارای چاقی و ۶۵۵۳۴ نفر دارای اضافه وزن و چاقی بودند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد میزان شیوع اضافه وزن در بین افراد ۱۸ تا ۱۸ ساله، ۱۴/۷ درصد، شیوع چاقی در بین افراد ۸/۶ درصد و شیوع اضافه وزن و چاقی ۲۳/۴ درصد است. میزان شیوع اضافه وزن و چاقی در بین دختران ۲۲/۶ درصد و در بین پسران ۲۳/۶ درصد می‌باشد.

نتیجه‌گیری: این مطالعه خطر افزایش شیوع اضافه وزن و چاقی را در نوجوانان استان نشان می‌دهد. آموزش در مورد چاقی و عوارض آن، تشویق نوجوانان به تغییر عادات غذایی و اصلاح شیوه زندگی و افزایش فعالیت فیزیکی می‌تواند در جهت کاهش شیوع چاقی و بیماری‌های وابسته به آن مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی:

اضافه وزن، چاقی، نوجوانان

(۱) بهداشت استان : poorali77@gmail.com

(۲) معاونت بهداشتی

Paper ID: 150

بررسی اثر سن یائسگی بر روند چاقی: یک آنالیز طولی در مطالعه قند و لیپید تهران

راضیه بیدهندی^۱، فهیمه رضانی تهرانی^۲، فریدون عزیزی^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: با استفاده از روش های مبتنی بر اندازه گیری های مکرر BMI در دوران تولید مثل تا دوره یائسگی در خانمهایی شرکت کننده در که شرکت کننده در مطالعه کوهرت لیپید و گلوکز تهران، قادر خواهیم بود که روند تغییرات شاخص توده بدنی را بررسی کنیم و اثر یائسگی بر این روند را مشاهده و بررسی کنیم که آیا سن یائسگی طبیعی (ANM)، با BMI ارتباط دارد و بعد از یائسگی چطور تغییر می کند. برای تجزیه و تحلیل داده های طولی که در آن اندازه گیری های هر شخص با گذشت زمان تکرار می شود، از مدل معادله تخمین تعمیم یافته (GEE) استفاده شده است تا از طریق یک ماتریس همبستگی (matrix correlation working)، ارتباطات درون افراد را تخمین و در آنالیز لحاظ کند. در واقع، رویکرد GEE روش پیشرفته تخمین پارامترهای رگرسیون را ارائه می دهد که بر نقاط ضعف روش های کلاسیک MANOVA غلبه می کند. این روش در صورت وجود داده های ناقص که در مطالعات کوهرت معمول است و همچنین تخمین پارامترهای اصلاح شده برای مقابله با متغیر مخدوش کننده، می تواند تخمین اندازه اثر را به صورت دقیق ارائه دهد. هدف اصلی این مقاله، بررسی تأثیر سن در یائسگی طبیعی (ANM) بر روند BMI از طریق آنالیز طولی است.

روش ها: برای برآورد روند BMI و عوامل مرتبط با آن از معادله تخمین زده شده تعمیم یافته (GEE) استفاده شد. ۹۲۹ زن که در طول مطالعه در سن باروری بودند و در طول پیگیری که در مطالعه TLGS مشارکت داشتند یائسه شدند، بررسی شدند.

یافته ها: مدل GEE نشان می دهد که زنانی که دارای ANM بالاتر هستند در مقایسه با زن های با ANM پایین تر شاخص توده بدنی به میزان (-۰/۰۳) دارند که از نظر آماری معنی دار بود (p-value < ۰,۰۵). نتیجه گیری: روند BMI با ANM زنان مرتبط است. یعنی زنانی که از ANM بالاتری از میانگین ANM جمعیت برخوردارند (یعنی بالاتر از ۴۹ سال) BMI کمتری نسبت به زنانی که ANM پایین تر دارند.

واژه های کلیدی:

شاخص توده بدنی، چاقی، آنالیز طولی، سن یائسگی

(۱) مرکز تحقیقات اندوکرینولوژی تولید مثل، پژوهشکده علوم غدد و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی/گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی،

دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران: razi_bidhendi@yahoo.com

(۲) پژوهشکده علوم غدد، مرکز تحقیقات اندوکرینولوژی تولید مثل

(۳) پژوهشکده علوم غدد

Paper ID: 151

تاثیر تمرین ترکیبی (اینتروال - مقاومتی) بر درجه، ابعاد کبد و آنزیم‌های کبدی در زنان چاق یا دارای اضافه وزن مبتلا به کبد چرب

سمیه رجبی^۱، رویا عسکری^۲، امیر حسین حقیقی^۲، نسرین رضویان زاده^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: چاقی، یکی از عوامل زمینه ساز بیماری کبد چرب غیر الکلی می باشد. بنابراین ارائه راهکارهای درمانی همچون فعالیت بدنی در پیشگیری و درمان بیماری کبد چرب سودمند می باشد. هدف از تحقیق حاضر بررسی تاثیر تمرین ترکیبی (اینتروال هوازی + مقاومتی) بر درجه، ابعاد کبد و آنزیم‌های کبدی در زنان چاق یا دارای اضافه وزن مبتلا به کبد چرب می باشد. روش‌ها: ۲۲ نفر از زنان مبتلا به کبد چرب غیرالکلی (با میانگین سنی 44.14 ± 6.86 و شاخص توده بدنی 33.87 ± 6.74) به صورت تصادفی به دو گروه ۱۱ نفری (تمرین و کنترل) تقسیم شدند. گروه تمرینی به مدت ۱۲ هفته، ۳ بار در هفته، تمرین اینتروال هوازی (AIT) (۵-۲ ست ۴ دقیقه ای با شدت ۷۰ تا ۷۵٪ حداکثر ضربان قلب و ۲ دقیقه استراحت فعال) همراه با تمرین مقاومتی (۶ ایستگاه با ۸ تا ۱۲ تکرار، ۴-۲ دایره) را اجرا کردند. اندازه گیری ترکیب بدن، سونوگرافی و نمونه های خونی قبل و بعد از ۱۲ هفته تمرین انجام شد. داده ها با استفاده از آنالیز واریانس با اندازه گیری های مکرر ارزیابی شدند ($\alpha \leq 0.05$). یافته ها: نتایج آماری نشان داد ۱۲ هفته تمرین ترکیبی در مقایسه با گروه کنترل باعث کاهش معنادار ابعاد و درجه کبد شد ($P < 0.001$ و $p = 0.009$)، به ترتیب). همچنین کاهش میزان ALT در اثر تمرین ترکیبی ملاحظه شد اما از لحاظ آماری معنادار نبود ($P > 0.05$). در آنزیم AST نیز تفاوت معناداری بین گروه ها مشاهده نشد ($P > 0.05$). نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه حاضر، به نظر می رسد زنان مبتلا به کبد چرب احتمالاً بتوانند از برنامه تمرینی ترکیبی (اینتروال هوازی و تمرین مقاومتی) برای کاهش چربی کبدی مستقل از کاهش وزن استفاده کنند و از این برنامه برای بهبود بیماری کبد چرب به عنوان یک درمان غیردارویی کمکی بهره گیرند.

واژه های کلیدی:

تمرین ترکیبی، درجه کبد چرب، ابعاد کبد، آنزیم‌های کبدی، کبد چرب، چاقی

(۱) دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. rajabi_66_s@yahoo.com

(۲) گروه فیزیولوژی ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

(۳) گروه علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

Paper ID: 154

بررسی تاثیر مکمل اولئیل اتانول آمید بر وضعیت دریافت غذایی و وضعیت اشتها در افراد چاق

لاله پیاها^۱، یاسر خواجه بیشک^۲، علیرضا استادرحیمی^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: چاقی یکی از مهمترین اختلالات متابولیکی است که زمینه ساز بروز سایر بیماریهای مزمن است. امروزه استفاده از مکمل‌هایی که بتوانند در کاهش اشتها و کاهش دریافت غذایی افراد چاق موثر باشد، بیشتر رواج یافته است. هدف از تحقیق حاضر بررسی تاثیر مکمل اولئیل اتانول آمید بر وضعیت دریافت غذایی و وضعیت اشتها در افراد چاق بود.

روش‌ها: این مطالعه کارآزمایی بالینی تصادفی کنترل‌دار دوسوکور بر روی ۶۰ فرد بزرگسال چاق سالم (n=۳۰ در هر گروه) در شهر تبریز در سال ۹۶-۱۳۹۵ انجام شد. افراد پس از دارا بودن معیارهای ورود به مطالعه به صورت تصادفی به دو گروه مداخله (روزانه دو کیسول ۱۲۵ میلی‌گرمی اولئیل اتانول آمید) و کنترل (مقادیر مشابه نشاسته) تقسیم شدند. مدت زمان مداخله ۸ هفته بود. برای افراد فرم رضایت آگاهانه تکمیل شد. مطالعه دارای کد IRCT ۱۷۱۳۲۰۱۶۰۷۱۳۲۰۳۰ می‌باشد. پرسشنامه اشتها و ثبت غذایی سه روزه قبل و بعد از مکمل‌یاری تکمیل گردید. یافته‌ها: در نهایت، ۵۶ نفر [n=۲۷] گروه مداخله، [n=۲۹] گروه کنترل] طول دوره مداخله را به پایان رساندند. گرسنگی، تمایل به خوردن و تمایل به مصرف غذاهای شیرین به طور معنی‌داری کاهش و حس سیری افزایش معنی داری داشت (p<۰/۰۱). دریافت انرژی و کربوهیدرات در گروه مداخله کاهش معنی‌داری داشت (به ترتیب p=۰/۳۳۵ و p=۰/۰۴۲).

نتیجه‌گیری: شواهد قوی مبنی بر ایمن و موثر بودن این مکمل بر بهبود وضعیت میکروبیوتای روده ای، وضعیت متابولیکی، التهاب و افزایش بیان ژن‌های درگیر در سوخت و ساز در افراد چاق و نیز تعدیل دریافت غذایی و اشتها وجود دارد. از این رو استفاده از آن به عنوان مکمل کاهنده وزن و ضد چاقی پیشنهاد می‌گردد. انجام مطالعات انسانی بیشتر در این زمینه نتایج مثبت به دست آمده این مطالعه نیاز است.

واژه‌های کلیدی:

دریافت غذایی، اشتها، چاقی، میکروبیوتای روده ای، اولئیل اتانول آمید

(۱) علوم پزشکی مراغه : llllpayahoo44@gmail.com

(۲) علوم پزشکی مراغه

(۳) علوم پزشکی تبریز

Paper ID: 155

متغیرهای اجتماعی چاقی و اضافه وزن در کودکان سنین مدرسه

مهرانگیز قاسمیه^۱، جواهر یاری^۲، صبا رسولی^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: فراوانی چاقی و اضافه وزن در کودکان و روند صعودی آن در دهه های اخیر شکل نگران کننده ای به خود گرفته است. با توجه به این که چاقی در این سنین زمینه ساز چاقی در بزرگسالی و عوارض مربوط به آن است، در بررسی حاضر عوامل اجتماعی مرتبط با چاقی در کودکان دبستانی مورد مطالعه قرار گرفته تا در صورت لزوم بتوانیم مداخلات مناسب را انجام دهیم.

روش ها: این مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی مقطعی است که بر روی ۱۵۰ نفر از دانش آموزان ۷-۱۱ ساله مدارس ابتدایی در شهر تبریز با روش نمونه گیری تصادفی ساده انجام شد. جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه SPSS استاندارد و گزارش برنامه غذایی روزانه و رفتارهای مرتبط با سلامت استفاده و سپس با نرم افزار تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: نتایج نشان می دهد ۳/۲۷ درصد از گروه مطالعه چاق و یا اضافه وزن داشته و ۸ درصد کم وزن بودند. بین شاخص توده بدنی با بعد خانواده، آموزش والدین، شغل، نوع محل سکونت و درآمد، همبستگی معنی داری ($p < 0.01$)، بین مصرف صبحانه و چاقی همبستگی معکوس وجود داشت ($p < 0.01$)، وجود دارد در کودکانی که صبحانه مصرف می کردند فعالیت بدنی نسبت به آنهایی که هرگز صبحانه مصرف نمی کردند بیشتر بود.

نتیجه گیری: بیش از یک چهارم گروه مطالعه اضافه وزن و چاقی داشته که با عواملی چون رتبه تولد، بعد خانوار، آموزش و میزان تحصیلات خانوار ارتباط مستقیم دارد و تشخیص زود رس، امکان مداخله به موقع را فراهم می آورد. لذا اجرای برنامه های آموزشی و سیاست گذاری ها در راستای ارتقاء سطح آگاهی و دانش عمومی در رابطه با رفتارهای تغذیه ای صحیح، خطرات و عوامل موثر بر چاقی ضروری به نظر می رسد. همچنین طرح سیاست ها و بستر سازی مناسب در راستای افزایش سطح مشارکت همگانی در امر ورزش و فعالیت بدنی در مدارس باید اجرایی گردد.

واژه های کلیدی:

متغیرهای اجتماعی، چاقی، اضافه وزن، کودکان سنین مدرسه

(۱) دانشگاه علوم پزشکی تبریز - دانشکده پزشکی - گروه پزشکی اجتماعی : ghasemiyehm93@gmail.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی تبریز - دانشکده پزشکی - گروه پزشکی اجتماعی

(۳) دانشگاه علوم پزشکی تبریز - دانشکده داروسازی

Paper ID: 156

بررسی اثر مصرف مکمل ال کارنتین بر روی شاخص های تن سنجی در بیماران دیابتی: مقاله مروری

نظام مند و فرا تحلیل

نویسنده خدادادی^۱، شقایق نظیری منفردی^۱، نیلوفر زاهدی^۱، بهنود عباسی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: دیابت ملیتوس یکی از شایع ترین بیماری های متابولیک است. افزایش وزن و توده ی بدنی در شکل گیری و افزایش شیوع دیابت نوع یک و دو نقش مهمی ایفا را می کنند. مطالعات اخیر پیشنهاد کرده اند که چاقی بخصوص چاقی مرکزی دو ریسک فاکتور جدا و افزایش دهنده ی خطر دیابت هستند. همچنین با افزایش WHR میزان شیوع دیابت افزایش می یابد. پیشنهاد شده است که مصرف کارنتین ممکن است بتواند با تاثیر بر متابولیسم لیپید ها و قند بر کاهش وزن تاثیرگذار باشد. بعلاوه در افراد دیابتی سطوح پلاسمایی ال کارنتین پایین بوده و متابولیسم آن نرمال نیست. مطالعه مروری حاضر با هدف بررسی اثرگذاری مصرف مکمل ال-کارنتین بر بهبود شاخص های تن سنجی مانند شاخص توده بدنی، میزان چربی بدن، WHR انجام گرفت.

روش ها: مطالعه حاضر به جستجوی مقالات در پایگاه های SID, scholar Google, Pubmed, science of Web تا تاریخ ماه فوریه ی سال ۲۰۱۹ و با استفاده از کلید واژه های Carnitine Propionyl neGlyci, Carnitine, Acetylcarnitine, Mellitus Diabetes, Complications Diabetes, Obesity, Index Mass Body, Waist, Fat Body, Ratio Hip انجام گرفت. همچنین مطالعات با استفاده از جستجوی پایگاه های داده ی ناشرین Elsevier, SpringerLink تکمیل گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار RevMan ۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نهایتاً ۷ مقاله در بازه زمانی ۱۹۹۸ الی ۲۰۱۷ انتخاب شدند. تمامی مطالعات تاثیر ال-کارنتین بر روی شاخص توده ی بدنی را ارزیابی کرده بودند. ۳مقاله از ۷ مقاله WHR را بررسی و نیز ۳ مقاله مقدارچربی بدن را اندازه گرفته بودند. در تمامی مقالات همه ی پارامتر های اندازه گیری شده بعد از مکمل یاری با ال-کارنتین تغییری معنی داری نسبت به گروه دارو نما را نشان ندادند.

نتیجه گیری: با توجه به تحقیق حاضر مکمل یاری با ال-کارنتین تاثیر معنی داری در بهبود شاخص های تن سنجی ذکر شده نداشت. اگرچه این مکمل به طور گسترده برای کاهش وزن مورد استفاده قرار می گیرد اما با توجه به شواهد مورد بررسی مصرف آن تاثیر معنی داری در کاهش وزن افراد دیابتی ندارد.

واژه های کلیدی:

دیابت ملیتوس، کارنتین، چاقی، شاخص توده ی بدنی.

(۱) دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

(۲) واحد علوم و تحقیقات : abbasi.b@srbiau.ac.ir

Paper ID: 160

اثر دریافت ژل رویال بر القای ترموزنز و تولید بافت چربی قهوه ای فعال در مدل چاقی حیوانی

نعیمه مصری علمداری^۱، فرزاد شیدفر^۲، پردیس ایراندوست^۲، محمدرضا وفا^۲، ندا روشن روان^۳، فرناز فارسی^۴

خلاصه مقاله:

سابقه: چاقی از عمده ترین مشکلات بهداشتی در جهان به شمار می‌آید. راهکارهای درمان چاقی با کاهش دریافت کالری، افزایش هزینه انرژی و یا هر دو حاصل می‌شوند. محدودیت کالری دریافتی به علت کاهش همزمان بافت چربی و بافت بدون چربی سبب کاهش متابولیسم می‌شوند. بکارگیری روش‌هایی که مانع از روند کاهش متابولیسم در جریان رژیم‌های محدود از کالری شوند و حتی موجب افزایش هزینه انرژی گردند، به عنوان یک شیوه درمانی نوین در چاقی مطرح شده‌اند. به نظر می‌رسد، ژل رویال با تبدیل بافت چربی سفید به بافت چربی قهوه‌ای و همچنین افزایش فعالیت بافت چربی قهوه‌ای سبب افزایش ترموزنز شود. این مطالعه با هدف ارزیابی اثرات دریافت ژل رویال بر تغییرات ترموزنز در بافت چربی انجام گرفت.

روش‌ها: مدل چاقی با تجویز رژیم پرچرب در ۲۰ سر رت نر نژاد ویستار ایجاد شد. تاثیر رژیم محدود از کالری به تنهایی (گروه کنترل) و همچنین همراه با دریافت ژل رویال (گروه مداخله) در ۲ گروه بررسی شد. پس از ۸ هفته مداخله، بافت چربی سفید و قهوه ای جدا شده و بیان ژن‌های ۱۶PRDM، b۸BMP، UCP-۱ توسط روش PCR-time Real مورد بررسی قرار گرفت. بررسی هیستولوژیک بافت‌های چربی با رنگ آمیزی eosin-hematoxylin انجام گرفت.

یافته‌ها: پس از ۸ هفته، وزن رت‌ها در گروه مداخله (۳۷۶،۶۱±۶،۷۳g) در مقایسه با گروه کنترل (۳۹۸،۶۷±۷،۰۰g) به طور معنی داری کاهش یافت ($P < 0.05$). نتایج بررسی بیان ژن حاکی از افزایش معنی دار بیان UCP-۱، ۱۶PRDM و b۸BMP در بافت چربی قهوه ای و سفید در گروه مداخله در مقایسه با گروه کنترل بود ($P < 0.001$). نتایج هیستولوژیک نشان‌گر ظهور سلول‌های چربی قهوه ای رنگ در میان بافت چربی سفید و همچنین افزایش قهوه ای شدن و تراکم سلول‌ها در بافت چربی قهوه ای بود.

نتیجه‌گیری: ژل رویال می‌تواند نقش موثری در کاهش چاقی از طریق افزایش بیان ژن‌های کلیدی دخیل در ترموزنز نظیر UCP-۱ و همچنین ایجاد بافت چربی قهوه ای فعال ایفا نماید. بنابراین می‌توان از ژل رویال به عنوان یک استراتژی جدید در درمان چاقی جهت کاهش عوارض نامطلوب رژیم‌های محدود از کالری طولانی مدت استفاده نمود.

واژه‌های کلیدی:

چاقی، ژل رویال، ترموزنز، رژیم محدود از کالری، بافت چربی سفید، بافت چربی قهوه ای

(۱) دانشکده بهداشت-دانشگاه علوم پزشکی ایران : mesri65@gmail.com

(۲) دانشکده بهداشت-دانشگاه علوم پزشکی ایران

(۳) مرکز تحقیقات قلب و عروق، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

(۴) مرکز تحقیقات کلورکتال، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

Paper ID: 161

نقش گاما توکوتری انول در کنترل چاقی ناشی از رژیم های غذائی پرچرب: بررسی اثرات ترموژنی و تولید بافت چربی بژ (Beige)

نعیمه مصری علمداری^۱، فرزاد شیدفر^۲، پردیس ایراندوست^۲، محمدرضا وفا^۲، ندا روشن روان^۳، فرناز فارسی^۴

خلاصه مقاله:

سابقه: چاقی با تجمع اضافی چربی و ایجاد التهاب و استرس اکسیداتیو زمینه ساز بسیاری از بیماری های مزمن می باشد. باوجود آنکه محدودیت کالری دریافتی از مهم ترین راهکارهای کنترل وزن است، اما کاهش متابولیسم و بدنبال آن توقف کاهش وزن از مشکلات عمده رژیم های غذائی محدود از کالری در طولانی مدت بشمار می رود. به نظر می رسد تحریک ترموژن از طریق افزایش تولید بافت چربی بژ (Beige) و یا فعال نمودن بافت چربی قهوه ای، مشکلات ناشی از رژیم های غذائی کم کالری را مرتفع نماید. گاما توکوتری انول از فعال ترین ایزوفرم های توکوتری انول ها می باشد. مطالعات حیوانی اثرات آن را بر کاهش وزن و توده چربی گزارش نموده اند. مطالعه حاضر با هدف ارزیابی اثرات دریافت گاما توکوتری انول بر روند ترموژن و تولید بافت چربی بژ (Beige) انجام گرفت.

روش ها: اثر رژیم محدود از کالری به تنهایی (گروه کنترل) و همچنین به همراه گاما توکوتری انول (گروه مداخله) به مدت ۸ هفته، در ۲۰ سر رت چاق نژاد ویستار بررسی شد. بیان ژن های ۱۶PRDM، ۱۰bBMP، ۱-UCP توسط روش Real PCR-time در بافت چربی سفید و قهوه ای مورد ارزیابی قرار گرفت. بررسی هیستولوژیک بافت های چربی با رنگ آمیزی eosin-hematoxylin انجام گرفت.

یافته ها: پس از پایان مطالعه تغییرات وزن در گروه مداخله نسبت به ابتدای مطالعه (-۴۷,۴۵ ± ۴۳,۴۳g) و در گروه کنترل (-۴۶,۲۷ ± ۴۰,۴۰g) بود که بین دو گروه اختلاف آماری معنی داری مشاهده نشد (>۰,۰۵P). با وجود افزایش قابل توجه بیان ژن های ۱-UCP، ۱۶PRDM و bBMP در بافت چربی قهوه ای و سفید در گروه مداخله در مقایسه با گروه کنترل، به سطح معنی داری نرسید (>۰,۰۵P). همچنین تغییرات میکروسکوپی قابل توجهی در ارتباط با تبدیل بافت چربی سفید به بافت چربی بژ یا فعال شدن بافت چربی قهوه ای مشاهده نشد.

نتیجه گیری: با وجود تغییرات افزایشی در بیان ژن های کلیدی موثر در ترموژن، گاما توکوتری انول نتوانست نقش موثری در قهوه ای شدن بافت چربی سفید و افزایش ترموژن داشته باشد. مطالعات تکمیلی بیشتر با دوز تجویزی بالاتر و مدت طولانی تری نیاز است تا اثرات گاما توکوتری انول در کنترل چاقی و تنظیم ترموژن تایید یا رد گردد.

واژه های کلیدی:

چاقی، گاما توکوتری انول، ترموژن، رژیم محدود از کالری، بافت چربی

(۱) دانشکده بهداشت-دانشگاه علوم پزشکی ایران : mesri65@gmail.com

(۲) دانشکده بهداشت-دانشگاه علوم پزشکی ایران

(۳) مرکز تحقیقات قلب و عروق، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

(۴) مرکز تحقیقات کلورکتال، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

Paper ID: 164

شیوع بیماریهای مزمن در سالمندان بر اساس شاخصهای آنتروپومتریک چاقی

رضا قدیمی^۱، هاله اسماعیلی^۲، پروین سجادی^۱

خلاصه مقاله:

زمینه و هدف: شیوع اضافه وزن و چاقی به خصوص در سالمندان در حال افزایش است. تحقیقات و آمارهای مختلف نشان داده اند که چاقی، یک عامل منفی در جهت سلامتی و طول عمر افراد می باشد و با افزایش میزان برخی از بیماریها مزمن همراه است. لذا هدف از انجام این مطالعه بررسی شیوع برخی از بیماریهای مزمن در بین سالمندان مبتلا به چاقی بر اساس شاخصهای آنتروپومتریک میباشد. روش مطالعه: در این مطالعه مقطعی تعداد ۵۲۰ زن و مرد ۶۰ سال و بالاتر به روش خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. چک لیستی از وجود یا عدم وجود بیماری های مزمن پر شد. شاخصهای آنتروپومتریک طبق روش استاندارد اندازه گیری و شاخص توده بدن و نسبت دور کمر به دور باسن نیز بر اساس فرمول محاسبه گردید. داده ها توسط نرم افزار SPSS ۲۰ تجزیه و تحلیل گردید. سطح معناداری آماری آزمون نیز کمتر از ۰,۰۵ در نظر گرفته شد. یافته ها: شاخص توده بدن و اندازه دور کمر زنان بطور معنی داری بیشتر از مردان بود. همچنین شیوع بالاتر بیماریهای دیابت، فشار خون و چربی خون بالا، بیماریهای گوارشی، و اختلال عملکرد تیروئید در زنان نسبت به مردان دیده شد. به طور کلی در زنان و مردان با اضافه وزن و چاقی در هر دو شاخص اندازه دور کمر و شاخص توده بدن شیوع فشار خون و چربی خون بالا و دیابت به صورت معنی داری بالاتر بود. بالا بودن نسبت دور کمر به باسن تنها با افزایش معنی دار شیوع فشار خون همراه بود. شیوع کم خونی و اختلال عملکرد تیروئید در افراد چاق کمتر از نرمال دیده شد. بحث و نتیجه گیری: اگرچه در ایجاد بیماریهای مزمن عوامل بسیاری دخیل است اما در مطالعه حاضر میزان شیوع بیماریهای مزمن در افراد با شاخص توده بدنی و اندازه دور کمر بالا بیشتر بوده است. در این بین نسبت دور کمر به دور باسن به اندازه دو شاخص دیگر تاثیر نشان نداد و شیوع معنی داری جز در مورد فشار خون بالا مشاهده نشد.

واژه های کلیدی:

شاخص توده بدن، دور کمر، دور کمر به دور باسن، بیماریهای مزمن، سالمندان

(۱) دانشگاه علوم پزشکی بابل

(۲) دانشگاه علوم پزشکی بابل : haleh.esm@gmail.com

Paper ID: 165

رضایت از تصویر ذهنی بر اساس تفاوت‌های شاخص توده بدن در دانشجویان دختر

رضا قدیمی^۱، سوسن موعودی^۲، هاله اسماعیلی^۲، مرجان ایزدی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: مسئله تناسب اندام برای دختران و زنان به قدری مهم شده است که آنان ممکن است نسبت به چاق شدن خود حالت وسواسی پیدا کنند که ادامه چنین وسواسی میتواند به بروز نوعی از بیماری‌های روانی که همراه با محدودیت‌های شدید در رژیم غذایی، کاهش شدید وزن و ترس از افزایش وزن و چاقی است منجر شود. بنابراین، هدف این مطالعه تعیین نگرش نسبت به تصویر ذهنی از بدن و زیر مقیاس‌های آن در دانشجویان دختر بر اساس وضعیت شاخص توده بدنی میباشد.

روش‌ها: این مطالعه ی مقطعی بر روی ۲۸۸ دانشجوی دختر ۱۸-۲۵ سال از پنج دانشکده (پزشکی، دندانپزشکی، پیراپزشکی، پرستاری و مامایی) دانشگاه علوم پزشکی بابل صورت گرفته است. نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. از کلیه افراد ضمن اندازه‌گیری قد و وزن، محاسبه شاخص توده بدن، پرسشنامه استاندارد روابط چند بعدی بدن خود نیز پرسیده شد. همچنین، زیر مقیاس‌های تصویر ذهنی شامل ارزشیابی و جهت‌گیری قیافه، ارزشیابی و جهت‌گیری تناسب اندام، وزن ذهنی و رضایت بدنی بودند. در نهایت داده‌ها با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: اختلاف معنی‌داری بین دانشجویان دانشکده‌های مختلف از نظر میانگین شاخص توده بدن و نمره رضایت از تصویر بدنی دیده نشد. بر اساس شاخص توده بدن، دانشجویان با شرایط طبیعی هم در تصویر ذهنی کل بدن و هم شش زیرمقیاس آن نگرش بهتری داشتند که این اختلاف نگرش بین افراد با شاخص توده بدنی نرمال و اضافه وزن معنی‌داری بیشتر بود. بصورتیکه، نگرش منفی تری از تصویر بدن در افراد دارای اضافه وزن نسبت به چاق‌ها دیده شد. همچنین، بطور کلی اختلاف معنی‌داری بین افراد لاغر و طبیعی و نیز چاق و طبیعی در نگرش تصویر ذهنی دیده نشد.

نتیجه‌گیری: اگرچه با افزایش شاخص توده بدن میانگین رضایت از تصویر ذهنی در دانشجویان دختر کاهش یافت اما افراد چاق بر خلاف انتظار نگرش بهتری نسبت به افراد دارای اضافه وزن داشته‌اند یا بنحوی سازگاری پیدا نمودند.

واژه‌های کلیدی:

شاخص توده بدن، تصویر ذهنی از بدن، دانشجویان دختر

(۱) بابل، دانشگاه علوم پزشکی بابل، دانشکده پزشکی، گروه پزشکی اجتماعی : rezaghadimi@yahoo.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی بابل

Paper ID: 166

شیوع سندرم متابولیک و عوامل مرتبط با آن در مطالعه کوهورت فسا

فاطمه رستمیان^۱، رضا همایونفر^۲، سید رضا حجتی^۳

خلاصه مقاله:

مقدمه: سندرم متابولیک دسته‌ای از اختلالات متابولیکی شامل چاقی شکمی، دیس‌لیپیدمی، پرفشاری خون و هیپرگلیسمی است که همگی از عوامل خطر بیماری‌های قلبی-عروقی (CVD) و دیابت نوع ۲ هستند. سازوکارهای دخیل در سندرم متابولیک پیچیده می‌باشند که اهم آنها عبارت‌اند از مقاومت به انسولین، چاقی (به ویژه چاقی شکمی)، ناهنجاری‌های لیپیدی، اختلال تحمل گلوکز و پرفشاری خون.

روش‌ها: این مطالعه، مطالعه‌ای مقطعی از ۹۵۰۱ نفر افراد با بازه سنی ۳۵-۷۰ سال مورد مطالعه‌ی کوهورت فسا است. داده‌های مورد نیاز مطالعه‌ی ما که شامل: پنج معیار سندرم متابولیک (فشار خون سیستولیک و دیاستولیک-سطح HDL خون-سطح تری‌گلیسرید خون-غلظت قند خون ناشتا-دورکمر) به عنوان متغیر وابسته و سن، جنسیت، وضعیت اجتماعی اقتصادی، مصرف تنباکو و مواد مخدر و مشروبات الکلی، میزان فعالیت بدنی، نمایه توده بدنی به عنوان متغیرهای مستقل می‌باشند. تشخیص سندرم متابولیک مطابق معیارهای ATP III بود.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد $50/9 \pm 9/5$ سال بود. نسبت زنان چاق به طور معنی‌داری بیشتر از مردان بود (۹۱/۴٪ در مقابل ۳۴/۸٪، $P < 0.001$).

نتیجه‌گیری: افزایش شیوع سندرم متابولیک با افزایش سن در هر دو جنس مشاهده شد. نتایج این مطالعه نمایانگر این مطلب بود که شیوع این بیماری در زنان بیش از مردان می‌باشد که می‌تواند ناشی از شیوه‌ی زندگی کم‌تحرک‌تر در زنان و نیز چاقی شکمی باشد. در این مطالعه افراد مبتلا به سندرم متابولیک دارای شاخص توده‌ی بدنی بالاتری در هر دو جنس بودند. این مطالعه نشان داد شیوع سندرم متابولیک در افرادی که میزان فعالیت بدنی کمتری دارند در مردان و کل جمعیت بیشتر است.

واژه‌های کلیدی:

سندرم متابولیک، چاقی، دیابت، مقاومت به انسولین

(۱) کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

(۲) مرکز تحقیقات بیماری‌های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران : r_homayounfar@yahoo.com

(۳) کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

Paper ID: 167

مقایسه فرمول‌های محاسبه LDL برای پیش‌بینی خطر ابتلا به سندرم متابولیک

سید رضا حجتی^۱، رضا همایونفر^۲، بابک پزشکی^۳، مجتبی گل رازقی^۴، فاطمه رستمیان^۴

خلاصه مقاله:

سابقه: ارتباط بین سطح کلسترول سرم و ریسک بروز آترواسکلروز و ابتلا به سندرم متابولیک در مطالعات اخیر به خوبی بیان شده است. لیپوپروتئین با چگالی کم (LDL) یک مارکر قابل اعتماد برای پیش‌بینی و تشخیص بیماری‌های قلبی عروقی است. اندازه‌گیری لیپوپروتئین با چگالی کم در سرم روش‌های متفاوتی دارد که به طور کلی به دو گروه مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می‌شوند. استفاده از روش‌های غیرمستقیم یا محاسباتی مانند فرمول فریدوالد یا فرمول ایرانی، علی‌الخصوص در کشورهای در حال توسعه بسیار متداول هستند. مطالعه حاضر با هدف مقایسه قدرت فرمول‌های موجود در پیش‌بینی و تعیین رخداد سندرم متابولیک پایه ریزی شده است.

روش‌ها: در این مطالعه مقطعی، جمعیت هدف افراد حاضر در مطالعه کوهورت پرشین فسا بودند. بر اساس نظر مشاور آماری تعداد ۹۵۳۰ نفر وارد مطالعه شدند و تست‌های آزمایشگاهی برای همه افراد انجام شد. همچنین LDL سرم آن‌ها از طریق فرمول‌های موجود محاسبه شد. سپس، نتایج سطح LDL سرم که با فرمول‌های مختلف اندازه‌گیری شده بود، با وضعیت سندرم متابولیک و تست‌های آزمایشگاهی افراد مقایسه شد.

یافته‌ها: فرمول ایرانی دارای بیشترین سطح زیر نمودار، حساسیت ۷۳ درصد، اختصاصیت ۷۷ درصد و بیشترین ارزش اخباری مثبت و منفی در مقایسه با سایر فرمول‌ها است. در فرمول فریدوالد، برای مثال، حساسیت و اختصاصیت به ترتیب برابر ۲۸ درصد و ۸۰ درصد است.

نتیجه‌گیری: فرمول ایرانی محاسبه LDL سرم به دلیل ویژگی‌های خاص دارای بیشترین دقت و کاربرد جهت پیش‌بینی و سنجش سندرم متابولیک در جمعیت ایرانی است. نیاز است برای هر جمعیت و نیز بهتر است برای هر جنسیت با مطالعات کافی فرمولی جدید تعبیه شود تا کمترین میزان خطا و بیشترین دقت و عملکرد به دست آید.

واژه‌های کلیدی:

کلسترول، ال دی ال، لیپوپروتئین، سندرم متابولیک، فریدوالد

(۱) کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

(۲) مرکز تحقیقات بیماری‌های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران : r_homayounfar@yahoo.com

(۳) مرکز تحقیقات بیماری‌های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

(۴) کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

Paper ID: 168

مقایسه اثرات قرص‌های پیشگیری از بارداری حاوی سیپروترون استات و ترکیبات حاوی دروسپیرنون بر پیامدهای آنتروپومتریک در بیماران مبتلا به سندرم تخمدان پلی‌کیستیک

مینا امیری^۱، فهیمه رضانی^۲، فاطمه ناهیدی^۳، راضیه بیدهدنی یارندی^۴

خلاصه مقاله:

سابقه: سندرم تخمدان پلی‌کیستیک یکی از شایع‌ترین اختلالات اندوکراین و متابولیک می‌باشد که با کاهش یا عدم تخمک‌گذاری مزمن و هیپرآندروژنیسم مشخص می‌شود. این سندرم همچنین با افزایش ریسک اختلالات متابولیک به ویژه چاقی و مقاومت به انسولین همراه می‌باشد که ریسک دیابت و بیماری قلبی و عروقی را افزایش می‌دهد. قرص‌های خوراکی پیشگیری از بارداری به طور رایج به عنوان خط اول درمان دارویی برای درمان دراز مدت اختلالات قاعدگی و علائم هیپرآندروژنیسم در بیماران مبتلا به سندرم تخمدان پلی‌کیستیک که تمایل به بارداری ندارند، توصیه می‌گردند. این مطالعه با هدف مقایسه اثرات قرص‌های پیشگیری از بارداری خوراکی حاوی سیپروترون استات و ترکیبات حاوی دروسپیرنون بر پارامترهای آنتروپومتریک در بیماران مبتلا به سندرم تخمدان پلی‌کیستیک انجام شده است.

روش‌ها: در این کارآزمایی بالینی تصادفی، ما اثرات قرص‌های خوراکی پیشگیری از بارداری حاوی سیپروترون استات و ترکیبات حاوی دروسپیرنون را بر روی پارامترهای آنتروپومتریک ۲۱۱ زن مبتلا به سندرم تخمدان پلی‌کیستیک مقایسه نمودیم. همه بیماران در سه ویزیت پایه، ماه سوم و ماه ششم پس از مداخله از نظر پیامدهای آنتروپومتریک بررسی شدند.

یافته‌ها: این مطالعه نشان داد که پس از سه تا شش ماه مداخله، تفاوت‌های معنی‌داری بین دو گروه در هیچ یک از پارامترهای آنتروپومتریک شامل نمایه توده بدنی، دور کمر و نسبت دور کمر به دور باسن وجود نداشت.

نتیجه‌گیری: مطالعه ما ثابت کرد که در بیماران مبتلا به سندرم تخمدان پلی‌کیستیک، قرص‌های خوراکی پیشگیری از بارداری حاوی پروژستین‌های مختلف اثرات یکسانی بر پارامترهای آنتروپومتریک دارند.

واژه‌های کلیدی:

سندرم تخمدان پلی‌کیستیک، قرص‌های خوراکی پیشگیری از بارداری، چاقی

(۱) پژوهشکده غدد درون‌ریز و متابولیسم شهید بهشتی : mina_amiri_p@yahoo.com

(۲) پژوهشکده غدد درون‌ریز و متابولیسم شهید بهشتی

(۳) دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی

(۴) پژوهشکده غدد شهید بهشتی

Paper ID: 169

بررسی سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت و عوامل پیشگویی کننده آن بر اساس الگوی ارتقاء سلامت پندر در دانش‌آموزان دارای اضافه‌وزن و چاقی

مهنوش رئیسی^۱، زینب دهجان^۲، مرضیه محمودی^۲، سید همام الدین جوادزاده^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: یکی از مشکلات بسیار جدی در سلامت نوجوانان، چاقی و اضافه‌وزن است. رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت بعنوان مهمترین ارکان تشکیل دهنده سبک زندگی سالم که می‌تواند بر پیشگیری و کنترل معضل چاقی نقش ارزنده ای ایفا نماید، تحت تاثیر تعامل پیچیده ای از بسیاری عوامل قرار می‌گیرد که شناخت آنها در استفاده از بهترین روشها برای تاثیرگذاری بر آنها موثر است. از آنجا که نظریه های علوم رفتاری برای شناسایی مهمترین تعیین کننده های رفتار و طراحی مداخلات مبتنی بر جمعیت، بسیار مفیدند، لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین پیشگویی کننده های سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت بر اساس الگوی ارتقاء سلامت پندر در دانش‌آموزان مقطع متوسطه دارای اضافه‌وزن و چاقی، صورت پذیرفت.

روش‌ها: مطالعه حاضر یک پژوهش توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی است که بر روی ۱۸۰ دانش‌آموز مقطع متوسطه شهر دیر در استان بوشهر انجام گرفت. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه های جمعیت شناختی، سازه‌های ارتقاء سلامت پندر و رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت استفاده شد. بعد از جمع‌آوری داده ها، اطلاعات توسط نرم افزار SPSS ویرایش ۲۲ و آزمونهای ضریب همبستگی پیرسون و نیز مدل رگرسیون خطی چندگانه تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: میانگین نمره رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در دانش‌آموزان دارای اضافه وزن و چاقی 136.67 ± 79.27 از ۲۰۸ نمره بود. ضریب همبستگی بین نمره کل رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت با همه سازه‌های الگوی ارتقاء سلامت پندر مشتمل بر خودکارآمدی، حمایت اجتماعی، منافع و موانع درک شده معنادار بود ($P < 0.001$). بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون، سازه‌های پیشگویی کننده رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در دانش‌آموزان دارای اضافه‌وزن و چاقی سازه‌های موانع درک شده ($P = 0.015$)، خودکارآمدی درک شده ($P = 0.030$) و حمایت اجتماعی درک شده ($P = 0.044$) بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه در دانش‌آموزان با اضافه‌وزن و چاقی سازه‌های موانع درک شده، حمایت اجتماعی درک شده و خودکارآمدی درک شده مهمترین پیشگویی کننده های رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت بودند، لذا توجه به این عوامل در طراحی مداخلات آموزشی جهت بهبود سبک زندگی این افراد توصیه می‌گردد.

واژه های کلیدی:

سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت، الگوی ارتقاء سلامت، چاقی، اضافه وزن، دانش‌آموزان.

(۱) دانشگاه علوم پزشکی بوشهر : reisi_mr@yahoo.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

Paper ID: 170

الگوی غذایی و خطر مقاومت به انسولین

سید رضا حجتی^۱، رضا همایونفر^۲، سپیده تهمتن^۳، فاطمه رستمیان^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: افزایش مقاومت به انسولین عامل مهمی برای ایجاد بیماری‌ها و اختلالات مختلف از جمله دیابت نوع ۲ است. الگوی غذایی می‌تواند عامل مهمی در ایجاد مقاومت به انسولین باشد. پژوهش‌های پیشین نشان داده است که افراد با کیفیت رژیم غذایی بهتر شانس کمتری برای ابتلا به مقاومت به انسولین دارند. یافتن ارتباط بین مواد مغذی و الگوی غذایی با مقاومت به انسولین برای جلوگیری از ابتلا به دیابت و همچنین درمان آن بسیار موثر است. **روش‌ها:** در یک مطالعه مقطعی، ۱۵۰۰ نفر از بیماران مراجعه کننده به یک کلینیک تغذیه در شهر تهران به صورت تصادفی انتخاب شدند و شاخص‌های جمعیت شناختی شامل جنس، سن و وضعیت یائسگی، شاخص‌های آنترپومتریک شامل وزن و قد، همچنین متغیرهای مقاومت به انسولین از جمله آزمایشات قندخون ناشتا، انسولین ناشتا، قند ۲ ساعته بعد از غذا و انسولین ۲ ساعته ثبت شد و پرسشنامه‌های الگوی غذایی برای افراد تکمیل گردید. عادات غذایی افراد تحت مطالعه با استفاده از تحلیل عاملی به صورت 'الگوی غذایی سالم' و 'الگوی غذایی ناسالم' تقسیم‌بندی شد. شاخص IR-HOMA که نشانگر مقاومت به انسولین است نیز برای افراد محاسبه شد. تجزیه و تحلیل یک بار با استفاده از داده‌های خام و سپس با تعدیل برای سن، جنسیت، یائسگی، BMI، فعالیت فیزیکی و انرژی انجام شد.

یافته‌ها: پس از تعدیل برای سن، جنس و BMI و با روش رگرسیون خطی، نشان داده شد که الگوی غذایی سالم با fast insulin، انسولین ۲ ساعته، FBS و شاخص IR-HOMA رابطه معکوس معنی داری دارد ($P < 0.05$). همچنین الگوی غذایی ناسالم با insulin fast، انسولین ۲ ساعته و FBS رابطه مستقیم و معنی داری نشان داد ($P < 0.05$). هیچ کدام از الگوهای غذایی سالم و ناسالم ارتباط معنی داری با گلوکز ۲ ساعته نشان ندادند؛ برخلاف آنها سن، جنس، یائسگی، BMI و فعالیت فیزیکی ارتباط معناداری با گلوکز ۲ ساعته نشان دادند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که FBS با جنس، فعالیت فیزیکی و الگوی غذایی سالم رابطه معکوس معنادار دارد. علاوه بر این FBS با سن، یائسگی، BMI، انرژی و الگوی غذایی ناسالم رابطه مستقیم معنادار دارد.

نتیجه‌گیری: از یافته‌ها نتیجه‌گیری می‌شود که الگوهای سالم و ناسالم هر دو در ایجاد مقاومت به انسولین نقش معنی‌دار دارند. الگوی غذایی سالم و الگوی غذایی ناسالم به ترتیب تاثیرات مثبت و منفی در شاخص‌های انسولین سریع، انسولین ۲ ساعته و FBS دارند. الگوی غذایی سالم بر شاخص IR-HOMA نیز تاثیر گذار بود. الگوهای غذایی سالم و ناسالم تاثیر بر قند ۲ ساعته نداشتند.

واژه‌های کلیدی: مقاومت به انسولین، الگوی غذایی، تغذیه، دیابت

(۱) کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران : hojatereza@yahoo.com

(۲) مرکز تحقیقات بیماری‌های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

(۳) کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

Paper ID: 171

بررسی اثر ژل رویال در درمان چاقی از طریق تبدیل بافت چربی سفید به قهوه‌ای و فعالسازی بافت چربی قهوه‌ای

پرديس ايراندوست^۱، محمد رضا وفا^۲، نعيمة مصري علمداری^۲، آتوسا سعید پور^۳، فرزاد شیدفر^۲، ندا روشن روان^۴،
فرناز فارسی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: چاقی شرایط التهابی مزمنی است که پیش آگهی بسیاری از بیماری‌ها می باشد. کنترل چاقی به یک مشکل جهانی تبدیل شده است. یکی از راه‌هایی که امروزه برای کنترل اضافه وزن و چاقی مورد توجه قرار گرفته است، افزایش ترموژنز از طریق تبدیل بافت چربی سفید به فنوتیپ مشابه بافت چربی قهوه‌ای (بافت چربی بژ) و یا افزایش فعالیت اکسیداتیوی بافت چربی قهوه‌ای می باشد. امروزه برخی مواد و اجزای غذایی با توجه به تاثیراتشان بر مکانیسم‌های دخیل در روند قهوه‌ای شدن بافت چربی سفید و افزایش ترموژنز مورد توجه اند. از این میان می توان به ژل رویال اشاره کرد. در این مطالعه، ما به بررسی تاثیر ژل رویال در افزایش ترموژنز پرداختیم و اثرات آن را با رژیم محدود از کالری مقایسه کردیم.

روش‌ها: ۲۰ سر رت نر چاق نژاد ویستار، به صورت تصادفی به دو گروه ۱. مصرف کننده ژل رویال به همراه رژیم کم کالری ۲. رژیم کم کالری (به عنوان گروه کنترل) تقسیم شدند. پس از ۸ هفته مداخله، بافت چربی سفید و قهوه‌ای دو گروه با استفاده از رنگ آمیزی eosin-hematoxylin مقایسه شده، همچنین اثر ژل رویال بر بیان ژن های UCP ۱ و PGC-۱α از طریق PCR Time-Real بررسی گردید.

یافته‌ها: ژل رویال منجر به کاهش وزن بیشتری نسبت به گروه کنترل گردید ($p=0.032$). همچنین بیان ژن UCP ۱ در هر دو بافت چربی سفید و قهوه‌ای به صورت چشمگیری بیشتر از گروه کنترل بود ($p<0.001$). ژل رویال بیان ژن PGC-۱α را در هر دو بافت نسبت به گروه کنترل افزایش داد ($p<0.05$). همچنین وجود سلول های چربی قهوه‌ای در بافت چربی سفید و متراکم و قهوه‌ای تر شدن بافت چربی قهوه‌ای در گروه ژل رویال، داده‌های مربوط به بیان ژن را تایید کرد.

نتیجه گیری: ژل رویال منجر به افزایش بیان ژن‌های موثر در ترموژنز و تشکیل بافت چربی بژ و فعالسازی بافت چربی قهوه‌ای در رت‌های چاق گردید. مصرف آن به همراه رژیم کم کالری می تواند اثرات رژیم را برای کاهش وزن بیشتر و مقابله با چاقی افزایش دهد.

واژه‌های کلیدی:

چاقی، ترموژنز، چربی سفید، چربی قهوه‌ای، ژل رویال

۱) کمیته تحقیقات دانشجویی گروه تغذیه دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران: pardis_irandoost@yahoo.com

۲) دانشگاه علوم پزشکی ایران

۳) دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۴) مرکز تحقیقات قلب دانشگاه علوم پزشکی تبریز

Paper ID: 172

بررسی اثر مصرف روغن هسته انگور در بهبود پروفایل لیپیدی در زنان مبتلا به اضافه وزن و چاق

پردیس ایراندوست^۱، مهرانگیز ابراهیمی ممقانی^۲، سمیرا پورمرادیان^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: روند افزایش اضافه وزن و چاقی در بسیاری از مناطق جهان غیر قابل کنترل می باشد. چاقی با تغییر شرایط التهابی و الگوی لیپیدی منجر به بیماری های متعددی مانند بیماری های قلبی-عروقی می گردد. نوع روغن مصرفی در رژیم روزانه، نقش تعیین کننده ای در پیشگیری از مشکلات متعاقب چاقی دارد. بدین منظور، در مطالعه حاضر به بررسی اثر روغن هسته انگور بر پروفایل لیپیدی افراد چاق در مقایسه با روغن آفتابگردان به عنوان روغن رایج مصرفی در ایران پرداختیم.

روش ها: مطالعه حاضر به صورت کارآزمایی بالینی تصادفی بر روی ۴۴ زن دارای اضافه وزن یا چاق انجام گرفت. شرکت کنندگان تحت رژیم کم کالری با محدودیت کالری به میزان ۵۰۰ کیلوکالری کمتر از نیاز روزانه قرار گرفته و به صورت تصادفی به دو گروه مصرف کننده روغن هسته انگور و روغن آفتابگردان تقسیم شدند. پروفایل لیپیدی سرم در حالت ناشتا در ابتدا و انتهای مداخله اندازه گیری شد. اطلاعات دریافت از طریق سه پرسشنامه ۲۴ساعت یادآمد غذایی جمع آوری گردید.

یافته ها: دریافت غذایی در انتهای مداخله، بین دو گروه معنی دار نبود. پروفایل لیپیدی در هر دو گروه، نسبت به ابتدای مداخله، بهبود یافت. C-LDL در گروه روغن هسته انگور کاهش معنی داری داشت (۲۵٫۹ ± ۶٫۶ در مقایسه با ۸٫۶۳ ± ۶٫۸۶ dl/mg). همچنین روغن هسته انگور منجر به افزایش معنی دار C-HDL نسبت به روغن آفتابگردان شد (۲٫۵۶ ± ۵٫۳۵ در مقایسه با ۱٫۷۳ ± ۱٫۱۴ dl/mg). تغییرات برای کلسترول تام و تری گلیسرید سرم بین دو گروه معنی دار نبود.

نتیجه گیری: مصرف روغن هسته انگور به جای روغن آفتابگردان در رژیم غذایی روزانه، منجر به بهبود پروفایل لیپیدی در افراد چاق گردید و برای کاهش عوارض چاقی توصیه می گردد.

واژه های کلیدی:

چاقی، پروفایل لیپیدی، روغن هسته انگور، روغن آفتابگردان

(۱) کمیته تحقیقات دانشجویی گروه تغذیه دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران : pardis_irandoost@yahoo.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی تبریز

(۳) دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

Paper ID: 175

ارتباط بین تحرک با اضافه وزن و چاقی در دانش آوزان ابتدایی

جواهر یاری^۱، مهرانگیز قاسمیه^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: چاقی یک بیماری پیچیده، با ابعاد جدی اجتماعی، روانی است چاقی کودکان یکی از جدیدترین چالش‌های سلامت عمومی قرن می‌باشد. این مسأله یک معضل جهانی بوده و بیشتر کشورها، اعم از کشورهای با درآمد کم، با درآمد متوسط، توسعه یافته و در حال توسعه، به ویژه مناطق شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چاقی دوران کودکی زمینه ساز دیابت نوع ۲، بیماریهای قلبی عروقی، سرطان می‌باشد عوارض روحی روانی چاقی عواقب نامطلوبی نظیر کمخوابی، نداشتن اعتماد بنفس، اضطراب افسردگی را در بزرگسالی بدن‌بال دارد. بنابراین هدف از مطالعه، بررسی رابطه میزان تحرک و رفتارهای تغذیه ای در دانش آموزان ابتدایی تبریز و اجرای مداخلات لازم می‌باشد.

روش‌ها: این مطالعه توصیفی تحلیلی مقطعی بر روی ۱۵۰ نفر از دانش آموزان مدارس ابتدایی ۷-۱۱ ساله شهر تبریز با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده انجام شد سطح فعالیت های فیزیکی و رفتارهای تغذیه ای با پرسشنامه استاندارد شده بررسی و داده های مربوط به سن، وزن، قد، شیوع اضافه وزن و چاقی بر اساس درصد ۸۵ و ۹۵ برای سن، جنس تعیین و با نرم افزار اسپاس اسپاس تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: شیوع اضافه وزن، چاقی، لاغر، نرمال بترتیب ۱۸٪، ۹/۳٪ و ۶۴/۶٪ بود که ارتباط معکوس بین تحرک و شاخص توده بدنی، سطح تحصیلات والدین و رفتارهای کم تحرکی نظیر تماشای تلویزیون، بازیهای کامپیوتری مشاهده شد. در بین وعده های اصلی، صبحانه کمترین مصرف و میان وعده عصر و شام اکثرا فست فود بود. دفعات مصرف گروه شیر، سبزی در کمترین میزان و بالاترین مصرف مربوط به بستنی، غذاهای فراوری شده و چیپس بود.

نتیجه گیری: نتایج نشانگر شیوع بالای اضافه وزن، چاقی در دانش آموزان ابتدایی تبریز می‌باشد لذا پیشنهاد می‌گردد آموزش و پرورش برای کنترل چاقی دانش آموزان تخصصی کردن ورزش دانش آموزی و افزایش ساعات درس تربیت بدنی را مد نظر داشته تا ضمن افزایش فعالیت بدنی، روند چاقی آنان کنترل نموده و همچنین مصرف فست فودها برای دانش آموزان کاهش و مصرف شیر، میوه، سبزیجات افزایش یابد.

واژه های کلیدی:

کلید واژه تحرک، اضافه وزن، چاقی، دانش آموزان ابتدایی

(۱) دانشگاه علوم پزشکی تبریز - دانشکده پزشکی - گروه پزشکی اجتماعی : j.yari94@gmail.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی تبریز - دانشکده پزشکی - گروه پزشکی اجتماعی

Paper ID: 177

بررسی ارتباط کیفیت زندگی با شاخص توده بدنی در نوجوانان مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک

مرضیه ساعی قره‌ناز^۱، فهیمه رضوانی تهرانی^۲، گیتی ازگلی^۳

خلاصه مقاله:

بررسی ارتباط کیفیت زندگی با شاخص توده بدنی در نوجوانان مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک مقدمه: سندرم تخمدان پلی کیستیک یکی از اختلالات غدد درون ریز و تولیدمثل شایع در زنان سنین باروری می باشد. نوجوانی یکی از دوره های بحرانی زندگی می باشد که بروز این سندرم در این دوران میتواند ابعاد مختلف زندگی نوجوانان را تحت تاثیر قرار دهد. مواد و روش کار: این مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۸ در نوجوانان ۱۳ تا ۱۹ سال مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک مراجعه کننده به کلینیک های خصوصی درمانی شهر کرج و تهران انجام شد. در این مطالعه تعداد ۹۰ نفر از نوجوانان دختر مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک براساس معیار روتردام وارد مطالعه شدند. رضایت نامه آگانه از نوجوانان و والدین آن ها اخذ شد. ابزار های مطالعه شامل ابزار کیفیت زندگی عمومی و چک لیست اطلاعات دموگرافیک بود. جهت آنالیز داده ها از نرم افزار SPSS ویرایش ۲۲ استفاده شد. سطح معناداری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. یافته ها: در این مطالعه تعداد ۹۰ نوجوان دختر مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک شرکت کردند. میانگین سنی شرکت کنندگان $16/4 \pm 1/08$ سال و میانگین سن منارک $12/57 \pm 1/3$ سال و میانگین وزن $64 \pm 13/25$ کیلوگرم و میانگین شاخص توده بدنی $23/62 \pm 4/2$ کیلوگرم بر مترمربع بودند. نتایج همبستگی نشان داد که همبستگی معناداری بین نمره کیفیت زندگی و شاخص توده بدنی در نوجوانان مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک وجود نداشت ($p > 0.05$). نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که شاخص توده بدنی و نمره کل کیفیت زندگی نوجوانان مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک همبستگی معناداری نداشتند. توصیه میشود مطالعات بیشتری در این زمینه انجام شود.

واژه های کلیدی:

سندرم تخمدان پلی کیستیک، نوجوان، کیفیت زندگی، شاخص توده بدنی

(۱) دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی : saeigarenaz@gmail.com

(۲) پژوهشکده غدد درون ریز و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

(۳) دانشکده پرستاری و مامایی

Paper ID: 179

مروری بر مراقبت‌های تغذیه‌ای کودکان زیر ۶ سال برای پیشگیری از چاقی از دیدگاه ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی

ژیلا گنجی^۱

خلاصه مقاله:

زمینه و هدف: با توجه به روند رو به افزایش چاقی کودکان و نقش تغذیه در چاقی کودکان، این مطالعه با هدف مروری بر مراقبت‌های تغذیه‌ای کودکان زیر ۶ سال برای پیشگیری از چاقی از دیدگاه ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی انجام شد. **روش مطالعه:** این مطالعه به روش مروری نقلی بوده است و جهت انجام آن، کلید واژه‌ها بر اساس MESH تعیین شد و جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی، WHO, SID, Google Scholar, PubMed, Science Direct با استفاده از کلمات کلیدی کودکان زیر ۶ سال، مراقبت تغذیه‌ای، ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی، تغذیه سالم، چاقی و پیشگیری از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ صورت گرفت.

یافته‌ها: طبق یافته‌های مطالعه حاضر، مراقبت‌های تغذیه‌ای کودکان زیر ۶ سال برای پیشگیری از چاقی از دیدگاه ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی در ۸ طبقه قرار داده شد. طبقه اول: ادغام برنامه پیشگیری و کنترل اضافه وزن و چاقی کودکان زیر ۶ سال در برنامه بازنگری شده مراقبت‌های ادغام یافته کودک سالم، طبقه دوم: تعیین وضعیت اضافه وزن و چاقی کودک بر اساس شاخص وزن برای قد (کودکان در معرض خطر اضافه وزن، کودک دارای اضافه وزن و کودک چاق) بر اساس بوکلت کودک سالم، طبقه سوم: آموزش، مشاوره و اصلاح الگوی غذایی توسط بهورز و مراقب سلامت برای کودکان در معرض اضافه وزن بر اساس راهنمای مشاوره برنامه کودک سالم، طبقه چهارم: ارجاع کودکان دارای اضافه وزن و چاق به پزشک، طبقه پنجم: دستور انجام معاینات بالینی و آزمایشات لازم توسط پزشک، طبقه ششم: ارجاع کودکان دارای اضافه وزن و چاق به کارشناس تغذیه از طریق پزشک، طبقه هفتم: مشاوره تغذیه، انجام ۲۴ ساعت یاد آمد و اصلاح الگوی غذایی کودک توسط کارشناس تغذیه و طبقه هشتم: پیگیری و تعیین شاخص وزن برای قد کودک بر اساس برنامه کودک سالم.

بحث و نتیجه‌گیری: ارائه‌کنندگان خدمات بهداشتی، برای ارائه مراقبت‌های تغذیه‌ای جهت پیشگیری از چاقی کودکان زیر ۶ سال، از طریق آموزش و آگاه کردن والدین بخصوص مادران، نقش مهمی در ایجاد محیطی سالم، انتخاب رژیم غذایی سالم، مقرون به صرفه و در دسترس ایفا می‌کنند.

کلمات کلیدی: کودکان زیر ۶ سال، مراقبت تغذیه‌ای، ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی، تغذیه سالم، چاقی، پیشگیری

(۱) دانشگاه علوم پزشکی مازندران

Paper ID: 182

تاثیر مصرف فلفل قرمز بر متابولیسم پایه در افراد سالم، یک مطالعه مرور سیستماتیک و متا آنالیز

پردیس ایراندوست^۱، محمد رضا وفا^۲، ندا لطفی یقین^۳، نازلی نمازی^۴، نعیمه مصری علمداری^۲، فرناز فارسی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: امروزه غذاهای فراسودمند برای کنترل چاقی بسیار مورد توجه می باشند. فلفل قرمز به دلیل دارا بودن Capsinoid و Capsaicinoid در افزایش ترموژن دارای اهمیت می باشد. با توجه به نتایج ضد و نقیض در مطالعات انجام گرفته در این زمینه، مطالعه سیستماتیکی برای بررسی اثر Capsinoid و Capsaicinoid بر متابولیسم پایه (RMR) طراحی گردید.

روش‌ها: سرچ الکترونیکی ما بین سال‌های ۱۹۹۰ الی ۲۰۱۷ در دیتابیس‌های PubMed، Sciences of Web، Cochrane، Scopus و EMBASE صورت گرفت. مطالعات کارآزمایی بالینی انسانی که به مقایسه گروه مداخله با گروه کنترل پرداخته بودند معیار ورود به متا آنالیز را داشتند. برای تعیین WMD، از مدل effect-random استفاده گردید.

یافته‌ها: از بین ۳۰۴۹ مورد، متا آنالیز بر روی ۱۰ مطالعه انجام گرفت. نتایج حاصل از مطالعات فوق با پلاسبو مقایسه گردید. RMR به صورت معنی داری به میزان ۳۴ day/kcal متعاقب مصرف فلفل قرمز افزایش یافته و هتروژنیته مطالعات معنی دار نبود (WMD: ۳۳,۹۹ day/kcal، CI: ۱۵,۹۵، ۵۲,۰۳؛ I²: ۲۱,۰٪، P=۰,۹۴). در بررسی ساب گروهی، افزایش RMR در مداخله به شکل کپسول، متعاقب مصرف Capsinoid و در دوره زمانی طولانی تر بیشتر بود.

نتیجه گیری: بهبود نسبی در RMR متعاقب مصرف فلفل قرمز مشاهده گردید. مصرف روزانه فلفل قرمز در کنار رژیم کم کالری می تواند منجر به کاهش تدریجی وزن شود و در پیشگیری از ابتلا به چاقی موثر باشد. کارآزمایی های بالینی با کیفیت بالاتر در این زمینه توصیه می گردند.

واژه های کلیدی:

کلامات کلیدی چاقی، متابولیسم پایه، فلفل قرمز، متاآنالیز

(۱) کمیته تحقیقات دانشجویی گروه تغذیه دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران: pardis_irandoost@yahoo.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی ایران

(۳) دانشگاه علوم پزشکی تبریز

(۴) دانشگاه علوم پزشکی تهران

Paper ID: 184

بررسی شاخصهای تغذیه ای کودکان حاضر در برنامه

آزاد صفائیان^۱

خلاصه مقاله:

سابقه: مقدمه: یکی از اجزاء چرخه سوء تغذیه، فقر میباشد، لذا با همکاری اداره بهداشتی شهرستان در مهد کودکهای روستائی تحت پوشش، یک وعده غذای گرم، ۵ روز هفته و ۴ ماه در سال ۹۷ به صورت رایگان توزیع شد. روش‌ها: مطالعه به روش توصیفی - مقطعی انجام گرفت. پرسشنامه طراحی و تعدادی پرسشگر آموزش دیده به تمامی ۶ مهد روستائی تحت پوشش ارسال شده و پایشها را طی ۲ مرحله انجام داده اند.

یافته‌ها: از تعداد ۲۴۹ کودکی که در هر دو مرحله حضور داشته اند: در مرحله اول: $HAZ \text{ } \pounds -2 = 4,7\%$ دارای کوتاه قدی $WAZ \text{ } \pounds -2 = 5,1\%$ دارای کم وزنی $WHZ \text{ } \pounds -2 = 4,2\%$ دارای لاغری و در مرحله دوم: $HAZ \text{ } \pounds -2 = 4\%$ دارای کوتاه قدی $WAZ \text{ } \pounds -2 = 3,8\%$ دارای کم وزنی $WHZ \text{ } \pounds -2 = 2,3\%$ دارای لاغری

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصله از این بررسی: تا بهبود شاخص‌ها میتواند نشاندهنده این باشد که: کودکان در محیط‌هایی که با گروه همسالان خود هستند، میل بیشتری به مصرف غذا دارند. ادامه این برنامه میتواند در کاهش سوء تغذیه در سطح جامعه مؤثر باشد

واژه های کلیدی:

مهد روستا ، کم وزنی ، لاغری ، کوتاه قدی ، کودک زیر ۶ سال

(۱) خراسان رضوی - مشهد - شبکه بهداشت و درمان شهرستان طرقبه شاندیز : safaeiana1@mums.ac.ir

Paper ID: 185

شیوع نارضایتی از تصویر بدنی در زنان چاق مراجعه کننده به کلینیک تغذیه

فاطمه قنادی اصل^۱، ندا حسینی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: نارضایتی از تصویر بدنی تاثیرات جبران ناپذیری در افراد داشته و همراه با اختلالات خوردن و علایم افسردگی می‌باشد. در مطالعه حاضر به بررسی شیوع نارضایتی از قسمت‌های مختلف در زنان چاق مراجعه کننده به کلینیک تغذیه در شهر اردبیل پرداخته ایم.

روش‌ها: در این مطالعه مقطعی، اطلاعات تن‌سنجی و نارضایتی از تصویر بدنی در یک نمونه‌گیری تصادفی از ۴۵ زن چاق مراجعه کننده به کلینیک تغذیه در اردبیل جمع‌آوری گردید. نارضایتی از تصویر بدنی با استفاده از پرسشنامه چند بعدی نگرش فرد در مورد تصویر بدنی خود اندازه‌گیری شد و پاسخ‌ها در قالب لیکرت ۵ گویه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) جمع‌آوری گردید.

یافته‌ها: میانگین سن، وزن و نمایه توده بدنی شرکت کنندگان در مطالعه به ترتیب $29/8 \pm 8/3$ (سال)، $88/5 \pm 11/5$ (کیلوگرم) و $34/0 \pm 3/7$ (کیلوگرم بر متر مربع) بود. چاقی درجه یک، دو، سه و چاقی شدید به ترتیب در $13/3\%$ ، $48/9\%$ ، $28/9\%$ و $8/9\%$ مشارکت کنندگان مشاهده شد. میانگین نمره رضایت بدنی از نیم تنه تحتانی، نیم تنه میانی و نیم تنه فوقانی به ترتیب $1/30 \pm 2/49$ ، $1/23 \pm 1/66$ و $1/20 \pm 2/41$ بود. بیشترین درصد نارضایتی از تصویر بدنی، از نیم تنه میانی ($71/1\%$) گزارش شد و در رده‌های بعدی نارضایتی از نیم تنه تحتانی ($24/4\%$) و نیم تنه فوقانی ($22/2\%$) قرار داشتند.

نتیجه‌گیری: بنا به نتایج، نارضایتی از تصویر بدنی در زنان چاق مراجعه کننده به کلینیک تغذیه شایع بود و بیشترین نارضایتی از نیم تنه میانی بود. بنابراین ضرورت دارد به منظور افزایش کیفیت زندگی در زنان چاق، این عامل شناختی مورد توجه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی:

نارضایتی از تصویر بدنی، نیم تنه فوقانی، نیم تنه میانی، نیم تنه تحتانی، زنان چاق

(۱) دانشگاه محقق اردبیلی : ghannadiasl@uma.ac.ir

(۲) دانشگاه محقق اردبیلی

Paper ID: 186

بررسی وزن ذهنی (weight Subjective) در زنان چاق مراجعه کننده به کلینیک تغذیه

فاطمه قنادی اصل^۱، ندا حسینی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: امروزه زنان به جهت تغییر شیوه زندگی به مراتب بیش از گذشته در خطر مواجهه با چاقی می‌باشند که این مساله خود محوری برای افزایش مغشوش شدن تصویر ذهنی از خود می‌باشد که می‌تواند بر سلامت زن تاثیر سوء داشته باشد.

روش‌ها: در این مطالعه توصیفی، اطلاعات تن سنجی و وزن ذهنی در یک نمونه‌گیری تصادفی از ۴۵ زن چاق مراجعه کننده به کلینیک تغذیه (سن: ۴۰-۱۸ سال) و نمایه توده بدنی: ۲۷/۵-۴۰ (کیلوگرم بر مترمربع)) جمع‌آوری شد. وزن ذهنی با استفاده از پرسشنامه چند بعدی نگرش فرد در مورد تصویر بدنی خود اندازه گیری شد.

یافته‌ها: میانگین سن، وزن، نمایه توده بدنی و نسبت دور کمر به باسن نمونه‌های مورد مطالعه به ترتیب ۲۹/۴ (سال)، ۸۸/۵ (کیلوگرم)، ۳۴/۰۰ (کیلوگرم بر مترمربع) و ۰/۹۱ بود. چاقی درجه ۲ و ۳ به ترتیب در ۴۸/۹٪ و ۲۸/۹٪ مشارکت کنندگان وجود داشت. از نظر آنها، داشتن اضافه وزن به میزان تاحدودی و خیلی به ترتیب در ۶۴/۶٪ و ۳۳/۳٪ گزارش شد. در مقابل ذهنیت داشتن اضافه وزن تا حدودی و خیلی از نظر دیگران به ترتیب در ۵۵/۶٪ و ۴۰٪ نمونه‌ها وجود داشت.

نتیجه گیری: بنا به یافته‌ها، تصور داشتن اضافه وزن زیاد در بین مشارکت کنندگان شایع بود. این امر ممکن است منجر به انتظارات غیر واقعی از مداخلات کاهش وزن شده و در نهایت نتایج مداخلات را تحت تاثیر قرار دهد.

واژه های کلیدی:

زنان چاق، وزن ذهنی، پرسشنامه چند بعدی نگرش در مورد تصویر بدنی

(۱) دانشگاه محقق اردبیلی : ghannadiasl@uma.ac.ir

(۲) دانشگاه محقق اردبیلی

Paper ID: 187

بررسی دل مشغولی با وزن (occupation-pro weight) در زنان چاق مراجعه کننده به کلینیک تغذیه

فاطمه قنادی اصل^۱، ندا حسینی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: توجه به ظاهر در حد متعادل، نشان دهنده سلامت روانی است. اما در جوامع امروز این امر به ویژه در زنان شکل افراطی به خود گرفته و روی تصویر ذهنی بدنی تاثیر منفی به همراه دارد.

روش‌ها: در این مطالعه توصیفی، اطلاعات تن سنجی و دل مشغولی با وزن در زنان چاق مراجعه کننده به کلینیک تغذیه قبل از هر مداخله‌ای جمع آوری شد. اندازه گیری دل مشغولی با وزن با استفاده از پرسشنامه چند بعدی نگرش فرد در مورد تصویر بدنی (۶۹ سوالی) صورت گرفت.

یافته‌ها: میانگین سن، وزن، نمایه توده بدنی و نسبت دورکمر به دور باسن به ترتیب $29/4 \pm 8/3$ (سال)، $11/5 \pm 88/5$ (کیلوگرم)، $3/7 \pm 34/0$ (کیلوگرم بر متر مربع) و $0/04 \pm 0/91$ بود. بیشترین نوع چاقی درجه دو بود که در $48/9\%$ داوطلبین وجود داشت. اکثریت مشارکت کنندگان در مطالعه ($77/8\%$) مدام نگران چاق بودن یا چاق شدن خود بودند. در این بین، 40% مطالعه شوندگان به دفعات تحت رژیم‌های کاهش وزن بودند و $6/7\%$ همیشه از رژیم‌های غذایی سخت پیروی می‌کردند.

نتیجه گیری: تعداد زیادی از زنان چاق مراجعه کننده به کلینیک تغذیه دل مشغولی با وزن خود داشتند. بنابراین این عامل بایستی در مداخلات مورد توجه قرار گیرد تا بتوان با ارائه آموزش‌های مناسب، از بروز اختلال در تصویر ذهنی بدنی در این افراد پیشگیری نمود.

واژه‌های کلیدی:

زنان چاق، دل مشغولی با وزن، پرسشنامه چند بعدی نگرش فرد در مورد تصویر بدنی

(۱) دانشگاه محقق اردبیلی : ghannadiasl@uma.ac.ir

(۲) دانشگاه محقق اردبیلی

Paper ID: 191

بررسی اثر مکمل عصاره ی پوست درخت کاج فرانسوی (Extract Bark Pine Maritime)**بر فاکتورهای کاردیومتابولیک، مطالعه ی مروری سیستماتیک و متآنالیز**

مهسا ملک احمدی^۱، امید مرادی مقدم^۲، صفیه فیروزی^۱، رضا دریابیگی^۳، شریفول اسلام^۳، عبدالرضا نوروزی^۴، سپیده سلطانی^۵

خلاصه مقاله:

پیکنوژنول عصاره‌ی پوست درخت کاج دریایی فرانسوی (French maritime pine bark extract) است که از پوست بیرونی کاج Ait، بنه و لاتیکس تولید می‌شود. به طور استاندارد محتوی $5 \pm 70\%$ درصد پروسیانیدین است، علاوه بر پروسیانیدین، حاوی کاتچین، تاکسیفولین و دامنه ای از فنولیک اسیدها (سینامیک اسید و مشتقات بنزوئیک اسید) است. تا کنون مطالعات کارآزمایی بالینی متعددی برای بررسی اثر مکمل عصاره ی پوست درخت کاج فرانسوی بر فاکتورهای متابولیک صورت گرفته است. ما در این مطالعه یک مرور سیستماتیک و متآنالیز بر روی کارآزمایی های بالینی برای بررسی اثر مکمل مذکور بر فاکتورهای متابولیک انجام داده ایم.

روش: پایگاه های اطلاعاتی PubMed, Scopus, ISI و Web of Science تا اکتبر ۲۰۱۸ مورد بررسی قرار گرفت. و تمام مطالعات کارآزمایی بالینی که اثر مکمل عصاره ی پوست درخت کاج فرانسوی بر فاکتورهای متابولیک در بزرگسالان (غیر از خانم های باردار و شیرده) سنجدیده بود وارد مطالعه شد. برای محاسبه ی اختلاف میانگین وزنی (WMDs) و فاصله اطمینان ۹۵٪ (CIs)، آزمونهای آماری DerSimonian and Laird random-effect models به کار برده شد.

یافته ها: در نهایت، ۲۴ مطالعه ی کارآزمایی بالینی شامل ۱۵۹۴ شرکت کننده وارد متآنالیز شد. مکمل پیکنوژنول به میزان قابل توجهی قند خون ناشتا (WMD: -5.86 mg/dl; 95% CI: -9.56, -2.15)، هموگلوبین گلیکولیزه (-) (WMD = -0.01, -0.56, 95% CI: -0.29%, 0.29%)، فشار خون سیستولیک (WMD: -2.54 mmhg; 95% CI: -4.08, -0.99)، فشار خون دیاستولیک (WMD: -1.76 mmhg; 95% CI: -3.12, -0.41) و نمایه توده بدنی (WMD: -0.47) LDL-cholesterol (WMD: -7.12 mg/dl; 95% CI: -13.66, -0.90, 95% CI: -0.03, -0.58)، سطح (kg/m²; 95% CI: -0.90, -0.03)، را کاهش داده است. و HDL-cholesterol (WMD: 3.27 mg/dl; 95% CI: 0.87, 5.66) افزایش یافته است.

نتیجه: این متآنالیز نشان می دهد که مکمل پیکنوژنول در پیشگیری از بیماری های کاردیومتابولیک می تواند موثر باشد. با این حال انجام مطالعات کارآزمایی بالینی با طراحی بهتر و به تعداد بیشتر برای ارزیابی اثرات طولانی مدت و بهترین دوز توصیه می شود.

واژه های کلیدی: اختلال کاردیو متابولیک، پیکنوژنول، متآنالیز، کاج دریایی

(۱) کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

(۲) مرکز تحقیقات سوانح و مصدومیت، بیمارستان حضرت رسول اکرم، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

(۳) دپارتمان تغذیه ورزشی، دانشگاه دکین استرالیا، ملبورن، استرالیا

(۴) دپارتمان تغذیه، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران : norouzya@mums.ac.ir

(۵) مرکز تحقیقات قلب و عروق، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

Paper ID: 193

بررسی روند برخی از شاخص‌های چاقی در زنان با سابقه دیابت بارداری

مریم رحمتی^۱، فهیمه رضانی تهرانی^۲، سمیرا بهبودی گندوانی^۲، مینا امیری^۲، فریدون عزیزی^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: چاقی و دیابت بارداری، به عنوان دو نگرانی عمده اپیدمیولوژیک جهانی، در گروه‌های سنی مختلف، قومیت‌ها و وضعیت اجتماعی اقتصادی در حال افزایش است. چاقی به عنوان یک بیماری التهابی درجه پایین مزمن یک عامل خطر مهم برای عوارض و مرگ و میر است. زنان با سابقه دیابت بارداری یکی از این گروه‌های پرخطر هستند که تقریباً بین ۲ تا ۲۰٪ از کل بارداری‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در یک مطالعه جدید از ۲۲۳۵۱ زن، هر واحد افزایش شاخص توده بدنی در بارداری، شانس دیابت بارداری را در بارداری بعدی افزایش داده است. زنان دارای چاقی با مقاومت به انسولین موجود در دوران بارداری وارد می‌شوند که با پیشرفت حاملگی بدتر می‌شود. نشان داده شده است که انتقال گلوکز ناشی از انسولین در فیبرهای عضلانی اسکلتی انسان در زنان چاق در اواخر بارداری سرکوب می‌شود و بیشتر در زنانی است که دچار دیابت بارداری می‌شوند. اخیراً برخی از پارامترهای متابولیک لیپیدها برای ارزیابی بهتر پیش‌آگهی حوادث جانبی قلبی و متابولیک به شاخصهای چربی اضافه شدند. با این حال، کمتر در مورد روند بعدی چاقی و سایر شاخصهای پیچیده چربی از جمله تجمع لیپیدها، شاخص چربی احشایی، شاخص شکل بدن پس از زایمان در زنان با سابقه دیابت بارداری شناخته شده است. این زنان در معرض خطر عوارض مادام‌العمر هستند که برای جلوگیری از بروز هرگونه عارضه جانبی باید به طور مرتب مورد پیگیری قرار گیرند.

روش‌ها: این مطالعه بر اساس داده‌های موجود در بررسی آینده نگر مبتنی بر جمعیت مطالعه قند و لیپید تهران بر روی ۳۳۹۵ نفر از زنان (۲۰-۵۰ ساله) شامل ۸۰۱ زن با سابقه دیابت بارداری و ۲۵۹۴ نفر بدون این سابقه انجام شد. برای ارزیابی روند تغییرات شاخص‌های چاقی شامل چاقی، چاقی مرکزی، شاخص توده بدنی، شاخص تجمع لیپید (LAP)، شاخص چربی احشایی (VAI) و شاخص شکل بدن (ABSI) از روش معادلات برآوردگرهای تعمیم یافته (GEE) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار STATA (نسخه ۱۴) انجام گرفت.

یافته‌ها: میانگین زمان پیگیری برای زنان با سابقه دیابت بارداری ۱۲/۱ سال و برای زنان بدون سابقه دیابت بارداری ۱۱/۶ سال بود. هر دو گروه روند معناداری را از لحاظ آماری در شاخص‌های چاقی در طی پیگیری نشان دادند ($p < 0.001$). بر اساس روش GEE شانس ابتلا به چاقی در افرادی که سابقه دیابت بارداری داشتند ۱۳٪ کمتر از افراد سالم بود ($OR = 0.87$)، همچنین در طی زمان پیگیری، افراد با سابقه دیابت بارداری میانگین شاخص توده بدنی کمتری را نسبت به گروه سالم نشان دادند ($p = 0.001$ ، $CI = (0.80, 0.95)$). همچنین در طی زمان پیگیری، افراد با سابقه دیابت بارداری میانگین شاخص‌های LAP ($p = 0.001$ ، $CI = (-0.04, -0.1)$)، VAI ($p = 0.004$ ، $CI = (-11/0.7, -2/16)$)، و ABSI ($p = 0.003$ ، $CI = (-1/77, -0/35)$) و ($p = 0.01$ ، $CI = (-3/19, -0/35)$)، برای افراد با سابقه دیابت بارداری در طی زمان پیگیری نسبت به گروه سالم کمتر بود. ($p = 0.02$ ، $CI = (-0/04)$)

(۱) پژوهشکده علوم غدد درون ریز دانشگاه شهید بهشتی : rahmati.mary@gmail.com

(۲) مرکز تحقیقات اندوکرینولوژی تولید مثل

(۳) مرکز تحقیقات غدد داخلی و درون ریز

۶ تا ۸ آذر ۱۳۹۸ تهران، مرکز همایش‌های شادروان دکتر غرضی، بیمارستان فوق تخصصی میلاد

نتیجه گیری: زنان با سابقه دیابت بارداری نسبت به زنان بدون سابقه دیابت بارداری کنترل بهتری برای شاخص های چاقی خود داشته اند. با این وجود به دلیل افزایش تعداد مبتلایان به دیابت بارداری و شاخص های چاقی، توجه به این مسأله حایز اهمیت است.

واژه های کلیدی:

شاخص های چاقی، دیابت بارداری، معادلات برآوردگرهای تعمیم یافته

Paper ID: 194

ارتباط بین شاخص توده بدنی و سن منوپوز در زنان ایرانی: مطالعه قند و لیپید تهران

مرضیه رستمی دوم^۱، کاظم محمد^۲، راضیه بیدهندی یارندی^۳، مریم فرهنگند^۴، سیما نظربور^۳، فهیمه رضائی
تهرانی^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: یائسگی فرآیندی فیزیولوژیک در زندگی زنان است که با از بین رفتن فولیکول‌های تخمدانی که منشا اصلی تولید و ترشح استروژن در بدن می‌باشند و قطع قاعدگی همراه است. در برخی زنان سن یائسگی زودتر از میانگین سنی جمعیت عادی اتفاق می‌افتد. عوامل متعددی در بروز یائسگی در سنین پایین تر دخیل هستند که یکی از این عوامل می‌تواند شاخص توده بدنی (BMI) (کیلوگرم/مترمربع) زنان باشد. هدف از این مطالعه بررسی ارتباط شاخص توده بدنی با سن هنگام یائسگی طبیعی (ANM) در جمعیت زنان شرکت کننده در مطالعه قند و لیپید تهران می‌باشد.

روش‌ها: در این مطالعه کوهورت کلیه زنان شرکت کننده در مطالعه قند و لیپید تهران که قاعدگی را تجربه کرده بودند وارد مطالعه شدند (۳۵۶۰ نفر). کسانی که قبل از شروع مطالعه یائسه شده بودند از مطالعه حذف شدند و افراد باقیمانده به منظور وقوع یائسگی مورد پیگیری قرار گرفته و سن یائسگی آنها ثبت گردید. برای برآورد میانگین سن یائسگی از تحلیل کاپلان مایر استفاده شد. به منظور بررسی ارتباط شاخص توده بدنی و سن وقوع یائسگی از مدل رگرسیون بقای زمان شایع شکست ویبول (AFT) استفاده گردید.

یافته‌ها: میانگین سنی (SD) BMI و در دوران یائسگی و غیر یائسگی به ترتیب ۵۶ (۸) و ۳۷ (۱۰)، ۲۸،۸ (۵/۴) و ۲۷،۱ (۶،۰۳) بود. ارتباط منفی بین BMI و سن هنگام یائسگی مشاهده گردید -0.04 (CI/۹۵) -0.01 to -0.04 ($p < 0.001$). افراد با $BMI > 18.5$ و کسانی که $BMI \leq 25$ داشتند -0.09 (CI/۹۵) -0.27 to -0.1 ($p < 0.00023$) در مقایسه با کسانی که BMI آنها $18.5-25$ بود 0.03 (CI/۹۵) -0.05 to -0.2 ($p < 0.000$) سن وقوع یائسگی پایین تری داشتند.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که BMI پایین و بالا، هردو با سن وقوع یائسگی ارتباط داشته و این زنان در مقایسه با جمعیت زنانی که BMI آنها در بازه طبیعی قرار دارد زودتر یائسه می‌شوند. اطلاع رسانی به زنان در جهت حفظ تعادل وزن، به عنوان یکی از عوامل خطر در بروز یائسگی می‌تواند در جلوگیری از وقوع یائسگی در سنین پایین تر مفید باشد.

واژه‌های کلیدی:

چاقی، شاخص توده بدنی، سن وقوع یائسگی

(۱) پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم: marsidov@yahoo.com

(۲) دانشگاه تهران

(۳) پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم- مرکز تحقیقات اندو کریبولوژی تولید مثل

(۴) پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم/ پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم

Paper ID: 195

بررسی تاثیر اضافه وزن و چاقی مادر بر پیامدهای بد بارداری

سیما نظریپور^۱، فهیمه رضانی تهرانی^۲، مینا امیری^۲، مرضیه رستمی دوم^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: چاقی یک مشکل بهداشتی گسترده در سراسر جهان می باشد. برخی از مطالعات نشان می دهند که چاقی و افزایش وزن در دوران بارداری با افزایش خطر برخی عوارض بارداری همراه بوده است. این مطالعه به منظور تعیین ارتباط بین اضافه وزن و چاقی با پیامدهای نامطلوب بارداری انجام گردید.

روش ها: این مطالعه یک کوهورت آینده نگر مبتنی بر جمعیت بود که روی ۲۱۵۶ زن باردار با حاملگی تک قلو، مراجعه کننده به مراکز مراقبت های دوران بارداری دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سه ماهه اول انجام شد. پیامدهای مورد نظر شامل زایمان زودرس، خونریزی سه ماهه سوم، مرده زایی، سزارین و بستری شدن نوزاد بود. پیامدهای بد بارداری در خانمهای باردار با وزن طبیعی (BMI ۱۸,۵-۲۴,۹ m/kg)، کم وزن (BMI > ۱۸,۵ m/kg)، با اضافه وزن BMI ۲۵,۰-۲۹,۹ m/kg)، چاقی متوسط (BMI ۳۰,۰-۳۴,۹ m/kg) و چاقی شدید (BMI ≤ ۳۵,۰ m/kg) بررسی گردیدند.

یافته ها: در ۲۱۵۶ زن مورد مطالعه، ۴۵,۹٪ (۹۸۹ نفر) دارای وزن طبیعی، ۵,۷٪ (۱۲۳ نفر) کم وزن، ۳۵,۳٪ (۷۶۱ نفر) دارای اضافه وزن، ۱۰,۳٪ (۲۲۱ نفر) چاقی متوسط و ۲,۹۲٪ (۶۲ نفر) چاقی شدید بودند. در خانمهای با چاقی متوسط و شدید در مقایسه با خانمهای با وزن طبیعی، خطر زایمان سزارین بطور معنی داری بالاتر بود (۶۰,۷٪ و ۸۵,۱٪ به ترتیب در مقایسه با ۵۰,۳٪، $p < ۰,۰۰۰$). همچنین خونریزی سه ماهه سوم در خانمهای با چاقی شدید در مقایسه با وزن طبیعی به طور معنی داری بالاتر بود (۴,۱٪ در مقابل ۰,۵٪، $p < ۰,۰۰۵$). میزان زایمان زودرس در خانمهای با چاقی شدید و زنان با وزن طبیعی به ترتیب ۶,۶٪ و ۲,۲٪ بودند اما این اختلاف از نظر آماری معنی دار نبود. بین وزن مادر و وزن هنگام تولد نوزاد همبستگی مثبت وجود داشت ($p < ۰,۰۰۰$).

نتیجه گیری: چاقی مادر با افزایش خطر زایمان سزارین و خونریزی سه ماهه سوم همراه است. با توجه به خطر بالای پیامدهای نامطلوب حاملگی مرتبط با چاقی، لازم است تدابیر درمانی و تشخیصی و نظارتی پویا بر روی زنان باردار گردد.

واژه های کلیدی:

چاقی، اضافه وزن، پیامد بد بارداری

(۱) گروه مامایی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین- پیشوا، تهران، ایران. / مرکز تحقیقات اندوکرینولوژی تولید مثل، پژوهشکده غدد

درون ریز، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران : snazarpour@gmail.com

(۲) مرکز تحقیقات اندوکرینولوژی تولید مثل، پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

Paper ID: 198

اثرات کنتراسپتیوهای خوراکی حاوی لوونورژسترویل در مقایسه با کنتراسپتیوهای حاوی دزوژسترویل بر پارامترهای چاقی بیماران هیپراندریوزنیک مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک

مینا امیری^۱، فهیمه رضانی تهرانی^۲، فاطمه ناهیدی^۳، سیما نظریور^۴، مریم رحمتی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: کنتراسپتیوهای خوراکی ترکیبی به عنوان خط اول درمان طبی در بیماران مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک مورد استفاده قرار گرفته شده است. علی رغم برتری تئوریک فرآورده های حاوی پروژستین های آنتی اندروژنیک با فرآورده های حاوی لوونورژسترویل، مزایای بالینی این ترکیبات نامعلوم می باشد. هدف از این مطالعه مقایسه اثرات کنتراسپتیوهای خوراکی ترکیبی حاوی لوونورژسترویل با فرآورده های حاوی پروژستین های آنتی اندروژنیک شامل دزوژسترویل روی پارامترهای بالینی، هورمونی و متابولیک و کیفیت زندگی زنان مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک بود.

روش ها: طی یک کارآزمایی بالینی تصادفی، اثرات قرص های خوراکی پیشگیری از بارداری حاوی لوونورژسترویل و ترکیبات حاوی دزوژسترویل بر پارامترهای چاقی (وزن، نمایه توده بدنی، دور کمر و نسبت دور کمر به دور باسن) ۲۱۱ زن مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک با علائم هیپراندریوزنیک بررسی گردید. همه بیماران در سه ویزیت پایه، ماه سوم و ماه ششم پس از مداخله از نظر پیامدهای آنترپومتریک بررسی شدند.

یافته ها: بیماران در ابتدای مطالعه (baseline) به لحاظ پارامترهای مورد بررسی تفاوت معنی داری نداشتند. پس از سه و ۶ ماه مداخله، میانگین وزن، نمایه توده بدنی، دور کمر و نسبت دور کمر به دور باسن تفاوتی در دو گروه مصرف کنندگان کنتراسپتیوهای حاوی لوونورژسترویل و دزوژسترویل تفاوت معنی داری نداشت.

نتیجه گیری: این کارآزمایی بالینی نشان داد که ترکیبات کنتراسپتیو دارای فعالیت آنتی اندروژنیک و فرآورده های نسل قدیم با اثرات اندروژنیک ضعیف اثرات مشابهی بر پارامترهای چاقی دارند.

واژه های کلیدی:

سندرم تخمدان پلی کیستیک، کنتراسپتیوهای خوراکی، چاقی، هیپراندریوزنیک

(۱) پژوهشکده غدد درون ریز و متابولیسم شهید بهشتی : mina_amiri_p@yahoo.com

(۲) پژوهشکده غدد درون ریز و متابولیسم شهید بهشتی

(۳) دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی

(۴) گروه مامایی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین - پیشوا، تهران، ایران.

Paper ID: 200

اضافه وزن و چاقی؛ تهدید کننده سلامت کشورهای مدیترانه شرقی و ایران

نیلوفر پیکری^۱

خلاصه مقاله:

سابقه: زمینه و هدف افزایش شاخص توده بدنی عامل خطر تهدید کننده سلامت بوده و میزان مرگ منتسب به آن طی دهه‌های اخیر در سطح جهان افزایش یافته است. این عامل خطر، معضلی جهانی است که نیازمند برنامه ریزی و اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر شواهد بوده و مطالعه حاضر با هدف مقایسه میزان مرگ و بار ناشی از آن در ایران و دیگر کشورهای منطقه مدیترانه شرقی در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ انجام پذیرفته است.

روش‌ها: روش مطالعه این مطالعه بر اساس اطلاعات حاصل از آخرین مطالعه بار بیماریها در سطح جهان (۲۰۱۷)، در خصوص میزان مرگ منتسب به افزایش شاخص توده بدنی و بار ناشی از آن (Years Life Adjusted-Disability) (DALYS) در ایران و سایر کشورهای مدیترانه شرقی به انجام رسیده است.

یافته‌ها: یافته‌ها در سال ۲۰۱۷، میزان مرگ منتسب به افزایش شاخص توده بدنی در ایران ۸۴٫۰ مرگ در ۱۰۰ هزار بوده و این میزان در زنان بیش از مردان بوده است. در ایران، ۱۳٫۹٪ از کل مرگ‌های رخ داده در سال مذکور به اضافه وزن و چاقی منتسب بوده و تعداد مرگ‌های ناشی از آن از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷، بیش از دو برابر افزایش داشته است. در بین کشورهای منطقه، مصر و افغانستان بیشترین میزان مرگ منتسب به اضافه وزن و چاقی را دارا بوده‌اند (به ترتیب ۱۸۷٫۳ و ۱۷۷) و چهارده کشور منطقه با افزایش میزان مرگ ناشی از این عامل خطر طی دهه‌های اخیر مواجه بوده‌اند. در سال ۲۰۱۷، میزان بار منتسب به افزایش شاخص توده بدنی در ایران، ۲۱۲۲٫۴ DALY در صدهزار بوده و این میزان در زنان بیش از مردان بوده است. در بین کشورهای منطقه، بیشترین میزان بار ناشی از این عامل خطر به کشور مصر اختصاص داشته است. در ایران و اغلب کشورهای مدیترانه شرقی، اضافه وزن و چاقی سومین عامل خطر مرگ بوده و بیشترین مرگ‌های منتسب به آن به علت بیماریهای قلبی-عروقی، دیابت و بیماریهای کلیوی، اختلالات نورولوژیک و سرطان‌ها رخ داده است.

نتیجه‌گیری: بحث و نتیجه‌گیری میزان قابل توجه مرگ و بار ناشی از اضافه وزن و چاقی، به شکل‌گیری هدف ملی و بین‌المللی متوقف ساختن میزان شیوع چاقی منجر شده است. در ایران، این هدف در سند ملی پیشگیری و کنترل بیماریهای غیرواگیر منظور شده و محقق شدن آن مستلزم اجرای مداخلات هزینه‌اثربخش با رویکردی فرابخشی و مبتنی بر شواهد معتبر است.

واژه‌های کلیدی:

اضافه وزن، چاقی، مدیترانه شرقی، ایران

(۱) وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی : niloofarpeykari@gmail.com

Paper ID: 201

اصلاح سبک زندگی و بررسی اثرات آن بر چاقی و مقاومت به انسولین در دانش آموزان دوره ابتدایی، یک مطالعه مداخله ای مبتنی بر مدرسه در زنجان

بی تا ربانی^۱، حسین چیتی^۲، سعیده مظلوم زاده^۲، مجید ولی زاده^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: اصلاح سبک زندگی، بهبود الگوهای تغذیه ای و افزایش فعالیت فیزیکی در راس برنامه های پیشگیری و کنترل چاقی و بیماری های قلبی عروقی قرار دارند. مطالعه حاضر با هدف بررسی تاثیر اصلاح در سبک زندگی بر شیوع چاقی و مقاومت به انسولین در دانش آموزان دوره ابتدایی انجام شد. در این مطالعه مبتنی بر مدرسه، تمامی دانش آموزان مقطع ابتدایی در مدارس سما در سال ۲۰۱۳ شامل ۵۸۹ نفر در زنجان و ۸۰۳ نفر در ابهر به ترتیب به عنوان گروه مورد و شاهد وارد مطالعه شدند. مداخلات شامل آموزش والدین و معلمان مدارس و دانش آموزان، تغییر در مواد غذایی بوفه های مدارس و فعالیت ورزشی بود. پرسشنامه های استاندارد تغذیه و فعالیت بدنی تکمیل گردید سپس مداخلات تغذیه ای و ورزشی طی سه سال در مدارس زنجان اجرا شد و میزان تغییر سالیانه و نیز پس از سه سال در شاخص های آنتروپومتریک و مقاومت به انسولین مورد بررسی قرار گرفت. در گروه مورد شیوع چاقی ۲۷٫۱٪، چاقی شکمی ۵٫۸٪، فشارخون ۷۶٫۴٪، سندرم متابولیک ۸٫۶٪ و مقاومت به انسولین ۲۷٫۴٪ و در گروه کنترل شیوع چاقی ۱۰٫۸٪، چاقی شکمی ۴٫۸٪، فشارخون ۷۲٫۲٪، سندرم متابولیک ۴٫۸٪ و مقاومت به انسولین ۶٫۱٪ به دست آمد. میانگین فشارخون سیستولی، مقاومت به انسولین و امتیاز فعالیت فیزیکی و تغذیه در گروه مداخله بالاتر بود پس از مداخلات کاهش معنی دارد چاقی از ۲۷٫۱٪ به ۶٫۶٪، چاقی شکمی از ۵٫۸٪ به ۱٫۲٪، فشارخون از ۷۶٫۴٪ به ۲۲٫۴٪، و مقاومت به انسولین از ۲۷٫۴٪ به ۹٫۵٪ دیده شد. اما در گروه شاهد بهبود معنی داری در هیچیک از متغیرها رخ نداد. همچنین تعداد مبتلایان به فشارخون با افزایش معنی داری همراه بود. شیوع چاقی شکمی و فشارخون بعنوان دو جزء مهم سندرم متابولیک، در مطالعه ما بیشتر از سایر مناطق کشور است. با این حال برنامه مداخله ای جهت اصلاح رژیم غذایی و افزایش فعالیت فیزیکی در کاهش شیوع آنها موثر می باشد.

واژه های کلیدی:

فشارخون بالا، سندرم متلبولیک، چاقی، سبک زندگی، امتیاز نوشیدنی و مواد خوراکی، مقاومت به انسولین

(۱) دانشگاه علوم پزشکی زنجان : bitarabbani@yahoo.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی زنجان

Paper ID: 202

نقش ادیپوکاین‌ها در ارتباط بین متابولیسم پایه و سندرم متابولیک در افراد چاق و دارای اضافه وزن

لیلا ستایش^۱، خدیجه میرزایی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: ادیپوکاین‌ها نقش مهمی در پیشرفت سندرم متابولیک دارند. مطالعات ارتباط قوی رو بین سندرم متابولیک و متابولیسم پایه در افراد چاق نشان داده اند. در این مطالعه اثر واسطه ای اومنتین یک در متابولیسم پایه استراحت و سندرم متابولیک بررسی شده است.

روش‌ها: در این مطالعه کراس سکشنال تعداد ۲۶۳ نفر زنان بالغ دارای اضافه وزن و چاقی با میانگین سنی ۳۹,۰۲ (۱۱,۶۰) و نمایه توده بدنی با میانگین ۳۳,۲۸ (۴,۹۳) وارد شدند و میزان متابولیسم پایه این افراد از طریق کالری متری غیر مستقیم محاسبه شده است. علاوه بر این ترکیب بدنی تمام افراد از طریق دستگاه آنالیز ترکیبات بدن آنالیز گردید. پارامترهای بیو شیمیایی از طریق کیت الیزا اندازه گیری شد.

یافته‌ها: یافته‌ها: نتایج نشان دادند زنان در گروه متابولیسم پایه پایین تر دارای سطوح بالاتری از توده چربی ($P < 0,0001$)، وزن ($P = 0,002$)، نمایه توده بدنی ($P > 0,0001$)، سن ($P = 0,01$) و پروتئین واکنشگر سی ($P = 0,01$) بوده اند. علاوه بر این آنالیز رگرسیون دوطرفه نقش معنا دار امنترین یک را به عنوان واسه گر ($P = 0,25$)، β ($P = 0,04$) در بین سندرم متابولیک و متابولیسم پایه نشان داده است.

نتیجه گیری: نتایج: در این مطالعه نقش میانجی امنترین یک در بین متابولیسم پایه استراحت و سندرم متابولیک نشان داده است.

واژه های کلیدی:

کلید واژه هامتابولیسم پایه، چاقی، سندرم متابولیک، ادیپوکاین

(۱) دانشگاه علوم پزشکی تهران : setayesh.leila@yahoo.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی تهران

Paper ID: 205

بررسی شیوع چاقی و وضعیت تغذیه دانشجویان غیر علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

آسیه نمازی^۱، سکینه مجیدی نعیمی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: امروزه مشکل چاقی به عنوان یک بیماری مزمن، همه گروه‌های سنی از جمله جوانان را در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تحت تاثیر قرار داده است. سازمان جهانی بهداشت گزارش می‌دهد که شیوع و مشکلات ناشی از چاقی، از نظر وخامت با مشکلات ناشی از سوء تغذیه، قابل مقایسه است، لذا وضعیت تغذیه به عنوان یکی از ابعاد مهم تشکیل دهنده سبک زندگی افراد مورد توجه مراقبین سلامت قرار دارد. این مطالعه با هدف بررسی شیوع چاقی و وضعیت تغذیه‌ای دانشجویان دانشگاه آزاد رشت انجام شده است.

روش‌ها: مطالعه حاضر به روش پیمایشی در نیمسال اول تحصیلی ۹۷-۹۶ انجام گرفت. تعداد ۳۰۰ دانشجوی مشغول به تحصیل در رشته‌های غیر علوم پزشکی به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. مشخصات جمعیت شناختی و الگوی تغذیه‌ای آنان با استفاده از پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۲۵ سوال مورد ارزیابی قرار گرفت. قد و وزن کلیه دانشجویان اندازه‌گیری و نمایه توده بدن محاسبه شد. کلیه اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سن دانشجویان، $25/14 \pm 7/01$ و میانگین شاخص توده بدنی در آنها $23/51 \pm 3/99$ بود. $23/7\%$ از دانشجویان دارای اضافه وزن و $7/7\%$ چاق بودند. $52/7\%$ از آنان در هفته از غذاهای آماده و 48% از تنقلاتی چون شکلات و چیپس استفاده می‌کردند. $63/6\%$ از افراد مورد بررسی با گروه‌های مختلف غذایی و اهمیت آن آشنایی داشتند. بین شاخص توده بدنی با جنسیت ($p=0/005$) و وضعیت تاهل دانشجویان ($p=0/001$) ارتباط آماری معنی‌دار وجود داشت اما بین محل سکونت و میزان فعالیت در هفته ارتباط آماری معنی‌دار مشاهده نشد. 78% از پاسخگویان، عامل ضعیف بودن وضعیت تغذیه در دانشجویان را نداشتن فرهنگ صحیح تغذیه‌ای و $75/7\%$ بی توجهی خود دانشجویان به این امر ذکر کردند. 41% از افراد، آموزش تغذیه از طریق برگزاری سمینارهای مرتبط و $33/7\%$ دادن اطلاعات تغذیه‌ای از طریق مراکز بهداشتی را راهکار مناسب افزایش اطلاعات در مورد شیوه صحیح تغذیه در دانشجویان می‌دانستند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج مطالعه، وضعیت تغذیه‌ای دانشجویان مورد بررسی چندان رضایت بخش نبود و این گروه از جامعه میتواند بعنوان گروه هدف برای ارائه دانش تغذیه‌ای و اصلاح عملکرد تغذیه‌ای مدنظر مسئولان بهداشتی قرار گیرد

واژه‌های کلیدی:

چاقی، اضافه وزن، تغذیه، دانشجویان

(۱) دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت : anamazi55@yahoo.com

(۲) پایگاه بهداشتی شهید خرسندی رشت شهرستان رشت

Paper ID: 208

بررسی ارتباط تصویر ذهنی از بدن با شیوع اختلالات خوردن در نوجوانان و جوانان ورزشکار شهر تهران

مینا زینلی^۱، مریم جوادی^۲، عیسی محمدی زیدی^۲، سید علی کشاورز^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: اختلالات خوردن یکی از مهمترین اختلالات روانشناختی و روانتنی هستند که می‌توانند روی سلامت جسمانی، عملکرد ذهنی و کیفیت زندگی تاثیر منفی داشته باشند. اختلالات خوردن که به عنوان سندروم‌های روانشناختی مرتبط با چاقی هم شناخته می‌شوند، طیف وسیعی از رژیم گرفتن بیش از اندازه تا سندروم کامل اختلال خوردن را در بر می‌گیرد. در این میان سندروم خفیف اختلال خوردن شامل مبتلابانی است که معیار کامل بی‌اشتهایی یا پرخوری عصبی را ندارند و عمومی‌ترین و شایعترین اختلال محسوب می‌شود. هدف این مطالعه تعیین ارتباط بین تصویر بدنی با شیوع اختلالات خوردن در ورزشکاران نوجوان و جوان شهر تهران بود.

روش‌ها: در پژوهش توصیفی تحلیلی حاضر، از طریق فدراسیون پزشکی ورزشی ایران، ۲۲۵ ورزشکار سنین ۱۲ تا ۳۰ سال که حداقل یکسال از سابقه فعالیت ورزشی شان میگذرد انتخاب و وارد مطالعه شدند. وضعیت اختلال خوردن و تصویر بدنی بوسیله پرسشنامه‌های خودایفای معتبر بین‌المللی که روایی و پایایی آنها تأیید شده بود ارزیابی شدند. سپس داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: زنان ورزشکار ۴/۵۷ درصد شرکت کنندگان این پژوهش را شامل می‌شدند. معیارهای اختلال خوردن در ۱/۴۹ درصد ورزشکاران وجود داشت. و شیوع اختلالات خوردن در زنان بیشتر از مردان بود. ۳/۴۹ درصد شرکت کنندگان درباره تصویر بدن خود نگران نبودند، ۶/۲۵ درصد نگرانی خفیف، ۷/۱۸ درصد نگرانی متوسط، و ۴/۶ درصد نگرانی بارز داشتند بین اختلالات خوردن و تصویر بدنی همبستگی منفی وجود داشت.

نتیجه‌گیری: مطالعه حاضر نشان داد که اختلالات خوردن در ورزشکاران با تصویر ذهنی آنها از بدنشان ارتباط دارند. پس میتوان نتیجه گرفت که با اصلاح تصویر ذهنی از بدن در ورزشکاران میتوان از بروز اختلالات خوردن تا حدی پیشگیری نمود. هم اختلالات خوردن و هم تصویر ذهنی منفی از بدن در جنس مونث شایعتر بودند، بنابراین لازم است که اقدامات پیشگیرانه از بروز اختلالات خوردن در زنان ورزشکار بیشتر مد نظر قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی:

ورزشکار، اختلال خوردن، تصویر بدنی

(۱) دانشگاه علوم پزشکی قزوین : m.zeynali23@gmail.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی قزوین

(۳) دانشگاه علوم پزشکی تهران

Paper ID: 209

بررسی ارتباط ساب کلینیکال هیپوتیروئیدیسم با چاقی و اضافه وزن در زنان قبل از سنین یائسگی

هانیه غلامی^۱، رسول قره آغاجی اصل^۱، ندا ولی زاده^۲

خلاصه مقاله:

زمینه و هدف: چاقی و کمکاری تیروئید از بیماری‌های شایع در افراد هستند که ممکنست با همدیگر همراهی داشته باشند. با توجه به شیوع بالای هیپوتیروئیدی ساب کلینیکال و چاقی در افراد و بویژه در زنان و همچنین تناقضات موجود در مطالعات قبلی در مورد رابطه این دو بر آن شدیم که ارتباط ساب کلینیکال هیپوتیروئیدیسم با چاقی و اضافه وزن در زنان قبل از سنین یائسگی را بررسی کنیم.

روش مطالعه: در یک مطالعه cross-sectional، به مطالعه ۸۹ نفر از خانم‌های قبل از سنین یائسگی در بازه سنی ۵۰-۱۸ سال بدون سابقه قبلی بیماری متابولیک شناخته شده که جهت انجام تست‌های تیروئید به آزمایشگاه بیمارستان امام خمینی ارومیه مراجعه نموده بودند، پرداختیم. قد، وزن و BMI در افراد مورد مطالعه سنجیده شد. بر این اساس ۱۸ $BMI < ۲۵$ کم وزنی، $۲۵ \leq BMI < ۲۹/۹$ وزن طبیعی، $۲۹/۹ \leq BMI < ۳۰$ اضافه وزن، $BMI \geq ۳۰$ چاقی و $BMI \geq ۴۰$ چاقی ناتوان کننده تعریف شد. سطح سرمی FT3، FT4، TSH در حالت ناشتا سنجیده شد و ارتباط بین تست‌های تیروئیدی با اضافه وزن و چاقی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سنی $۱۰/۵ \pm ۳۳/۸۷$ سال، و میانگین توده بدنی $۵/۵ \pm ۲۷/۳$ کیلوگرم بر متر مربع بود. همبستگی معکوسی بین شاخص نمایه توده بدنی و سطح سرمی FT4 مشاهده شد، به گونه‌ای که افزایش میانگین نمایه توده بدنی با کاهش سطح سرمی FT4 و بالعکس همراه می‌باشد و این همبستگی از نظر آماری معنی‌دار بود. ($P = ۰/۰۰۲$ ، $r = -۰/۳۲$) همبستگی مشاهده شده بین نمایه توده بدنی با سطح سرمی FT3 مثبت بود با اینحال از نظر آماری معنی‌دار نبود ($r = ۰/۱۴$ ، $P = ۰/۴۶$). همبستگی مشاهده شده بین سطح سرمی TSH و نمایه توده بدنی نیز مثبت بود با اینحال از نظر آماری معنی‌دار نبود ($r = ۰/۱۶$ ، $P = ۰/۱۴$). همبستگی معناداری بین ساب کلینیکال هیپوتیروئیدیسم و نمایه توده بدنی یافت نشد. ($p = ۰/۳۷$)

بحث و نتیجه‌گیری: در این مطالعه ارتباط معناداری بین ساب کلینیکال هیپوتیروئیدیسم و چاقی و اضافه وزن یافت نشد. توصیه به انجام مطالعات وسیع‌تر با حجم نمونه بیشتر جهت بررسی ارتباط ساب کلینیکال هیپوتیروئیدیسم با چاقی و اضافه وزن می‌شود.

کلمات کلیدی: ساب کلینیکال هیپوتیروئیدیسم، نمایه توده بدنی، چاقی، اضافه وزن

(۱) دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، دانشکده پزشکی

(۲) مرکز تحقیقات چاقی مادر و کودک، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران: nvalizadeh2008@gmail.com

Paper ID: 210

بررسی وضعیت اضافه وزن و چاقی در بیماران مبتلا به افسردگی شهر تهران

مینا کاویانی^۱، تیرنگ رضا نیستانی^۲، بهاره نیکویه^۲، حمید زند^۲، پرچهره یغمایی^۳، فرناز اعتصام^۴، حامد محمدی کنگرانی^۴، محمد عارفی^۴، سیروس جهانگیری بهنق^۵

خلاصه مقاله:

سابقه: کم تحرکی و انزوا از خصوصیات رایج افسردگی، شایعترین اختلال خلق و خو در عصر حاضر، است که پیامدهای ناخوشایندی نظیر چاقی و بیماریهای قلبی-عروقی و افزودن بر بار اقتصادی جوامع دارد. این مطالعه با هدف تعیین وضعیت اضافه وزن و چاقی در بیماران مبتلا به افسردگی شهر تهران در سال ۱۳۹۷ انجام شد. روش‌ها: در یک مطالعه مقطعی که روی بیماران مبتلا به افسردگی خفیف تا متوسط (بر اساس مصاحبه تشخیصی ساختاریافته بالینی با معیار SMD-۴ و پرسشنامه Beck) مراجعه کننده به بیمارستان بهارلوی شهر تهران انجام شد، پرسشنامه مشخصات دموگرافیک از طریق مصاحبه چهره به چهره تکمیل، شاخصهای تن سنجی اندازه گیری و شاخص توده بدن (BMI: height(Kg)weight^۲(m)) محاسبه شد. در این مطالعه وضعیت وزن بدن بر اساس BMI به صورت کم وزنی، وزن طبیعی، اضافه وزن و چاقی (به ترتیب $18.5 < 24.9$ ، $24.9 - 29.9$ ، $29.9 - 30$) طبقه بندی شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمونهای آماری و نرم افزار SPSS, Ver ۲۱ انجام شد. یافته ها: ۵۶ بیمار شامل ۵۰ زن و ۶ مرد با میانگین (انحراف معیار) سنی $43.0(1.15)$ سال در این مطالعه شرکت کردند. میانگین (انحراف معیار) وزن $75.44(14.52)$ Kg و وضعیت وزن افراد به صورت ۱۰ نفر با وزن طبیعی (۱۷.۹٪)، ۲۴ نفر دارای اضافه وزن (۴۲.۹٪) و ۲۲ نفر چاق (۳۹.۳٪) بود.

نتیجه گیری: یافته های مطالعه حاضر بیانگر شیوع بالای اضافه وزن و چاقی در افراد مبتلا به افسردگی خفیف تا متوسط است. سیاستگذاری صحیح در راستای انجام مداخلات تغذیه ای توأم با افزایش فعالیت بدنی به منظور پیشگیری از عوارض ناشی از اضافه وزن و چاقی و کاهش هزینه های درمانی برای بیماران مبتلا به افسردگی، ضروری به نظر می رسد.

واژه های کلیدی:

چاقی، اضافه وزن، افسردگی، تهران

(۱) دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران:

mina_kaviani@yahoo.com

(۲) دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران:

(۳) گروه زیست شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(۴) بیمارستان بهارلو، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

(۵) پلی کلینیک فدائیان اسلام، سازمان تأمین اجتماعی، تهران، ایران

Paper ID: 212

تبیین علل چاقی و راهکارهای ارتقای سلامت در معنادان بهبودیافته: مطالعه کیفی

فریده فرجی^۱، طاهره پاشایی^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: افزایش وزن و چاقی از عوامل مهم سلامتی است که یکی از نگرانی‌ها در درمان و ترک مواد مخدر می‌تواند مربوط به افزایش وزن و اختلالات تغذیه‌ای متعاقب ترک مصرف مواد مخدر باشد. بنابراین با توجه به اینکه بهبودیافتگان درصد قابل توجهی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند و سلامتی این افراد بدلیل سابقه مصرف مواد مخدر بیشتر در معرض آسیب می‌باشد، هدف پژوهش حاضر بررسی علل چاقی و راهکارهای ارتقای سلامت در بهبودیافتگان بود.

روش‌ها: پژوهش حاضر با رویکرد کیفی به روش تحلیل محتوا انجام شد. فرآیند گردآوری داده‌ها مشتمل بر ۳۴ مصاحبه نیمه ساختار یافته با مردان بهبودیافته مواد مخدر در شهر سنندج بود. نمونه‌گیری بصورت هدفمند در نیمه اول سال ۱۳۹۸ آغاز و تا اشیاع داده‌ها ادامه یافت. تحلیل داده‌ها همزمان با جمع‌آوری داده‌ها و به روش آنالیز محتوای کیفی انجام شد. **یافته‌ها:** تحلیل داده‌ها در دو بخش انجام شد. در بخش چاقی کدهای باز شامل ۶۵ مفهوم و کدهای محوری شامل ۶ مقوله عمده مشتمل بر عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی فرهنگی، اقتصادی، روانشناختی و جسمی، در بخش راهکارهای ارتقای سلامت کدهای باز شامل ۳۶ مفهوم و کدهای محوری شامل ۳ مقوله عمده مشتمل بر عوامل فردی، خانوادگی و سیاست گذاری می‌باشد.

نتیجه‌گیری: میل به ارتقای سلامت به عنوان کد محوری شناسایی گردید و اقدامات در این راستا نیازمند برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اصولی و اساسی توسط ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور می‌باشد

واژه‌های کلیدی:

چاقی، معنادان بهبودیافته، ارتقای سلامت

(۱) شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان کردستان : faridefaraji@gmail.com

(۲) علوم پزشکی کردستان

Paper ID: 213

بررسی عوامل روانشناختی پیش‌بینی‌کننده اختلال پرخوری افراطی در بین دانشجویان شهر زنجان

فاطمه سهرابی^۱، سعیده زنونزیان^۲، مظاهر رضایی^۳

خلاصه مقاله:

سابقه: اختلال پرخوری افراطی شامل دوره‌های مکرر پرخوری است که طبق آن فرد قادر به کنترل رفتارهای پرخوری نمی‌باشد و شیوع آن در جمعیت عادی حدود ۳ درصد تخمین زده می‌شود. تحقیقات انوعی از متغیرها را در پیش‌بینی اختلال پرخوری افراطی شناسایی کرده‌اند. بنابراین این پژوهش با هدف بررسی متغیرهای روانشناختی پیش‌بینی‌کننده پرخوری انجام گرفت.

روش‌ها: طرح پژوهش از نوع بررسی مقطعی می‌باشد. ابتدا پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، چک لیست علائم، پرسشنامه شکل بدنی (BSQ)، پرسشنامه کمال‌گرایی چندبعدی فراست (FMPS)، مقیاس دشواری تنظیم هیجان (DERS)، مقیاس شدت پرخوری (BES)، پرسشنامه تکانش‌گری بارت (II-BIS)، پرسشنامه افسردگی، اضطراب و استرس (DASS-21)، مقیاس باورهای غذایی غیرمنطقی (IFBS)، پرسشنامه سرکوب افکار غذایی (FTSI)، پرسشنامه تفکر مبتنی بر تمایل (DTQ) و فرمول BMI در بین ۲۰۰ نفر از دانشجویان شهر زنجان توزیع شد. بعد از جمع‌آوری داده‌ها برازش‌نکویی مدل پژوهش (مدل معادلات ساختاری-تحلیل مسیر) با استفاده از نرم‌افزار لیزرل ۸/۸ بررسی شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که باورهای غذایی غیرمنطقی به‌طور مستقیم و با میانجی‌گری تصویر بدنی پرخوری را پیش‌بینی می‌کند. باورهای غذایی غیرمنطقی با سرکوب افکار غذایی رابطه داشت ولی مسیر سرکوب افکار غذایی به پرخوری معنادار نیست. در عوض مسیر پرخوری به سرکوب افکار غذایی معنادار به دست آمده بود. تفکر مبتنی بر تمایل همراه متغیر تصویر بدنی میانجی ارتباط بین تکانش‌گری، تنظیم هیجان و کمال‌گرایی به سمت پرخوری بود. همچنین کمال‌گرایی به واسطه متغیرهای میانجی هیجان منفی و تصویر بدنی روی پرخوری تأثیر داشت. مسیر دیگر هم مسیر تنظیم هیجان، هیجان منفی و تصویر بدنی به سمت پرخوری بود که معنادار به دست آمد. شاخص توده بدنی هیچ تأثیری روی پرخوری نداشته و به همین دلیل از مدل پژوهش حذف شد.

نتیجه‌گیری: به‌طور کلی این پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای پژوهش از طریق مسیرهای گوناگون پیش‌بینی‌کننده اختلال پرخوری افراطی می‌باشد. بنابراین درک بهتر این متغیرها برای اختلال پرخوری و چاقی و همچنین برنامه‌های درمانی و مداخلات موثرتر ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی:

متغیرهای روانشناختی، اختلال پرخوری افراطی، دانشجویان

(۱) آموزش و پرورش

(۲) دپارتمان روانشناسی بالینی دانشگاه علوم پزشکی زنجان : zenoozian@zums.ac.ir

(۳) دانشگاه علوم پزشکی زنجان

Paper ID: 215

غلظت سرمی گرلین و وزن بدن در موش‌های صحرایی دیابتی تیمار شده با نانوذرات نقره سنتز شده با گیاه گالگا

فریبا محمودی^۱، خدیجه حقیقت گللو^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: مقدمه: در افراد دیابتی گیاه گالگا (*officinalis Galega*). گلوکز خون و وزن بدن را کاهش می‌دهد. در افراد سالم تزریق گرلین سبب افزایش وزن بدن می‌گردد. اما در شرایط پاتولوژیکی نظیر دیابت که با کاهش وزن بدن بیماران همراه است غلظت پلاسمایی گرلین بالاتر از افراد سالم است. در تحقیق حاضر اثرات نانوذرات نقره سنتز شده با عصاره گیاه گالگا (GSNPs) بر غلظت سرمی گرلین و وزن بدن در موش‌های صحرایی دیابتی بررسی شد.

روش‌ها: مواد و روش‌ها: پانزده موش صحرایی نر نژاد ویستار با وزن ۲۰۰-۱۸۰ g شامل موش‌های صحرایی سالم یا مبتلا به دیابت نوع یک القا با آلوکسان مونوهیدرات (۱۵۰ Kg/mg) به ترتیب تزریق داخل صفاقی سالیین یا ۲/۵ gK/mg GSNPs را به مدت ۱۴ روز دریافت کردند. یک روز بعد از آخرین تزریق، در حالت ناشتا نمونه‌های خونی جمع‌آوری شد. وزن بدن و غلظت سرمی گرلین با استفاده از کیت هورمون گرلین با روش الایزا اندازه‌گیری شدند.

یافته‌ها: نتایج: میانگین وزن بدن در گروه دیابتی دریافت‌کننده GSNPs در مقایسه با گروه کنترل سالم و دیابتی از نظر آماری به طور معنی‌داری کاهش پیدا کرد. میانگین غلظت سرمی گرلین در گروه‌های دیابتی یا دیابتی دریافت‌کننده GSNPs در مقایسه با گروه کنترل سالم از نظر آماری به طور معنی‌داری افزایش پیدا کرد.

نتیجه‌گیری: بحث و نتیجه‌گیری: احتمال دارد که در اثرات کاهشی دیابت بر وزن بدن افزایش ترشح گرلین و به دنبال آن غیر فعال شدن آنزیم استیل کوآنزیم A و فعال‌سازی اکسیداسیون اسیدهای چرب دخالت داشته باشد.

واژه‌های کلیدی:

گرلین، نانوذرات نقره، گالگا، وزن بدن.

(۱) دانشگاه محقق اردبیلی : faribamahmoudifm@gmail.com

(۲) دانشگاه محقق اردبیلی

Paper ID: 216

ارتباط نمایه های تن‌سنجی مادر قبل و حین بارداری با نمایه های تن‌سنجی نوزاد در بدو تولد و شش ماهگی: یک مطالعه هم گروهی آینده نگر در شهر تهران

طاهره کریمی^۱، آرزو رضازاده^۲، حسن عینی زیناب^۲

خلاصه مقاله:

مقدمه: شواهد نشان می‌دهد که نمایه توده بدنی (BMI: Index Mass odyB) پیش از بارداری مادر یکی از مهم‌ترین عوامل مرتبط با پیامدهای بارداری است و نمایه‌های مربوط به اندازه تولد نوزاد را پیش‌بینی می‌کند. هدف از مطالعه حاضر، تعیین ارتباط BMI پیش از بارداری مادر با شاخص‌های تن‌سنجی نوزاد در بدو تولد به صورت یک مطالعه هم گروهی آینده نگر است. روش کار: این مطالعه کوهورت آینده نگر با مشارکت ۵۸۵ مادر باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشت دولتی و بیمارستان های خصوصی تحت پوشش دانشگاه‌های شهید بهشتی، تهران و ایران در شهر تهران انجام گرفت. قد و وزن مادران باردار با استفاده از ابزار و پروتکل استاندارد در اولین دیدار در کمتر از ۲۲ هفته بارداری اندازه‌گیری و وزن قبل از بارداری و وزن پایان بارداری مادر به همراه داده‌های مربوط به شاخص‌های تن‌سنجی نوزادان از پرونده سلامت مادران و نوزادان مورد مطالعه از سامانه الکترونیکی سیب جمع‌آوری گردید. نمایه‌های تن‌سنجی نوزادان در نرم افزار آنتروپلاس محاسبه شد. تجزیه و تحلیل داده ها در نرم افزار SPSS با استفاده از آزمون رگرسیون خطی با تعدیل عوامل مخدوشگر (سن، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، سلامت عمومی و فعالیت بدنی) انجام شد یافته‌ها: میانگین و انحراف معیار BMI پیش از بارداری، وزن‌گیری مادر طی بارداری، نمایه توده بدن برای سن (BAZ: score-Z Age for BMI) و وزن برای سن (WAZ: score-Z Age for Weight)، قد برای سن (HAZ: score-Z Age for Height) و دور سر برای سن (HCZ: score-Z Age for Circumference Head) هنگام تولد به ترتیب $24/52 \pm 4/12$ کیلوگرم بر متر مربع $12/16 \pm 6/85$ کیلوگرم، $-0/61 \pm 1/48$ ، $0/13 \pm 1/92$ و $-0/11 \pm 1/56$ بود. بعد از تعدیل عوامل مخدوشگر، BMI پیش از بارداری مادر با BAZ در ارتباط بود. $(B=0/04, CI=0/05-0/08)$ و افزایش وزن بارداری با WAZ $(B=0/04, CI=0/05-0/08)$ هنگام تولد نوزاد در ارتباط بود. ارتباطی بین BMI پیش از بارداری و وزن‌گیری مادر با HAZ و HCZ هنگام تولد نوزاد و نمایه‌های تن‌سنجی شیرخوار در شش ماهگی دیده نشد ($p>0/05$). نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان داد که BMI پیش از بارداری و وزن‌گیری مادر طی بارداری صرفاً با WAZ و BAZ هنگام تولد نوزادان در ارتباط است. اما به تنهایی پیش‌بینی کننده وضعیت تن‌سنجی ماههای اول زندگی شیرخوار نمی‌باشد. مقدمه: شواهد نشان می‌دهد که نمایه توده بدنی (BMI: Mass Body Index) پیش از بارداری مادر یکی از مهم‌ترین عوامل مرتبط با پیامدهای بارداری است و نمایه‌های مربوط به اندازه تولد نوزاد را پیش‌بینی می‌کند. هدف از مطالعه حاضر، تعیین ارتباط BMI پیش از بارداری مادر با شاخص‌های تن‌سنجی نوزاد در بدو تولد به صورت یک مطالعه هم گروهی آینده نگر است. روش کار: این مطالعه کوهورت آینده نگر با مشارکت ۵۸۵ مادر باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشت دولتی و بیمارستان های خصوصی تحت پوشش دانشگاه‌های شهید بهشتی، تهران و ایران در شهر تهران انجام گرفت. قد و وزن مادران باردار با استفاده از ابزار و پروتکل استاندارد در اولین دیدار در کمتر از ۲۲ هفته بارداری اندازه‌گیری و وزن قبل از بارداری و وزن پایان بارداری مادر به همراه داده‌های مربوط به شاخص‌های تن‌سنجی نوزادان از پرونده سلامت مادران و نوزادان مورد مطالعه از سامانه الکترونیکی سیب جمع‌آوری گردید. نمایه‌های تن‌سنجی نوزادان در نرم

(۱) دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی : taheretak@yahoo.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

۶ تا ۸ آذر ۱۳۹۸ تهران، مرکز همایش‌های شادروان دکتر غرضی، بیمارستان فوق تخصصی میلاد

افزار آنتروپلاس محاسبه شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در نرم افزار SPSS با استفاده از آزمون رگرسیون خطی با تعدیل عوامل مخدوشگر (سن، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، سلامت عمومی و فعالیت بدنی) انجام شد.

واژه‌های کلیدی:

نمایه‌های تن‌سنجی مادر، نمایه‌های تن‌سنجی نوزاد، مطالعه هم‌گروهی، تهران

Paper ID: 217

اثرات متقابل عوامل تغذیه ای و میکروفلور روده در ارتباط با چاقی

زینب مختاری^۱، مرسا زرودی^۲، سمیه مختاری^۳، آریتا حکمت دوست^۴

خلاصه مقاله:

سابقه: میکروفلور روده و متابولیت‌های ناشی از آن نقش مهمی در پاتوژنز چاقی دارند. علاوه بر آن، اجزای رژیم غذایی نیز می‌تواند از طرق مختلف بر ترکیب میکروفلور روده و مسیرهای مختلف متابولیکی درگیر در ایجاد چاقی نقش داشته باشد. بنابراین، این مطالعه مروری سیستمیک به منظور بررسی اثرات رژیم غذایی بر میکروفلور روده در ارتباط با چاقی انجام شد. روش‌ها: در این مطالعه بانک‌های الکترونیکی 'd'PubMe'، 'Scopus'، 'knowledge' of Web'، 'Cochrane Library' از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۱۹ جست و جو شد. کلید واژه‌های '[MESH] Obesity'، 'weight Body'، '[MESH] Microbiome Gastrointestinal' و 'Dysbiosis' در ترکیب با '[MESH] Nutrition' یا 'Diet' یا 'entNutri' مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها: ترکیب میکروفلور روده بر میزان برداشت انرژی از رژیم غذایی اثرگذار است. نسبت Firmicutes به Bacteroidetes و افزایش دسته کلاستریدیوم متعلق به دسته Firmicutes با افزایش تولید انرژی از مواد غذایی همراه است. رژیم‌های پرچرب و پرپروتئین با افزایش برخی از باکتری‌های متعلق به دسته Firmicutes و کاهش باکتری‌های تولیدکننده اسیدهای چرب کوتاه زنجیر همراه می‌باشد. الگوهای غذایی مدیترانه‌ای، پروبیوتیک‌ها، پره بیوتیک‌ها، نشاسته‌های مقاوم به هضم، فروکتوز، پلی فنول‌ها، اسیدهای چرب امگا ۳ از جمله اجزای رژیم غذایی هستند که می‌توانند با تغییراتی که در میکروفلور روده ایجاد کنند سبب تغییراتی در وضعیت التهاب، برداشت انرژی از مواد غذایی و ترشح هورمون‌های اثرگذار بر اشتها گردند و از این طریق بر چاقی و عوارض ناشی از آن تاثیر گذارند.

نتیجه‌گیری: اجزای رژیم غذایی و میکروفلور روده دارای یک رابطه دو سویه هستند. تداخلات بین این دو عامل می‌تواند در ایجاد و یا درمان چاقی نقش داشته باشند. شناخت بهتر نقش میکروفلور روده در متابولیسم انرژی، پاسخهای ایمنی و هورمون‌های موثر بر اشتها ممکن است منجر به یافتن استراتژی‌های جدید برای پیشگیری از چاقی و عوارض همراه با آن گردد.

واژه‌های کلیدی:

میکروفلور روده، میکروبیوتای روده، چاقی، رژیم غذایی، عوامل غذایی

(۱) دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی : zeinab_mokhtary@yahoo.com

(۲) Department of Nutrition, Faculty of Public Health, Branch ۹, University of Medical Sciences, Tehran, Iran

(۳) مرکز درمانی_آموزشی خورشید، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

(۴) گروه تغذیه بالینی، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی کشور، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

Paper ID: 220

بررسی ارتباط امکانات مدرسه با شاخص‌های تن سنجی و چاقی در نوجوانان دختر آذری و کرد ساکن شهر ارومیه

بهاره سیدین^۱، آرزو رضازاده^۲، نسرین امیدوار^۲، فرید زایری^۲، سکینه نوری سعیدلو^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: عوامل محیطی، اقتصادی-اجتماعی و، قومیتی از عوامل مهم موثر بر وضعیت تن سنجی می باشند که بروز عوامل متابولیکی و ژنتیکی را تحت تاثیر قرار میدهد. هدف این مطالعه بررسی ارتباط امکانات محیط مدرسه با شاخص‌های تن سنجی در نوجوانان آذری و کرد ساکن شهر ارومیه می باشد.

روش‌ها: این مطالعه مقطعی با مشارکت ۳۵۰ دانش‌آموز دختر (۲۱۹ آذری و ۱۳۱ کرد) در رده سنی ۱۶-۱۸ در شهر ارومیه انجام گرفت. اطلاعات جمعیت شناختی و وضعیت اجتماعی-اقتصادی افراد شرکت کننده در مطالعه توسط مصاحبه رو در رو گردآوری شد. برای بررسی امکانات مدرسه از پرسشنامه طراحی شده توسط محقق استفاده گردید. اطلاعات تن سنجی با روش‌های استاندارد انجام و برای تعیین امتیاز Z نمایه توده بدن برای سن از نرم افزار AnthroPlus WHO استفاده شد. برای تعیین اضافه وزن و چاقی در نوجوانان از معیارهای WHO استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها در نرم افزار SPSS انجام شد.

یافته‌ها: بالاتر از نوجوانان کرد بود ($P < 0.05$). دانش‌آموزان آذری امتیاز بالاتری برای وضعیت اقتصادی-اجتماعی کسب کردند همچنین میانگین انحراف معیار امتیاز ابعاد وضعیت اقتصادی-اجتماعی مدرسه و امتیاز محیط مصرف مواد غذایی در مدرسه محل تحصیل نوجوانان آذری بالاتر بود ($P < 0.05$). بعد از تعدیل اثر مخدوشگرها، امتیاز کل امکانات مدرسه با BAZ و شانس چاقی در هر دو جنس معنی دار نبود. اما در نوجوانان دختر کرد امتیاز امکانات فعالیت بدنی مدرسه با BAZ رابطه معکوس داشته و با شانس پایین تر ابتلا به چاقی مرتبط بود.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان دادند که وضعیت اقتصادی-اجتماعی و امتیاز کل امکانات مدرسه با شانس ابتلا به چاقی در نوجوانان آذری رابطه معنی داری نداشت ولی امکانات فعالیت بدنی مدارس با شاخص‌های تن سنجی نوجوانان کرد رابطه معکوس داشت. با توجه به پایین بودن وضعیت اجتماعی-اقتصادی نوجوانان کرد در مقایسه با نوجوانان آذری، می توان نتیجه گرفت که با بهبود امکانات فعالیت بدنی مدارس شانس ابتلا به چاقی در نوجوانان کرد کاهش می یابد.

واژه‌های کلیدی:

نوجوانان، قومیت، چاقی، امکانات مدرسه، ارومیه

(۱) دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی : b.seyyedin@yahoo.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

(۳) دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

Paper ID: 223

اثر ماست پروبیوتیک لاکتوباسیلوس کازئی بر تغییرات وزن و تنظیم اشتها در رت‌های مبتلا به آرتریت روماتوئید

آیدین آینه چی^۱، مهرانگیز ابراهیمی ممقانی^۲، ندا جورابچی قدیم^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: گرچه چاقی از مهمترین پیشگویی کننده‌ها و نیز تشدید کننده بیماری آرتریت روماتوئید است، برخی از مبتلایان به آرتریت روماتوئید از کاهش اشتها و حتی کاهش وزن رنج می‌برند. در این پژوهش اثر ماست پروبیوتیک با لاکتوباسیلوس کازئی بر تغییرات وزن و اشتها در رت‌های مبتلا به آرتریت روماتوئید بررسی شد. **روش‌ها:** ۲۵ رت ماده (سن ۸ هفته و وزن حداقل ۱۸۰ گرم) در پنج گروه: (۱) سالم، (۲) مبتلا به آرتریت روماتوئید (بدون مداخله)، (۳) مبتلا به آرتریت روماتوئید - دریافت دارودرمانی (متوترکسات)، (۴) مبتلا به آرتریت روماتوئید - دریافت ماست معمولی و (۵) مبتلا به آرتریت روماتوئید - دریافت ماست پروبیوتیک قرار گرفتند و بیماری آرتریت روماتوئید با تزریق Freund

یافته‌ها: میانگین اشتها و وزن در گروه‌های مبتلا به آرتریت روماتوئید نسبت به رت‌های گروه ۱ (سالم) بطور معنی داری کاهش یافت ($P < 0.05$). وزن رت‌ها در گروه‌های دریافت کننده ماست (۴ و ۵) نسبت به گروه‌های بیمار (۲ و ۳) بطور معنی داری بیشتر بود (میانگین وزن (گرم) گروه ۱: 239 ± 16 ، گروه ۲: 196 ± 18 ، گروه ۳: 211 ± 14 ، گروه ۴: 232 ± 21 و گروه ۵: 226 ± 11). دریافت ماست پروبیوتیک موجب بهبود اشتها شد و با گروه سالم اختلاف معنی داری نداشت (میانگین دریافت غذا (گرم در روز) در گروه ۱: 93 ± 8 ، گروه ۲: 76 ± 7 ، گروه ۳: 79 ± 8 ، گروه ۴: 77 ± 6 و گروه ۵: 84 ± 7). اندکس روماتوئید و میزان تورم پا تنها در گروه ۳ (متوترکسات) بطور معنی داری کاهش یافت و دریافت ماست و ماست پروبیوتیک نتوانست بطور معنی داری اندکس روماتوئید و میزان تورم پا را کاهش دهد.

نتیجه گیری: به نظر می‌رسد دریافت ماست پروبیوتیک موجب بهبود وزن و اشتها در رت‌های مبتلا به آرتریت روماتوئید می‌گردد.

واژه‌های کلیدی:

آرتریت روماتوئید، وزن، اشتها، ماست، ماست پروبیوتیک، رت

(۱) دانشگاه علوم پزشکی تبریز: aainechi@yahoo.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی تبریز

Paper ID: 224

تأثیر اسید پالمیتیک در بیان برخی ژن‌های دخیل در فرایند قهوه‌ای شدن سلول‌های بنیادی مشتق از چربی انسانی

ندا جورابچی قدیم^۱، مهرانگیز ابراهیمی ممقانی^۲، آیدین آینه چی^۲، لیلا روشنگر^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: اضافه وزن و چاقی در نتیجه عدم تعادل بین انرژی دریافتی و انرژی مصرفی است. تنظیم مصرف انرژی توسط درمان‌های معمول موفقیت محدودی در کاهش وزن داشته است. در طی چند سال گذشته با کشف ویژگی‌های بافت چربی قهوه‌ای (BAT) دیدگاه جدیدی در تنظیم مصرف انرژی باز شده است. BAT با فعالیت ترموژنیک موجب اتلاف انرژی توسط تولید حرارت می‌شود. سلول‌های بزرگ در حالت پایه، مرفولوژی مشابه سلول‌های بافت چربی سفید داشته و پس از تحریک به ترموژنز، به یک مرفولوژی بینابینی میان BAT و چربی سفید تغییر پیدا کرده و در نهایت با بیان ژن UCP ۱ به BAT شبیه‌تر می‌شوند، این عمل را قهوه‌ای شدن یا (Browning) می‌نامند. به نظر می‌رسد مصرف اسید پالمیتیک احتمالاً با کاهش در بیان ژن UCP ۱ می‌تواند در ترموژنز مؤثر باشد. لذا مطالعه حاضر با هدف ارزیابی اثر اسید چرب پالمیتیک در بیان برخی ژن‌های دخیل بر فرآیند browning در سلول‌های بنیادی مشتق از چربی انسانی (HADSc) انجام گرفت.

روش‌ها: جهت القای تمایز سلول‌های بنیادی به سلول چربی محیط تمایزی به محیط کشت پایه اضافه گردیده و پس از ۲۱ روز تمایز مشاهده گردید. جهت ارزیابی تمایز سلولی رنگ‌آمیزی O RED OIL انجام گرفت. جهت تعیین دوز مورد مداخله روش CCK ۸ استفاده گردید و سپس مداخله به مدت ۲ روز انجام گرفت. جهت ارزیابی بیان ژن‌های مورد نظر نیز از روش PCR Time-Real استفاده گردید.

یافته‌ها: یافته‌های مطالعه حاکی از تأثیرات منفی اسید پالمیتیک بر بیان ژن‌های دخیل در فرایند قهوه‌ای شدن می‌باشد. به طوری که اسید پالمیتیک بیان ژن UCP ۱ را در دوز ۱۰۰ میکرومول به صورت معنی‌داری کاهش یافت ($P < 0.05$). نتیجه‌گیری: اسید پالمیتیک با کاهش بیان ژن‌های دخیل در فرایند قهوه‌ای شدن می‌تواند از این طریق موجب افزایش چاقی شود. تحقیقات بیشتری جهت تأیید این یافته‌ها مورد نیاز است.

واژه‌های کلیدی:

سلول بنیادی مشتق از چربی، بافت چربی قهوه‌ای، پالمیتیک اسید، اسید چرب، چاقی، ۱-protein uncoupling

(۱) دانشگاه علوم پزشکی تبریز: n.jourabchi.gh@gmail.com

(۲) دانشگاه علوم پزشکی تبریز

Paper ID: 225

دانش، نگرش و عملکرد تغذیه‌ای پزشکان عمومی در خصوص

کبری ناخدا^۱، سمیه حسین پور نیازی^۲، پروین میرمیران^۲، فتحیه مرتضوی^۳

خلاصه مقاله:

مقدمه: علی‌رغم افزایش چشمگیر شیوع سندرم متابولیک در ایران، متاسفانه در پیشگیری و مراقبت‌های اولیه به آن توجه کافی نشده است. هدف: این مطالعه با هدف بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد تغذیه‌ای پزشکان عمومی نسبت به اصول تغذیه سالم در بیماران مبتلا به سندرم متابولیک انجام پذیرفت.

روش‌ها: روش این پژوهش توصیفی-مقطعی و جامعه آماری شامل تعداد ۵۰۰ نفر از بین پزشکان شاغل در مراکز بهداشتی درمانی علوم پزشکی شهید بهشتی سال ۱۳۹۳ در تهران بود. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر مطالعات اسنادی بوده که روایی آن به روش اعتبار محتوی و با استفاده از نظرات پنج خبره دانشگاهی تعیین شده و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۰ به دست آمد. پرسشنامه شامل چهار بخش: الف) ۶ سوال در خصوص اطلاعات دموگرافیک، ب) ۶ سوال در خصوص دانش نسبت به سندرم متابولیک (پ) ده سوال در مورد دانش و نگرش در مورد تغذیه نسبت به مدیریت سندرم متابولیک، ت) یک مطالعه موردی که به منظور ارزیابی عملکرد تغذیه‌ای پزشکان طراحی شده است.

یافته‌ها: شرکت کنندگان به طور متوسط $42/8 \pm 6/6$ سال بودند؛ ۷۲/۶٪ متاهل، ۵۸٪ زن بودند و بیش از ۱۰ سال تجربه کاری داشتند. پاسخ‌های نادرست در آگاهی نسبت به تعریف، عوامل خطر و عوارض سندروم متابولیک به ترتیب ۶۸،۶، ۷۴،۸ و ۷۸،۲٪ بود. بیش از ۹۵٪ پزشکان اظهار داشتند که سابقه پزشکی بیمار را به دلایل زیر بررسی نمی‌کنند: جزءوظیفه‌ی کاری آنان نیست (۰/۶۲٪)، کمبود وقت (۷۱/۲٪)، دانش محدود در مورد تغذیه (۸۰/۲٪) و عدم اعتقاد به کارایی رژیم درمانی (۱۴/۶٪). همچنین بیش از ۶۰٪ پزشکان گزارش دادند که ارتباط بین الگوهای صحیح رژیم غذایی و پیشگیری و درمان سندروم متابولیک وجود دارد،

اگرچه دانش تغذیه‌ای و جزئیات رژیم‌های غذایی سالم برای پیشگیری و درمان سندروم متابولیک را صحیح بیان نکردند. پاسخ صحیح به سوال؛ 'مصرف چربی زیاد دلیل اصلی MetS نسبت به رژیم غذایی کربوهیدرات زیاد' کمتر از ۲۰٪ بود. نتیجه گیری: از دیدگاه پزشکان عمومی ضعف دانش تغذیه‌ای، احساس عدم مهارت و کمبود وقت، موانع ذکر شده در ارائه‌ی مشاوره‌ی تغذیه و مدیریت سندروم متابولیک است.

واژه‌های کلیدی:

آگاهی، نگرش، عملکرد، پزشکان، سندرم متابولیک

(۱) ولنجک - پژوهشکده‌ی غدد درون ریز: sh_nakhoda@yahoo.com

(۲) پژوهشکده غدد

(۳) باز نشستہ دانشکده آموزش پزشکی

Paper ID: 226

ارتباط بین فاکتورهای زودرس در زندگی با اختلالات وزن و چاقی شکمی در کودکان و نوجوانی

بهاره ورد

خلاصه مقاله:

سابقه: اختلالات وزن یکی از مشکلات بزرگ سلامت در سرتاسر دنیاست. در کشورهای با درآمد بالا چاقی و در کشورهایی با درآمد متوسط تا پایین با اختلالات تغذیه ای درگیر هستند.

روش‌ها: این مطالعه مقطعی بروی ۱۴۴۰۰ دانش آموز ۷-۱۸ ساله و طبق یک برنامه بایش ملی در سال ۲۰۱۵ و براساس نمونه گیری خوشه ای تصادفی در ۳۰ استان ایران انجام شد. معاینه فیزیکی و شاخص های انتروپمتریک ثبت شد. اختلالات وزن شامل کم وزنی و اضافه وزن (بر اساس منحنی های سازمان بهداشت جهانی) و چاقی شکمی می باشد. **یافته ها:** دانش آموزانی با وزن کم هنگام تولد احتمال بیشتری برای کم وزنی نسبت به دانش آموزانی با وزن تولد نرمال داشتند. همچنین دانش آموزان با وزن تولد بالا افزایش احتمال ۳۶٪ برای افزایش وزن را در مقایسه با بچه هایی با وزن تولد نرمال داشتند. مصرف شیر گاو در دو سال اول زندگی تغذیه طولانی مدت با شیر مادر، وزن بالای تولد، وزن کم مادر قبل از حاملگی با چاقی شکمی ارتباط داشتند.

نتیجه گیری: این مطالعه نقش فاکتورهای زودرس در زندگی را بر اختلالات وزن بخاصه چاقی و چاقی شکمی کودکان و نوجوانان نشان میدهد

واژه های کلیدی:

اختلالات وزن، فاکتورهای زودرس در زندگی، اندازه گیری های تن سنجی

Paper ID: 227

بررسی ارتباط چاقی و اختلالات غدد درون ریز

سیما نظریور^۱، فهیمه رضانی تهرانی^۲، مرضیه رستمی دوم^۲

خلاصه مقاله:

سابقه: چاقی یکی از مهمترین خطرات سلامتی زمان ما است. اختلالات غدد درونریز در چاقی گزارش شده است. برخی از این ناهنجاری‌ها به عنوان عوامل ایجاد کننده چاقی در نظر گرفته می‌شوند، در حالی که برخی دیگر به عنوان اثرات ثانویه چاقی محسوب می‌شوند و معمولاً پس از کاهش وزن بهبود می‌یابند. از آنجا که هورمونهای تیروئید متابولیسم انرژی و گرمادایی را تنظیم می‌کند و نقش مهمی در متابولیسم گلوکز و لیپیدها، مصرف مواد غذایی و اکسیداسیون اسیدهای چرب ایفا می‌کنند به نظر میرسد چاقی، به ویژه چاقی مرکزی، با اختلال عملکرد تیروئید مرتبط باشند. همچنین تصور می‌شود که چاقی باعث ایجاد تغییر در متابولیسم بدن می‌شود که این تغییرات باعث می‌شود بافت چربی، مولکولهای چربی را درون خون آزاد کند، این مسئله می‌تواند سلولهای پاسخ دهنده به انسولین را تحت تأثیر قرار دهد و منجر به کاهش حساسیت به انسولین شود. این مطالعه به منظور بررسی ارتباط بین چاقی و سابقه اختلالات تیروئید و دیابت در خانمهای باردار انجام گردید.

روش‌ها: در این مطالعه مقطعی مبتنی بر جمعیت، ۲۱۵۶ زن باردار، مراجعه کننده به مراکز مراقبت‌های دوران بارداری دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سه ماهه اول مورد بررسی قرار گرفتند. سابقه اختلالات تیروئید و دیابت در خانمهای باردار با وزن طبیعی (BMI ۱۸,۵-۲۴,۹ m/kg^2)، کم وزن (BMI $> 18,5 \text{ m/kg}^2$)، با اضافه وزن (BMI $25,0-29,9 \text{ m/kg}^2$)، چاقی متوسط (BMI $30,0-34,9 \text{ m/kg}^2$) و چاقی شدید (BMI $\geq 35,0 \text{ m/kg}^2$) بررسی گردیدند.

یافته‌ها: نتایج مطالعه نشان داد که در ۲۱۵۶ زن مورد مطالعه، ۴۵,۹٪ (۹۸۹ نفر) دارای وزن طبیعی، ۵,۷٪ (۱۲۳ نفر) کم وزن، ۳۵,۳٪ (۷۶۱ نفر) دارای اضافه وزن، ۱۰,۳٪ (۲۲۱ نفر) چاقی متوسط و ۲,۹۲٪ (۶۲ نفر) چاقی شدید بودند. سابقه اختلالات تیروئیدی در خانمهای با چاقی شدید در مقایسه با خانمهای با وزن طبیعی، بطور معنی داری بالاتر بود (۱۴,۵٪ در مقایسه با ۶,۳٪، $p < 0,05$). همچنین خانمهای چاق در مقایسه با خانمهای با وزن طبیعی بطور معنی داری سابقه دیابت بالاتری را ذکر می‌کردند (۳,۲٪ در مقابل ۰,۸٪، $p < 0,05$).

نتیجه گیری: چاقی مادر با افزایش خطر اختلالات تیروئید و دیابت همراه است. این مسئله لزوم توجه و تشخیص بموقع و اقدامات لازم را در کاهش عوارض اختلالات مذکور مشخص می‌سازد.

واژه های کلیدی:

چاقی، اختلالات تیروئیدی، دیابت

(۱) گروه مامایی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین- پیشوا، تهران، ایران. / مرکز تحقیقات اندوکرینولوژی تولید مثل، پژوهشکده غدد

درون ریز، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران : snazarpour@gmail.com

(۲) مرکز تحقیقات اندوکرینولوژی تولید مثل، پژوهشکده علوم غدد درون ریز و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

Paper ID: 228

تاثیر آدنوزین و تمرین اینتروال با شدت بالا (HIIT) در بهبود وضعیت پروفایل لیپیدی و اسیدچرب غیراستریفیه در موش‌های صحرایی نر چاق تغذیه شده با رژیم

زهرا اسلامی^۱، سید جواد میرغنی^۲، مهدی صید یوسفی^۳، سید علی میرغنی^۴، زینب فغفوری^۴، محمد علی آذربایجانی^۵

خلاصه مقاله:

سابقه: متخصصین علوم ورزشی از اثرات پیشگیری کننده و درمانی فعالیت‌های بدنی بر چاقی، از طریق کاهش توده بدنی به عنوان یک مداخله، بدون آثار سوء و تا حدودی پایدار نام می‌برند. از این رو اثر مثبت HIIT به عنوان مهارکننده چاقی، با مهار افزایش وزن چربی ناشی از رژیم غذایی و بهبود توزیع چربی بدن و مقاومت به انسولین در اختلالات ناشی از چاقی اثر می‌گذارد.

روش‌ها: ۲۰ سر موش صحرایی به صورت تصادفی به ۴ گروه کنترل، غذای پرچرب، غذای پرچرب+HIIT + تزریق دارونما و غذای پرچرب+HIIT + تزریق آدنوزین تقسیم شدند. آزمودنی‌ها ۱۳ هفته غذای پرچرب با ۴۰٪ چربی دریافت نمودند سپس ۱۲ هفته HIIT اجرا نمودند. براساس مطالعه crossover آدنوزین در دوزهای ۰،۱ - ۰،۴ - ۰،۴ kg/ml/mg به صورت زیرصفافی در مدت ۱۲ هفته تزریق شد. HIIT با شدت ۸۵-۹۰٪ Vmax، گرم کردن به مدت ۳ دقیقه با شدت ۱۰ min/m و سرد کردن به مدت ۱ دقیقه با شدت ۱۵ min/m و ۲ دقیقه با شدت ۱۰ min/m انجام شد.

یافته‌ها: بین میانگین کلسترول (Sig=۱۶۷)، TG (Sig=۵۷۶) و اسیدچرب (Sig=۲۱۶) در دو گروه کنترل و غذای پرچرب تفاوت معناداری وجود ندارد (Sig=۱۶۷) اما بین میانگین LDL، HDL در دو گروه کنترل و غذای پرچرب تفاوت معناداری دیده شد (P<۰۰۱). میانگین سطوح کلسترول و HDL در گروه HIIT + آدنوزین درمقایسه با گروه بدون تمرین + آدنوزین بطور معناداری پایینتر است اما میانگین سطوح TG و LDL بین این دو گروه اختلاف معناداری نداشت.

نتیجه‌گیری: نتایج داده‌های حاضر حاکی از اثر نوع تمرین و همچنین دریافت داروی آدنوزین بر بهبود وضعیت لیپیدی است. بعلاوه هم افزایش تمرین اینتروال با شدت بالا به همراه داروی آدنوزین نیز باعث سرعت بخشیدن روند کاهش چربی خون می‌شود.

واژه‌های کلیدی:

آدنوزین، HIIT، پروفایل لیپیدی، اسیدچرب، چاقی

(۱) دانشگاه علوم پزشکی گلستان : mahya.al673@gmail.com

(۲) پژوهشگاه شهید میرغنی

(۳) دانشگاه آزاد بجنورد

(۴) دانشگاه علوم پزشکی سمنان

(۵) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

Paper ID: 229

بررسی رابطه سندرم متابولیک و چاقی در زنان باردار

هادی علیمرادی^۱، مجید مکاری^۲، محمد مهدی میر صالحیان^۳، سجاد مظفری^۴، مهرداد حقی^۱، مهسا نظری^۵

خلاصه مقاله:

سابقه: چاقی و اضافه وزن یکی از مشکلات مهم مرتبط با سلامتی در سراسر جهان است. چاقی می‌تواند در میزان موفقیت بارداری تأثیرگذار باشد. سندرم متابولیک با شیوع اضافه وزن و چاقی ارتباط دارد و از طرفی به عنوان عامل خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی عروقی و دیابت مطرح است. یک سوم جمعیت ایران به سندرم متابولیک مبتلا هستند که شیوع آن در زنان بیشتر است. در این مطالعه ارتباط سندرم متابولیک و چاقی با تحلیل الگوی غذایی زنان باردار جهت تعیین نقش چاقی زنان باردار بر نتایج حاملگی مراجعه کننده گان به بیمارستان شهید بهشتی بررسی شد.

روش‌ها: این مطالعه به روش مورد - شاهدی بر روی ۲۴۰ زن باردار ۱۸-۴۰ ساله، تک قلو، حاملگی ترم، جنین با نمایش سر، که بطور مساوی در دو گروه زنان با وزن طبیعی ($BMI \geq 26$) و زنان چاق ($BMI < 26$) قرار گرفتند، انجام شد. سندرم متابولیک طبق تعریف فدراسیون بین المللی دیابت (TLGS) مطالعه قند و لیپید تهران غذایی با استفاده از داده‌های جمع آوری شده از طریق پرسشنامه نیمه کمی بسامد خوراک ۱۶۸ قلم ماده غذایی در ۲۶ گروه غذایی با استفاده از تحلیل عاملی گروه‌های غذایی مصرفی تعیین شد. هر دو گروه از لحاظ سن، تحصیلات، وضعیت اشتغال، تعداد حاملگی، فاصله زایمانی و افزایش وزن دوران بارداری با هم همسان گردیدند. داده‌های مطالعه از طریق پرسشنامه آزمایش شده، جمع‌آوری و نهایتاً با استفاده از آمار توصیفی و تست آماری t -test و χ^2 -square آنالیز شدند و $p > 0.05$ معنی‌دار تلقی شد.

یافته‌ها: میانگین شاخص توده بدنی زنان باردار شرکت کننده در گروه شاهد 26.07 ± 4.31 کیلوگرم بر متر مربع بود و شیوع اضافه وزن و چاقی در زنان باردار گروه مورد ۵۶/۹۹٪ به دست آمد. احتمال ابتلا به سندرم متابولیک در زنانی که چاقی کالس دو داشتند، ۲/۶۹ برابر زنانی با شاخص توده بدنی نرمال می‌باشد.

نتیجه‌گیری: همانگونه که در مطالعه ما نشان داده شد به نظر می‌رسد که چاقی و اضافه وزن می‌تواند عوارضی به صورت سندرم متابولیک در زنان باردار در دوران بارداری نظیر پره اکلامپسی و فشارخون ایجاد نماید همچنین درباره ابتلا به سایر عوارض بسیاری از مطالعات نشان داده اند که چاقی می‌تواند به عنوان یک ریسک فاکتور تأثیرگذار عمل نماید. هم‌چنین نتایج مطالعه حاضر نشان داد که ارتباط معنی‌داری بین سندرم متابولیک با میزان چاقی در زنان باردار وجود دارد و احتمال موفقیت بارداری در زنان دارای اضافه وزن و چاقی، کمتر از زنان با شاخص توده بدنی نرمال می‌باشد. به هر حال برای بررسی چگونگی تأثیر گذاری و نقش اضافه وزن در ابتلا به این عوارض نیازمند مطالعات بیش تری می‌باشیم.

واژه‌های کلیدی:

بارداری، چاقی، سندرم متابولیک، زنان باردار، شاخص توده بدنی، زایمان

۱) دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

۲) دانشگاه آزاد نجف آباد

۳) دانشگاه تهران

۴) دانشگاه علوم پزشکی تهران

۵) دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد : nazarimaha95@yahoo.com

Paper ID: 230

بررسی تأثیر صدا و فعالیت بدنی بر شیوع سندرم متابولیک و اختلالات قلبی - عروقی براساس معیار III ATP

هادی علیمرادی^۱، مجید مکاری^۲، محمد مهدی میر صالحیان^۳، سجاد مظفری^۴، مهرداد حق^۱، مهسا نظری^۵

خلاصه مقاله:

مقدمه: شانس ابتلا به بیماری های قلبی و دیابت در فردی که مبتلا به سندرم متابولیک است، به ترتیب دو و پنج برابر بیش از افراد عادی است. در برخی از مشاغل، فعالیت های بدنی در شرایط با آلودگی صدا بالا انجام می شود که می تواند بر روی ضربان قلب و ظهور علائم سندرم متابولیک تأثیر بگذارد. هدف این مطالعه، بررسی اثر صدا و فعالیت بدنی بر روی تغییرات ضربان قلب و سندرم متابولیک براساس معیار III ATP بود.

معرفی مورد: نمونه ها شامل ۲۳۰ فرد غیر دیابتی از صنعت تولیدی جک ایران با سن ۱۸-۵۵ سال بودند. داده های مطالعه از پرونده شغلی کارکنان در سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ استخراج شد. داده ها شامل میزان قند خون، HDL، LDL، تری گلیسرید، دور کمر، وزن و قد می باشد. سندرم متابولیک با استفاده از تعریف III ATP و براساس مرجع استاندارد مقاومت به انسولین، به صورت $IR-HOMA \geq 2/5$ در نظر گرفته شد. تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از Spss و انجام تست های آمار توصیفی و t -test و رگرسیون صورت گرفت.

بحث و نتیجه گیری: در شرایطی با تراز صدای ۷۵، ۸۵، ۹۵ دسی بل، میانگین ضربان قلب در وضعیت نشسته، کار سبک، کار متوسط و کار سنگین با تعداد ضربان قلب در حالت بدون مواجهه با صدا معنی دار بود ($P \leq 0,05$) در تمام سطوح فعالیت با افزایش شدت صدا، ضربان قلب نیز افزایش معنی دار داشت ($P \leq 0,05$). در این شرایط صوتی شیوع خام سندرم متابولیک براساس معیارهای III ATP برابر ۴۵,۵٪ بود هم چنین حساسیت و ویژگی III ATP به ترتیب برابر ۵۴/۶٪ و ۷۵٪ است. ضریب توافق کاپا بین III ATP با IR-HOMA به ترتیب ۰/۱۵ می باشد. شایع ترین اختلال متابولیک در بین جمعیت شامل سطوح بالای تری گلیسریدها و فشارخون بالا به همراه افزایش ضربان قلب بود که بیش از نیمی از جمعیت تحت مطالعه را درگیر ساخته است هم چنین مبتلایان به سندرم متابولیک از نمایه توده بدنی بالاتری نسبت به سایر جمعیت شاغل برخوردار بودند. این مطالعه در مجموع بیانگر شیوع بالای سندرم متابولیک در بین جمعیت مطالعه شده است. با توجه به ارتباط این سندرم با بروز بیماری های قلبی عروقی، مبتلایان به این سندرم در اولویت اقدامات مداخله ای جهت پیشگیری از بیماری های عروق کرونر قرار می گیرند. در این راستا از عوامل مختلفی نظیر بهبود رژیم غذایی، تغییر شیوه زندگی و نیز افزایش فعالیت بدنی می توان استفاده کرد.

واژه های کلیدی:

سندرم متابولیک، عوامل خطر، صدا، توده بدنی، III ATP

(۱) دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

(۲) دانشگاه آزاد نجف آباد

(۳) دانشگاه تهران

(۴) دانشگاه علوم پزشکی تهران

(۵) دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد : nazarimahsa95@yahoo.com